



بیانیه گام دوم انقلاب
خطاب به ملت ایران



ویژه نامه دومین سالگرد صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی



ستاد مردمی وظایف روحانیت در گام دوم انقلاب اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست

۷.....	گزارش برخی از مجموعه‌های فعال در گام دوم
۲۰.....	مصاحبه‌ها
۹۹.....	یادداشت‌های مسابقه
۱۵۷.....	یادداشت‌های ویژه
۱۸۳.....	منابع

مقدمه

«انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد» (۹۷/۱۱/۲۲)

در دومین سالروز بیانیه گام دوم، که می‌توان از آن به عنوان سند استراتژیک ملی ایران در ۴۰ ساله دوم پیش رو نگاه کرد، آنچه که بیش از همه چشم‌نوازی می‌کند و مخاطب را در آن نقطه مرکزی به عرصه‌های مختلف سیر می‌دهد، عزم و اراده ملی و مردمی است که همیشه پیش‌ران پروژه‌های کلان انقلاب اسلامی در موضوعات مختلف بوده و اکنون نیز همین راهبرد اصلی، که رهبری از آن «جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی» تعبیر می‌کنند، پیش‌ران دومین کلان پروژه یعنی «ساختن ایران پیشرفته و قوی» است.

بیانیه گام دوم همان طور که خود را در قالب دعوت از جوانان و مردم فعال و دغدغه‌مند جبهه انقلاب ظاهر کرده است، لازم می‌دارد که با شناسایی ظرفیت‌ها و فعال‌سازی هسته‌های مردمی در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف ذکر شده در بیانیه به استقبال این دعوت برود.

ستاد مردمی وظایف روحانیت در گام دوم انقلاب اسلامی، در دومین سالروز صدور بیانیه گام دوم، با هدف شناسایی ظرفیت‌های نخبگانی و جهت‌دهی، بسترسازی، بازکردن و اتصال عرصه‌های متمرثر برای دغدغه‌مندان و طراحان و ایده‌پردازان، ویژه‌نامه‌ای را تدارک دید که سعی شد اهم مباحث با سه محور جایگاه حوزه و روحانیت در تحقق بیانیه گام دوم، جایگاه جوانان در تحقق بیانیه گام دوم و تاثیر بیانیه گام دوم در فضای بین‌الملل تجمیع گردد.

در تکمیل و ضمیمه این حرکت، به نظر رسید جهت شناسایی و تشکیل شبکه کشوری فعالان بیانیه گام دوم، فراخوانی جهت شرکت در مسابقه یادداشت نویسی دومین سالروز بیانیه گام دوم طراحی شود و با استفاده از ظرفیت و پایگاه‌های اجتماعی در فضای مجازی، بتوان تحت عنوان مسابقه ایده‌پردازان کشوری و دغدغه‌مند را شناسایی کرده و در آینده نزدیک برای به ثمر نشستن آن ایده‌ها برنامه‌ریزی و طرح کلان و مشخصی را با آنها پیش برد.

ویژه‌نامه مذکور از پنج سرفصل ذیل با سه محوری که گذشت، تالیف و گردآوری شده است:

- ۱- یادداشت های فضلا و نخبگان
- ۲- گزارش از عملکردها و اقدامات مجموعه ها ذیل بیانیه گام دوم
- ۳- مصاحبه با اساتید حوزوی و دانشگاهی
- ۴- معرفی منابع کتابخانه ای کارشده در تبیین و تشریح بیانیه گام دوم
- ۵- یادداشت های جمع آوری شده از فراخوان مسابقه یادداشت نویسی دومین سالگرد بیانیه گام دوم

در فصل اول این ویژه نامه، ۱۰ یادداشت از نخبگان و فضایی گردآوری شده که در طی این دوسال نسبت به بیانیه گام دوم دغدغه مند با ورودهای اندیشه ای جدی سعی بر این داشتند که بیانیه را از حالت یک مکتوب صرف خارج کرده و به مرحله تحقق یک عملیات نزدیک کنند.

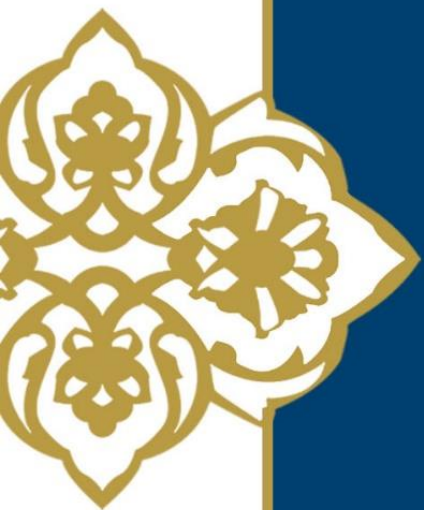
در فصل دوم سعی شده به گزارش تشریحی ۴ اقدام ملی جهت نشر و ترویج و تبیین بیانیه گام دوم در طی دوسال اخیر که از صدور بیانیه می گذرد، پرداخته شود؛ این گزارش ها از ستاد فرهنگی فجر، موسسه امیر بیان، مجموعه مردمی گام دوم انقلاب و تشکل فراگیر تبلیغ استخراج شده است.

در فصل سوم از ۱۰ نفر از فضلا و اساتید حوزوی و دانشگاهی که عموماً تخصص حوزه علوم انسانی دارند، مصاحبه گرفته شده که در همه این مصاحبه ها تلاش بر این بوده که سه محور اصلی ویژه نامه از نظر این اساتید به طرح و بحث گذاشته شود.

در فصل چهارم با دقت و نظر حداکثری تلاش شده است که تمامی کتبی که در عرصه ترویج، تفسیر و تشریح بیانیه گام دوم در طی این دوسال به حوزه نشر رسیده است در این فصل معرفی اجمالی گردد، لذا ۱۸ عنوان کتاب در این حوزه شناسایی شد که معرفی آنان به دنبال خواهد آمد.

در فصل پنجم با توجه به اینکه مدت زمان فراخوان این مسابقه یک هفته بوده است، ۲۸ یادداشت از ۱۰ استان کشور و ۱۴ شهر جمع آوری شده است که از حیث تعداد، به ترتیب قم، اصفهان، چهارمحال بختیاری، خراسان شمالی، کرمانشاه، فارس، بوشهر، خوزستان، آذربایجان غربی و تهران بیشترین یادداشت را در این مسابقه به خود اختصاص دادند. هم چنین قابل ذکر است که از این تعداد یادداشت جمع آوری شده ۱۴ یادداشت مربوط به خواهران و ۱۴ یادداشت دیگر مربوط به بردران بوده است.

در انتها نیز این ستاد مردمی تشکر خود را از همه عزیزانی که ما را در تهیه این ویژه نامه جهت هم گرایی بیشتر و سریع تر نخبگان عرصه بیانیه گام دوم، همراهی کردند، اعلام می دارد و امید این را دارد که بتواند با پیگیری های جدی آینده و ایجاد شبکه ملی حرکت های خودجوش مردمی بیانیه گام دوم، لحظه به لحظه به دعوت مذکور در بیانیه گام دوم لیبیک گویان اقدام فخری را به عرصه ظهور کشاند.



گزارش برخی از مجموعه‌های فعال در گام دوم

ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی

مجموعه فعالیت‌های ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی با محوریت بیانیه گام دوم عبارتند از:

۱. همایش‌های کشوری

الف) همایش حضوری

۱. برگزاری همایش کشوری گام دوم انقلاب اسلامی در خودسازی جامعه پردازی و تمدن سازی با محوریت کتاب تدوینی گام دوم انقلاب اسلامی در خودسازی جامعه پردازی و تمدن سازی ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی

سختران	موضوع	قالب برنامه
حجت‌الاسلام والمسلمین سالک	وظایف جبهه فرهنگی انقلاب در تحقق بیانیه گام دوم	سخنرانی
دکتر حسین اکبری (دبیر مجمع بیداری اسلامی)	عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن	سخنرانی
آیت اله میرباقری	تحلیل تمدنی بیانیه گام دوم	سخنرانی
حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان	سبک زندگی	سخنرانی
حجت‌الاسلام والمسلمین عالم زاده نوری	معنویت و اخلاق	نشست تخصصی
دکتر مهدی جمشیدی	علم و پژوهش	نشست تخصصی
دکتر موسی حقانی	استقلال و آزادی	نشست تخصصی
دکتر حمیدرضا مقصودی	اقتصاد	نشست تخصصی

ب) همایش مجازی

۱. همایش مجازی (روحیه انقلابی نهضت علمی و مدیریت جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی)، ۲۰ آذر ۱۳۹۹. الف: آسیب‌شناسی حرکت انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب با توجه به مرحله دولت‌سازی - آیت‌الله میرباقری.
ب: مختصات و الزامات تحقق دولت حزب‌اللهی در انتخابات پیش‌رو - دکتر زاکانی.
۲. همایش مجازی (روش‌شناسی بیانیه گام دوم انقلاب) با ارائه حجت‌الاسلام دکتر لک‌زایی، ۱۳ آذر ۱۳۹۹.
۳. همایش مجازی تبیین بیانیه گام دوم (امام‌خمینی و ماهیت‌شناسی انقلاب اسلامی) با ارائه حجت‌الاسلام حاجتی.
۴. همایش مجازی تبیین بیانیه گام دوم (نقش روحیه انقلابی و مدیریت جهادی سردار سلیمانی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در منطقه) با ارائه حجت‌الاسلام طائب، ۱۷ دی ۱۳۹۹.
۵. همایش مجازی (جایگاه مقاومت در بیانیه گام دوم) با ارائه حجت‌الاسلام دکتر لک‌زایی، ۲ بهمن ۱۳۹۹.
۶. همایش مجازی (مستندات قرآنی بیانیه گام دوم) با ارائه حجت‌الاسلام دکتر لک‌زایی، ۲۲ آبان ۱۳۹۹.

ج) همایش‌های استانی

۱. همایش حضوری تبیین بیانیه گام دوم (سبک زندگی اسلامی / بحران خاموش جمعیت در ایران) با ارائه آقای صالح قاسمی، ۲۳ بهمن ۱۳۹۸، استان سمنان.
۲. همایش حضوری تبیین بیانیه گام دوم (تأثیر رسانه‌ای بیانیه و وظایف فعالان فرهنگی) با ارائه سید علی رضا آل داوود ۱۵ بهمن ۱۳۹۸، استان بندرعباس.
۳. همایش حضوری (تبیین بیانیه گام دوم)، با ارائه حجت‌الاسلام اشکوری، ۹ مرداد ۱۳۹۸، استان کرمان (جیرفت).
۴. همایش حضوری (تبیین بیانیه گام دوم) با ارائه حجت‌الاسلام دکتر ابوطالبی، ۳ مهر ۱۳۹۸، استان مرکزی.
۵. همایش حضوری (تبیین بیانیه گام دوم) با ارائه سردار احمد وحیدی و حجت‌الاسلام دکتر لک‌زایی، ۳ بهمن ۱۳۹۸، استان اصفهان.
۶. همایش حضوری (تبیین بیانیه گام دوم) با ارائه حجت‌الاسلام اشکوری، ۱۰ خرداد ۱۳۹۸، استان سمنان.
۷. همایش حضوری (تبیین بیانیه گام دوم) با ارائه حجت‌الاسلام دکتر ابوطالبی، ۲۶ تیر ۱۳۹۸، استان قم.

ج) تدوین و چاپ کتاب

۱. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی در خودسازی جامعه پردازی و تمدن سازی»
۲. کتاب «روحیه انقلابی نهضت علمی و مدیریت جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی»
۳. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه اول؛ علم و پژوهش»
۴. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه دوم؛ معنویت و اخلاق»
۵. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه سوم؛ اقتصاد»
۶. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه چهارم؛ عدالت و مبارزه با فساد»
۷. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه پنجم؛ استقلال و آزادی»
۸. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه ششم؛ عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن»
۹. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی، توصیه هفتم؛ سبک زندگی»



گام دوم انقلاب اسلامی
توصیه سوم: اقتصاد
تولید: ۱۳۹۹



گام دوم انقلاب اسلامی
توصیه دوم: معنویت و اخلاق
چاپ: ۱۳۹۹



گام دوم انقلاب اسلامی
توصیه اول: علم و پژوهش
چاپ: ۱۳۹۹



گام دوم انقلاب اسلامی
در خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی
در کلام امام خامنه ای (مدظله العالی)
چاپ: ۱۳۹۸

د) مصاحبه گفتار پژوهی با محوریت بیانیه گام دوم

۱. مصاحبه با «دکتر منوچهر محمدی» استاد دانشگاه تهران.
۲. مصاحبه با «دکتر موسی حقانی» استاد دانشگاه و معاون پژوهشی موسسه مطالعات تاریخ ایران.
۳. مصاحبه با «استاد اصغر طاهرزاده».
۴. مصاحبه با «حجت‌الاسلام دکتر نجف لک زایی»، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. مصاحبه با «دکتر حمیدرضا مقصودی»، عضو هیئت علمی دانشگاه قم با موضوع اقتصاد.
۶. مصاحبه با «دکتر حسین رضانی»، مسئول محترم مرکز پیشرفت و تمدن اسلامی پژوهگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. مصاحبه با «دکتر ابراهیم نیک‌منش» عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی با موضوع سبک زندگی.
۸. مصاحبه با «دکتر ابراهیم نیک‌منش» عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی با موضوع اقتصاد.

ه) نشست‌های تخصصی با محوریت بیانیه گام دوم

۱. نشست‌های تخصصی خانواده با ارائه حجت‌الاسلام دکتر فرج‌الله هدایت نیا.
۲. نشست‌های تخصصی اقتصاد با ارائه دکتر نجف علی شهبازی.
۳. نشست‌های تخصصی جمعیت با ارائه استاد صالح قاسمی.

و) مسابقه کتاب‌خوانی

۱. کتاب «گام دوم انقلاب اسلامی در خودسازی جامعه پردازی و تمدن سازی».
۲. کتاب «روحیه انقلابی نهضت علمی و مدیریت جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی».
۳. مسابقه متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

موسسه امیر بیان قم

گزارشی اجمالی از امور انجام گرفته در مؤسسه تخصصی امیر بیان حول محور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران:

۱. برگزاری همایش عملیات تبلیغی محرم ۱۴۴۱ با محوریت بیانیه گام دوم:

- ✓ ترویج گفتمان واحد بر مبنای بیانیه گام دوم
- ✓ برگزاری همایش ۲ روزه در استان قم
- ✓ دعوت بیش از ۱۰۰ استاد جهت حضور در همایش
- ✓ هماهنگی با اساتید شهرستانی جهت اسکان و رفت و آمد
- ✓ دعوت از اساتیدی چون حجج اسلام مهدوی ارفع - برادران - عباسی ولدی - فلاح
- ✓ تهیه، تولید و توزیع محتواهای متفاوت بر مبنای بیانیه گام دوم
- ✓ اعزام اساتید به استان‌های مختلف کشور جهت تبیین و توزیع محتواهای مربوطه

۲. برگزاری اولین جشنواره تبلیغی لقمان حکیم در کشور در ۴ قالب (ایده-سوژه-مکتوب-چند رسانه‌ای) با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی:

- ✓ تهیه فرم ارزشیابی اختصاصی جهت تحلیل آثار منطبق با بیانیه
- ✓ برگزاری بیش از ۵ نشست استانی در استان‌های قم، تهران، فارس، اصفهان و یزد
- ✓ دریافت بیش از ۶۰۰ اثر تبلیغی
- ✓ بیش از ۵۸٪ انطباق محتوایی آثار با بیانیه گام دوم
- ✓ تهیه بیانیه خورشیدی با موضوع تحلیل آثار بر اساس میزان انطباق با بیانیه
- ✓ تجلیل و تقدیر از اثر ویژه مختص بیانیه

۳. تولید، چاپ و توزیع محتواهای چندرسانه‌ای مرتبط با بیانیه مثل:

- ✓ قدرت برتر
- ✓ شاه کلید
- ✓ به جوانان عزیز
- ✓ قانون جنگل
- ✓ زندگی را از بالا ببین

۴. تولید و توزیع سخنرانی‌های مکتوب مثل: عزت عاشورایی

۵. تهیه و توزیع سرود و نماهنگ‌های مربوطه

۶. تهیه و توزیع محتواهای متفاوت بر مبنای بیانیه گام دوم مثل:

- ✓ کتاب مبانی قرآنی بیانیه گام دوم
- ✓ کتاب صعود چهل ساله
- ✓ کتاب جنگ احزاب نهضت ما
- ✓ کتاب غرب رو به احتضار
- ✓ کتابچه قوم قیام کرده
- ✓ کتابچه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- ✓ کتاب درسنامه بیانیه گام دوم
- ✓ نمایشگاه پوسترهای بیانیه گام دوم

۷. پخش کتابچه بیانیه گام دوم

۸. برگزاری جلسات هم‌اندیشی و مباحثه حول بیانیه

۹. اعزام مبلغین توانمند

- ✓ مساجد و هیئات: اعزام بیش از ۲۰۰ مبلغ
- ✓ حوزه‌های علمیه: اعزام بیش از ۱۰۰ مبلغ
- ✓ اجرای دانش‌آموزی: بیش از ۵ هزار دانش‌آموز
- ✓ سایر ارگان‌ها: بیش از ۵۰۰ مدعو

مجموعه مردمی گام دوم انقلاب

الف. اهداف مجموعه گام دوم انقلاب:

مجموعه گام دوم انقلاب بیشتر در بستر فضای مجموعه ایفا فعالیت می کند. که بصورت مردمی و جهادی اداره می شود. و بیشتر به تحلیل و تبیین نظام مسائل بیانیه گام دوم انقلاب با محوریت تاریخی و با رویکرد تمدنی و جامعه شناختی می پردازد. دلیل تبیین نظام مسائل بیانیه بدین جهت است که اهداف و مأموریتها و راهبردهای بیانیه گام دوم انقلاب و مطالبات رهبری ونحوه ی تحقق آنها برای مسوولین و نخبگان و مردم خصوصاً جوانان انقلابی مشخص گردد، تا مسیر تحقق تمدن اسلامی هموار گردد. خلاصه آنکه باید نظام اندیشه ونیز نظام راهبردی اسلام وانقلاب را بدست آورد و در جهت عملیاتی کردن آنها تا رسیدن به تمدن اسلامی کوشید. این مجموعه از همان روزهای آغازین صدور بیاتیه فعالیت خود را شروع کرده است. و تقریباً تنها کانال و گروهی است که بصورت متمرکز در مورد بیانیه گام دوم و تبیین آن فعالیت می کند و از اسلتید کشوری نیز استفاده می کند.

ب. اهداف عملیاتی

- ✓ تبیین تک تک مسائل و موضوعات بیانیه
- ✓ گفتمان سازی بیانیه
- ✓ جریان سازی رسانه ای حول مسائل راهبردی گام دوم
- ✓ آموزش مهارت های لازم
- ✓ جهت دهی به مقالات و پایانامه های دانشگاهی و حوزوی
- ✓ انجام پروژه های آموزشی و پژوهشی ذیل موضوعات بیانیه
- ✓ تربیت نیروی انسانی
- ✓ انجام برنامه های عملیاتی ذیل مسائل بیانیه
- ✓ ایجاد موسسه آموزشی_تشکیلاتی گام دوم

هزینه مالی: هیچ هزینه و بودجه ای دریافت نشده است. و کاملاً جهادی و با هزینه های شخصی می باشد.

نیروی انسانی: تقریباً سه نفر نیروی اصلی و متمرکز و حدود ۵ نفر غیرمتمرکز فعالیت دارند.

ج. کارهای انجام شده

۱. بیش از ۱۲۵ جلسه تبیینی و گفتمان سازی حول مسائل و موضوعات گام دوم بصورت های مختلف برگزار شده است.
 ۲. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مهارتی چون آموزش فتوشاپ، مقاله نویسی، روش تحلیل سیاسی، ساخت کلیپ و تدوین، یادداشت نویسی، سواد رسانه و...
 ۳. برگزاری سیرهای مطالعاتی: رهبری و تاریخ
 ۴. برگزاری مباحثه بیانیه گام دوم
 ۵. جمع آوری تحلیل‌های نخبگان کشوری در مورد گام دوم
 ۶. اطلاع رسانی برنامه‌های کشوری در مورد گام دوم
 ۷. جمع آوری بسته‌های آموزشی در مورد گام دوم
 ۸. موارد مختلف دیگر
- مجموعه در فضای مجازی ایستا فعالیت دارد و فعالیتش شامل یک کانال بیش از ۴۰۰۰ نفری و گروه ۱۶۰۰ نفری و کارگروه‌های مختلف دیگری ذیل گام دوم انقلاب که برنامه‌های مختلفی را انجام می‌دهند.
- رضایت نسبتاً خوبی را از مخاطبان خود داشته هست و استقبال خیلی خوبی در برگزاری برنامه‌ها و جلسات وجود دارد.
- نزدیک ۲۰۰ نفر در سیرمطالعاتی شرکت داشتند و حدود ۱۵۰ نفر در کارگاه‌ها و حدود ۱۰۰ نفر در مهارت‌های مختلف رسانه شرکت کردند.
- مشارکت در ۱۲۵ جلسه ارائه شده در گروه
- البته انتظار مخاطبین _ که عموماً از جوانان و دانشجویان و طلاب می‌باشند _ از مجموعه بسیار بالاست.

تشکل فراگیر

تشکل فراگیر گروه‌های تبلیغی به عنوان نهادی مستقل و مردم‌نهاد، و همچنین به عنوان حلقه‌ی میانی عرصه تبلیغ، رسالت خود را مطابق با فرمایشات مقام معظم رهبری در این دوره «تبلیغ گفتمانی» تعریف کرده است. برای به ثمر نشستن این هدف در عرصه گفتمان سازی تبلیغی، تدارک عملیات‌های گفتمانی و نقش آفرینی گروه‌های تبلیغی، نقشه فرآیند گفتمان سازی در سال ۱۳۹۷ طراحی شد که براساس آن تا کنون ۱۴ بسته محتوایی ناظر به عملیات‌های تبلیغی را تأمین شده است. از بدو صدور بیانیه گام دوم، کلان گفتمان فعالیت‌های محتوایی تشکل با محوریت موضوعات مطرح شده در بیانیه گام دوم بوده و با توجه به این سند راهبردی محور عملیات‌های گروه‌های تبلیغی را نیز می‌توان در این قالب تعریف نمود.

فعالیت‌های صورت گرفته پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

الف. تأمین محتوا

یکی از ملاحظات لازم برای تحقق گفتمان سازی و جریان سازی، فرآوری محتوا به فراخور نیاز و سطح مخاطبین است که توجه به این مسأله در امر تبلیغ ضروری است. تشکل فراگیر با استفاده از ظرفیت گروه‌های تبلیغی در ۱۴ موسم تبلیغی محتواهای متنوع تبلیغی با موضوعات بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، در قالب‌های کتاب، منبر مکتوب کامل، منبر کوتاه، کلاس‌داری دانش‌آموزی، ایوان (استیج) ویژه کودکان و نوجوانان، مقالات تبلیغی، محتوای ویژه مجالس خانگی قرآن بانوان، سخنرانی چندرسانه‌ای، محتوای فضای مجازی شامل عکس نوشته، کلیپ، پادکست و ... در سه مرحله فراخوان، تجمیع و سفارش - تأمین نموده است که در سایت بسته فرهنگی قابل مشاهده می‌باشند.

۱) برگزاری اجلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی

در این مدت ۲۳ اجلاس، کارگاه و دوره آموزشی در موضوع بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با استفاده از اساتیدی همچون حضرات آیات و حجج اسلام اعرافی، میرباقری، پناهیان و فلاح شیروانی و دیگر اساتید حوزه علمیه برگزار شده است که عمده مخاطبین این دوره‌های آموزشی مدیران گروه‌های تبلیغی و اعضای مجمع مدرسان گفتمان اسلام ناب بوده‌اند.

۲) برگزاری نخستین جشنواره لقمان حکیم؛ آئین هم‌افزایی گفتمان اسلام ناب

این جشنواره به منظور کشف، رشد و توانمندسازی فعالین عرصه تولید محتوای تبلیغی با اعضای شورای علمی همچون حجج اسلام پناهیان، عالی، ماندگاری، عابدینی و با دریافت و ارزیابی بیش از ۶۴۰ اثر در دوره نخست در پنج رشته سخنرانی کامل، سخنرانی

چندرسانه‌ای، ایده سخن، سوژه سخن و بخش ویژه بیانیه گام دوم برگزار شد. ۵۸ درصد از مجموع آثار دریافتی با موضوعات مرتبط با بیانیه گام دوم مرتبط بودند.

۳) تشکیل مجمع مدرسان اسلام ناب

این مجمع با عضویت ۱۰۰ مدرس از گروه‌های تبلیغی و اساتید حوزه و دانشگاه تأسیس شد. اعضای این مجمع حلقه واسط بین اتاق تولید محتوا و مبلغین عملیات‌کننده هستند و به تبیین ضرورت و تشریح محتوای گفتمان برای مبلغین در اقصی نقاط ایران می‌پرداختند. اعضای مجمع مدرسان پیش از موسم‌های تبلیغی در ۱۰ نوبت برای تدریس به بیش از ۸۰۰۰۰ مبلغ طرح هجرت، مستقر، مبلغات، فعالین فرهنگی اجتماعی و ... اعزام شدند. نقطه عطف فعالیت‌های مجمع مدرسان اعزام برای تبیین بیانیه گام دوم در موسم ماه مبارک رمضان ۱۴۴۱ بود که ۶۰ مدرس با همکاری سازمان تبلیغات به ۲۹ استان کشور طی ۱۰ روز برای تبیین محتوای بیانیه گام دوم برای بیش از ۱۸۰۰۰ مبلغ اعزام گردیدند.

۴) تبیین بیانیه در مدارس علمیه سراسر کشور

این برنامه با دعوت حضرت آیت الله اعرافی در مدارس علمیه سطح کشور صورت پذیرفت که تشکل برنامه ریزی و پشتیبانی لازم جهت تبلیغ در ۱۰۰ مدرسه علمیه را فراهم نمود اما با توجه به شیوع ویروس منحوس کرونا و تعطیلی مدارس موفق به تبیین در ۱۵ مدرسه علمیه سراسر شد.

۵) تحقیق و پژوهش در موضوع حلقه‌های میانی

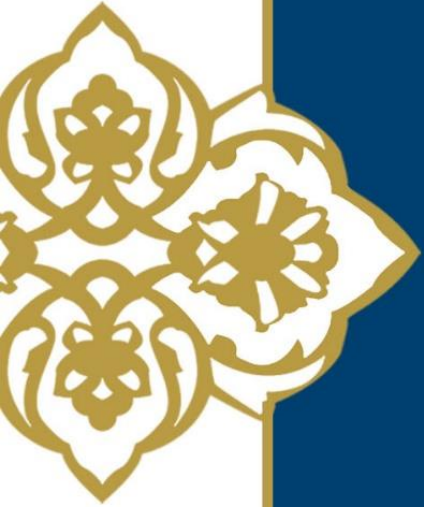
مقام معظم رهبری در اول خردادماه سال ۱۳۹۸ مبحث حلقه‌های میانی را ذیل بیانیه گام دوم مطرح نمودند که مأموریت جوان مؤمن انقلابی در گام دوم انقلاب را تشکیل حلقه‌های میانی برای حل مسائل انقلاب بیان کردند. تشکل فراگیر در این زمینه به تحقیق و پژوهش پرداخت که منجر به تولید کتاب «تداوم بعثت و تشکیل حلقه‌های میانی» و برگزاری کارگاه آموزشی برای اعضای مجمع مدرسان با تدریس حجت الاسلام فلاح شیروانی گردید.

۶) انجام عملیات‌های گفتمان محور برای تحقق بیانیه گام دوم

گروه‌های تبلیغی که با بیش از دو دهه فعالیت تشکیلاتی منسجم و ساختارمند در کشور به عنوان حلقه‌های میانی به حل مسائل اجتماعی و حاکمیتی پرداختند، طلایه داران و پیشگامان در عرصه‌های جامعه‌پردازی و دولت‌سازی اسلامی بوده و هستند. بنابراین اصل هویت و جایگاه گروه‌های تبلیغی تطابق کامل با مأموریت ویژه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دارد.

انجام عملیات‌های تبلیغی با موضوعات سبک زندگی و خانواده، توجه به جایگاه و مسائل ویژه زنان در تحول سبک زندگی، جمعیت، مواسات و گره‌گشایی و خدمت‌رسانی گروه‌های تبلیغی در سیل و کرونا، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیشگیری و درمان آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق و اعتیاد، ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید داخلی، اشتغال‌زایی برای محرومین و نیازمندان، تسهیل‌گری در امر ازدواج، حمایت از تأسیس خیریه‌خاندان محور، نشاط اجتماعی، انتخابات و دعوت به مشارکت مردم، عملیات تبلیغی چهره به چهره در دهه فجر، پیشگامی و راهبری در توسعه معنویت و اخلاق با ترویج روضه‌های خانگی، طرح هر خانه یک موبک، اعتکاف، اربعین، مجالس خانگی قرآن، شب‌های قدر، تعظیم شعائر حسینی و فاطمی و... را می‌توان از جمله فعالیت‌های گروه‌های تبلیغی در راستای عینیت بخشی به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و گامی در راستای امت‌سازی اسلامی دانست.

مصاحبه‌ها



۱. جناب آقای مهدی جمشیدی^۱

انقلاب، روشن است که این گذار و خانه تکانی مدیریتی و پیرزدایی مطلق نیست مطلق نیست. قصد این است که درحقیقت نفس مدیریتی نظام تازه شود و مردم با چهره‌های جدید و جوان روبرو بشوند. یعنی جریان غالب اینطور شود و چنین وضعی پدید بیاید، این نکته اول.

نکته بعدی آن است که جوانان باید در قدم اول فهم کامل و صحیحی را از بیانیه اتخاذ نمایند و مضامین و مفاهیم بیانیه کاملاً در جان آنها رسوخ کند چرا که جوانان عاملان و فاعلان این بیانیه هستند. اینکه تبدیل به اعتقاد بشود، تبدیل به ایمان بشود به نظرم سخن مهمی است و این متوقف بر فهم بیانیه است. به اعتقاد بنده اگر ما در طول ۴ دهه گذشته در برخی مواقع دچار لغزشها، انحرافها و گزندهایی شده‌ایم بخش عمده‌ای از آنها ناشی از آن است که کارگزاران در حد مطلوب، اعتقاد، التزام و باور به این مسیر نداشتند. خدارحمت کند آیت الله العظمی مصباح را؛ ایشان عمدتاً در تحلیل مسائل انقلاب به این مطلب اشاره می‌فرمودند که در فلان دوره ای فلان مسئول فلان صنف آنچنان که باید به این مسیر نداشتند. مشکل این است که اینها اعتقاد راسخ ندارند. اگر اینطور سخن می‌گویند و اینطور عمل می‌کنند ناشی از این است که گفته‌هایشان بیش از لقلقه لسان نیست. و از

مطالب خود را در باب اهمیت و نقش جوانان در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب را بیان بفرمایید.

روشن هست که مخاطب اصلی بیانیه گام دوم انقلاب جوانان هستند و این بیانیه یک فراخوان و سخنی صمیمانه و پدرا نه با نسل جوان است. چنان که رهبر انقلاب در انتهای هر بندی از بیانیه، تاکید فرموده‌اند که چشم امید من در این حوزه به شما جوانان است؛ در واقع سخن غیر رسمی رهبر انقلاب با جوانان است که البته نتایج رسمی هم در پی خواهد داشت به این معنا که رهبر انقلاب می‌خواهند بار اصلی انقلاب را بر شانه‌های نسل جوان بگذارند. دلیل این امر آن است که ایشان نیروی جوان را نیروی پیشران تلقی می‌کنند و از طرفی دیگر گویا ایشان احساس می‌کنند که انقلاب نیاز به یک نو سازی و تجدید مدیریتی نیز دارد و بایستی نفس تازه، فکر نو و عاملیت‌های نوپا به درون مدیریت‌های انقلاب تزریق بشود و یک تحولی در کارگزاران انقلاب رخ بدهد.

بنابراین این بیانیه نشان می‌دهد که ما در یک دوره انتقالی و گذار به سر می‌بریم از جمله گذار مدیریتی. البته طبق فرمایشات رهبر

زبان‌شان فراتر نمی‌رود. و متأسفانه این امر به جانشان ننشسته است. بنابراین ما نیاز به یک اصلاح شناختی یا شناخت درمانی داریم یعنی باید نسل جوان به یک خودآگاهی تاریخی و خودفهمی تاریخی بیانیه گام دوم دست پیدا نماید. پس مراد صرف خواندن نیست، یافتن است. نباید همچنان که روزنامه می‌خوانیم بیانیه خوانده شود، بلکه باید از جان و دل و فهم اکمل اندیشیده شود. و در این راه نمی‌شود قدم غیر مؤمنانه برداشت. کسی که قدم غیر مؤمنانه بردارد هرچند قدمی که می‌رود در نهایت از راه برمی‌گردد. بنابراین بایستی در مرحله اول کوشش کنیم که مضامین و بخش‌ها و پاره‌های مختلف بیانیه را درک کنیم و به یک نوع همزاد‌پنداری با بیانیه و نویسنده بیانیه برسیم.

بیانیه یک امر موسمی و موقتی نیست و به عباتی برای یک یا دو سال آینده نیست بلکه یک نظریه برای راهنمای عمل در بلندمدت هست. یک نقشه راهبردی برای برنامه‌های کلان می‌باشد. بنابراین هر اندازه که ما در فهم بیانیه سرمایه‌گذاری نماییم راه آینده هموارتر خواهد شد. این نکته دوم.

نکته سوم اینکه در مرحله بعدی ما باید کوشش کنیم تا بیانیه تبدیل به یک گفتمان شود. اینجا لفظ گفتمان را در چارچوب معنایی بکار می‌برم که خود رهبرانقلاب به کار برده و در تعبیر ایشان گفتمان عبارت است از حرفی که تبدیل بشود به سخن و گفته‌ی رایج، سکه‌ی رایج، حرفی که همه می‌پذیرند. در ذهن و دل همه دغدغه است، مطالبه است کسی در مورد آن چون و چرا نمی‌کند و همه او را

پذیرفته‌اند. خب! بیانیه و صحبت بیانیه و مضامین آن باید همچنین وضعیتی در جامعه پیدا کند. یعنی تبدیل به گفتمان غالب شود.

به عبارت دیگر جریان عمده اجتماعی آن را بخواهد و بطلبد. اینکه خواست و اراده مردم بشود بسیار مهم است. چرا؟ چون اتفاق اصلی در حقیقت باید در سطح اجتماع و مردم رخ بدهد. اگر در سطح اجتماعی رخ بدهد، اگر نتایج آن را در سطح سیاسی هم خواهید دید، اتفاق سیاسی ای ماندگار و با دوام است که واجد ریشه‌ها و خواستگاه‌های اجتماعی باشد. اگر در دل جامعه ریشه ندوانیده باشد، در عرصه سیاست هم به یک امر موقت و ناپایدار تبدیل می‌شود. پس این مرحله عبارت است از اینکه جامعه را به راه بیانیه سوق دهیم تا یک نوع جامعه‌سازی اتفاق بیفتد و بعد از آن خودسازی معرفتی را انجام بدهیم. چون ما نیاز به یک حرکت جمعی داریم و از این رو متقاعدسازی مردم ضروری است. منطقی ما که منطقی تحمیل و تحکم و زور و جبر نیست، منطقی قانع‌سازی است، منطقی نهادینه‌سازی است، منطقی درونی‌سازی است؛ بر این اساس بایستی تحول را از سطوح پایین، یعنی از سطوح اجتماعی شروع کرد و به صدر رفت. نظریه مردم‌سالاری دینی هم همین را می‌گوید. مردم‌سالاری دینی یعنی، حادثه اصلی و اولیه باید درون جامعه رخ بدهد و بقیه عرصه‌ها متأثر از او بشود.

نکته چهارم اینکه، نسل جوان برای اینکه بتوانند در راستای تحقق بیانیه گام بردارند، باید توانمندی‌های خاص پیدا کنند. بیانیه کار بزرگ است، یک داستان پر کشمکش است، یک راه دشوار و سنگلاخ است که در آن نسل جوان باید گره‌گشایی‌های بزرگی انجام دهد. خب این

کار نیاز به تخصص و بضاعت و توانایی دارد و اینطور نیست که هر ناتوان و انسان سستی از راه برسد و صرفاً ادعاهای گزاف داشته باشد و بتواند از عهده این کار بر بیاید. باید آمادگی کسب کرد. جوان بودن و ادعاهای غلیظ داشتن کفایت نمی‌کند باید در خودمان توانمندی و کفایت و کاردانی ایجاد کنیم. اگر می‌خواهیم گره‌گشایی نظری داشته باشیم نیازمند قدرت فکری، ذهنی و معرفتی هستیم، اگر بخواهیم در عرصه مدیریت گره‌ای را بگشائیم، بایستی قدرت تدبیری داشته باشیم که بتوانیم این بار سنگین را بر روی شانه‌های خودمان تحمل کنیم. این بار محتاج شانه‌های قوی‌ای هست که روی او بخواهد قرار گیرد.

البته بیانیته، عرصه‌های مختلف دارد که ما طبیعتاً باید تقسیم کار کنیم. یک عرصه بحث علم و پژوهش است که انقلاب علمی را از ما طلب می‌نماید و ما باید در صف مقدم تولید علم در جهان قرار بگیریم. طبیعتاً بخشی از نیروها باید متمرکز روی این حوزه بشوند و به فعالیت‌های علمی بپردازند مخصوصاً در حوزه علوم انسانی. بخشی از بیانیته در باب اخلاق و معنویت است که دولت باید مداخله کند تا در حوزه اخلاق و معنویت و هدایت‌گری معنوی، جامعه را در دست داشته باشد. همین امر، نیازمند طراحی سیاست فرهنگی دینی است.

یعنی بایستی آن را تقریر کرد و یک روایت عالمانه و منطقی را ارائه داد تا شعبه‌ها و فروع آن را استخراج و در باب هر کدام نظریه پردازی نمود که او تبدیل به نسخه عمل دولت اسلامی بشود.

یافرض بفرمائید این بند هفتم بیانیته گام دوم که بحث سبک زندگی است، دغدغه رهبری است که خواسته‌اند نسل جوان از نفوذ سبک زندگی غربی جلوگیری کنند. خب! چطور می‌شود جلوگیری کرد؟ اصلاً منافذ کجا هستند. مجاری کجا هستند آیا مجاری را باید مسدود کرد؟ آیا باید چاره دیگری اندیشید، آیا امکان تصرف وجود دارد؟ باید راهبرد ما بر مصنوعیت باشد یا ممنوعیت؟ این‌ها همه نیازمند طراحی است. و به تعبیر خود رهبر انقلاب ما باید هیئت‌های اندیشه ورز تشکیل بدهیم که خروجی آن‌ها فکر پخته و سنجیده باشد. اگر می‌خواهیم گره‌گشایی کنیم، اگر می‌خواهیم دچار آفت‌های پاره‌ای از مدیران قبلی نشویم، اگر می‌خواهیم انقلاب را با یک جهش بزرگ روبه‌رو کنیم باید در مورد هریک از این‌ها تأمل کنیم. یعنی در خلوت فکر در جلوت مباحثه کنیم و در عرصه علمی وارد اقدام و عمل شویم. راهش این است. یک اقلیت مؤمن انقلابی نیاز است که این‌ها پرچمدار این حرکت باشند و جامعه را به دنبال خودشان به حرکت دریاورند و این به نظرم راهی است که باید نسل جوان در پیش بگیرند، مخصوصاً اقلیت مؤمنی که عرض کردم، اقلیت مؤمن انقلابی و پر بضاعت که می‌تواند در واقع نیروی پیشران این حرکت تاریخی باشد.

سؤال: بیانیه گام دوم چه تأثیراتی را در عرصه‌ی بین‌الملل دارد؟

بیانیه گام دوم یک نقشه راه یا به تعبیر دیگر سند بالادستی برای اقشار مختلف جمهوری اسلامی ایران، در چله دوم انقلاب اسلامی است. بنابراین می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی و تاریخی، گروه بندی‌های مختلف تاثیرگذار باشد. به عبارت دیگر بیانیه گام دوم نقشه راه در جهت نیل به افق تمدنی انقلاب اسلامی است. اگر بنا باشد نسبت به تأثیر بیانیه بر طیف‌ها و گروه‌های مختلف از جمله جوانان، حوزه و از لحاظ جغرافیایی اتباع داخلی و بین‌المللی بحث و گفت‌وگو کنیم، می‌توانیم بحث را در محورهای عمومی مورد بحث و بررسی قرار بدهیم.

به بیان دیگر؛ بیانیه در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

در پاسخ اصلی این سؤال باید به این مطلب اشاره نمود که نگاه اصلی در بیانیه، نگاه تمدنی است و تلاش می‌شود که با توجه به آسیب‌ها؛ نقاط قوت، تهدیدها و فرصت‌ها را طراحی نمود، لذا در بیانیه

۲. حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد نوروزی^۱

به این نکته اشاره شده که ما یک روندی را در عرصه بین‌الملل طی کرده‌ایم که در واقع عبارت است از:

۱. فروپاشی بلوک شرق

۲. احتضار بودن بلوک غرب

۳. جبرانه اسلام و استکبار

پیامد دیگر این عصرجدید در عرصه بین‌الملل، تضعیف نظام سلطه و شکل‌گیری جبهه مقاومت و جبهه مستضعفین در مقابل مستکبرین است.

تأثیر بیانیه در عرصه‌ی بین‌الملل از چند زاویه مورد بحث و گفتگو است:

۱. یک زاویه بحث این است که این بیانیه چه تأثیری بر فعالیت ما در سیاست خارجی دارد، با نگاه تأثیرگذاری، قطعاً بیانیه می‌تواند برای افرادی که در دیپلماسی و وزارت خارجه حضور دارند تأثیرگذار باشد، اگر آن دستگاه دیپلماتیک اعتقاد به اسلام و بیانیه داشته باشد و اگر هم نداشته باشد حداقل با عرق ملی باید بیانیه را درک نماید و آن را نقشه راه و پایه گذار سیاست خارجی مدنظر قرار بدهد. به عنوان نمونه سیاست‌گذار دستگاه دیپلماسی باید برنامه‌ریزی نماید که چگونه می‌تواند این اهداف و آرمان‌های فراملی را بهتر محقق کند تا جبهه مقاومت گسترش فکری و جغرافیایی پیدا کرده و تضعیف دشمنان آنها

۱. عضو هیأت علمی موسسه امام خمینی، دکترای علوم سیاسی

مستمر گردد. از این رو طبیعتاً بیانیه گام دوم می‌تواند یک آثاری را در ساختار نظم نظام جهانی داشته باشد که دشمنان باتوجه به این امر متوجه خواهند شد که به واسطه بیانیه یک منظومه پیشرفت مطرح شده است. بنابراین تلاش می‌کند که به عبارتی تهدید آفرینی کند و مانع ایجاد تلاش شود تا انحراف در فکر، سیاست گذاری و دیپلماسی ایجاد نماید.

سوال: رسالت و وظایف حوزه در تحقق بیانیه را بیان بفرمایید.

در حوزه های علمیه باید یک اراده ای صورت بگیرد تا بیانیه را به ساختار، برنامه، سیاست و فکر تبدیل نماید. قطعاً برنامه ریزی و اجرای کلان این امر جزو وظایف شورای عالی و مرکز مدیریت حوزه های علمیه است که متأسفانه بعد از گذشت ۲ سال از صدور بیانیه هنوز خروجی قابل توجهی را مشاهده نمی‌کنیم. بعد دیگر فعالیت در حوزه به طلاب انقلابی و دغدغه‌مند مرتبط می‌شود. که منتظر برنامه‌ریزی‌های مرسوم نشدند و نماند و خودشان برنامه ریزی فردی انجام دادند و به تبع قدرت حیطة نفوذشان بر مدار بیانیه اقدام می‌کنند. یک رسالت بزرگ در حوزه نسبت به بیانیه آن است که بیانیه را تبدیل به گفتمان نمایند. گفتمان یعنی اندیشه غالب جامعه بر مدار هویت و وحدت باشد و حرکت نظام را در چله دوم انقلاب ترسیم نماید.. این رسالت حوزه است یعنی باید این کار را بکند.

منتها آنچه مشاهده می‌شود و در حال اتفاق است، یک سری حرکت‌های فردی بوده، که از سوی مجموعه‌های علمی وابسته به حوزه صورت گرفته است. اما تأثیرگذاری اصلی آن است که نظام فکری حوزه را یک نگاه تمدنی شود و یعنی تحلیل، تدوین و آثار مبین علمی را در جهت آن افق تمدنی تنظیم نمایند.

به عبارت دیگر نگاهش به مسائل باید بر اساس بیانیه و بر اساس ارزش‌های فکری و در مدار جهانی باشد، از لحاظ ساختاری به سمت تحول ساختاری در عرصه پاسخ به نیاز جهانی برود و در عرصه فردی، نیروهای کار آمدی را با این هدف تربیت نماید. ما امروز باید براساس بیانیه گام دوم، علاوه بر حل مسائل داخل کشور به نیازهای کشورهای متفاوت و کل دنیا نیز باید بپردازیم که قطعاً براساس بیانیات رهبری عظیم الشان این اتفاق شدنی است و فقط نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و مدونی دارد.

سوال: در بیانیه چه فضایی برای جوانان وجود دارد؟

در تمام قسمت‌های بیانیه، موتور محرک حرکت جامعه به سمت افق تمدنی جوانان هستند که بسیار مورد تأکید مقام معظم رهبری است. هیچ نهاد، قشر، گروه و یا فردی مثل جوانان در این بیانیه مورد تأکید قرار نگرفته‌اند و چون از طرفی دشمن مشغول القای یاس و ناامیدی است به شدت به امید تکیه می‌کند و آن‌ها را متوجه افق تمدنی می‌فرماید و معتقد است اگر بنا باشد تا ما به سمت این افق تمدنی برسیم، باید جوانان میدان‌دار این حرکت باشند. طبیعتاً این جوانان در

بدنه حوزه، دانشگاه و سیاست‌گذاری حضور دارند. باید به جوانان هویت تازه و اعتماد به نفس داد و به جوان بفهماند که ما می‌توانیم یک منظومه فکری منسجم بر مدار ارزش‌های بروز شده اسلام در قالب

بیانیه داشته باشیم که افق راه و جهت را نشان می‌دهد و قدرت تحلیل اینکه چگونه به مسائل بنگرد تا دچار اختلال تحلیلی نشود.

۳. حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمدعلی یوسفی^۱

اگر ما ۴۰ سال ابتدایی انقلاب را به عنوان گام اول در نظر بگیریم، بیانیه گام دوم مسیر چهل سال آینده انقلاب را در ابعاد مختلف برای مسلمانان، انقلابیون و مسئولین مشخص می‌نماید.

اگر نقشه راهی برای حرکت چهل ساله وجود نداشته باشد، قطعاً ما از مسیر اصلی منحرف خواهیم شد که رهبر معظم انقلاب نقشه راه را در قالب بیانیه مطرح فرمودند.

بنابراین اگر این نقشه راه عملیاتی شود آن هدف عالی آفرینش و خلقت که تقرب الی الله است برای همه اتفاق می‌افتد. زیرا بهترین و با بصیرت‌ترین معمار طراح این نقشه بوده است.

نقش جوانان در بیانیه گام دوم:

تحقق گام دوم در عرصه‌های مختلف، با نقش‌پذیری جوانان خود را نشان می‌دهد، از این رو لازم و ضروری است تا جوانان این نقشه راه را درک نمایند و مسیر چهل سال آینده خود را در راستای تحقق این نقشه راه ترسیم کنند.

مقام معظم رهبری شعار سال‌های اخیر را اقتصادی بیان فرمودند، معنایش آن است که در شرایط موجود و کنونی اولویت و فوریت با اقتصاد است. به تعبیری اقتصاد و معیشت مردم را اولویت قرار داده‌اند. گرچه اسلام و ایشان اقتصاد را هدف نمی‌بینند اما وسیله ای است که تحقق اهداف انقلاب را تسهیل می‌بخشد و ممکن می‌نماید بنابراین یک وقتی غافل نشویم از اینکه بگوییم اقتصاد هدف نیست و آن را کم اهمیت جلوه بدهیم. نه اقتصاد هدف نیست ولی اگر این وسیله تأمین نشود، در رسیدن به سایر اهداف انقلاب با مشکل مواجه خواهیم شد.

از این رو باید جوانانمان را در عرصه اقتصاد با چارچوب اقتصاد مقاومتی توانمند نمائیم.

خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره انفال به همه ما امر و فرمان می‌دهد که ما در جنگ اقتصادی قرار داریم و باید با آن مقابله کنیم. سربازان اصلی جنگ اقتصادی ما جوانان ما هستند که بایستی تمام امکانات کشور به شکل صحیح در اختیار آنها قرار بگیرد. تا ما بتوانیم در مقابل

۱. استاد اقتصاد و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مسئول مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی حوزه‌های علمیه

این جنگ تمام عیار اقتصادی که بر ما تحمیل شده است مقابله کنیم و از مرزهای اقتصادی که گستره جغرافیایی آن کل دنیا است به بهترین نحو دفاع نمائیم و دشمن را به عقب برانیم. لازمه قوی بودن آن است که از همه امکانات اقتصادی فراوان اعم از منابع فیزیکی، منابع انسانی، منابع سخت افزاری و نرم افزاری کشور به نحو درست در چهارچوب مدیریت صحیح استفاده نمائیم که در این صورت قطعاً در جنگ تمام عیار تحمیلی پیروز خواهیم شد.

دشمنان انقلاب اسلامی اراده کرده‌اند تا اراده‌های ملت را سست کنند و این جنگ اقتصادی نمونه‌ای از جنگ اراده‌هاست، فهم جنگ اراده‌ها نسبت به جنگ نظامی سخت است و ابزار دفاعی در این جنگ سخت تر خواهد بود.

به کارگیری ابزار در جنگ اقتصادی از یک جهتی سخت‌تر است، در عین حال شکست و پیروزی پایدارتر است. یعنی اگر در این جنگ اراده‌ها هر ملتی با ابتکارات، خلاقیت‌ها و صبر بخواهد پیروز شود، پیروزی او به مراتب پایدار تر از پیروزی در جنگ نظامی است.

در این مسیر موانع درونی و بیرونی وجود دارد، یکی از موانع بیرونی تحریم‌هاست که البته ما معتقدیم تحریم‌ها بی‌اثر نیست اما اثر اصلی برای تحریم‌ها نیست و مشکلات درونی است. اگر مشکلات درونی ما درست برطرف بشود و از کارها و ظرفیت‌های درونی استفاده بهینه صورت پذیرد، واقعاً تحریم‌ها بی‌اثر خواهد شد، البته تا الان ما ناکام و نا موفق نبوده‌ایم و واقعاً ملت ما از این جهت با رهبری مقام

معظم رهبری تا حد زیادی موفق بوده‌ایم و هیچ کشوری هم در دنیا مانند کشور ما درگیر این جنگ نشده است.

با عنایت الهی و اتکاء بر اصل ولایت فقیه از هم پاشیدگی ایجاد نشد و در عین حال موفقیت‌های فراوانی هم داشته‌ایم. مقام معظم رهبری در پایان بیانیه و بعد از بیان مشکلات، تنها راه حل برون رفت را اقتصاد مقاومتی می‌دانند و توصیه به انجام ابعاد مختلف آن دارند. در واقع مدل اقتصاد مقاومتی خروج از مشکلات اقتصادی و الگوی مبارزه با جنگ تمام عیار اقتصادی است.

رهبر انقلاب در اقتصاد مقاومتی فرموده‌اند: اقتصادی است برآمده از فرهنگ اسلامی و انقلابی، الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام، مردم بنیان، عدالت محور، دانش بنیان، درون ساز، برون گرا، فرصت ساز، مولد، پیشرو، رویکرد جهادی و انعطاف‌پذیر.

در مبارزه مسلحانه حضرت امام(ره) همیشه می‌فرمودند بروید مردم را آگاه کنید و مردم را پای کار بیاورید. در جنگ هم همین اتفاق افتاد، تا زمانی که ابزار سالاری دفاعی را به مردم سالاری دفاعی دینی تبدیل نکرده بودیم و تا زمانی که بنی‌صدر حضور داشت در حال شکست بودیم، اما زمانی که تئوری مردم‌سالاری دفاعی مطرح شد و مردم متولی جنگ شدند ما در جنگ خلاقیت و ابتکارات و معجزه‌آفرینی‌های متعددی را مشاهده کردیم. اگر در عرصه اقتصاد تا زمانی که ما گفتمان انقلاب را حاکم نکنیم، موفق نخواهیم شد. گفتمان انقلاب در در اقتصاد، همان اقتصاد مقاومتی است. در راستای لبیک به سیاستهای ابلاغی رهبری، مرکز راهبری مطالعات اسلامی اقتصاد مقاومتی تأسیس

شده است و یکی از فعالیت‌های اصلی آن فعال‌سازی جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی بوده است. قبل از ورود به عرصه‌های مختلف، لازم دیدیم تا یک فهم صحیحی از اقتصاد مقاومتی طبق منظومه فکری مقام معظم رهبری ارائه بدهیم.

براساس تفسیر رهبری مولفه‌های اقتصاد مقاومتی مردم بنیانی، عدالت‌محوری، دانش بنیانی، درون‌زایی و برون‌گرایی است.

۴. جناب آقای دکتر محمدحسین طاهری^۱

برای توانمندسازی نیروهای جوان در گام دوم باید مدل‌هایی طراحی شود که جوانان ما بتوانند در چارچوب آن الگوها و مدل‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش‌آفرینی کنند. و ما در مرکز با توجه به ظرفیت‌های علمی حوزوی و ارتباطات کلان حکومتی در حال طراحی و اجرای برخی از این مدل‌ها هستیم تا انشاء الله بتوانیم حرکت‌های مناسبی را در راستای تحقق گام دوم انقلاب به نتیجه برسانیم.

سوال: توضیحی نسبت به کتابچه تهیه شده و وجه تمایز آن با آثار مکتوب این عرصه را بیان بفرمایید.

مقام معظم رهبری در ۳۱ خرداد ۹۸ طی یک سخنرانی در بین دانشجویان خودشان بیانیه را تحلیل فرمودند. بعد از آن با برخی از دوستان بحثی را مطرح نمودیم که یک فاصله قابل توجهی بین تحلیل‌هایی که اساتید و بزرگواران ارائه می‌کنند با تحلیلی که رهبری ارائه فرموده‌اند وجود دارد. این تفاوت‌ها از کجاست؟

در این زمینه گفتگویی شد و بنده نظرم این بود که ما اگر منطق درونی اندیشه رهبری را در بیانات ایشان متوجه نشویم، در تحلیل‌ها به صورت تقلیل‌گرایانه با فرمایشات ایشان برخورد خواهیم کرد و آن

مطلوب و غایتی را که مد نظر از این نگارش‌ها و گفتگوها هست به ثمر نشیند؛ از این رو بنا شد در باب ترویج بیانیه قدمی برداریم تا اینکه نیروهای انقلاب تحلیل مناسبی را از انقلاب داشته باشند. در نهایت کتابچه‌ای تحت عنوان «بیانیه گام دوم، بنیان‌های معرفتی و نقشه راه الگوی کامل نظام پیشرفت اسلامی» مورد تدوین و نگارش قرار گرفت.

در این تحلیل تصویری که در واقع از همان منطق درونی بیانیه استخراج شده، نشان دادیم که این بیانیه ۵ فراز اصلی دارد؛ فراز اول آن به هویت انقلاب اسلامی می‌پردازد، و به عبارت دیگر خود مرحله انقلاب و شناسنامه انقلاب اسلامی است.

۱. پژوهشگر و مؤلف مباحث نقشه‌راه انقلاب اسلامی و عضو بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، تنظیم‌کننده کتابچه «بیانیه گام دوم، بنیان‌های معرفتی و نقشه راه الگوی کامل نظام پیشرفت اسلامی».

فراز دوم دستاوردهای گام اول انقلاب اسلامی است که کارنامه ۴۰ ساله اول انقلاب اسلامی را برای تبیین مقیاس دستاوردها ارائه می‌دهد. فراز سوم به پیامدهای آن دستاوردها و نتایج محسوسه که در این ۴۰ سال مستند به آن دستاوردها در زمین انقلاب اسلامی قابل مشاهده و محسوس است اختصاص داشته است.

فراز چهارم به فرصت‌های انقلاب اسلامی در آغاز گام دوم که به ظرفیت‌های آماده انقلاب اسلامی در ۴۰ سال دوم پرداخته است. و در نهایت عرصه‌های حرکت در گام دوم در این فرصت‌هایی که وجود دارد و اولویت‌هایی که در انقلاب اسلامی باید به آن پرداخته شود، بیان می‌گردد.

به این ترتیب در این کتابچه برای انتخاب عناوین و ارجاعاتی که به متون دیگر رهبری داده شده و هم آن نمودار تصویری که تقدیم کردیم، شاهد منطق حاکم بر نگارش بیانیه هستتید و در پنج فراز کلیدی اجزا و قطعات ریزتر را طبقه بندی کردیم تا در تحلیل بیانیه از چارچوب مد نظر مؤلف بیرون نزنیم و تحلیل‌های صواب‌تری را ارائه کنیم.

با توجه به محدودیت‌هایی که وجود داشت و بنا داشتیم که دخل و تصرفی به فرمایشات نداشته باشیم و متنی از خودمان اضافه نکنیم، اما در عین حال آن مد نظر و مطلوب رهبری را هم انعکاس دهیم. خب این کار، کار سختی بود ما باید حرفی از خودمان می‌زدیم در عین حال بیانیه را هم تحلیل می‌کردیم. چند پیشنهاد مطرح شد، در نهایت گفتیم که سه تا کار می‌توانیم انجام دهیم. اول اینکه عنوان‌گذاری بیانیه را به

نحوی انجام دهیم که در واقع این عناوین بیانگر آن تحلیلی باشد که از منطق درونی فرمایشات رهبری استیاد کردیم، یعنی به نظرمان می‌رسد که رهبر در مواجهه با حوادث انقلاب، ورود و خروج دارند و از این منطق استفاده می‌کنند، طبیعتاً باید از درون فرمایشات سی و اندی ساله بلکه ۵۰ ساله ایشان بیرون می‌کشیدیم که این قبلاً کار شده بود و در این زمینه کتاب‌ها و کلاس‌هایی داشتیم اما وقتی گفتیم بنا داریم که روی بیانیه اعمال کنیم، فقط در حد عنوان‌گذاری باشد، یعنی در واقع بگوییم در این پاراگراف این موضوعات را با تیترو برجسته کردنش مشخص کنیم. خب بخش اول کتاب این‌گونه شد که بیانیه را با عناوین جدید تنظیم نمودیم.

در قدم دوم اهم کلمات کلیدی که در بیانیه وجود داشت و پیش‌تر هم در فرمایشات ایشان سابقه داشت و مطرح شده بود را ارجاع دادیم به یکی از بیانات مشروح تر، تا خواننده وقتی با کتاب و متن بیانیه مواجه می‌شود این کلمات برجسته شده را بیابد و در ادامه نمونه‌های دیگری از فرمایشات را که تاریخ و مخاطبش مشخص بود را ببیند و اگر تمایل داشت به متن‌های دیگر مراجعه کند و ترغیب شود که در اندیشه رهبری سابقه این مطالب را دنبال کند.

کار سومی که انجام داده‌ایم این بوده که این تیترو زنی‌هایی که انجام داده‌ایم و آن منطقی که از فرمایشات رهبری در دستمان بود و به عنوان منطق درونی تفسیر کننده بیانیه برایمان حائز اهمیت بود را در قالب تصویر ترسیم کرده‌ایم. لذا سعی کردیم یک بیانیه فاخر را

تبدیل کنیم به یک ترسیم تحلیلی و نمونه ای که به پیوست این جزوه در اختیار دوستان قرار گرفت.

خب این در سال ۹۸ یک کار متمایزی بود. زمانی که ما این کار را انجام دادیم، خب طبیعتاً چنین محصولی آماده نبود اگر چه برخی از فعالان انقلاب این زحمت را کشیده بودند، اما خب آن نحوه ورود و خروج و آن منطقی که ما در بیانیه پیدا کرده بودیم در هیچ یک از آثار دیده نشده بود.

در ارجاعات سعی کردیم به بروزترین و مهم‌ترین کلمات مشابه توجه کنیم و سابقه‌اش را در بروزترین سخنرانی‌های رهبری پیدا کنیم.

در پایان هم نمایه‌زنی به بیانیه انجام دادیم و مشخصاً از همه مهم‌تر وجه تمایز این اثر همان توجه به شیوه ورود و خروج رهبر معظم انقلاب به مباحث انقلاب اسلامی بود که در طبقه بندی و فراز بندی بیانیه اعمال کردیم.

خب، آنچه که مستمسک ما برای این نحوه تحریر بود، سخنرانی ۱۳۹۸/۳/۱ رهبری در توجه دادن به ۴ عظمت انقلاب اسلامی بود که عظمت دستاوردها، اهداف انقلاب و خود انقلاب اسلامی و عظمت جوانان انقلاب یعنی همان کنش‌گران انقلاب را تأیید می‌کرد. این ۴ عظمت همان مطلبی بود که در فراز بندی به آن رسیده بودیم.

۵. حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد حسین شریفی^۱

را مشخص نمود. ظاهراً مخاطب بیانیه جوانان هستند و لذا از منظر نوع مخاطب و از منظر پربسامدی واژه جوان و جوانان کاملاً قابل مطالعه و بررسی و تحلیل است. از طرف دیگر این بیانیه به یک معنا بیانیه صدور فرمان جهاد همه جانبه است و به طور دقیق ۲۰ نوبت واژه جهاد در این بیانیه چند صفحه‌ای به کار برده شده با مضاف الیه‌های مختلف. مثل جهاد ایجاد امید، جهاد امیدواری، جهاد مبارزه با ترس، جهاد اقتصادی، علمی و که جا دارد از این جهت هم بیانیه مطالعه شود رهبری در بیانیه می‌فرمایند «مدیران جوان کارگزاران جوان

با بحث بسیار مهم و لازم و تأثیر گذاری در خدمت شما عزیزان هستیم تحت‌عنوان گفتگویی در باب رسالت‌های حوزویان و عالمان دینی در گام دوم انقلاب اسلامی با محوریت تحلیل بیانیه گام دوم؛ من سعی می‌کنم فهرستی از مطالب و نکاتی که مد نظرم هست را خدمت دوستان مطرح نمایم و در ادامه بحث به گفتگو نقد و بررسی و شنیدن فرمایشات دوستان عزیز و حضار گرامی اختصاص می‌دهیم. ابتداءً باید نسبت به اهمیت بیانیه و مراد و هدف رهبری اندیشه کرد و هم تحلیل‌هایی را از ابعاد مختلف داشت و هم اینکه جامعه مخاطبان

۱. عضو محترم هیئت علمی و استاد تمام فلسفه - موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

اندیشمندان و فعالان جوان در همه میدان‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در دین و اخلاق و معنویت و عدالت باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشروی بسازند و...» مقوله‌های دیگری نیز نسبت به جهاد در بیانیه به کار گرفته شده که از این منظر هم جای تحلیل دارد و بررسی دارد.

از منظر تاکید بر اخلاق هم جای بررسی دارد، بیشتر بحث‌هایی که در حوزه بیانیه مطالعه کردم از منظر اخلاق، معنویت و سبک زندگی بوده و اگر بخواهیم از این دریچه هم بیانیه را مطالعه کنیم به یک معنا می‌توانیم بگوییم یک بیانیه اخلاقی است. ۲۱ بار واژه اخلاق در بیانیه به کار رفته شده ۱۸ نوبت واژه معنویت و معنوی به کار گرفته شده، پس نشان می‌دهد اخلاق و معنویت جایگاه بسیار برجسته‌ای در گام دوم انقلاب دارد.

به هر حال این بیانیه به دلیل جامعیتی که دارد و اینکه هم خطوط اصلی و کلی چهل سال نخست حیات انقلاب و هم برنامه‌های اصلی و خطوط کلی چهل سال دوم انقلاب با شفافیت تمام و به زیبایی در این بیانیه ترسیم شده است بنابراین بیانیه می‌تواند به عنوان شاخص همه حرکات علمی و عملی نیروهای انقلابی و دلبسته به انقلاب و اسلام باشد.

حوزه‌های علمیه به عنوان مرکز انقلاب ساز، نیروی محرکه انقلاب و موتور شکل‌دهنده انقلاب، وظایف زیادی را در تحقق بیانیه گام دوم

انقلاب اسلامی دارند. به هر حال انقلاب در دل حوزه‌ها بلند شد و به ثمر رسید و به عبارت دیگر حوزه علمیه ما حوزه انقلاب ساز بود. حوزه‌های علمیه اگر بخواهند در گام دوم انقلاب همچنان انقلابی باقی بمانند و به رسالت خود عمل نمایند و این جهاد را نیمه تمام نگذارند باید ابعاد کلی این بیانیه را تبیین و تشریح نمایند و این مطالبه مقام معظم رهبری نیز می‌باشد. در این جهت حوزه علمیه باید گام بردارد هم مسئولین حوزه و هم عالمان دین و هم طلاب باید در این زمینه گام بردارند تلاش کنند هر کس به اندازه توان خود و در سطح و گستره مخاطبان خودش در جهت زنده نگهداشتن این بیانیه و ایجاد انتظار عمومی از مسئولان و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان نظام برای حرکت در جهت تحقق اهداف این بیانیه حوزه علمیه می‌تواند این کار را بکند و باید این کار را بکند. اگر می‌خواهیم واقعاً انقلاب به اهدافش برسد به آرمان‌ها برسد اگر می‌خواهیم اسلام عملیاتی شود و تحقق پیدا کند و نهادینه شود این مطالبه‌گری را نهادینه کنیم سوخت حرکت مسئولین در جهت تحقق این اهداف را فشار افکار عمومی فراهم می‌کند و آن سوخت را چه کسی می‌تواند فعال کند چه کسی می‌تواند به روز کند کی می‌تواند آن شعله را در حقیقت زنده نگه دارد نگذارد این عطش فرو بخوابد؟ حوزه‌های علمیه و عالمان دین و شبکه گسترده روحانیت و طلاب در سراسر کشور در شهر و روستا در دورترین مناطق کشور آن‌ها می‌توانند این مطالبه را ایجاد کنند و مسئولین را و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را وادار کنند در جهت تحقق اهداف این بیانیه و ترسیم برنامه‌های عملیاتی در دستیابی به برنامه‌های آن، حرکت بدهند.

در ابتدای بند اول بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری می‌فرماید انقلاب ما انقلابی بود در جهت ۳ آرمان مهم "خودسازی"، "جامعه پردازی" و "تمدن سازی" این سه آرمان مهم انقلاب است و بعد می‌فرماید: اکنون در گام دوم انقلاب در آغاز چهل سال دوم می‌خواهیم دومین مرحله اقتضائات دومین مرحله خودسازی جامعه پردازی و تمدن سازی را طی کنیم و شکل دهیم پس در حقیقت آن برداشت مقام معظم رهبری از رسالت اصلی انقلاب و راه و آرمان و هدف اصلی انقلاب در این مقوله که بسیار مهم است، خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی می‌باشد.

این سه مقوله اقتضائات و دلالت‌هایی دارد؛ برای عمل به این سه مقوله و وظیفه، حوزه علمیه هم وظایف و رسالتی بر عهده دارد. بنده برای اینکه جایگاه حوزه علمیه در این سه مفهوم روشن شود و رسالت‌هایش روشن‌تر شود با تمرکز بر این سه مفهوم بحث را ادامه می‌دهم. یک مقدمه‌ای باید بیان کنم و آن مقدمه اینکه به اعتقاد بنده انقلاب اسلامی کاری که کرد این بود که دین را در یک جایگاه فرانهادی قرار داد. بنابر نگاه جامعه‌شناسان هر جامعه دارای پنج رکن اساسی است که تعبیر می‌کنند به نهادهای اصلی جامعه؛ "خانواده"، "اقتصاد"، "سیاست"، "تعلیم و تربیت" و "دین و مذهب". بر اساس این تقسیم‌بندی جامعه‌شناسی سکولار غربی نهاد دین و مذهب در عرض نهاد سیاسی، اقتصادی، علمی و تعلیم و تربیت قرار گرفته است اما اسلام آمد و گفت این یک جایگاه فرانهادی دارد و حاکم بر همه ستون‌ها و نهادها است یعنی همه این نهادها دواشان براساس آموزش

دینی و آموزه‌های دینی است، یعنی سیاست اسلامی، اقتصاد اسلامی، هنر اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، حقوق اسلامی، اخلاق اسلامی، ارتباطات و خانواده اسلامی و همه این‌ها باید در نرم افزار اسلام شکل بگیرد و این کاری بود که انقلاب اسلامی انجام داده است.

برای چهل سال دوم انقلاب هم باید در مسیر گام اول باشیم یعنی در مسیر خودسازی، جامعه پردازی و تمدن پردازی قدم برداریم، اما واقعیت قضیه این است که وضعیت فعلی نظام آموزش رسمی حوزه‌ها و نظام آموزش در حوزه‌های علمیه با این اهداف سه گانه که در بیانیه آمده است فاصله‌های خیلی طولانی دارد، یک شکاف عمیق بین این اهداف و وضعیت فعلی ما وجود دارد و جهاد مضاعفی برای پر کردن این شکاف لازم است.

همانگونه که مطلعید، ثقل اصلی مباحث علمی در حوزه‌های علمیه در خصوص فقه و اصول است نه کلیات اسلام و نه همه آموزه‌های اسلام. تاکید می‌کنم ثقل اصلی هویت اصلی حوزه‌های ما را فقه و اصول تشکیل می‌دهد فقه فردی و اصولی که برای استنباط همین فقه فردی به دست آمده و تولید شده یعنی روش‌شناسی فهم فقه فردی. این هویت اصلی حوزه‌های علمیه در حال حاضر است خوب جز مراکز اقماری و جذب افرادی خاص و انگشت‌شمار که به صورت خودجوش و از سر احساس وظیفه و علاقه اجتماعی یا هر دلیل دیگری که شکل گرفته و در موضوعاتی مانند باورهای دینی، توحید، معاد، نبوت، امامت و سایر باورهای اعتقادی کار می‌کنند یا در حوزه ارزش‌های دینی

اخلاقی که گستره بسیار وسیعی دارد، به چه اندازه در حوزه‌های علمیه به این مباحث پرداخته می‌شود؟

آیا نظام آموزشی و پژوهشی حوزه‌های علمیه در راستای این سه آرمان اصلی انقلاب که مقام معظم رهبری می‌فرماید ما اینک وارد دومین مرحله می‌شویم ما برای مرحله اول چه کار کرده‌ایم در عرصه آموزش و پژوهش مان برای مرحله دوم خودمان را تجهیز کنیم و آماده کنیم به هر حال در این عرصه‌ها وجود دارد چون وقت دارد به سرعت می‌گذرد می‌خواستیم شرایط را به صورت کلی برای عمل به این وظایف را بیان کنم که از آن می‌گذرم فقط به دلالت‌ها و اقتضائات انجام وظیفه در حوزه خودسازی و جامعه‌پردازی اشاره می‌کنم دوستان که حوزه علمیه بخواهد وظیفه‌اش را در عرصه خودسازی عمل کند چه باید بکند و چه خلأهایی دارد؟ از بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم برایتان می‌خوانم دوستان دقت بفرمایید می‌فرمایند «معنویت و اخلاق جهت دهنده همه حرکت‌هاست» خوب روی این کلمات دقت کنید جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آن‌ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی بهشت می‌سازد و نبودن آن‌ها حتی با برخورداری مادی چه

نمی‌آفریند، شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد البته می‌فرماید بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت اخلاق و معنویت البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید با مجلس و لایحه و طرح دولت و مجلس محقق نمی‌شود با تدوین یک برنامه در شورای عالی انقلاب فرهنگی حل نمی‌شود پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند اما اولاً خود باید با منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشیم و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم سازند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب جهنمی کنند.

خب این اخلاقیات باید یک سوم برنامه آموزشی و برنامه پژوهشی حوزه‌های علمیه را به خودش اختصاص دهد آن هم برای لایه‌های مختلف سطوح مختلف، نه فقط برای طلبه‌ها، بلکه برای جامعه اخلاقی سازی جامعه‌ای که حضرت آقا می‌فرماید جهاد می‌خواهد جهان محتاج جهاد است .

۶. حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمدحسین هاشمیان^۱

۱. دانشیار و مدیر محترم گروه مدیریت راهبردی فرهنگ - دانشگاه باقرالعلوم (ع).

بحث من ناظر به جایگاه حوزه در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب است. مستحضر هستید که مقام معظم رهبری برای تکامل انقلاب اسلامی یک فرایند ۵ مرحله ای را ترسیم می‌کند. فرایندی که از انقلاب اسلامی آغاز می‌شود، در گام دوم نظام اسلامی تأسیس می‌شود، در گام سوم جامعه اسلامی می‌شود، گام چهارم دولت اسلامی است و گام پنجم تمدن اسلامی شکل می‌گیرد. در راستای این فرآیند تطور و تکامل انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری در طلیعه گام دوم بیانیه ای را صادر کردند که ضمن تحلیل دستاوردها و نقاط قوت و نقاط ضعف ما در ۴۰ سال نخست انقلاب، نقشه راهی را برای چهل سال دوم ترسیم کردند. در این نقشه راه که ما باید آن را متناسب با این ادوار پنجگانه‌ی تطور و تکامل انقلاب اسلامی نگاه کنیم، باید به هفت حوزه به عنوان حوزه‌های اثرگذار که نقش اهرمی دارند و ما باید این نقاط را تقویت کنیم، بپردازیم تا در سایر حوزه‌های اجتماعی اقتصادی سیاسی و فرهنگی هم بتوانیم به تعالی برسیم.

این هفت حوزه عبارت‌اند از علم و پژوهش، اقتصاد، سبک زندگی، سیاست خارجه، عدالت، معنویت و اخلاق، استقلال و آزادی.

ما در این هفت محوری که مقام معظم رهبری ترسیم کردند می‌بینیم این ۷ محور تماماً نقش حوزه در آن برجسته است و حوزه در تحقق این هفت گام اگر ورود پیدا کند و موفق باشد به عنوان یک رکن و بازوی محکم، در خدمت انقلاب اسلامی و تحقق بیانیه می‌تواند عمل کند و اگر خدای ناکرده ورود قوی نداشته باشد، به همان میزان ما در تحقق این هفت گام آسیب می‌بینیم.

محور اول، محور علم و پژوهش است. حوزه یک نهاد علمی است. یک نهاد آموزشی و یک نهاد پژوهشی است. ضمن اینکه اهداف فرهنگی و تبلیغی و تربیتی دارد، منتها بر اساس معرفت شکل گرفته است؛ بر اساس علم و دانش مبتنی بر رویکرد دینی شکل گرفته است. امروز نقش حوزه‌های علمیه هم در علوم اسلامی و پیشرفت در آن و کاربردی سازی علوم اسلامی نقش مهمی است و هم در پاسخ به شبهات روز اعم از شبهاتی که در حوزه شبهات اعتقادی است و باید متخصصین کلام اسلامی به آن بپردازند. و همچنین پاسخگویی به مسائل مستحدثه فقهی که همزمان با پیشرفت‌هایی که اتفاق می‌افتد، تغییر و تحولاتی که در زندگی بشر پیش می‌آید، مسائل مهم مستحدثه اتفاق می‌افتد که فقه پویا باید پاسخگوی آن باشد. همینطور حوزه‌ی پژوهش و تولید علم اسلامی در حوزه فقه نظام و فقه حکومتی. به هر حال در این مراحل پنجگانه ای که عرض شد مرحله دوم نظام‌سازی است. نظام اسلامی نیازمند ابتنای بر فقه اسلامی است. فقه نظام باید توسعه پیدا کند. عمده‌تاً دانش فقه ما بر پایه حوزه‌ی فقه فردی و فعل مکلف در ساحت فردی شکل گرفته است ولی الان که حکومت اسلامی داریم باید فقه را با یک رویکردی نوآورانه در خدمت نیازهای جامعه و مسائل نظام اسلامی قرار دهیم. پس حوزه در عرصه علم و پژوهش هم در علوم اسلامی باید در گام دوم برای خودش هدف گذاری کند و هم در حوزه علوم انسانی اسلامی.

خوب، ما علوم انسانی مان اعم از دانش اقتصاد، دانش مدیریت، دانش جامعه شناسی، دانش فرهنگ و ارتباطات، دانش روانشناسی،

دانش علوم سیاسی و ... مبتنی بر مبانی سکولار شکل گرفته و حوزه‌های علمیه به عنوان نهادی که دسترسی دارد به مبانی و منابع و تراش گران سنگ دینی ما، امروز تکلیف دارد که در گام دوم ورود پیدا کند در اسلامی‌سازی علوم انسانی که بحمدالله در سال‌های اخیر تلاش‌های خیلی خوبی شده است. الان بیش از دو دهه است که جریان‌های مختلف و حلقات معرفتی مختلف در حوزه با این هدف شکل گرفته و دستاوردهای خوبی را در حوزه اقتصاد، در حوزه جامعه‌شناسی، در حوزه علوم سیاسی و در حوزه فرهنگ و ارتباطات داشته است؛ منتها این‌ها باید در گام دوم با یک سرعت و شتاب بیشتری شکل بگیرد و بالطبع حوزه برای نقش آفرینی مؤثر در این محور اول گام دوم، یعنی علم و پژوهش، نیازمند پیوند و تعامل با دانشگاه است. نه یک پیوند در مقام لفظ و اینکه یک هفته را ما در ایام سال به عنوان هفته وحدت حوزه و دانشگاه نامگذاری کنیم، نه. بلکه واقعاً در لایه دانش و معرفت، در لایه تبادل اساتید و طلاب و دانشجویان این اتفاق بیفتد تا با در کنار هم قرار گرفتن این دو نهاد علمی ما بتوانیم مأموریت‌ها و اهدافی که رهبر معظم انقلاب در محور عمل که محور پژوهش هست ترسیم کردند را محقق کنیم.

اما محورهای دیگر بیانیه یعنی آن ۶ محور بعدی هم محورهایی هستند که حوزه‌های علمیه نقش بسزایی در تحقق آن‌ها دارند. مخصوصاً محور بعدی که محور معنویت و اخلاق است. به هر حال عرض کردم حوزه یک نهاد آموزشی - پژوهشی به علاوه یک نهاد تبلیغی - تربیتی است. بحث اخلاق و معنویت جامعه اولاً و بالذات

متولی آن، نهاد دین و حوزه‌های علمیه هستند که حوزه‌های علمیه اولاً باید اخلاق و معنویت را در سطح خودشان میان طلاب و اساتید و خانواده‌هایشان توسعه دهند و به تعالی اخلاق بیاندیشند و در ثانی در سطح جامعه آن مأموریت تبلیغی - تربیتی که رسالت تاریخی حوزه‌های علمیه است را محقق کنند. به هر حال بر اساس آیه فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ رسالت قرآنی حوزه‌های علمیه این انداز بعد از تفقه در دین، بعد از عالم شدن، اینکه ما یک اثر تربیتی و تبلیغی داشته باشیم، این رسالت مهمی است که در گام دوم هم ناظر به این رسالت ما بحث معنویت و اخلاق را داریم. اگر حوزه‌های علمیه کوتاهی کنند در این مأموریت، دشمنان ما با معنویت‌ها و شبه معنویت‌های کاذب و دروغین به این نیاز طبیعی بشر - نیاز به معنویت - پاسخ کاذب و اغواگرایی می‌دهند که این تهدید، تهدید بسیار مهمی است. مبارزه با فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی که متأسفانه در این زمینه به اغوای جوانان ما، زنان ما، دست می‌زنند. پس این هم دومین کار کرد.

کارکرد سومی که حوزه می‌تواند داشته باشد ناظر به بحث عدالت است. این خودش یک بحث مفصلی است اما در حوزه عدالت، در بیانیه شاهد هستیم که مقام معظم رهبری ضمن اینکه می‌گویند پیشرفت‌های خوبی اتفاق افتاده است منتها می‌فرمایند ما هنوز با وضعیت مطلوب مان فاصله چشمگیری داریم. حوزه‌های علمیه به هر حال یکی از مهم‌ترین رسالت‌هایشان عدالت طلبی و عدالت جویی و مبارزه با تبعیض و رانت خواری و فساد در جامعه و در نظام اقتصادی

جامعه است و مستحضرید این هم رسالت انبیا است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ هدف از این انزال کتب و ارسال رسل، اقامه قسط و عدالت اجتماعی توسط خود مردم بوده است. خوب این تکلیف و رسالتی که امروز به نهاد حوزه سپرده شده است و حوزه باید پیشاپیش مطالبه گران حوزه عدالت قرار بگیرد تا بتواند این مفهوم مهم را از سوء استفاده دشمنان انقلاب اسلامی حفظ کند. ما می‌بینیم خیلی از رسانه‌های معاند به دنبال سیاه نمایی در این فضا هستند. حوزه‌های علمیه باید مبتنی بر یک نگاه دلسوزانه و واقع‌بینانه مطالبه‌گری خودشان را از مسئولین مختلف کشور داشته باشند در حوزه عدالت گستری و مبارزه با تبعیض و فساد اقتصادی.

اما محور بعدی محور چهارم یعنی عزت ملی و مرزبندی با دشمن در روابط خارجی است. باز در این محور هم حوزه‌های علمیه می‌توانند به مثابه خط نگهدار از منظر دین ورود پیدا کنند. به هر حال این مرزبندی با دشمن اولاً و بالذات یک تکلیف قرآنی است که خداوند می‌فرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ ۖ أَوْلِيَاءَ ۚ بَا يَهُودَ وَ نَصَارَا (با این دشمنان خارجی) رفاقت نکنید، دوست نشوید. ظاهر امر این است که این‌ها به شما اظهار دوستی می‌کنند. خیلی جاها این ظاهر را هم رعایت نمی‌کنند. قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ حَتَّىٰ فِي زَبَانِهِمْ هُمْ أَحْسَاسُ نَفَرْتِ وَأَنْزَجَارِ نسبت به شما می‌کنند. بعد شما می‌خواهید خودتان را تحقیر کنید؟ آیا واقعاً خداوند این را برای ما و مسئولین ما می‌پسندد؟ از دهان هاشون

این خشم و نفرت آشکار شد و آنچه که در قلوبشان است بزرگ‌تر از این است. ما عزت مدارانه باید زندگی کنیم و این در بیانیه هم تاکید شده است. خوب حوزه‌های علمیه می‌توانند به مثابه خط نگهدار قرار بگیرند و گوشزد کنند آن انحرافات که از اصول دینی و قرآنی در سیاست خارجی ما احیاناً ممکن است پیش بیاید.

اما نقش بعدی در حوزه اقتصاد است. البته بخشی از آن را در بحث نظام سازی عرض کردم که یکی از مهم‌ترین نظام‌ها نظام اقتصادی است. تبیین نظام مخصوصاً خورده نظام‌های آموزش و پژوهش حوزه و پژوهشکده‌ها و مراکز علمی مرتبط با حوزه امروز یک تکلیفشان واقعاً ورود جدی به فقه اقتصاد است و نظام سازی در حوزه اقتصاد است و اینکه مسائل جاری که در عرصه بانکداری عرصه بورس و عرصه بیمه با آن روبرو هستند را بتوانند مبتنی بر مبانی اسلامی پاسخ بدهند به این مسائل پس نقش حوزه علمیه هم در بحث اقتصاد به عنوان یکی از محورها برجسته است به ویژه آنکه فرهنگ اقتصادی جامعه تا دگرگون نشود گفتمان اقتصاد مقاومتی که مقام معظم رهبری ترسیم کردند مستقر نمی‌شود این فرهنگ اقتصادی هم نیازمند کار تبلیغی و ترویجی حوزه است و اینکه ما به عنوان یک ارزش قلمداد کنیم هم تولید و هم مصرف کالای داخلی را این‌ها نیازمند فرهنگ سازی است یکی از مهم‌ترین بازیگران در عرصه فرهنگ سازی امروز روحانیون ما هستند مبلغان ما هستند که می‌توانند این مأموریت را برعهده بگیرند و در جامعه فرهنگ اقتصاد مقاومتی را ترویج کنند بنابراین در حوزه

اقتصاد هم حوزه علمیه می‌تواند کارکرد آموزشی پژوهشی داشته باشد و هم کارکرد تبلیغی تربیتی

حوزه بعدی سبک زندگی است که به آن نیز اشاره می‌کنم. خیلی از آسیب‌های امروز ما آسیب‌هایی است که از ناحیه سبک زندگی دارد به فرهنگ وارد می‌شود. اساساً فرهنگ مدرن فرهنگی است که تغییر را پیش از اینکه از لایحه باورها و ارزش‌ها رقم بزند، تغییر در فرهنگ ابتدا از لایه رفتارها و سبک زندگی صورت می‌گیرد. این مبنای دینی هم دارد در روایت قدسی هست که امام صادق می‌فرمایند خداوند به برخی از انبیای بنی اسرائیل وحی فرمود که لا تاكلوا مطائم اعدائی: غذای دشمنانم را نخورید. لا تلبسوا ملابس اعدائی: لباس دشمنانم را نپوشید. لا تسلكوا مسالك اعدائی: به سبک دشمنان من رفتار نکنید اگر این کار را کردید شما دشمن من هستید همانطور که آن‌ها دشمن من هستند. یعنی چه؟ یعنی تغییر در سبک زندگی، یعنی تغییر در خوراک، پوشاک و نحوه گذراندن اوقات فراغت، ارتباطات اجتماعی. وقتی این‌ها شکل غربی پیدا کرد زندگی کم کم از آن مبنای دینی فاصله می‌گیرد. به تناسب این تغییر در رفتار است که تغییر در اخلاقیات و ارزش‌ها اتفاق می‌افتد. بالطبع آن تغییر در اعتقادات و باورها رقم می‌خورد یعنی الگوی تغییر فرهنگ مدرن خیلی وقت‌ها الگوی معکوس است؛ یعنی از لایه باور و بعد ارزش و بعد رفتار نیست، از رفتار به ارزش و باور تغییر شکل می‌گیرد. بنابراین حوزه‌های علمیه در بحث سبک زندگی اولاً باید خودشان عمل کنند به این حدیث امام صادق که فرمود کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ. خود طلبه‌های ما روحانیون ما

باید واقعاً ساده زیستی این که تجمل‌گرا نباشند اینکه سبک زندگی را هم در خودشان و هم در خانواده و اطرافیانشان مبتنی بر مبنای دین و هویت دینی و هویت ایرانی دارند زندگی کنند این را اول باید رعایت کنند و بر اساس همین بتوانند به یک معنا در مقام عمل الگو باشند برای جامعه، که سبک زندگی که قرآن از آن یاد می‌کند تحت عنوان حیات طیبه می‌فرماید مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً هر کسی از زن و مرد اگر عمل صالح انجام دهد، ما به او حیات طیبه می‌دهیم. این حیات طیبه امروز باید الگوی عینی پیدا کند در سبک زندگی طلبه‌ها و روحانیون می‌تواند خودش را به خوبی نشان دهد.

بنابراین حوزه‌های علمیه در سبک زندگی هم به عنوان یک عامل مؤثر می‌توانند حضور داشته باشند

در حوزه استقلال و آزادی هم در طول تاریخ حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید و روحانیون در بزنگاه‌هایی که استقلال ملی ما تهدید شده مشارکت داشتند از همان دوره قاجار در نظر بگیرید جنگ‌های بین ایران و روس که اتفاق می‌افتاد فتوای عالمان دین بود فتوای میرزای قمی در زمان جنگ ایران و روس فتوای جهادی که علما دادند باعث شد که تعداد زیادی از مردم بروند و از استقلال ملی دفاع کنند هرچند آن بی‌کفایتی پادشاه و مسئولین آن وقت باعث شد که تمامیت ارضی ما زیر سؤال برود، ولی نقش علما به عنوان مدافعان استقلال این مملکت و آزادی طلبی بی‌بدیل است. در جریان مشروطه باز نقش آخوند خراسانی، مرحوم میرزای نائینی برای حمایتی که کردند تا قدرت

هرکدامشان دندان تیز کرده‌اند تا استقلال و هویت ملی ما را تهدید کنند، یکی از مهم‌ترین تکالیف حوزه و نهاد روحانیت است. همین‌طور حفظ و حمایت از آزادی‌های مشروع ای که امروز باید در جامعه باشد. آزادی که نه بی‌بندوباری بلکه به تعبیر شهید مطهری همسان و هم‌سنخ است و جامعه را رهنمون می‌کند به سمت آزادی. این نقش بسیار مهمی است تا حوزه بتواند از حریت و آزادی و آزادی مشروع ای که لازم است برای اعضای جامعه حمایت کند. امیدوارم که مفید بوده باشد.

استبدادی و خودکامگی پادشاه را بتوانند مهار کنند، نقش پر رنگی است. یا کمی جلوتر در نهضت ملی شدن صنعت نفت، نقش مرحوم آیت الله کاشانی، این‌ها کاملاً از بعد استقلال و حفظ هویت ملی ایران و منافع ملی ایران ورود پیدا کردند این عالمان مبارز ورود پیدا کردند؛ تا ختم می‌شود به حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه که در قله حمایت از استقلال قرار گرفت، شعار اصلی انقلاب اسلامی که از فرزند برومند حوزه شکل گرفت "استقلال آزادی جمهوری اسلامی" بود. بنابراین امروز در دفاع از استقلال ملی در مقابل جریان‌های مختلفی که

۷. حجت الاسلام و المسلمین سید یدالله یزدان پناه^۱

بنده در آغاز تشکر می‌کنم از مسئولین محترم این مدرسه بزرگ و انقلابی که این امکان را برای بنده فراهم آوردند که در خدمت سروران باشم و بحثی را هم باید مطرح کنیم که واقعاً دغدغه امروز هر طلبه باید باشد و هست ما در یک موقعیتی قرار گرفتیم که هر طلبه‌ای احساس وظیفه ای می‌کند و به دنبال این هست که خدمتی به این انقلاب بکند به‌ویژه این که در یک برهه‌ای قرار گرفته‌ایم که به تعبیر رهبر معظم انقلاب که به‌عنوان گام دوم از او می‌شود یاد کرد بعد از چهل خانه ناقوس ما آهسته آهسته باید به سمت فضای تمدن‌سازی حرکت کنیم که ایشان در همین بیانیه گام دوم به این معنا اشاره کردند که اساساً در همین گام دوم اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است این انقلاب به این مقطع رسیده و بعد بیانی هم دارد که آرمان بزرگ این انقلاب ایجاد تمدن نوین اسلامی است واقعیتی است که ما الان داعیه حرکت به سمت یک قله‌ای را داریم که آرزوی متدینان و مؤمنان در سطح اجتماع و جهانی است لذا جا داره یک بحث جدی بشود که مأموریت طلبه عصر انقلاب مخصوصاً بعد از این گام دوم مشخص بشود در فضای تمدن‌سازی بویژه این که امروز ما یک مواجهه تمدنی هم داریم من برخی از مقدمات را تلاش می‌کنم به سرعت عرضه بدارم می‌ترسم در این مقدمات بمانیم به اصل نرسیم بسرعت عرض می‌کنم در جای خودش باید بحث‌های مبسوط و فنی او عرضه بشه و واقعیتش همیشه توی این جلسات به این مقدمات پردازیم واصل موضوع

تقریباً زیر مذاقه قرار بگیره ولذا بایدیک تلاشی بکنیم این سرعت را عرضه بداریم در جای خودش باید پی گرفت اولاً مسئله تمدن تا گفته می‌شه باید دانست تمدن بزرگ‌ترین ساحت اجتماعی است که جوامع انسانی با او روبرو می‌شوند و هویت تمدن هم هویت فرهنگ و ساخت عینی بحث یافته اجتماعی است که همه ساحت‌های زندگی انسان را در بر میگیره و تمام نیازهای او را پاسخ می‌ده براساس بنیادهایی که دارد اگر من بخواهم یک تعبیر دیگه‌ای در این فضا بکنم هیچ حوزه‌ای از حوزه‌های زندگی نیست که در تمدن برای آن پاسخ درخور وجود نداشته باشد فضای تمدنی این قدر گسترده می‌شود، معمولاً هر جامعه‌ای با فرهنگ و ساخت عینی که داره داره پاسخ می‌ده ولی هر وقت بحث یافته شد که همه حوزه‌ها را پر کرد که ما به هر در و دیوارش نگاه می‌کنیم به شهر و روستاش نگاه می‌کنیم به ساختارهای اجتماعی اش نگاه بکنیم به رفتارها و سبک زندگی مردم نگاه می‌کنیم به هر جا نگاه می‌کنیم می‌بینیم اون اندیشه داردخودش را بست می‌دهد و همه جا حاضر است. بست عینی یافته نه فقط اینکه بالاخره به اندیشه ای داریم ویه طرحی داریم نه طرح اصلاً در فضای اجتماع پیاده شد می‌شود فضای تمدنی.

لذا می‌شود گفت فرهنگ و ساخت عینی بسط یافته است به حدی که همه ساحت‌های زندگی انسان را پاسخ بدهد بنده این را در یک مقاله‌ای به صورت مفصل توضیح داده‌ام معنایش چیست ولی اجازه بدهید به همین

مقدار اکتفا بکنیم چون قصدم این نیست در این مقدمات بمانیم این نکته اول نکته دومی که باید به آن بپردازیم مسئله مواجهه تمدنی است بعضی‌ها باور ندارند اصلاً مسئله‌ای به نام مواجهه تمدنی را.

واقعیت این است که هر تمدنی برحسب بنیادها و راهبردهای کلانی که دارد یک هویت خاصی را پدید می‌آورد نمی‌شود از آن گذشت یعنی شما وقتی که یک بنیادهای ویژه‌ای داشتید آن بنیادهایی که بنیادهای کلان هستی شناختی انسان شناختی که دارید و بنیادهای کلان معرفت شناختی که دارید و راهبردهایی که دارید آن باعث می‌شود که شما یک فضای تمدنی ویژه‌ای روبرو آید یعنی این‌جوری احساس نباید بکنید که خب همه تمدن‌ها میتوانندشبییه هم باشند و فقط از هم اخذ می‌کنند بله تمدن‌ها رویه‌ای را اخذ می‌کنند ولی رویه را هم هویتم تغییر می‌دهند حتی رویه‌هایی را هم که از هم اخذ می‌کنند را تغییر می‌دهند هویتش را تغییر می‌دهند ظاهر شاید یکسان باشد ولی وقتی کسی به عمقش می‌رود می‌فهمد که این معنای نهفته در این پدیده تمدنی در این تمدن ویژه خود را نشون داد غیر از آئی است که در جای دیگه خود را نشون داد درحالی‌که ممکن است ظاهرشان یکسان باشد این که تمدن‌ها از یکدیگر به اصطلاح بهره می‌گیرند کسی انکار نمی‌کند این را ولی بهره گرفتن معنایش این نیست که حتی هویت تمدنی واحد دارند و حتی معنایش این نیست که همان رویه‌ها و سطح‌هایی که در او اعمال شده و گرفته از جایی دیگه و اخذ کرده همان را به همان شکل نگه دارد من می‌خواهید براتون مثال‌های فراوانی را می‌توانم بزنم ولی اجازه بدهید الان این راه هم چون به‌عنوان مقدمه است زیاد نایستم فقط یک دو سه تا نکته را اشاره کنم ببینید فضای

تمدن غربی یک فضای خاصی است یک بنیاد ویژه‌ای دارد آن بنیاد ویژه‌اش انسان‌گرایی و انسان‌محوری است برحسب مادی‌گرایی و لذت‌گرایی که درونش می‌باشد و این در تمام ساحت‌های زندگی غربی خود را نشون داده است شده تمدن غربی الان با آن روبرو هستیم و یک معادلات و یک معاملات خاصی را در همه جا دارد اجرا می‌کند بر حسب همین نگاهی که دارد خدا محوری در آن اصل نیست نه این که خدا هم در آن نمی‌تواند باشد نه این که مسئله دین نمی‌توانند باشد حتی من معتقدم دین را هم گرفته است و در فضای خود معنا کرده است خدا را هم در فضای خود معنا کرده است تو فضای غربی این شکلی می‌باشد یعنی در غرب شما یک هویت تمدنی دارید و براساس آن بنیادهای آن است یعنی اساساً آن انسان‌گرایی ویژه آن انسان‌محوری یعنی خدا محوری تبدیل می‌شود به انسان‌محوری و انسان می‌شود اصل و اساس و پایه البته با نگاه معرفت‌شناختی خاصی هم که به‌عنوان مباحث کلان معرفت‌شناختی است، در آن‌جا هم جاری و ساری است عقل در آن‌جا معنا ویژه‌ای پیدا کرده تجربه معنای ویژه‌ای پیدا کرده زندگی‌شان هم به شکل خاصی درآمده است براساس این مبانی کلان درعین‌حال پایه و سوبه اصلی آن به سمت یک نوع لذت‌گرایی مادی‌گرایی خاصی هم رفته است یک فضای روح تمدن غربی خب این روح تمدن غربی خودش را همه جا بسط داده است شما بروید به ورزش می‌توانید نمونه‌اش را ببینید همین ورزش که ما امروز با آن درگیریم.

توی معماری بروید می‌توانید آن را پیدا کنید توی شهر سازی می‌توانید آن را پیدا کنید توی تکنولوژی بروید می‌توانید آن را پیدا کنید هر جا دست بگذارید می‌توانید آن را پیدا کنیم توی هنر بروید می‌توانید این را پیدا کنی

توی علم هم ناظر است همه جا خود را به یک شکلی نشان می‌دهد من عرضم این است فضای تمدن غربی با آن بنیادهایی او که در یک هویت ویژه پیدا کرده و صرف این که ما هم بگوییم خوب داریم خوبی‌های غرب را گزینش می‌کنیم این اصلاً معنا ندارد حتی خوبی‌های غرب هم عنوان بخورد خوبی‌های غرب همان باید یک پیرایش ویژه فضای تمدنی دیگر در بیاید تا در آن هضم می‌شود و گرنه مال آن تمدن نمی‌شوند بلکه خوره می‌شود برای آن تمدن هم اگر بخواید به همان شکل نگهداری شود دقت می‌کنید لذا می‌شود این‌طور گفت که هویت تمدنی هر تمدن پایه‌هایی دارد و و آن بنیادها است و راهبردهای کلان آن هویت است پایه‌های کلان و بنیادهای کلانش و راهبردها بنیادهای کلان معمولاً بنیادهای هستی‌شناختی است انسان‌شناختی است و بنیادهای معرفت‌شناختی است و ازین دست امور است این‌هایی که کلان است پایه است نوع نگاه به انسان اش نوع نگاه به هستی‌اش نوع نگاه به معرفتش به کیفیت دستیابی به حقایق منبع و مبانی غایت‌شناسی غایت‌شناختی که برای انسان‌ها این‌ها دارند این‌ها پایه‌های اصلی است و براساس آن‌ها یک دست راهبردهایی هم تعریف می‌کنند براساس آن راهبردها حرکت می‌کنند و یک فضای تمدنی ویژه‌ای پدید می‌آید البته این نیست که اول بنشینند این بنیادها را تعریف کنند راهبرد کنند و بعد بشود تمدن همین جسته جسته در فضای تمدنی خود را معنادار می‌کنند و یواش‌یواش این اندیشه می‌آید و خود را بسط می‌دهد و می‌شود تمدن ویژه‌ای که ما الان با آن روبرو هستیم به اسم تمدن غرب خوب این بنیادها هست وقتی هویت تمدنی جدی است شما می‌توانید این هویت تمدنی که باعث می‌شود این تمدن از تمدن دیگر جدا می‌شود شما می‌توانید

بگویید آقا دیگه مواجهه تمدنی نداریم ما یقیناً مواجهه تمدن خواهیم داشت حالا من عرضم این است در باب تمدن غربی این را گفتیم ما اگر بخواهیم تمدن اسلامی را بگوییم خیلی برای کسی که در فضای اسلامی زندگی زیسته و با حقیقت و حقایق دینی آشنا است با حقیقت فضای اسلامی آشنا است می‌داند خدا محوری پایه اسلحه میسان انسان محوری در عین این که انسان جایگاهی خلافت دارد اما خلافت خدا را دارد در سایه بندگی یعنی در سایه همان خدا محوری و توحید و بندگی انسان خلافت پیدا می‌کند انسان جایگاه بزرگی را پیدا می‌کند در هستی انسان ولی نه آن انسان محوری که هر چه هست باید ببینیم انسان برایش چگونه است کاری به دیگران ندارد کاری به خدا نداریم کاری به اسم شریعت نداریم کاری به وحی نداریم کاری به انبیا نداریم این طرحی که معمولاً در غرب است و لذا دینی که در غرب حتی حاضر است اگر خوب نگاه کنید می‌بینید یک دینی است که قرار است همان فضای انسان محوری پایه کار قرار بگیرد نمی‌تواند در هیچ شاکله اجتماعی جدی حاضر باشد مگر با همین صورت مسئله و هیچ گاه اجازه نمی‌دهند می‌گویند آزادی و معنایش این نیست که یعنی ساختار اجتماعی را براساس دین می‌بندم معنایش این نیست که باید یعنی دین به‌اصطلاح در بایدها و نبایدها دخالت کند معنایش این نیست که دین باید در ساختارهای اجتماعی نظر بدهد و نه هیچ فقط به‌عنوان یک پدیده‌ای که می‌تواند برای بشر مفید باشد با همان مبنایی که باب انسان دارد ارزش استفاده می‌کنند به اصطلاح دین را هم کردند دین شخصی نگاه کنید دین در فضای غربی شده است شخصی یعنی دید اجتماعی نیز هویت اجتماعی نیز در عینی که در فضای اجتماعی حاضر است اما هویت اجتماعی ندارد یعنی بین مردم

می‌تواند باشد ولی نمی‌تواند در صحنه‌های اجتماعی نظر دهنده باشد دقت می‌کنید این فضای غربی است خب ما در فضای تمدن اسلامی اگر بخواهیم حرکت بکنیم برحسب اندیشه‌هایمان به کجا کشیده می‌شویم اگر خدا محوری و بندگی را قرار دادیم و انسان بشود خلیفه‌الله این مبنا قرار بگیرد و مبانی هستی‌شناسانه‌ای که معرفت‌شناسانه‌ای که ما در کنارش قرار می‌دهیم اگر عمیق بحث کنیم که من الآن فرصت ندارم بحث‌های در باب مثلاً نوع نگاهمان به عقل در برابر عقل غربی اون عقل مدرن چگونه دارد کار می‌کند عقل اسلامی چگونه دارد کار می‌کند این‌هایی که الآن قصدم نیست که ورود کنیم الآن وقتش نیست که عرض می‌کنم مقدمات رو باید به سرعت بگذرانیم.

من عرضم این است که وقتی خدا محوری را قرار دادیم در جای‌جای مباحث تغییر ایجاد می‌کند وقتی بندگی شده اساس وقتی خلیل فتح‌اللهی پایه است اما پایه آن بر اساس خدا و شریعت و براساس شریعت یعنی کل نگاه تغییر می‌کند کل فضا تغییر می‌کند لذا در فضای تمدنی می‌گویند وقتی اگر خوب نگاه کنید خودش را در ورزش نشان می‌دهد خودش را در هنر نشان می‌دهد تووم معماری نشان می‌دهد توی فناوری نشان می‌دهد تو همه نهادهای مثل بانک آموزش و پرورش و امنیت و بهداشت و این‌ها نشان می‌دهد در سبک زندگی نشان می‌دهد در مدیریت نشان می‌دهد در اخلاق نشان می‌دهد در سیاست نشان می‌دهد توی اقتصاد نشان می‌دهد در علم نشان می‌دهند در ساختار اجتماعی حاضر می‌شود در دین‌ورزی حتی از سر دارد در فضای تمدنی خاصیتش این است خب در تمدن غربی تمام این‌ها مسائلتش حل ویژه دارد ولی در فضای اسلامی ما یک حل ویژه پیدا می‌کند

ولو ماه حتی راه‌حل‌های جدید هم برای تمدن نوین اسلامی نداریم البته ما یک تجربه‌هایی از یکتمدن اسلامی در پیش‌ترها داشتیم الآن اینک امروز در این شرایط جدید با این تحولاتی که پدید آمده ما هنوز هم این‌جا جواب نداریم بله الحمدالله جمهوری اسلامی وقتی تشکیل شد ماهم برخی از حرکت‌ها را کردیم و برخی از نتیجه‌ها را گرفتیم و برخی از جاها رسیدیم اما این‌که بخواهد تا به آن فضای نهایی تمدن اسلامی خیلی راه داریم خب عرضم این است تا شما قبول کردید بنیادها این‌قدر فاصله دارد از هم تقریباً بنیادهای معارض دارند و بنیادها و راهبردها و راهبردهای اصلی است که دارد فضای تمدنی را تأمین می‌کنند هویت تمدنی را تأمین می‌کند طبیعتاً وقتی انقدر با هم مخالف‌اند بلکه معارض زننده در بعضی جاها نتیجتاً مواجهه تمدنی خواهید داشت یعنی ما با دو هویت تمدنی با چند هویت تمدنی روبرو می‌شویم الآن قصدم نیست که زیاد وارد بشوم در این موضوع مواجهه تمدنی باید خیلی بیشتر بعضی متوجه نیستند لذا خیلی صورت مسئله را آسان می‌کند خوب لباس چه اشکالی دارد مثلاً آن لباس را پیوش خب این معماری چه اشکالی دارد خب این معماری یونانی اگر بیاید در شهر قم هم قرار بگیرد چه اشکالی دارد الآن هم می‌بینید در شهر قم هم بعضی جاها همین معماری یونانی آمده به‌عنوان پیشانی به‌اصطلاح خانه‌های ما شده است نگاه کنید بعضی جاها را چه اشکالی دارد اصلاً متوجه نیست این معماری چه بنیاد و چه معنایی را خودش رو به این شکل درآورده است که به این سبک درمی‌آید برای ما معنادار نیست ورزش هم چه اشکالی داره مثلاً همین ورزشی که فوتبالی که دارن می‌کنن من الآن مشکلم محض فوتبال نیست مشکلم مثل والیبال نیست بحثم این‌ها نیست مشکلم در نوع رفتار است الآن می‌خواهیم

من نمونه بگویم خودتان بگوئید این جوری هستیم میان آن مربی می گوید هر وقت دیدی دارد می رود به سمت دروازه می خواهند گل بزنند شما پاش را هم زدید اشکال ندارد چه در این جا وجود دارد که به او این اجازه را می دهد یک معنایی است که ایشان را به این سمت کشانده است این جوری ورزش فضای خاصی را پیدا می کنند ما ورزش باستانی را هم داریم شما نگاه کنید در ورزش باستانی اگر یک جوان برود آهسته آهسته داردهنجاها را اسلامی ما را یاد می گیرد با آن کنار می آید حتماً شنیدید در مورد ورزش باستانی بعضی از این اصولی که آن جا رعایت می کنند مثلاً بزرگتر و جوان تر چه رابطه ای با هم دارند و چگونه با یکدیگر باید ادب کنند نوع تعاملاتی که گفتند ما اسمش را می گذاریم ورزش ولی درونش هزاران معنی است که در آن به یک جوان القا می کنیم من الان نمی خواهم بحث را بحث بر سر ورزش ندارم بحث اتفاقاً مسائل اجتهادی سنگینی را می طلبد و ما الان آسان بسیاری را می طلبد اما الان آسان داریم از کنار بسیاری از این ها می گذریم آوردیم و بعضی ها را داریم رفوهای می کنیم بعضی ها را دست زدیم اندکی ولی خیلی از چیزها همانگونه مانده است الان مثلاً بانک آمده سینما آمده که ما الان معتقدیم مواجهه تمدنی ما بیش از این که دو هویت تمدنی چون داریم پس مواجهه داریم حتی مشکل ما این است که تمدن غربی خودش را بر بسیاری از فضاها و فرهنگی جهان و جوامع تحمیل کرده است چه بخواهیم چه نخواهیم تحمیل کرده است الان هست در هر جایی که بروید البته یقیناً در هر فرهنگی که می رود آن فرهنگ بالاخره به قوت هایی که به اندازه قوت هایی که دارند چون بعضی از فرهنگ ها از لحاظ هویت سست اند و زود قابل تغییر اند بعضی از فرهنگ ها به حدی به اصطلاح محکم نیستند

که بالاخره تغییری ایجاد می کنند من انکار نمی کنم که می شود تغییر داد و دادیم بعضی را ولی این را بدانید که در فضای جدید ما اصلاً باید بگوئیم که بسیاری از مسائل تمدن غربی آمده در مان چه بخواهیم چه نخواهیم بالاخره خودش را تحمیل کرده است به هر دلیلی تحمیل کرده است البته من فقط معتقد نیستم که در اینجاست این ها در سطوح علمی هم کاری کرده اند که اندیشمندان و فرهیختگان ما فضای علمی آن ها را تحمیل می کنند و اندیشه هایی که می خوانند بویژه در علوم انسانی برای خودش بحثی دارند آن ها هم مزید بر علت شده . همه آن ها جمع شده است و باعث می شود که مواجهه تمدنی ما جدی می شود یعنی ما احساس می کنیم که فرهنگ ما چنین چیزی را نمی خواهند ولی ما این گونه زیست می کنیم الان در صحنه اجتماعی ما این گونه زیست می کنیم چاره ای نداریم و احساس هم می کنیم که با ما نمی سازد بسیاری از تکنولوژی های برتری که الان آمده به صحنه آمده بعضی از آن ها را می بینیم بسیاری از آن ها را می بینیم که با ما سازگار نیست به این نحوه اش الان اینک داریم استفاده می کنیم می فهمیم فی الجمله این استشمام را می کنیم اصلاً کلاً هر فرهنگ این جوری است یعنی وقتی چیزی می آید و ببینند با آن جور در نمی آید اول آن را استشمام می کند استشمام آغاز مواجهه است ما عرض می کنم مواجهه ما نه فقط به خاطر این است که دو هویت داریم اصل و اساس آنست بلکه حتی به خاطر درگیری های بیشتری است که داریم عملاً آمده است در فضای ما بویژه این که یک امر سومی هست که الان دارند بیشتر مسائل را آشکار می کند آن ارتباطات جهانی است که برقرار شده بیش در تاکید کرده و تحریک کرده مسئله مواجهه تمدنی را چرا که این ارتباطات به حدی شده است که کسی

که در این طرف کره با آن طرف کره هر روز می‌تواند ارتباط داشته باشند و حتی می‌تواند بسیاری از آداب و سبک زندگی او را بپذیرند و بیاورد داخل قرار دهد این عوامل باعث شده است که ما مواجهه تمدنی مان جدی است من خواستم این مقدار را توضیح دهم و گرنه خودش یک بحث مفصلی است و جداگانه می‌باشد و مقدمات هم بسرعت می‌گذرم چون می‌خواهم این اصل بحث را به سرعت می‌گذرند من فقط می‌خواهم فقط اصل بحث را بیان کنم این مواجهه تمدنی جدی است و ما هم می‌دانیم که بنیادهایی داریم بنیادهای کلان هستی‌شناختی و انسان‌شناختی که اصلاً سازگار با فضای تمدن غربی نیست ولی مواجهه داریم الآن این را می‌فهمیم به هر دلیلی فهمیده شده فی‌الجمله از طرفی ما باید خود را در کش اجتماعی تمدنی

خود را معنادار کنیم برای خود یعنی اصلاً مواجهه هم نبود ما باید این حرکت تمدنی را می‌گذاشتیم یعنی نه برای مواجهه اینکار را بکنیم اصلاً ما می‌خواستیم باید خود را معنادار می‌کردیم اگر هیچ جای جهان خبری نبود حتی اگر ایران بود و این مجموعه به اصطلاح مردمی که در ایران هستند و قبول اندیشه اسلامی و می‌خواستند با آن زیست کند خود این باید بسط پیدا کند خودش باید معنادار بشود و طبیعتاً احتیاج دارد به یک تأملات جدی بنیادی عملی و اقدامی برای رسیدن به فضاهای تمدنی گسترده اسلامی که دنبال آن هستیم یعنی حتی اگر مواجهه هم نبود ما نیاز داشتیم می‌خواهم بگویم به دلایل متعدد ما لازم داریم بحث تمدنی را مطرح کنیم به‌ویژه بحث مواجهه تمدنی که اکنون جدی است و ما مشکلات فراوانی هم در این زمینه داریم که در ادامه من خواهم پرداخت خب بر اساس این بحثی که عرض

کردم مواجهه تمدنی به‌ویژه امروز که این مواجهه تمدنی جدی شده برای ما مواجهه تمدنی تمدن غرب با تمدن اسلامی که قرار است ما آن را پدید بیاوریم و این که ما احساس می‌کنیم حالا ما به‌عنوان طلبه به‌عنوان به‌اصطلاح حوزه علمیه علمای ما در حوزه علمیه چه جایگاهی دارند طلبه‌ها چه جایگاهی دارند علما چه جایگاهی دارند اصلاً خود حوزه چه جایگاهی دارد در این فضای تمدن‌سازی اسلامی و در این مواجهه تمدنی موضوع بحث ما چون این است من آن دو تا بحث را خیلی بسرعت گذشتم که فضا را به این کشانم به این جا بعد از این که دانستیم مواجهه تمدنی هست خب حالا ما چکار باید بکنیم ما در کجای این قضیه قرار می‌گیریم بنده معتقدم اگر کسی فضای تمدنی را درک کنند باید بگویند حوزه علمیه جزو مغزهای متفکر فضای تمدن اسلامی است اگر فضای تمدنی را درک کنیم که تمدن براساس آن بنیادها و براساس آن راهبردهای کلانش و بسط آن و بعد به شکل اجتماعی گسترده شدنش می‌شود تمدن این را درک کنیم یکی از مهم‌ترین مراکز آن می‌شود حوزه‌های علمیه البته من منظورم این نیست فقط حوزه علمیه می‌گوییم یکی از آن‌ها یعنی واقعه این بست تمدنی نیاز به خیلی از امور دارد من قصد ندارم در همه‌اش وارد بشم فقط در همان فضایی که موضوع بحث ماست مأموریت طلبه عصر انقلاب است در مواجهه عصر تمدنی که من به این فضا اکنون می‌پردازند و الا که بحث گسترده‌تر است بی‌خود نیست امام مسئله اتحاد حوزه و دانشگاه را مطرح کردند که اگر کسی بخواد دنبالش را بگیرد این یک نگاه کلان راهبردی است برای این جور کارها والا نمی‌شود کار را پیش برد برای خودش توضیح دارد الآن قصد ورود ندارم دیگه فقط مأموریت طلبه را و مأموریت حوزه را بگویم حوزه چه

جایگاهی دارد ببینید ما عرض کردیم فضای تمدنی فضای خاصی است براساس آن بنیادهای اساسی و راهبردهایش و بسته عالمانه عاقلانه و عینی اش می تواند تبدیل شود به تمدن خب اگر این است آن بنیادها کجا باید شورانده بشود ما احساس نکنیم مثلاً الان همه چیز آماده است ما الان گفتیم به اصطلاح روح تمدن اسلامی حذف بندگی و توحید محوری بسیار خوب این را گفتیم قبول ولی این خیال نکنیم این یعنی در هر مسئله ای ما می توانیم بگوییم دقیقاً چیست و چگونه باید عمل کرد این گونه که نیست الان عملاً مانع داریم خیلی از این ها را ما الان در سیاست خارجی بعضی از این ها را توانستیم اعمال کنیم به برکت حضرت امام می بینید به صورت معیارهای شاخص ما درآمده است.

ولی شما الان در سینما می گوید چکار باید بکنیم که بحث های جدی دارد و من نمی خواهم وارد بشم مثلاً در مورد سینما بحث های جدی دارد شما باید بگویید از نظر فلسفی هویت سینما چه هویتی دارد این را درستش کن اول در ابتدای کار اگر این را درست کردید صنعت افشا می آید با تمام بحث ها بحث هایی که ما داریم به عنوان مباحث این که باید بسیاری از آن اخفا بشود چکار باید بکنید جمع بین اخفا و افشاء چگونه باید باشد بر ما می شود یک پرسش جدی تازه ما می رسیم به سر صحنه ای که باید چکار باید کرد بعد از آن می خواهیم چه بگوییم می خواهیم بگوییم که نگاه این گونه باشد که مثلاً بانک امروز که ما می بینیم این بانک خوره ای شده برای ما با این سبکی که الان هست چه مشکلی وجود دارد بعضی الان می گویند به راحتی که آقا اصلاً ربا را بردارید که نمی شود بانک داشت که بعضی می گویند این ربا نیست من دیده ام بعضی از دوستان ما تلاش می کنند که به اصطلاح

همین را با یک صورت مسئله شرعی طرح کنند مثلاً من دیدم این کار کنه خیلی هم زحمت کشیدند خدا رحمت کند بعضی از این هایی را که به رحمت خدا رفتند و آن هایی که زنده هستن را خدا حفظشان کند و ان شاء الله ادامه بدهند ولی واقعیت بیش از این حرف هاست من می دانم کمی جلو بروم می گویند این هم جور در نمی آید باید فکر دیگر کنیم من عرضم این است این جاها ما باید چکار کنیم این جور نیست که الان یعنی همه چیز آماده است و ما باید مثلاً بندگی و توحید محوری این خیال کنیم که در همه جا و در همه صحنه ها ما بسیاری از پرسش های جدید الان در فضای مجازی ما عملاً باید چکار کنیم تصویر نداریم اگر به ما بگویند در فضای علوم انسانی که پایه است باید چکار کنیم می گویم که الان حرف زیادی نداریم نمی گویم زیاد نداریم خیلی حرف زده شده ولی آنکه در قد و قامت آن تمدن نوین اسلامی می بینم را عرض می کنم خب این ها باعث می شود که ما این جوری بگوییم تلاش عالمانه پیگیرانه و هدفمند به عنوان مأموریت باید داشته باشیم و پیشرفت یعنی اگر کسی این گونه نگاه نکنند نمی شود اصلاً یعنی بگوید خوب حالا ما کارمان را یک نگاهی هم نیم نگاهی هم به این مطلب هم داریم خب یک نگاهی می کنیم ببینیم چه می شود حالا دیگه یک تأمل می کنیم شاید بشود چیزی در این زمینه بدست آورد این گونه نه این گاهی عمر می خواهد تا به نتیجه برسد گاهی باید پروژه عمری انسان بشود و ده بار برود و برگردد تا این طرح ببینیم خلأ های اش کجاست و خود او خلأ های علمی آن را پیدا کنند و خلأ های معرفتی اش را پیدا کنند خلأ های عملی اش را پیدا کند و بعد بتواند حلش کند دقت می کنید و این گونه ام احساس نکنید که ما الان گفتیم تمام می شوند و باید خیلی مراحل طی شود شاید اگر فرصت کردم در آن

اواخر به این مسائل بیردازم حالا عرضم این است ما باید چکار کنیم بست بنیادها بدهیم اولاً بنیادها را استحصال کنیم و ثانیاً بسته‌ایم بنیادها و حتی گاهی احساس نکنیم خیال نکنیم که خب ما قبول کردیم عقل را حتی باید بگوییم کدام نوع عقل را می‌پذیریم در بنیادها به‌عنوان روش ما حتی عقل خشک داریم که گهگاهی فضای آن فضای تمدن اسلامی نخواهد شد ولو به اسم عقل هم هست می‌خواهد ماورا را هم حتی قبول کند باید توجه داشته باشیم یعنی می‌خواهم مذاقه در بنیادها داشته باشم و حتی می‌ای جلو جلوتر خیلی از مباحث انسان شناسانه انسان شناسانه ما هنوز تنقیح کامل نشده است یعنی نمی‌گوییم اصل اندیشه در متون اندیشه در متون دینی ما هست ولی که باید آن‌ها را بشوراند این حوزه‌های علمیه است که باید آن را بشوراند بشورن چگونه معطوف مسأله نه صرف به این که من یک مسئله‌ای را فهمیدم معطوف به مسئله تمدن اسلامی و پدیده تمدن اسلامی این خیلی مساله را تغییر می‌دهد صورت مثل تغییر می‌دهد و این باعث می‌شود طلبه برای خودش یک الزاماتی پیدا کند من در ادامه عرض می‌کنم می‌خواهم چه بگوییم می‌خواهم بگوییم که اگر کسی خوب دقت کنند این بنیادها را باید شوراند این بنیادها کجا باید شورانده شود یکی از پایگاه‌های مهم آن حوزه علمی است البته به شرطی که این را به‌عنوان یک مأموریت تلقی کنند و یک وظیفه در در دل تمام علوم خود تعریف کند این یعنی نه این که یک وظیفه جانبی وظیفه در دل تمام علوم خودش مثل فلسفه است مثل حکمت عملی عرفان فقه اصول من الان به شما عرض می‌کنم در اصول شما بخواهید فضا را اجتماعیم ببینید یک دسته پایه‌های اصولی ویژه می‌خواهید که هیچ کدام حاصل نیست من برخی از اندیشه‌ها را می‌بینیم که حضرت

امام فرموده خیلی عالی‌ست بسیار خوب پایه‌های اصول اولیه را گفته ولی ما خیلی از بحث‌های اصولی جدی می‌خواهیم که هنوز حل نکردیم و ما با اصول عملی نمی‌توانیم که فضای اجتماعی را بگردانیم و من با اصول عملی نمی‌توانیم فضای اجتماعی را بگردانیم و فکر نکنم که هیچ فقهی به خودش اجازه بدهد در فضای اجتماعی با اصول عملیه بخواهد بسیاری از محل اصل برائت می‌گوید که می‌گوید بجا ولی با احتیاط و این‌ها نمی‌تواند کار را حل کرد در اجتماع اجتماع در فضای اجتماع بریدن تمام کردن است کار را پیش بردن است برای خود مبنا می‌خواهند بسیاری از مباحث اصولی است که ما هنوز تا درگیری و دغدغه ما نشود نمی‌رسیم بنده دیدم بعضی از این سروران چون دغدغه مسئله‌ای را داشت دو سه تا از پرسش‌های جدی فلسفی را مجبور شد خود پاسخ بدهد چون می‌دانست اگر ندهد این حل نمی‌شود ولی وجود ندارد در فلسفه اسلامی ما ولی این میراث ما زمینه زمینه‌ای دارد که اگر این زمین را نگاه کنیم و این بستر را نگاه کنیم و این ریشه را نگاه کنید باید چنین نتایجی به دست بیاید و این نتایج را او باید بگیرد این وجود ندارد کی باید انجام بدهد طلبه کی باید انجام بدهند عالم حوزه ماکی بد انجام بدهد حوزه علمیه کی مأموریت دارد حوزه علمیه یعنی حوزه علمیه مأموریتش همانگونه که قرار است دین مردم را حفظ کنند که حق است باید برای تبلیغ هم کار کند که حق است برای اندیشه مردم هم باید کار کنند باید به اصطلاح عالمانی را در فضای معارف تقویت کنیم که حق است باید و باید برای زیست مردم زیست اجتماعی مردم که اساساً در این زیست اجتماعی است که مردم دارند همه چیز را یاد می‌گیرند همه چیز را می‌پذیرند همه چیز را همراهی می‌کنند یا خراب می‌کنند این زیست

اجتماعی جزو مهم‌ترین‌هاست که فضای تمدنی این را باید فکر کند این باید بشود دغدغه همه علوم والا عرض کردم که این جایگاه مهم پیدا می‌کنیم فقط یک چیز است در این جا که ما داریم انجام می‌دهیم باید به چند چیز توجه کنیم

کسی که می‌خواهد در این فضا برود باید سعی کنند باز این را سعی می‌کنند بسرعت تمام کنیم چون برسم که طلبه باید به صورت عینی تر چکار کند ان شاءالله عرض می‌کند ببینید ما یک دسته بحث‌هایی داریم از فضای تمدن غربی آمده ما باید پاسخ جدیدی بدهیم و الان مردم ما درگیر هستند مردم ما دارند همان الگوی تمدن غربی را اجرا می‌کنند ما باید چکار بکنیم این خیلی احتیاج دارد ما باید پس چطور باشیم معاون ناظر بر این فضا باشیم ناظر بر تمدن غربی باشیم اولاً ناظر بین عینیت باشیم دوم کسی که می‌خواهد وارد بر این بشود ناظر به تمدن غربی باشیم یک ناظر و ناظر به عینیت باشیم دو ناظر به فضای متن معطوف به این عینیت باشیم س این کارها باید با هم جمع شوند تا نتیجه گرفته بشود و الا نمی‌شود خب من به این مقدار اکتفا می‌کنم اما البته مطالبی هست که من همین جا باید می‌پرداختم دیگه گفتم بگذریم مثلاً راهبردها را من می‌خواستم مطلبش را توضیح بدهم فرصت نیست این بحثی که پیش آمده بعضی از سروران مطرح می‌کنند عقلانیت و معنویت و تعبد این سه باید کنار هم باشند این راهبرد کلان تمدن اسلامی است من نمی‌خواهم ورود کنم اگر کسی بتواند این را توضیح بدهد خیلی از مباحث را می‌تواند دگرگون کند خیلی از نتایج را که ما امروز داریم براساس این عقلانیت نیست یک عقل تجربی مادی خاصی از فضای مدرن به ما رسیده و ما براساس آن الان تصمیم می‌گیریم و

این درست نیست و حالا این بنیادها بعد از این بنیادها و راهبردهای کلان که من به سرعت گفتم چون می‌دانم وقت نداریم باید تماش کن اما مسئله بعد مسئله جدی‌تری که داریم مسئله میانه فضای تمدنی است یعنی در فضای فرهنگ ما یک بنیادها داریم یک لایه بنیادین داریم و یک لایه بعدی داریم بنام به اصطلاح لایه میانی که من از آن تعبیر می‌کنم معطوف به علوم انسانی است پاسخ‌های در خور برای فضای اجتماعی از ناحیه علوم انسانی این پایه دوم یعنی در خط دوم قرار می‌گیرد پایه سوم سطح عینی روی صحنه زندگی است که معمولاً به آن فقه می‌گوییم و در آن جا حاضر می‌شود دقت می‌کنید فقه آن جا حاضر می‌شود پیش از فقه ما با علوم انسانی باید روبرو باشیم و پیش از آن باید با فلسفه آن روبرو شویم یعنی بنیادها ما با همین سه ساحت روبرو هستیم و بدانید کسانی که می‌خواهند در کار این نوع مباحث تمدن اسلامی بیایند مثلاً می‌خواهد برود در فقه مثلاً می‌خواهند بروند در فقه حکومتی می‌خواهد برود در فقه فرهنگ صرف فقه فرهنگ کار را حل نمی‌کنند برای اول برای اول کار چون تشخیص موضوعی درست است چاره‌اش کجاست باید علوم انسانی معطوف به آن را بداند و چاره‌اش این است این علوم انسانی را باید براساس آن فلسفه برآمده از فضای متن دینی یعنی فلسفه آن بنیادهای فلسفی که برآمده از متن دینی است تأمین بشود یعنی اولاً او بگذارد این گونه بگویم فلسفه فرهنگ را باید درست کنید بعد از آن باید من نمی‌گویم این را هم یک نفر انجام بدهد بحثم این نیست این مأموریت کلان کلان حوزه علمیه می‌شود فلسفه فرهنگ را باید مطرح کنید بعد از آن هویت اجتماعی فرهنگ که در جامعه‌شناسی مطرح می‌شود و در مردم‌شناسی و در این دسته از علوم مطرح می‌شوند را باید حلش کرد

به شکل اسلامی‌اش نه به شکلی که امروز وجود دارد دوم و سوم آن می‌شود فقه فقه فرهنگ با نگاه به این‌ها می‌توانیم بگوییم بگذارید من به‌عنوان نمونه برایتان بگویم که واضح بشود بنده خدایی بزرگواری عالم بسیار بزرگواری واقعاً بزرگوار در یک مسئله اقتصادی گفته بود شما این‌گونه انجام بدهید آن‌ها این‌که کارشناس بوده‌اند به‌اصطلاح از کارشناسان اسلامی که معمولاً از شاگردانشان بودند به ایشان گفتند که حضرت آقا اینی که شما می‌گویید می‌دانید لازم‌هاش چی است من می‌گویم لازمه بین اینا فقط گفتن لازم لازم‌هاش می‌شود این گفت پس اگر این است پس دیگر نمی‌خواهد اجرا کنید گفت یعنی همان از نظر چون خودش نمی‌داند اگر این مطلب گفته شده لازم‌هاش اگر این است خوب که این نباید باشد پس نباید بگوییم چرا این‌گونه شده برای این‌که تشخیص موضوعی نیست برای این‌که کسی تشخیص موضوعی داشته باشند می‌گوید تا من این حکم را بدهد لازم‌هاش این است وقتی این است این نباید باشد پس این نباید پس باید چیز دیگر باید بگوییم این از کجا نشأت می‌گیرد به دلیل تشخیص موضوعی تشخیص موضوعی زیر سر چیست باید آن علوم پیشین پشتیبانی‌کننده را بدانیم ولی متأسفانه الان ما اگر بخواهیم فلسفه فقه را فقه فرهنگ را بگوییم فقه فرهنگ را بگوییم آن فرهنگ موجود در علوم اجتماعی امروز گهگاهی کافی ما نیست یعنی ما باید یک علوم انسانی مخصوص به خود را داشته باشیم یعنی علم اجتماعی مخصوص به خود را پدید بیاوریم آن‌ها با نسبیت مساله را حل می‌کند ما در فرهنگ خودمان این معنا ندارد نسبیت ولی او دارد کلاً آن فرهنگ را هویت فرهنگ را فضای فرهنگ را یک گونه‌ای که با نسبیت درست می‌کند و به شکلی می‌خواهد فرد اصلاً مثلاً آزادی و اختیاری ندارد و

جبر اجتماعی است خب وقتی این‌ها را می‌گوید من باید چکار کنم آقا این فرهنگ را من باید بپذیرند و باید در کار خودم بیاورم این‌که نمی‌شود من باید چکار کنم چاره‌اش این است که یک علم اجتماعی مناسب فضای اسلامی درست کنیم و این چاره‌اش چیست باید آن فلسفه پیشین پشتیبانی‌کننده به‌اصطلاح فرهنگ را بحث کنیم فلسفه فرهنگ را یعنی من باید بگویم فرهنگ چیست چیستی فرهنگ نحوه وجود فرهنگ از این بحث‌ها کنیم آن را درست کنند بعد برسم به علوم اجتماعی مربوطه این فقیه که می‌خواهد در فرهنگ نظر بدهد اگر این‌ها را بداند و معطوف به متن دینی بخواهد نظر بدهد درست پاسخ می‌دهد ببینید حلقات متصل به هم‌اند و لذا یک مأموریت کلان درست می‌کنند نه مأموریت به‌اصطلاح جزئی موردی بنده هم نمی‌گویم همه طلبه‌ها باید همه حوزه‌ها را خودشان بیابند انجام بدم من عرض می‌کنم بین طلبه‌ها باید تقسیم بشود هر کدام حوزه‌ای را انتخاب بکنند بعدها ما میراثی پیدا کنیم که این میراث ما را به‌جایی برساند که این عالم بگوید من وقتی می‌خواهم در فقه کار کنه با خواندن این کتاب‌ها با این مقدمات می‌فهمم این‌جا چه خبر است و بعد می‌آید در سر صحنه و براساس آیات و روایات و حالا فهم درست از آیات و روایات که بعضی مواقع بعضی‌ها گمان می‌کنند آقا به این‌ها احتیاج نداریم که ما خودمان همان‌طور که جرم شروع می‌کنیم و می‌خوانیم آقا این حرف‌ها چیست ما باید آیه و روایت را بله من هم می‌گویم ای و روایت‌ها ولی این‌جوری فهمیدن نیست بذار من به عنوان نمونه بگویم ما یک استادی داشتیم بسیار بزرگوار در فقه واقعاً قوی قدر رسید به یک حدیثی از رسول‌الله که رسول‌الله وقتی که داشت در مدینه دیوار را می‌ساختند دیوار را جوری

ساختند که موقع ظهر سایه نداشت و مردم با این که می‌دیدند سایه ندارد متوجه می‌شدند این ظهر شده است ایشان می‌خواست هر طور شده این راه حلش کند که این سایه نداشت یعنی چه نمی‌توانست آن را حل کند چرا چون هیئت نخوانده بود ولی استاد معظم علامه حسن‌زاده آملی به راحتی چون این دیوار به وزان نصف‌النهار ساخته شده بود کسی هم اهلس باشد می‌فهمد که چطور بند اتفاقاً شیخ بهائی همین را چون دید این را آمد در همان مسجد اصفهان پیاده کرد همین عمل رسول‌الله را دقت می‌کنی یک پله‌ای را جوری قراردادی گوشه‌اش را به شکلی درآورد به وزان نصف‌النهار مردم می‌آمدند می‌دیدند سایه ندارد می‌گفتم ظهر شده این را شیخ بها انجام داد خوب این عالم به اصطلاح قادری که من در حوزه می‌شناختم و جزوه بسیار به اصطلاح قوی در فضای فقه من می‌شناختم واقعاً یعنی ولی نمی‌توانست از پس این حدیث بر بیاید دلیلش چیست با آن موضوع آشنا نیست ما روایات اهل بیت همه چیز را گفته‌اند ولی باید موضوع شناسی باشد که بفهمه این‌جا چه خبر است والا نمی‌شود بد می‌فهمیم خب این احتیاج دارد به یک مقدمات اینی که عرض کردم عملاً ما اگر بخواهیم یک تلاش علمی بکنیم در فضای تمدنی که به آن نتایج برسیم چکار باید بکنیم باید این پله‌ها را پر بکنیم شما فقه حکومتی من بعضی را می‌بینم که فقه حکومتی بینات بحث‌های حاکمیت را نمی‌دانند بینات بحث‌های حاکمیت را اگر نه منظورم این است یعنی شما لازمه طبیعی حاکمیت یک دو سه چهار این‌هاست ایشان این را نمی‌دانند و در فضای فقهی هم نمی‌تواند اعمال کند خب این نقص اش کجاست مقدماتی که باید بحث‌های فلسفه سیاسی را بخوانند و بحث‌های قبل از را باید بخوانند و به لحاظ اجتماعی و حکمت

عملی نخوانده است اگر می‌خوان اصلاً به این‌جا نمی‌کشید ما این ارز ارز زمان رویه این است نمی‌گوییم او باید مجتهد شود عده‌ای باید در حکمت عملی مجتهد شوند و عده‌ای باید در فلسفه سیاسی مجتهد شوند عده‌ای باید در فقه حکومتی مجتهد شوند ولی به شرطی که بنیادهایی را درست کنند حلقات متصل بشود این را برای چی عرض کردم می‌خواستیم این را بگوییم می‌خواستیم این را بگوییم ما اگر می‌خواهیم تلاش علمی بکنی واقع اش را باید در نظر بگیریم حلقات متصلش را در نظر بگیریم این سبک باید کار کنیم لازم‌اش می‌دانید چیست حالا طلبه باید چه کار بکند این را که گفتیم طلبه باید چکار بکنم بنده معتقدم طلبه اگر یک فضای دارد که فضای به اصطلاح تمدن اسلامی است و دغدغه تمدن اسلامی و می‌بایست هم داشته باشد با این توضیحاتی که عرض کردم در مقدم او باید چند کار را انجام بدهد تا بشود این را درست کرد اولاً

باید دغدغه‌اش دغدغه‌اش را پیدا کند و اما متأسفانه بعضی مواقع دغدغه را خوب منتقل نمی‌کنیم یعنی تلقی درستی از فضای تمدن عصر تمدن چکار می‌خواهد بکند چی هست و چگونه باید بشود چه چیزهایی را باید در آن در نظر گرفت چه مراحل دارند چه مقاطعی دارند توی هر علمی چه می‌شود این‌ها باید به گونه‌ای دغدغه ایجاد بشود این اولاً باید دنبالش گشت شوند حالا اگر محصول آمده است بسم‌الله استفاده کنید نشد او باید دنبالش را بگیرد در لابه‌لای کتب گرچه من معتقدم الان وجود دارد فعل جمله که نشان می‌دهد چه دغدغه‌هایی به اصطلاح باید پیدا کرد اولاً دغدغه مند باشیم یعنی نشود بگوییم حالا خوب آمدیم در طلبگی و خوندیم دیگر و الان رسائل مکاسب می‌خوانیم لمعه می‌خوانیم و دیگر تمام شد دیگر همین طور

عادی من نمی‌گوییم این‌ها را نخونید من می‌گوییم باید بخوانید ولی به همین‌ها اکتفا کن خب این همان این چیزی است که قبل از انقلاب هم بوده است ما الان قرار است کاری بکنیم این باید دغدغه پیدا کنند براساس این دغدغه حتی تمام این متن‌ها هم معنادار بشود باور کنید بعضی از این متن‌هایی که الان نوشته شده و ما می‌خوانیم اگر من سؤال داشته باشم این یک پاسخ س خیلی خوبی است وگرنه سؤال کابل نداشته باشم پاسخی وجود نخواهد داشت نه این که پاسخی نیست پاسخ وجود دارد من به آن متوجه نیستند و برخی از مواقع این‌گونه است در اثنای این من باید بفهمم خلاصاً کجاست باید بفهمم لذا اول دغدغه بعد از دغدغه فهم درست صحنه یعنی درحقیقت در صحنه‌ای که می‌خواهند وارد بشوند قبش درست باید فهم درستی پیدا کنند من معتقدم این را فکری بکنیم در حوزه یعنی کسی که در یک زمینه ای الان ما باید بعضی از سروران را داریم در علوم اجتماعی الان درخشیدند خوب این‌ها به این صحنه را مشخص کند ما داریم بعضی‌ها را در هرمنوتیک درخشیدند به این صحنه را مشخص کنند ما داریم بعضی را در فلسفه سیاسی خوب درآمده کارشان خوب بیایند این صحنه را برای دیگران مشخص کنند اصلاً صحنه چیست فهم صحنه چیست البته فهم صحنه کلان را عرض می‌کنم بحث‌های تمدنی را باید یک نفر بیاد برای ما بگوید و آثاری هم وجود دارد این آثار جوری باید به طلبه‌ها منتقل بشود و خواننده شود بعضی از آثاری که در فضای تمدنی دارند کارهایی را می‌کنند منتقل منتقل بشود بعد از آن پدید آوردن حلقات بود که من عرض کردم حلقات متصل از بنیاد تا سطح بعد از آن هم اجتهاد درست اجتهاد درست بر اساس این حلقات که عرض کردم و پس از آن هم یک مسئله‌ای هست

بنام پیگیری‌های اجتماعی پیگیری‌های اجتماعی را مرحله بعد است من الان نباید فقط داشت نفس علمی آن را می‌انداختم پیگیری‌های اجتماعی هم مسئله جدی است یعنی شام محصولی را فراهم آورده‌اید چکار باید بکنید این را در عینیت جامعه آن را حتی باید حوزه ورود کنند ما باید یاد بگیریم شیوه‌های جریان سازی را ما باید یاد بگیریم راه‌های ارتباط با حاکمیت را به نحوی که حاکمیت را درگیر کنیم برای این نوع مسائل ما این راه‌ها را باید طی کنیم لذا این پیگیری‌های اجتماعی خاص خودش را می‌خواهد که در جای خودش اما طلبه ما باید چکار کند بنده معتمد طلبه از اول یک کار را حتماً باید اولش داشته باشد از اول تا آخرش آن چیست این که تمام سنت را خوب هضم کند همه آنچه که به‌عنوان سنت و میراث دارند از فقه از اصول از صرف نحو هرچه که هست از فلسفه هرچه که هست این را هضم کند دو جور می‌شود خوانند هضم کردن خوب هضم کردن این که تمام ولی من عرض می‌کنم تمام شدن نه وی که بیش از این او احساس کنند مأموریت دارد ولی سنت پایه آنست یعنی من می‌دانم ریشه این است ولی باید شاخه‌هایی را خود از دل این ریشه بدست بیاورم دقت کنید دنبال چه هستیم این طور نگاه کند اولاً سنت در آن قوی شود لذا بعضی از طلبه‌ها را می‌بینیم چون می‌خواهم معقولیت داریم برای تمدن اسلامی نمی‌دانم مأموریت داریم برای ... صرف و نحو را جدی نمی‌گیرند با این که نمی‌شود تو باید قدرت داشته باشی برای استنباط خوب صرف و نحو و هم باید درست باشد دیگر باید فضای کاری تو درست باشد باید مثلاً می‌خواهیم در فضای فلسفی نظر بدهید خوب فلسفه درست نباشد سرمایه جمع نگری نکرده باشی قدرت کار فلسفی نداریم تو در زمینه کار نکرده باشی که نمی‌توانی لذا ما می‌گوییم

سرمایه‌ها را خوب جمع کن سنت را خوب ولی خوب قدرت بهتری دارد سریع‌تر بخوانند کی گفته است حتماً باید آن شکل باشد من اوایل نمی‌گویم خوب اوایل یک ضوابطی دارد طبق ضوابط باید باشه بعد دیگه بعدش را نمی‌دانم و باید مسئولین خودشان با طلبه‌ها حل کنند ولی برخی از جاها من دیده‌ام طلبه‌ای یک فن را در عرض یک‌سال و نیم و دو سال خوانده شاید باور نکنید و تمامشان را خوانده است شیوه عمر داشته و به کارهای دیگری هم رسیده است ما تعطیلات حوزوی مان وقتی زیاد است اگر بخواند تمام کارهایش را تمرکز بدهد در تعطیلات حوزوی این تمرکز زدن کار را حل می‌کند یکی از شیوه‌های مهم پاسخ گرفتن طلب تمرکز است تمرکز خوب باشه من الان پنج تا درس دارم در روز چهار تا در روز در طول سال تعطیلات حوزوی ما مگر کم است؟ خیلی می‌شود استفاده کرد بهترین کارها را می‌شود آن‌جا انجام داد یکی از این طلبه‌ها می‌گفت من بیشترین درس‌هایم را در تعطیلات خواندم یعنی همراه هم می‌خواند افزون بر آن کارهای اصلی را در تعطیلات انجام داد هر کتابی را که باید می‌خواند هر کتابی را از این کتاب‌های فقهی و اصولی و فلسفی و هرچه که می‌خواست بخواند این شکلی می‌خواند این راهش است پس سنت را خوب بخواند بله در سنت نماند یعنی چه یعنی این که خوب من خواندم همین دیگه من نمی‌گویم من معتقدم کسی که سنت را بخواند توضیح دهند خوب بخواند توضیح دهد یعنی خود انتقال‌دهنده است به نسل بعدی اشکال ندارد خوب است ولی این تمام کار نیست دقت می‌کنید این خوب است من حتی این را ایراد نمی‌گیرم بعضی ایراد می‌گیرند و اتمام می‌گویم خوب است همین قدر هم زحمت کشیده است خوب است دارد انتقال می‌دهد خوب است خب تو بعدش انجام

بده این یک که عرض کردم بعد از آن باید چکار کنند یعنی عرضم این است تمام آنچه که باید از صرف نحوه اصول هر چه که باید بخواند به آن قوت‌هایی که باید بخوانند هیچ قوت‌ها را حذف نکند همان سبک طلبگی که می‌دانید باید حتی مرجع ضمیر را درست کند باید حتی تحقیقی‌ترین مسائل بنیادی را حل کند در همان‌جا یعنی همه را یکجا طلبه‌ای که می‌خواهد قوی کار کند باید از سطح تا عمق همه را بخواند درست شد بعد از آن یک چیز دیگری هست که به نظرم باید روی آن تمرکز کرد چیست ما الان قراره دغدغه مند باشیم و هدفمند کار کنیم از اول باید معطوف به این دغدغه باشیم این معطوف به دغدغه بودند چکار باید بکنیم بنده معتقدم از همان اوایل آثاری را که الان برخی از سروران در رشته‌ای که او می‌خواهد وارد شود پدید آورنده‌اند آهسته‌آهسته با آن‌ها درگیر شود از الان شروع کند به صورت جانبی اصلاً قرار نیست دروس اصلی باشد ولی سؤال پیدا کند اندیشه پیدا کند نکته‌ها را بیابد و دقت‌های آن شخص را در سنت توجه کند شیوه کارش را یاد بگیرد این‌ها را که می‌شود انجام داد طلبه که کنارش به‌عنوان یک کار جانبی را انجام داد کمکش می‌کند و هر جایی سؤال من شد هر جایی هر کس هر نکته‌ای را می‌گوید برایش معنادار می‌شود دقت می‌کنید از اول اول شیب را تند نگیرد برای این که بخواند مثلاً برود به سمت رشته خصوص خودش اول شیب را تند نگیرند مگر عده‌ای خاص عده‌ای خاص منظورم چیست منظورم کسی که راحت می‌تواند جمع کند بین این محکم خواندن سنت و بین آن کارهای عمیقی که در رشته عسل است اگر می‌تواند بعضی‌ها واقعاً یک نبوغ یک به‌اصطلاح خاصیت ذاتی جداگانه‌ای دارند آن‌ها اگر هست بله ولی معمولاً ما چنین توصیه‌ای را

نمی‌کنیم می‌گوییم طلبه‌ها بی‌ایمان شروع کنند درس‌های اصلی را شروع کنند می‌خواند ولی در کنارش جلسات بصیرت‌افزایی اگر هست بسیار خوب جلسات نمی‌دانم اگر هست خون است باید اضافه شود این جور چیزها به گونه ای که کار اصلی‌اش را بهم نزنند معیار واضح است ولی اگر طلبه بخواهد انجام دهند باور کنید بعد از مدتی دغدغه داشته باشد و این‌ها سه سال ادامه دادن در عرض ده دقیقه من حتی می‌گویم نه بیشتر گهگاهی نیم ساعت یک ساعت هم خوب است در روز ده دقیقه داشته باشد جواب می‌دهد یعنی چه یک‌بار می‌بیند خیلی از مسائل این رشته برایش مطرح شده مثلاً می‌خواهند در فقه فقه فرهنگ برود مثلاً می‌خواهند برود فقه اقتصاد آهسته آهسته راه را باز کند ولی بعد که این سطوح آغازین را انجام داد بالا آمد طبیعتاً در موضوعاتی شرکت کند مثلاً اگر قرار است در فقه فرهنگ کار کند برود در کدام درس‌ها برود از همین درس‌های فقه معمولی متعارف اگر می‌خواهند در فقه اقتصاد بروند باید در کدام به‌اصطلاح درس‌ها برود مثلاً درس خارج فقه اش را کدام درس قرار بدهند باید فقه اقتصاد بخورد پس این سبک را انتخاب بکنند از همان فضای سنت آنکه در حوزه وجود دارد استفاده کند ولی بعد از مدتی به نظرم باید این پایه‌ها را درست بکنند آهسته آهسته جلو می‌رود یک چند سالی که گذشت پایه‌ها را درست بکنند یعنی هر جایی که هست این حلقات متصل را برای تشخیص موضوع خود را قوی کند و بعداً هم گاهی شاید احتیاج داشته باشد به یک تعلیمات ویژه مخصوص مثلاً دوساله به اندازه روزی سه ساعت اشکالی ندارد خیلی خوب است به من بگویید خوب است کی وقتی که رسیده است به درس خارج و درس خارجش را می‌خوانند در یک رشته خاص سه ساعت اختصاص داده

است برای آن رشته خاص خودش به صورت تشخیص موضوعی مثلاً دارد اقتصاد می‌خواند البته من که هنوز می‌بینم اقتصاد اسلامی به معنای اسلامی‌اش علم اقتصاد اسلامی نداریم زیاد علم اقتصاد اسلامی نداریم آنچه که داریم به‌عنوان اقتصاد است و آنی که به‌عنوان اقتصاد اسلامی می‌گویند بیشتر به صورت مکاتب اقتصادی دارند توضیح می‌دهند نه بیشتر به خاطر این که علم اقتصادی یعنی توی بنیادها هنوز نفتیم ولی بعضی جاها انجام شده است اگر نه شده‌اند فکری کنند بروند در آن فکری کنند آهسته آهسته درگیر بشود و اگر می‌خواهد یاد بگیرد با آن حلقات بحث را پیش ببرد یعنی آن حلقات پشتیبانی‌کننده‌اش یعنی مثلاً بحث‌های فلسفی است برود مطالعه کند تو بحث‌های علوم انسانی است بروند مطالعه کنند و بعد بیاید سر سفره این هم از کار طلبه که باید انجام بدهد یک چیز هم هست ما توی همین بحث‌ها گهگاهی خودش احساس خلأ هم می‌کند یعنی می‌بینند بعضی از این‌ها خلأیی وجود دارد که هر چه کرده پر نمی‌شوند اولاً پیدا کردن خلأها خود کافی است یعنی همین قدر خیلی از این که بگوید این خلأها وجود دارد و این‌ها را ابراز کند و یک مقاله بنویسد کافی‌ست حتی این خودش کافی است گرچه من به نظرم بعدش بتواند راهی را باز کنند به سمت حل مسئله در خلأها این را عرض کردم باز یک چیز هم که همیشه من تقاضا می‌کنم کسانی که در این رشته‌ها می‌روند باید توجه کنند معطوف به امنیت باشد یعنی آخرش نشود خب یک چیزی گفتیم نمی‌شود هیچ‌گاه اجرایش کرد معطوف به عینیت باشد اصلاً در فضای اجتماعی کسی می‌خواهد حل مسئله کند حتی فضای دینی باید معطوف به عینیت باشد طوری که مسئله را حل کنند براساس آموزه‌های دینی فقط یک چیز را عرض بکنم دو تا به‌اصطلاح

می‌خواهم تأکید بکنم کسانی که می‌خواهند در این وادی بروند باید توجه کنند یکی بعضی‌ها استعجال دارند در این امر پایه‌ها را محکم نمی‌کنند به سرعت می‌روند دنبال این جور کارا من آن را معتقد نیستم و من هم جواب نداده حتی در فهم مسئله هم جواب نداده چه برسد پاسخ یعنی مسئله برای خودش حل نمی‌شود چرا چون پایه‌ها محکم نیست و حتی نظر هم می‌دهند هر کس نگاه می‌کند می‌بیند که کار اجتهادی نیست که چطور دارد ایشان نتیجه می‌گیرد این نتیجه اصلاً جالب نیست چیز چون استعجال دارد پایه‌ها را محکم نکرده پایه‌های اجتهادی بنده عرضم این است اگر امروز کسی می‌خواهد کاری انجام دهد تحولی انجام دهد اولاً باید اقناع فرهیختگان علم خود را بدست بیاورد و این احتیاج به این دارد که قوت داشته باشد در سنت که من مشکل جدی که بعضاً در این فضا وارد می‌شود عملاً محصول‌هایی که پدید آورند آورده‌اند را نگاه می‌کنم این یکی آن کمی آن ور است یعنی در سنت مانند در آنچه که خواندیم مانند و هیچ خیزی برای بعد نمی‌تواند بردارد من بعضی را دیدم آمدند با انگیزه‌ای که می‌خواهند برای آینده خیز بردارند ولی نتوانستند خیز بردارند چرا چون هضم شدن در این فضای عادی قانع شدند این را هم باید شکاند ولی بعضی از بحث‌ها را که مربوط به طلبه‌ها نیست و مربوط به خود حوزه است را باید در جای دیگری مطرح کرد و لازم نیست این‌جا گفته بشود واقعاً باید فکری به حالش بشود که طلبه را درگیر می‌کند در فضای عینیت که گاهی ما طلبه را در این درگیری شد بنده دیده‌ام به راحتی در فضا نظر می‌دهند ولی ما نمی‌بریم افراد را این گونه یعنی گاهی این افراد را خیلی دور می‌کنیم از فضا که آن هم در جای خودش باید پرداخت و من می‌خواهم به سرعت این مسئله را تمام کند که دیگر ظاهراً

داریم نزدیک می‌شویم به نماز سروران هم شاید سوالی داشته باشند فقط آخرش عرضم این است ما باید محصولاتی را که داشته باشیم ببینیم چه چیزهایی است یکی آنکه پرورش محقق است که عمدتاً گفتیم در این جا خواستیم بیان کنیم یک چیز هم آنکه حوزه باید متصدی شود رصدگری فرهنگی سنگری فرهنگی حوزه خیلی کم است اگر یک عده‌ای بروند در رصدگری فرهنگی من می‌پسندم یک طلبه‌ای داشتیم این طلبه رفته بود تحقیق کرده بود در کل ایران کسانی که در باب خانواده کار می‌کنند چه کسانی هستند و چه کاری انجام داده‌اند و او به چه نتیجه‌ای رسیدند این رصدگری فقط در حد آن کسانی که با امر خانواده درگیر بودند را انجام داد که بعدها من دیدم هم چند تن از ارگان‌های مهم فرهنگی می‌خواستند این محصول را از او بخرند که ایشان البته نفروخت نمی‌خواستند بفروشند می‌خواهم چه بگویم می‌خواهم بگویم رصدگری فرهنگی رصدگری فرهنگی خیلی نادار است ما اصلاً باید کوچک‌ترین دیدم بعضی‌ها را در فضای تمدن غربی هست این که سنگ قبرها دارد تغییر می‌کند خودش خیلی چیزها را می‌شود فهمید همین که روی سنگ قبرها دارند چیزی مینیمم می‌نویسند از آن می‌شود خیلی چیزها فهمید سنگ قبر دیگر می‌گم که چیزی نیست کسانی که اهلش هستند این طور ما باید طلبه‌هایی را پرورش بدهیم که این نوع رصدگری فرهنگی را داشته باشند دقیقاً مشخص کنند که مشکل ما کجاست و این حلقه وصلی است که کار ما باید بشود و این را کی باید انجام بدهد طلبه‌های ما باید انجام دهند نمی‌گویم جای دیگر نباید انجام بدهد طلبه‌های ما هم باید انجام بدهند اگر کسی در این زمینه هم برود کافی است پرورش محقق پرورش رصدگران فرهنگی یکی هم

باید روش فکر کنیم و در طلبه‌های ما اگر در این قسمت هم بروند توکار تمدن اسلامی هم فقط قرار نیست اندیشه تولید کنند کارهای رهبران فرهنگی هم باید پدید بیاورند الان ما فی‌الجمله با بعضی‌ها داریم یک موقعیتی را پیدا کرده است در صحنه اجتماعی که می‌بینید خب صد هزار نفر از او تأثیر می‌پذیرند من از ایشان تعبیر می‌کنم به رهبران فرهنگی یک دوره‌ای بود که علمای ما حتی در قم صحبتی می‌کردند تأثیرگذاری‌اش بود دقت می‌کنید و الان هم ما داریم بعضی از علما این تأثیر را دارند همین الان هم این را داریم ولی بسیاری از افراد قدرت رهبری فرهنگی دارند ولی عملاً این تأثیر را ندارند ما باید رهبر فرهنگی پدید بیاوریم بعد چه جوری وصلش کنیم به جامعه‌ای که متأسفانه این را هم رویش کار نکرده‌ایم و باید رویش کار جدی بشود اخیراً شنیده‌ام که حوزه علمیه دارند کارهایی در این زمینه انجام می‌دهد یکی هم پرورش مبلغان جریان‌ساز است من از مبلغان جریان ساز صرف تبلیغ عام را منظورم نیست تبلیغ عام که همه دارند می‌روند مبلغی که بتواند نیروی برای تمدن اسلامی بسازد واضح است که دارم چه عرض می‌کنم مثلاً می‌رود در دانشگاه دانشجوها را درگیر می‌کنند که در رشته‌اش این بعد تمدن اسلامی را امتداد بدهد واضح است که دنبال چی می‌گردیم این طلبه‌ها را هم ما باید فکری به حالشان بکنیم که الان دیگر وقتش نیست و یه وقتی باید به‌صورت جدی‌تر توضیح داد که چه کارهایی باید انجام داد تا به این‌جا ختم می‌شود و من باید چند نمونه را الان می‌دانند در همین تهران در چند جا در برخی از دانشگاه انجام شده خوب هم جواب داده است و می‌شود جواب گرفت و می‌شود به اصطلاح نیرو برای تمدن اسلامی ایجاد کرد نیرو برای انقلاب ایجاد کرد این خیلی فرق دارد با این که خب یه

تبلیغی بکنند بالاخره همراه انقلاب بودیم و هست کافی است نه اصلاً این نیروی انقلاب بشود نیروی تمدن اسلامی بشود و بخواهند با این اندیشه بروند کار را انجام بدهند این می‌شود مبلغان به اصطلاح جریان‌ساز است و یکی هم که ما متأسفانه زیاد کار نکرده‌ایم الگوهای اجتماعی خودمان را پرورش نداده‌ایم دیگران آمدند جای ما را گرفته‌اند الگوهای اجتماعی همراه دارد روند دارد به صورت اجتماعی اگر شما یک نفر را راه بیندازید که او بشود پایه و هم باید با دیدن او راه را پیدا بکنند به اصطلاح خیلی کار را انجام داده‌اید الگوهای اجتماعی را ما کم گرفته‌ایم دست کم گرفته‌ایم علمای ما خودشان در هر شهری من دیده‌ام در هر شهری عالم ربانی قدر بود اثرش را گذاشته است و الگو شد و خوب هم توانست بسازد من حرفی ندارم اما ما باید روی الگوهای اجتماعی هم کار جدی بکنیم یعنی کارهای رسانه‌ای مخصوص به خودش را دارد ولی متأسفانه نمی‌کنیم و آن‌ها گرفتند و گاهی یک شخصی که به هیچ جهت نمی‌شوند گفت او یک نوع الگو است فقط مثلاً می‌بینید یک هنر ویژه‌ای دارد مثلاً دیگر بیشتر از آینه همین باعث می‌شود که او بشود الگو در همه جهان می‌شود الگو و این الان من می‌فهمم که درد امروز ما هم همین است که می‌بینیم چه کسانی شدند الگو دلپیش چیست ما در این زمینه کار نمی‌کنیم آن‌ها گاهی حتی آمدند از رادیو و تلویزیون استفاده کردند شخصی را جا انداختند همین رادیو تلویزیونی که معمولاً مال جمهوری اسلامی است ولی شخصی را جا انداختند حتی این کار را کردند ولی ما دنبال این نوع الگوسازی‌ها نیستیم که این الگوسازی‌ها برای فضای تمدن اسلامی خیلی مفید است و می‌خواستم بگویم که طلبه‌های ما هر کدام یکی از این نقش‌ها را داشته باشند در فضای تمدن اسلامی می‌توانند کمک بکنند من

بیشتر فضای تحقیق را گفتم بقیه رو در جای خود باید بحث بکنم والسلام
علیکم و رحمه الله و برکاته

_ خیلی متشکر تشکر می‌کنیم.....صوت مفهوم نیست.

حالا من باز جدی‌تر از این‌ها ببینید اصل مسئله مثلاً در اقتصاد چون شما
مثال زدید من عرض می‌کنم کسانی که اهلش هستند من دانشگاهی‌هایی
که در این زمینه کار کردم پرسیدم خودشان هم اهلش بودند پرسیده بودم
که در مورد فلسفه اقتصاد چه کسانی کار کرده‌اند و اصلاً توضیح داد که چه
کسانی بودند و چه گفتند و بنیادشان مثلاً با بحث نفس اماره اصلاً لفظ عمار
را به کار نبرد توضیح داد این را ریشه‌هاش آن‌جا هست یعنی این مبانی که
به‌عنوان اصول اقتصاد نتیجه گرفته‌اند در خرد و کلان و کم‌کم آه سانس
اشباع‌شده از این‌جا شروع شده است اصلش این است یعنی فلسفه علم
اقتصاد فلسفه علم اقتصاد را چه کسی باید بحث کنند ما باید عده‌ای را در
فضای فلسفی مقوی باشند انسان‌شناسی ویژه‌ای را بدانند و این را یک
مرحله جلو ببرم بعدش آن عالم اقتصادی باید براساس این نظر بدهد عالم

اقتصادی که در فضای اقتصاد به اصطلاح یک اقتصاد درستی را مطرح کند
باید براساس این مبانی باید تلاش بکنند و پس از آن باید مرحله بعد بشود
که مراحل خاص خودش را دارد اصلش این دو مرحله است آقا این دو مرحله
را ما باید چکار بکنیم الان کسانی را من دیده‌ام که رفته‌اند در فلسفه و کسانی
را دیدم که رفتند در فلسفه اجتماعی هستند الان و اگر این‌ها به نتیجه برسند
خیلی از کارها حل می‌شود خیلی از مسائل استان تغییر می‌کند بنده دیده‌ام
این را عملاً به عینه دیده‌ام الان دیدم هست چاره‌اش آن جسماً عرض
می‌کنم از پایه باعث شروع کرد عمدتاً پایه‌های فلسفی دارند به ظاهر ما
می‌گوییم الان دارند جامعه‌شناسی می‌خواهند ولی خودشان می‌دانند دیگران
هم می‌دانند مبنای معرفت‌شناسی‌اش این است مبنای نمی‌دانم
انسان‌شناسی‌اش این است و خیلی واضح است ولی یک طوری هم توضیح
می‌دهند که لذا در جامعه‌شناسی می‌خواند خوب این باید حل بشود منقح
بشود الان خودشان هم کتاب‌هایی دارند به اسم علوم و فلسفه اجتماعی این
جای بحث است عاملیت ساختار جای بحثش

۸. جناب آقای دکتر سید ابوالحسن فیروزآبادی^۱

سوال: در بیانیه گام دوم حضرت آقا بحث نخستین ترین و ریشه‌ای ترین جهاد را مطرح نموده‌اند و همچنین بحث شکست حصر رسانه‌ای و تبلیغی دشمن و امیدواری و مبارزه با سیاست‌های تبلیغی دشمن را مطرح فرموده‌اند. در این موضوع که هم ریشه‌ای را مطرح کردند هم اولین جهاد را مطرح کردند، در این زمینه، چه اصول، اقدامات، راهبردها و برنامه‌هایی در عرصه جهاد رسانه‌ای لازم است؟

پاسخ: هیمنه غربی‌ها بر دو پایه سلاح و قدرت اقتصادی بوده، در عصر فضای مجازی در عصر جدید تبدیل شده به هیمنه رسانه‌ای که در حقیقت پلتفرم‌هایی که زیر ساخت‌های رسانه‌ها را تشکیل می‌دهند این‌ها عمده‌تاً توسط امریکایی‌ها در دنیا اداره می‌شود و نحوه توسعه این پلتفرم‌ها به نحوی است که در حقیقت پذیرفته می‌شود، به نحوی که پلتفرم بر آنها حکومت بکند و کاربران رسانه در حقیقت کاربران می‌توانند هر کدام یک رسانه باشند. به این معنا که کاربران می‌توانند به اصطلاح تولید محتوای کاربر محور یا به اصطلاح UGC داشته باشند هر کاربر می‌تواند یک رسانه جهانی باشد و تولید محتوای آسان، ارزان، با مخاطب جهانی امکان پذیر شده است. بر روی پلتفرمی که این پلتفرم در حقیقت مدیریت محتوا، مدیریت تعیین مخاطب، مدیریت برقراربودن این ارتباط، مدیریت هدایت ذائقه که در چارچوب کامنت، لایک و بازنشر در حقیقت خودش را نشان می‌دهد یک نظام پیچیده

رسانه‌ای است که نفوذ و هیمنه^۲ امریکایی‌هایی را از نوع نفوذ و هیمنه هژمونیک می‌کند و در حقیقت به نحوی هست که کاربران می‌پذیرند که این پلتفرم کمک کننده به آن‌هاست، این پلتفرم به نظر در آن آزادی وجود دارد به و به نظر می‌آید مشکلات اجتماعی‌شان را حل بکنند و در حقیقت تحولی در زندگی خودشان ایجاد کردند و پذیرش این نوع سلطه نرم را که با رضایت صورت می‌گیرد از آن تعبیر می‌شود به اعمال قدرت هژمونیک.

پس بنابراین کلیه فعالیت‌های اجتماعی بر روی پلتفرم‌ها همگرا می‌شوند و وجود اولین پلتفرم‌هایی که وارد زیست بوم فضای مجازی جهانی شدند، پلتفرم‌های رسانه‌ای هستند. این پلتفرم‌ها در حقیقت زیر بنای هیمنه غربی هستند برای ما، برای مقابله با این پدیده در فاز اول بحث ما این است که بایستی ما پلتفرم‌های ملی خودمان را داشته باشیم و معتقد هستیم که در مرکز ملی تمدن‌های نوین بر روی پلتفرم‌ها شکل می‌گیرند در این دوره و چون در گام دوم و دوره سوم جمهوری اسلامی که از دوره انقلاب و دولت سازی گذر کردیم وارد دوره تمدن سازی شدیم، ما نمی‌توانیم تمدنی را برپا بکنیم بر روی پلتفرم‌های امریکایی و خارجی، ما معتقد هستیم که بایستی بر پلتفرم که پایه هست بر پایه‌های استوار این تمدن برپا شود بر روی پایه‌های لرزان که تابع مصالح و مفاسد نظام سرمایه داری غربی هست نمی‌تواند شکل بگیرد لذا بحث اول ما این است که در گام دوم در حوزه رسانه ما بایستی حتماً پلتفرم‌های ملی خودمان را راه اندازی کنیم اگر بنا باشد تا همگرایی پلتفرمی

۱. دبیر محترم شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی کشور.

اتفاق بیفتد همگرایی پلتفرمی بین کشورها باید باشد یعنی ما در سطح ملی بایستی پلتفرم‌های ملی‌مان را همگرا کنیم و ما باید همگرایی پلتفرمی در حقیقت بین ملت‌ها در فاز اول جهان اسلام و بعد در حوزه‌های تخصصی تر در حوزه تکنولوژی فرهنگ و حوزه‌های مختلف تخصصی به اصطلاح همگرایی‌هایی در حوزه‌های پلتفرمی شکل بگیرد. این ساختار فکری ماست که در حوزه رسانه امکان شدن داریم. البته مطالبی که عرض می‌کنم اضافه بر آن چیزهایی که بایستی در حوزه رسانه به آن توجه کرد. مثلاً تولید محتوا، مبادی تولید محتوا، منابع خبر هست این‌ها باید در همه این حوزه‌ها به خودکفایی برسیم یا به نوعی عدم وابستگی به یک مدل خاص - مثل مدل نظام سرمایه داری - برسیم. قبلاً هم در رسانه‌های جمعی این مباحث مهم بوده ولی متأسفانه هنوز که هنوزه جهان اسلام حداقل کشور خودمون در بسیاری از رویدادها هنوز به منابع خبری غربی متکی هستیم در حالی که با توجه به جهانی شدن فضای مجازی و وجود حضور UGC کاربران اینترنتی که حدود دو میلیارد کاربر اینترنتی در فضای مجازی داریم ما بایستی طرح‌هایی داشته باشیم برای ساماندهی به عنوان منابع تولید محتوای جهانی و منابع تولید خبر جهانی در این حوزه‌ها این‌ها همه کارهای سنگینی است که پیش روی ماست و باید تحقق پیدا کرد ان شاءالله

در زمینه پلتفرم‌ها آیا کارهایی هم شده از لحاظ فنی و...؟

به هر حال ما در چارچوب شبکه ملی اطلاعات پیگیر این مسئله هستیم ولی واقعیتش آنچه که باید در مسئولین ایجاد بشود در مسئولین ایجاد نشده انگیزه‌های به این عمق که عرض کردم ایجاد نشده چون ما می‌توانیم این حوزه را به بخش خصوصی هم بگذاریم ولی ما در حقیقت این تضمین را به

بخش خصوصی هم ندادیم که فضای امنی را برای آن‌ها می‌توانیم فراهم کنیم که پلتفرم‌هایی در این حوزه داشته باشند. پلتفرم‌هایی در حوزه‌های مالی حمل و نقل و حوزه جهانگردی و حوزه‌های دیگر در کشور شکل گرفته اما در حوزه رسانه‌ای به دلیل حساسیت موضوع و مشکلاتی که در حوزه رسانه در داخل کشور داریم این است که ما سیاست‌های متمرکز یکپارچه نداریم در دوره‌های مختلف و نوع ریاست جمهوری و دولت‌ها در حقیقت سیاست‌ها تغییر میکند.

و نوعی کشمکش در تفسیر بعضی از حوزه‌های سیاسی و فرهنگی رسانه‌ای وجود دارد در کشور متأسفانه بخش خصوصی ما هراس دارد که در این حوزه وارد بشود. بخش دولتی و حکومتی ما هم هنوز به آن درجه از حساسیت و انگیزه مندی نرسیده که این کار را انجام دهد برخی هم خوب به دنبال دستور مقام معظم رهبری سال گذشته صادر کردند که بایست این پلتفرم‌ها که بخشی از دستورات ایشان بود که پلتفرم‌های رسانه‌ای یا همان پیام رسانی‌ها و خدمات پایه بایستی محلی راه اندازی شود در شبکه ملی.

صحبتهای شده و دولت پذیرفت که ورود کند اما هنوز در ابتدای کار هستند در سال‌های گذشته پلتفرم‌های به صورت پراکنده در کشور راه افتاده مثل ای‌آی گپ، بله، روییکا که این‌ها در اشکال مختلف دارند ارائه سرویس می‌دهند هر چند که معمولاً اینها عکسبرداری از مدل پلتفرم‌های غربی هستند که مدل پلت فرمی که مخصوص ما باشد شکل نگرفته هنوز به ظهور نرسیده است. ما با نگاه کپی سازی از پلتفرم‌هایی که مورد پذیرش مردم قرار گرفتند به دنبال این هستیم که بتوانیم از روش کپی سازی و مهندسی معکوس چیزی مشابه تلگرام و اینستاگرام در کشور داشته باشیم.

برخی احساس می‌کنند فضای جامعه اطلاعات شبکه ملی مثلا آزادی این‌ها را محدود می‌کنند آیا در زمینه پلتفرم هم نیاز به یک گفت‌وگو سازی - در فضاهای منفی که از جنبه‌های سیاسی و جنبه‌های دیگر وجود دارد - است؟

ما هنوز در سطح ملی پارادایم نداریم یا یک نظریه غالب نداریم نمی‌گوییم همه مردم یک نظریه داشته باشند ولی نظریه غالب نداریم یعنی نخبگان سیاسی ما نخبگان اجتماعی ما و کسانی که بازیگران اصلی رسانه‌ها هستند و ملت این قاعده رسانه‌های اجتماعی را ملت می‌سازند یعنی شما اگر ملت را همراه نداشته باشید بهترین پلتفرم‌های دنیا را هم در ایران راه بیندازید به سمت این پلتفرم‌ها نمی‌آیند بحث دو طرفه است بحث یک طرفه این است که شما فقط پلتفرم بسازید و مسئله حل شود یکی از مشکلاتی که در کشور ما وجود دارد این است که متاسفانه فکر می‌کنیم با پلتفرم سازی مسئله حل می‌شود که من معتقدم اگر پلتفرم خوب داشته باشیم خیلی با سرعت بالایی آن مشکل پذیرش از سمت ملت قابل حل است ولی این بحث که ما یک پارادایم غالب داشته باشیم راجع به حوزه رسانه هنوز در کشور شکل نگرفته است.

همین مسئله نیاز به گفت‌وگو سازی و جریان سازی دارد.

هنوز گفت‌وگو به انجام نرسیده و وقتی به انجام نرسیده بلوغ در آن به وقوع نپیوسته باشد. بحث‌ها در آن تنافر دیده می‌شود تنافر یعنی فرض کن یک شبکه ملی که تعریف شده مصوبه دارد در شورای عالی همه تفسیرهای مختلفی دارند تأثیرهای انقباضی دارند تفسیرهای انبساطی. برخی از این تفسیرها برداشت میکنند که بایستی اینترنت را بست و برخی دیگر می‌

گویند اینترنت را باید باز گذاشت. این نشان می‌دهد که هنوز پارادایم ملی مان در این حوزه شکل نگرفته است.

بخش دیگر جهاد رسانه‌ای بخش نرم افزار است در این بخش وظایف حوزه و روحانیت و بعد وظایف جوانان چیست؟

حوزه نرم رسانه، حوزه شناختی است و حوزه شناخت یک حوزه اجتماعی است. یعنی شناخت جامعه را اجتماع می‌سازند. بنابراین ما برای این که بتوانیم کار جهادی انجام بدهیم جهاد از طریق مجاهدان و به صورت انبوه صورت می‌گیرد. اگر در جهاد سخت انبوه مجاهدان با ابزار سخت مثل شمشیر تره‌بون عدو... را محقق میکنند. در این فضا با قلم و تولید محتوا شما می‌توانید تره‌بون عدو... را محقق کنید در این فضا ما بایستی بتوانیم قاعده اجتماعی را وارد گفت‌وگو سازی در حوزه رسانه بکنیم و آگاهی را در آن‌ها ایجاد کنیم و این آگاهی تبدیل به عمل شود. این کار سختی است من بحثی که دارم این است که متاسفانه ما برای گذار از دوره رسانه‌های جمعی که رسانه‌های یک طرفه هستند رسانه‌های بالا و پایین هستند به دورهای که رسانه‌ها افقی هستند بالا و پایین نیستند شبکه‌های اند از قاعده مطلب تولید می‌شود و وقتی که از قاعده مطلب تولید شد از تضارب آن‌ها جریان ساخته می‌شود و از تضارب جریان‌ها گفت‌وگو‌ها ساخته می‌شود از تضارب گفت‌وگو پارادایم غالب خارج می‌شود این زنجیره شناختی هنوز در کشور ما شکل نگرفته است و مداخلات اجنبی هم بسیار سنگین است پلتفرم اجنبی است و مداخلات تولید محتوایی هم اجنبی است شما نگاه می‌کنید که میزان سایت‌های خبری که دشمن دارد دوش به دوش سایت‌های خبری داخل کشور می‌گذارد ما در سایت‌های خبری داخل کشور

هم فرض کنید بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال و غیره این‌ها از نظر تعداد فالوور از سایت‌های داخلی هم بعضاً بیشتر است. بنابراین ما هم زنجیره جهاد شناختی مان و هم زنجیره فعالیت نرم مان جهاد نرم مان در فضای مجازی هنوز شکل نگرفته هم مداخلات اجنبی زیاد است هم زیرساخت مال آن‌ها است هر جا معادله بازی می‌خواهد تغییر کند فرض کنید با شهادت سردار سلیمانی معادلات بازی می‌خواهد تغییر بکند جامعه می‌خواهد کنشگری اجتماعی کند می‌خواهد گفتمان سازی کند می‌خواهد گفتمان جهادی را تبدیل به پارادایم کند دشمن کاملاً حواسش جمع است و می‌آید علی‌رغم شعارهایی که داده و آرمان‌هایی که تا حالا مطرح کرده که گفته حکمرانی من در فضای مجازی حکمرانی آزادی است. در دنیا دو گفتمان اصلی در حوزه حکمرانی اینترنت داریم یکی گفتمان آمریکایی است که می‌گوید اینترنت باید آزاد از دولت‌ها باشد و پایه‌اش آزادی باشد و یک گفتمان گفتمان مقابل اوست (که همه کشورهای دنیا هستند) گفتند گفتمان ما گفتمان مسئولانه کشورهاست. یعنی کشورها در رابطه با اینترنت مسئولیت بپذیرند. علیرغم این آمریکا در عمل حاضر می‌شود ان شعارش که آزادی است را لگدمال کند و نگذارد این گفتمان و پارادایم سازی که داشت می‌رفت در جریان شهید سلیمانی اتفاق بیفتد. به هر حال ما کار سنگینی در پیش داریم شدت مداخلات بسیار بالاست. نزدیک ۶۰ و ۷۰ تلویزیون زبان فارسی وجود دارد که بعضی‌اشون با کیفیت بالا و هزینه‌های سنگین چهار تا پنج کانال تلویزیونی با کیفیت بالای کاملاً سیاسی فرهنگی و اجتماعی داریم مثل بی بی سی، صدای آمریکا، ایران اینترنشنال و من و تو که بعضی هایشان شبانه روزی در سدد جریان سازی و گفتمان سازی هستند. البته معتقدم این‌ها موفق نشدند

در جریان سازی و گفتمان سازی و رسیدن به پارادایم ولی ما را هم بازداشتن که بتوانیم آن زنجیره را کامل کنیم و پارادایم سازی کنیم بتوانیم به اجماع نظری در حوزه فضای مجازی برسیم همین تفرق نظری که در حوزه فضای مجازی داریم که بعضی‌ها به شدت انقباضی‌اند و بعضی‌ها به شدت انبساطی این‌ها به ما لطمه می‌زنند. همین عدم تصمیم‌گیری‌ها و بی‌فعلی‌ها از این انقباض و انبساط ضررش بیشتر است ما در انقباض تکلیف ما روشن است مثلاً در انقباض باید گام دوم را برداریم یا با انبساط گام دوم را که برداریم این‌بی‌فعلی که نمی‌دانیم انقباضی هستیم یا انبساطی این لطمه می‌زند.

ما الان مواجه‌ایم با جوانانی که می‌خواهند فعالیت کنند ولی اینکه چه فعالیتی انجام بدهند که ثمر بخش باشد و یک باری را بردارند برایشان ابهام دارد در این رابطه شما چه نظری دارید؟

آنچه اشاره کردم این است که یک عده در پذیرش هستیم یک عده در تهیه یک عده در انکاریم اینکه به تصویر نرسیدیم اینکه جریان مون شکل نگرفته. همه مسلمانیم و همه به انقلاب علاقمندیم و دلمان می‌خواهد کشور مستقلی داشته باشیم همه می‌خواهیم یک زیست بوم توسعه یافته داشته باشیم. اجماعیاتی یعنی حوزه‌هایی که در آن اجماع داریم بسیار زیاد است و کمتر ملتی در دنیا هست که انقدر نقاط اصول اجتماعی دارد ولی متأسفانه به دلیل که عرض کردم و دوره‌ای که جمهوری اسلامی در آن به سر می‌برد اگر جمهوری اسلامی گفتمانی مثل گفتمان ترکیه داشت مثل پاکستان داشت ما الان به وحدت نظری هم رسیده بودیم ما الان در جنگیم در جنگ ایدئولوژیک جنگ اقتصادی جنگ گفتمانی هستیم با نظام غرب سردمدار هم هستیم در این حوزه در جهان اسلام سردمدار حوزه مقاومت

هستیم در این راه چون در حال جنگ هستیم آرایش نیرو گرفتن کار سختی است شما در جبهه جنگ که می‌روید نیرو دارید ولی مشکل ساماندهی داری مشکل لجستیک دارید مشکل تدارکات و مشکل آرایش و فرمانده دارید مشکلات متعدد بر شما بروز می‌کند ما بایستی که این مشکلات را پشت سر بگذاریم اگر بخواهم تشبیه کنم این کارش این است که ما نخبگانمان نخبگان سیاسی مود فرهنگی و اجتماعی ما بایستی همگرایی‌شان بیشتر شود الان در آن حد از همگرایی که لازم هست به نظر من به سر نمی‌برند علتش هم عدم فهم شدت توسعه فضای مجازی و شاهد تحولاتی که در این حوزه وجود دارد بعضی‌ها نگاهشون به فضای مجازی مثل ابزار و تکنولوژی که داریم استفاده می‌کنیم خیلی کودکانه. وقتی این نگاه هنوز برای جمع بزرگی از نخبگان سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی ما جا نیفتاده باشد ما نمی‌توانیم این کار را بکنیم. همین میشود که نیرو هست ولی نمیداند

چه کار کند به یک نفر مراجعه میکند او می‌گوید برو درس بخوان دیگری می‌گوید از تکنولوژی استفاده کن، دیگری می‌گوید از تکنولوژی فرار کن که عاقبت اخروی برای شما ندارد و امثالهم این سردرگمی است که ایجاد می‌شود. حوزه علمیه قم در مقابل این سردرگمی وظیفه دارد که همگرایی را ایجاد کند. حوزه علمیه قم فراتر از جریان‌های سیاسی و اجتماعی فرهنگی جامعه است. می‌تواند این کار را به عهده بگیرد و باید به عهده بگیرد و انجام دهد به شرطی که شیخوخیت کند نه اینکه خودش هم دو سه تکه بشود و در تکه‌های مختلف قرار بگیرد بنده نظرم این هست بایستی جامعه نخبگانی بپذیرد این تحول را و به سمت همگرایی برود تا آماده بشود با همگرایی و وحدت برای مدیریت این تحول. بنده معتقدم قطعاً جامعه از نخبگان ما پیروی می‌کند ولی ما الان مشکلمون در نخبگان است.

۹. جناب آقای صادقی

و حافظا و قاندا و ناصرا و دلیلا و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فی‌ها طویلا اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه اللهم واقعیئتش این است که اگر قرار باشد پیرامون گام دوم مطالبی داشته باشیم و حتی رصد تاثیرگذاری باید بررسی بکنیم که اصلاً گام دوم چه هست. گمان من این است که چون این اتفاق نیفتاد یعنی از ابتدا پیگیر این موضوع نشده‌ایم که گام دوم چیست و هدف حضرت آقا و مقصودشان از گام دوم چیست آن چیزی که باید ایجاد می‌شد نشد در میان نخبگان حوزوی و دانشگاهی. ما اگر قرار باشد گام دوم را در یک جمله معنا کنیم باید

برای شروع بحث، به نظر شما در این دو سالی که از بیانیه گام دوم گذشته، آیا توانسته جای خودش را بین نخبگان حوزوی و دانشگاهی و عموم جوانان و مردم آن گونه که شایسته است، باز کند. چقدر موفق بوده؟ ارزیابی که نسبت به این مسئله دارید را بفرمایید؟

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین اللهم کل لولیک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه ولی

بگوئیم گام دوم در حقیقت مانیفست ظهور است، گام دوم همان دکترین ظهور است، گام دوم یک نقشه راه کامل است برای زمینه سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی. متأسفانه هم حوزویان و هم دانشگاهیان اکثراً بد برداشت کرده‌اند حوزه که متأسفانه گام دوم را یک مجموعه برای دولت سازی دیدند. فقط آن هم به این جهت که از دولت حاضر سرخورده شده بودند حضرات اساتید این دولت را دولت اسلامی نمی‌دیدند و تمام زوم کردند روی کاری که باید در دولت انجام بدهند و گام دوم را متأسفانه ذبح کردند با این کارشان. حضرات اساتید حوزه علمیه قم زوم کردند روی اینکه دولت، صد درصد اسلامی شده است و دیگر فارغ شدند از این مسئله، من گمانم این است که حوزویان نگاهشان را به گام دوم تغییر داده‌اند. متأسفانه قبل از اینکه بیایند روی گام دوم کار بکنند از آن جهت متأسفانه حالا تمایلاتی که نسبت به مباحث دولت حاضر بود یا نبود گام دوم اینجا از بین رفت و همه رفتند سراغ دولت‌سازی در حالی که مبحث دولت و دولت سازی در گام دوم یکی از موضوعات بود در کنار آن هفت توصیه حضرت آقا و در کنار آن پیش‌نیاز هفت توصیه حضرت آقا داشتند فکر می‌کنم این مبحث یک مبحث بسیار بسیار کوچکی بود و لزومی هم نداشت که اینقدر به آن پرداخته بشود به گونه‌ای که گام دوم از دست رفت ما الان از هر کسی که سؤال می‌کنیم آقا گام دوم انقلاب چیست.

قرار است به اساتید ارجاع داده بشود و سخنان اساتید و حالا مقالات و حالا کتاب باید بگوئیم که این بحثشون در رفته بود به دولت سازی که آیا دولت ما دولت انقلابی نیست دولت اسلامی نیست گام دوم دولت انقلابی داشته باشیم دولت اسلامی داشته باشیم و حالا چطور روی این‌ها کار نشد هر کسی

آمد همین را می‌گفت می‌رفت اینکه من احساسم این است گام دوم خوب معنا نشده برخی از اساتید متأسفانه هنوز هم متوجه نیستند که باید گام دوم معنا بشود قرار باشه گام دوم معنا بشود باید تلاش کنند گام دوم تمام زمینه‌سازی ظهور حضرت ولیعصر باشه حالا این ظهور به چه صورت تحقق پیدا می‌کند حضرت آقا یک مجموعه مطالبی را برای تحقق این موضوع بیان کرده‌اند که ابتدایش هم می‌فرمایند خودسازی می‌خواهد و جامعه سازی می‌خواهد بعد هم ظهور عالم تا به حضرت حجت روحی فداه. خب ما در قسمت خودسازی اگر قرار باشه کاری انجام بدهیم تو همین توصیه‌های هفتگانه ای که حضرت آقا می‌فرمایند می‌باید تأملی بکنیم کنیم روی خودسازی که حضرت آقا می‌فرمایند این خودسازی و اولین محور هست ما اگر بنا باشد قدم اول برداریم قدم اول، خودسازی هست. خود سازی هم حضرات اساتید کار شده قبل از مطالبی دارم من فکر می‌کنم جهش علمی رشد معنویت و اخلاق و تربیت اقتصاد عدالت استقلال و عزت ملی سبک زندگی محور رو ابتدا باید در خودسازی ماند پیاده می‌کردیم. وقتی که می‌گوئیم خودسازی اکثراً فکر می‌کنند منظور از خودسازی رفتن یک کنار نشستن و گرفتن یک تسبیح که جدیداً تسبیح دو، سه هزار دانه ای آمده، خوبه میندازند دور اتاق و دور تسبیح بچرخند و حضرات رشد بکنند، اما خود جهاد علمی یک خودسازی است اگر قرار باشه به جایی برسند باید معرفتش را بالا ببرند معرفت نیاز به علم و پژوهش دارد. این متأسفانه در مطالب آقا خیلی‌ها این را حواسشون نیست این هنوز در گام اول خودسازی ما در گام دوم جامعه سازی هستیم، اول باید از جهت علمی فردی رشد بکنیم.

رشد معنویت و اخلاق می‌خواهیم باز در مرحله اول حضرت آقا می‌فرمایند خودسازی بعد جامعه‌سازی باید رشدش بدهیم در مسئله اقتصاد، من باور بفرمایید خجالت می‌کنم حالا پخش بشود یا نه، این خیلی خوبه من گمانم این است که اقتصاد در حوزه علمیه فردیش نمره ۱۰ را نمی‌شود، داد.

چرا چون قریب به اتفاق طلبه‌های ما اقتصاد در زندگی ندارند، در جامعه‌اش که بماند ما می‌خواهیم با گام دوم یه کار دنیا و جهانی داشته باشیم. نگاه می‌کنیم اکثر طلبه‌های ما عقل معاش ندارند طلبه‌ای‌ای که می‌رود ۵ سال ۶ سال ساکن منطقه مهدیه ساکن میشه وقتی میاید بیرون زیر صفر است، در حالی که ۵ سال این منزل را دادن که هفتی در این سال‌ها پیدا کند، بلد نیست چکار کند، شما ببینید الان پرونده‌های مال باخته‌های حوزوی جوریه که خجالت می‌کشد در نشریه‌ها نشرش بدهند.

یعنی چی؟ یعنی طلبه‌های ما بلد نبودن چیکار کنند. حالا این از طلبه‌های ما، اساتید ما هم ما مشکل داریم بسیاری از اساتید ما هم واقعاً عقل معاش را روشن مشکل داریم، در اقتصاد فردی‌شان ببینید آنجا که حضرت آقا می‌فرماید قدم اول، محور اول ما بحث اول ما اینست که عرضم به حضور شما رشد فردی هست عرضم به خدمتون باید خودسازی هست این خودسازی خیلیا منظورشان این است که برویم دعای کمیل بخوانیم، نه خودسازی منظور حضرت آقا این نیست خودسازی که به درد آلات جامعه سازی بخورد و این خیلی مهم است و اینکه حضرت آقا یعنی آقا من خودسازی اقتصادی ندارم خودسازی عدالت محور ندارم خودسازی در مباحث استقلال و عزت ندارم دیروز در راهپیمایی قم بنده یکی از معروفین حوزه را دیدم معروفینی که حداقل ۸۰ سال دارد بنده زمانی که طلبه شدم به ایشان

اقتدا می‌کردم و الگویی من بود و به جای مرگ بر آمریکا می‌گوید مرگ بر ایران گفتم آقا حواست کجاست از قطار انقلاب پیاده شدی چرا مرگ بر ایران حواست نیست کجایی ببینید دوست من ما باید توجه داشته باشیم حضرت آقا یک مجموعه‌ای در گام دوم برای ما طراحی کرده است که این مجموعه واقعاً صدصدی است و مو لادرز آن نمی‌رود و همه جوانب را برسی کرده‌اند بسیار حکیمانست آنقدر حکیمانه است که ماها توانایی فهم آن را نداریم ما باید ابتدا یک خودسازی داشته باشیم خودسازی از آن لحاظ که برویم بنشینیم و با راز نیاز بگوییم خدایا ما را درست کن نیست منظور این است که مقدمه جهانی سازی و جامعه سازی باشد اگر قرار است ما در جامعه سازی نیاز به هفت محوری که آقا فرموده داریم پس باید خودسازی عمیقی داشته باشیم باید در حوزه علمیه نیز اساتید و علما و هم طلاب یاد بگیرند با یک دیگر همین مقدار پولی که در دست دارند بهترین تأثیر گذاری را داشته باشد متأسفانه پول شویی در حوزه بسیار بسیار رشد کرده داریم مشاهده می‌کنیم که در میان اساتید و علما و هم طلاب پول شویی از خودسازی است ما از خودسازی نداشته‌ایم و رفته‌ایم سراغ پول شویی و می‌بینیم ساختمان‌های بسیاری که ساخته می‌شود و اتفاقات دیگر پس نکته اول عرض می‌کنیم که گام دوم را نشانخته‌ایم و متوجه آن نشده‌ایم اگر بخواییم گام دوم را بسازیم اول کلام حضرت آقا در خودسازی است اگر بخواییم وارد خودسازی شویم باید تمام آنچه که در گام دوم آمده در خودمان ابتدا یک دور مرور کنیم ببینیم آیا ما جهاد علمی داریم جهاد پژوهشی داریم فردی و شخصاً نه جامعه ببینیم آیا رشد عدالت محوری در ما هست باز اینجا به ناچار به سراغ خانواده بروم آیا واقعاً اساتید ما و علما و طلاب ما در خانواده عدالت محور هستند آیا زن و

فرزندان ما با عدالت ما زندگی می‌کنند یا خیر اگر قرار است مطرح شود بگویند عدالتی در آن نیست و ما مجبوریم با آن بسازیم که به احتمال زیاد متاسفانه بسیار قوی است پرونده‌ها در دادگاه‌های ویژه متاسفانه همین را نشان می‌دهد از آن طرف رشد معنویت رشد معنویت یعنی چی آیا درون و بیرون من مثله هم هست آیا واقعاً من صدصد آن را رعایت می‌کنم جمله ای را که امیرالمؤمنین فرمود نگویید آنچه انجام نمی‌دهید و قرآن کریم می‌فرماید چرا می‌گویید آنچه را انجام نمی‌دهید آیا این رشد معنویت در من هست که بخواهم جامعه را رشد دهم آیا من درک استقلال و آزادی و عزت ملی را به عنوان یک ایرانی را درخودم دارم اینگونه نیست که من هم در خودم به عنوان یک حوزوی یک استاد یک نخبه حوزوی تا یک ذره از آرمان‌های انقلاب در یک سری مسائل خدشه‌دار میشه حواسم را جمع کنم که من با آن‌ها همسو نشوم یا آن که من هم مانده بقیه سریع دلار و طلا خریداری کنم و پولم را فلان و بیسار کنم همه این‌ها به خود سازی برمی‌گردد پس بنده عرض کردم که خودسازی که آقا می‌فرماید این خودسازی معنای بسیار بسیار کامل دارد و همه جوانب گام دوم را در همین خودسازی عمل کرد گام دومی که می‌خواهیم برداریم جامعه سازی است جامعه سازی یعنی چی یعنی ما مقدمات لازمه ظهور حضرت ولیعصر را ایجاد کنیم مقدمات چیست در مباحث مهدویت ما اینگونه بیان می‌کنیم که با ید سه اتفاق در عالم صورت بگیرد اتفاق اول تعداد کافی اصحاب برای حضرت ولیعصر آماده بشود ما میدانیم اصحاب ولیعصر یهودیان نیستند و مسیحیان نیستند بودایی‌ها نیستند هندوها نیستند و... فقط و فقط این اصحاب در میان مکتب اهل بیت و شیعیان است حتی ما در عالم اهل سنت منتظره اصحاب حضرت

ولیعصر نیستیم شیخ مفید می‌فرماید ان اشیائنا و فقهها بلطاع با دیگران کاری نداریم پس اگر قرار است گام دوم داشته باشیم باید توجه کنیم که اولین قدم گام دوم که زمینه سازی ظهور است ایجاد یک تحول در ما شیعیان و طراحی اصحاب است این طراحی از اصحاب از کجا قرار است از تو حلی آبادها باشد مثل دوران دفاع مقدس قرار است از حاشیه شهرها و روستاها باشد مثل انقلاب اسلامی ایران اگر قرار است مثل این باشد ۴۰ سال است داریم تلاش می‌کنیم انقلاب هنوز نتوانسته زمینه ساز ظهور را ایجاد کند چرا انقلاب ما یک انقلاب مردمی بود و نخبگان نی هنوز کاری نکردند نخبگان ما هنوز پای کاری نیامدند شما مشاهده می‌کنید که خجالت آور است سرباز انقلاب به نام حاج قاسم سلیمانی خطاب کند به علما که شما در میدان نیستید رهبر نیاز دارد که شما به ملاقات ایشان بروید چند سال است آقا رهبر این نظام است چند نفر از علمای قم در سال برنامه ریزی کردند که به خدمت آقا بروند و بگویند که ما هم هستیم مردم قم به خدمت حضرت آقا می‌روند ۱۹ دی یکی از علما آن‌ها را همراهی نمی‌کند انقلاب هنوز مردمی است نخبگان و حوزویان متاسفانه هنوز نشده ما چون داریم در آن بروی صحبت می‌کنیم می‌توانیم این‌ها را بگوییم و گرنه این صحبت‌ها را بیرون نمی‌گویم یا مجبور سکوت کنیم مراجع تقلید ما به خود زحمت نمی‌دهند سال ۱ مرتبه بلند شوند جمع شوند و به دیدار آقا بروند که بگویند آقا ما حواسمان هست سکاندار شما یعی ندارد شما را علم نمی‌دانیم اصلاً مجتهد هم نمی‌دانیم نمی‌دانیم ولی به دنیا بگوییم که شما سکاندار هستید و ما پشت شما هستیم شما ببینید که حضرت آیت الله گلپایگانی شما قطعاً ایشان را درک کرده‌اید ایشان کوه نوری بود ایشان زمانی که آقا به مرتبه

رهبری منصوب شدند برای حضرت آقا نامه می‌نویسد و یک هدیه می‌فرستد بنده اسنادش را دارم در آن نامه خطاب به حضرت آقا که در آن زمان به عنوان یک روحانی جوان شناخته می‌شدند هنوز کسی نمی‌دانست که از جهت علمی در چه مقامی هستند ایشان اجتهادش چگونه است خدا رحمت کند سید محمود شاهرودی که آمد این‌ها را بیان کرد اثبات کرد علمی حضرت آقا دارد اعلم هستند حضرت گلپایگانی برای حضرت آقا می‌نویسد تبریک می‌گوید بعد می‌فرماید به عنوان یک مرجع من بر کار شما نظارت می‌کنم اگر مطابق احکام اسلام عمل کردید خدا را شکر ما همراهی می‌کنیم اما اگر جایی دیدم خلاف گام اسلام حکم می‌کنید بی‌تردید به شما تذکر می‌دهم اگر فکر من از خطاطان برگشتید خداروشکر اگر برنگشت اید با شما مخالفتی نمی‌کنم و در مقابل شما نمی‌ایستم چرا که تضعیف شما را حرام می‌دانم تضعیف و حضرت آقا حرام است آیا واقعاً در حوزه علمیه قم حضرت آقا را تضعیف نکرده تا به حال من خجالت می‌کشم که بیشتر ادامه دهم صحبت گام دوم که می‌شود بعضی از دوستان می‌گویند سکوت کرده چرا در قم درباره گام دوم فعالیت نمی‌کنی می‌گویم جرات نمی‌کنم ما باید این‌ها را بگوییم در قم به چه کسانی بگوییم واقعاً خجالت زده‌ایم در رابطه با گام دوم بنده تخصصم در مهدویت است من بیست و خرده ای سال است تمام کار بر محور مهدویت است گام دوم که آمد من ذوق زده شده‌ام اساتید مهدویت را جمع کردم گفتم آقا ما ۲۰ سال است خودمان را می‌کشیم که مانیفست ظهور دهیم نمی‌توانستیم ولی متأسفانه هیچ‌کس نیا مد پای کار اگر حوزه علمیه قم داده همراهی با حضرت حجت را می‌زند و اگر هدفش به طراحی زمینه‌های ظهور حضرت ولی عصر است که باید هم اینگونه باشد همه چیز

آماده است دوستان گفتند بزرگی از شیعیان چند قرن پیش کتاب نوشته است آمد چاپ کند به او خبر دادند که فلانی چند وقت پیش آن را چاپ کرده است گفت این کتاب را ببرید خمیر کنید گفتند آقا بسیار زحمت کشیده‌ای گفت او قبلاً این کار را کرده است من اشتباه کردم حالا ما هزاران هزار جلد کتاب بیرون می‌دهیم اما به اصل کلام توجه نمی‌کنیم در گام دوم آمده است که بیابید همین را شروع کنیم احتمالاً به شخصیت‌مان برمی‌خورد مثلاً از علمیت من اعلمیت من چیزی کم بشود ما اینجا در حقیقت می‌گوییم که گام دوم جهانی سازی است جامعه سازی است قدم اول جامعه سازی وجود اصحاب است اصحاب برای حضرت عالی باید باشد اصحاب حضرت ابی عبدالله چه کسانی بودند دشمنان حضرت ابی عبدالله چه کسانی بودند مشابه است دیگر باید تناسبی بگیریم اونی که اصحاب ابی عبدالله نشدند نخبگان نبودن بزرگان نبودند اگر قرار باشد اصحاب حضرت ولی عصر قرار است افرادی مانند ما باشد جریان مانند جریان حضرت ابی عبدالله می‌شود در نتیجه ما می‌گوییم اصحابی که شکل می‌گیرد از بزرگان باشد از علما باشد این‌ها باید بیاید به کار پای حضرت خدا رحمت کند حضرت آیت الله دستغیب را می‌فرماید هر کس حضرت امام را نگاه می‌کند حجت ابن الحسن را نبیند مطمئن باش در رکاب حضرت حجت بن الحسن را نخواهد دید و آنجا مبارزه خواهد کرد با حضرت چرا این غیر معصوم نمایندگی حضرت ولیعصر که شکی در آن نیست جهان اسلام حاضر نیست با آن همکاری کند خیلی ارزشمندی و فردی چطور می‌خواهند به حضرت ولی عصر کمک کنند و کار بکنند در عموم می‌گویند که حوزه اول باید خودش را درست کند که روایات می‌گویند اولین مخالف آنحضرت علما هستند روایتی این نیست ولی برای

مردم این جا افتاده و ما نشان ندادیم که اینطور نیست ما اول باید براساس روایات مهدوی در حقیقت اینجا اصحاب حضرت را شکل دهیم اصحاب حضرت امیر است از نخبگان جامعه باشد اما یقین داریم نخبگان هم از ان نخبگان اصولی و فقهی هستند در حقیقت این‌ها باید الگوهای جهانی شود این نکته اول نکته دوم در روایات می‌فرماید این اصحاب که ما می‌گوییم کپی برابر با حضرت ولیعصر هستند باید یک اقبال عمومی ایجاد کنند در در میان همه نه فقط شیعیان شیعیان هم باید نخبگانشان باشند اما اقبال عمومی کجاست از همه دنیا هم از شما سؤال می‌کنم اقبال عمومی که در حوزه علمیه به دنیا شکل داده بزرگ‌تر است یا اقبال عمومی که حاج قاسم سلیمانی شکل داد هیچکس اینجا حرفی برای گفتن ندارد تأثیر ما کجا و تأثیر حاج قاسم کجا پاسخ قاسم یک نخبه حوزوی نیست و یک نخبه دانشگاهی هم نیست

و ترس و ناامیدی را از ما دور بکنند خوب این پیش نیاز برای آن گام دوم خیلی مهم است که ما اگر بخواهیم آن هفت مطلب را داشته باشیم باید این امید و نگاه خوش بینانه را داشته باشیم حالا من اینجا پرانتز باز می‌کنم باز به خیلی از دوستانم متذکر شدم روی این موضوع کار بکنید و ما به مقداری هم خندیدیم آقا ما چطور امید بیاوریم نگار خوشبینانه را چطوری بیاوریم اگر در قرآن ما یک بررسی کنیم می‌بینیم خداوند متعال نگاه خوشبینانه را به چند گروه نسبت داده که این گروه‌ها می‌تواند ان را بیاورد اولینش انبیا هستند بشیرا و نذیرا امید آفرینی می‌کنند در بشارتشان می‌دانید دیگر اولین گروهی که خداوند متعال می‌فرماید این‌ها مبشران انبیا هستند دومین دسته چه کسانی هستند اوصیاء هستند خداوند متعال می‌فرماید اوصیا دومین گروهی

هستند که مبشر رحمت هستند مبشر لطف و کرامت‌اند سومین گروه کسانی هستند شهدا می‌فرمایند سومین گروه مبشر این شهدا هستند اگر قرار باشد ما بشرین در قرآن را بررسی کنیم همین سه تا گروه هستند شخص دیگری نیست اگر قرار است از این بشارت‌ها ما استفاده کنیم و آن ترس و ناامیدی و خوف هراس بیرون کنیم و لا تخاف ولاتحزنو بیاوریم اوصیاء شهدا الان شهدا روی دست ما هستند چرا از خودشان استفاده کردیم لا می‌گوییم انبیا و اوصیا را یاد کردیم آیا روی شهدا کار کردیم این‌ها امیدآفرین هستند حضرت آقا پیرامون شهدا می‌فرمایند واقعاً خجالت زده شدیم سال ۸۸ حضرت آقا فرمودند حواستان باشد اگر نیاید در میدان شهدا داخل میدان هستند بعداً به قول من می‌گوییم روسیاهی به زغال می‌ماند بیاید داخل میدان و گرنه شهدا دارند کارشان را می‌کنند از گروه‌هایی که ما از آن استفاده نکردیم خصوصاً در حوزه من با خجالت می‌گویم ما حوزویان تلاش کردیم در همه دانشگاه‌ها شهید گمنام دفن کردیم داخل مدرسه فیضیه فقط زورمان نرسید داخل مدرسه فیضیه زورمان نرسید شهید گمنام چرا اگر آن حرفی که دانشگاهی‌ها می‌زدند می‌گفتند اینجا مرکز علم است قبرستان شن کنید درست است که خوب عمل ما می‌گوید این درست است اگر این باطل است پس چرا اینجا دفن نکردیم ما در مدرسه فیضیه که نماد علمی حوزه است علم اهل بیت هنوز موفق نشدیم شهید گمنام بیاوریم همه هم مخالفت کردند به بعضی‌هایشان هم که گفتیم عصبانی شدن داد و بیداد کردن یکی از بزرگان که تأثیرگذار است گفتند برو درستو بخون بچه گفتم چشم می‌روم درس‌م را می‌خوانم ببینم چیکار می‌کنی بین ما رفتارمان رفتاری نیست که امید آفرین باشد من گمانم این هست که اگر می‌خواهد

یک تحول ایجاد کند اول باید بیاید یک امید آفرینی ایجاد بکند یک جاذبه بیت برای دیگران ایجاد بکند به سمت حوزه با عرضم به خدمت شما همسان کردن گفتار و کردار است که این درمان نیست متاسفانه خیلی کم است خیلی کم ما نگاه می‌کنیم آقازاده‌های حوزوی ماشالا وضعیت‌های اقتصادی و معیشتی کاسبی و رانت خواری‌ها خب مردم دارند می‌بینند دیگر نمی‌شود کتمان کرد حالا یک زمانی رسانه‌ها نبود مجازیش نبود حقیقی نبود کتمان می‌کردیم تمام می‌شد اما مردم همه چیز را بهتر از ما می‌دانند اگر می‌خواهیم امید آفرینی بکنیم به نظرم باید شهدا هم هستند شهدا باید اولین الگو برای ما به ارمغان می‌آورند یکسان کردن گفتار و کردار است خدا رحمت کند شهید سلیمانی را مگر دیدیم چه کرد من فکر می‌کنم که در نظام ما اگر غیر از امثال حاج قاسم نخواهیم بگردیم پیدا نمی‌کنیم که چهل سال خدمت کرده و هیچ وقت حق مأموریت نگرفته ما حوزویان که تبلیغ می‌رویم هم از مردم انتظار داریم جیب مان را پر کنند و هم از حوزه انتظار داریم حالاگاهی اوقات انتظار داریم پورت لابه کننده دهانمان را وقتی پنج دقیقه رقتیم یک تبلیغ حاج قاسم چهل سال عمر دارد هیچ وقت تحقق مأموریت نمی‌گرفت که در آخرش هم می‌فرماید من فقط یک سربازم به من بیشتر سرباز نگو این امید آفرینی خیلی حالا نکات دیگری هم گام دوم دارد که من اگر اجازه دهید به آن‌ها ورود نکنم یک کار را هم من شروع کردم متاسفانه فرصت نشده من انجام دهم و آن در اساس این هست که یک طراحی کردم که اگر نخواهیم طی دو جلسه برای نخبگان بیان بکنیم ارتباط گام دوم با ظهور حضرت ولی عصر مادر فزازهایی از گام دوم و در فزازهایی از روایات کنار هم گذاشتم که در پنج و شش مجمع نخبگان مطرح کردم اکثراً انگشت به

دهان مانده بودند ما اصلاً حواسمان نبود گام دوم یک همچنین چیزی را دارد می‌فرماید حالا آن را به شما ندادم و فعلاً هم پاورپوینت را به شما نمی‌دهم بماند ببینیم کی جامعه آمادگی پیدا می‌کند بشود این حرف‌ها را زد بعضی از حرف‌ها را که زود هنگام بزنی متهم به بعضی مسائل می‌شود خدا رحمت کند بعضی از بزرگان را من هیچ وقت یادم نمی‌رود حاج علی‌آقای صفایی می‌دانم شما اصلاً می‌شناسید یا نه معروف بود به عین و سات به گونه ای باش برخوردار کردن که آمد رفت در خیابان دور افتاده قم پرت قم رفت ۱ اتاقی بالای یک مغازه اجاره کرد رستوران اتاق نشست فقط می‌نوشت هر وقت هم بهش می‌گفتم حرف‌های ما را اگر کسی بشنود می‌گوید دیوانه است همان حرف‌ها الان شده حرف اول پژوهشکده‌های ما در قم حتی کتاب‌هایش را دارند تبلیغ می‌کنند و مقالاتش را می‌خوانند و می‌خواهند امتحان ورودی بگیرند کتاب‌های علی‌آقای صفایی می‌گیرند این باید سی چهار سال می‌گذشت تا حرف‌های علی‌آقای صفایی هم بیاید و خیلی‌های دیگر هم این طوری بودند حالا ما نمی‌خواهیم تشویق به کنیم ما که چیزی بلد نیستیم اسم کنیم این حرف‌ها گفتنش زود است چون حس می‌کنم گام دوم هنوز حس نشده است یک جلسه تهران بود سال گذشته در آستانه این بیماری منحوس یکی دو هفته قبل از بیماری بزرگان حوزه هم حضور داشتند قرار شد پیرامون گام دوم به عنوان مجموعه که دعوت شده بودند کشور بودن پیشه ورزان کشور بودند جمع شده بودند آنجا به نظرم هر کدام از اساتید آمدند کردن شروع کردند پیرامون دولت صحبت کردن که آقا این دولت این اشکال را دارد اینطوری است مایک دولت می‌خواهیم این گونه باشد آنگونه باشد من واقعاً کم آوردم گفتم آقا ببخشید شما الان اینجا چه

کاره هستید حامد حیدری گام دوم کار کنید یا آمده‌اید روی دولت زوم بکنید من هم با این دولت مخالفم نه مخالفم مثلاً این دولت را دولت نمی‌دانم اعتدال دارد نه واو دارد نه ل دارد نه ت دارد اصلاً این گام دوم نیست مگر ما در گام دوم چون یک اشکال دیدیم این اشکال باعث شد شما اصلاً از اصل مطلب مانده‌اید حالا نسبت نفهمی هم دارد شما نمی‌فهمی الان این مهم است من همان جا به همان استاد بزرگوار اگر یک روز حرف منو گوش بکند یادش می‌آید گفتم استاد شما روزی که احمدی نژاد رأی آورد در مسجد موسسه امام خمینی بنده هم نشسته بودم شما آمدید همانجا فرمودید رفقا دیگر از این به بعد روی مبحث دولت در جمهوری اسلامی نیاز نیست کاری بکنیم بیایید برویم مباحث دیگر را گفتم شما دارید زود تصمیم می‌گیرید صبر کنید ما با این دولت‌ها و آن دولت‌ها نباید کاری کنیم ما قرار است یک زیربنای عمیق علمی درست کنیم همین زیربنای عمیق علمی اگر قرار باشد با یک دولت آمدن و رفتن و یک مجلس آمدن و رفتن تغییر کند پس معلوم است ما هیچ موقع نمی‌توانیم یک زیربنای علمی را طراحی بکنیم زیربنا طراحی کردن یک ثمر داره این‌ها می‌آیند کارشان را می‌کنند و می‌روند ما باید یک مانیفیس دقیق و یک دکترین دقیق داشته باشیم که اینک حضرت آقا می‌آید و نقشه راه را می‌دهد که همیشه بر اساسش کار کنند درگیر روزمرگی شده‌ایم این یه سری کارها روزمین مونده امیدوارم که حضرت آقا یکم صبر کنند تا ما یک مقدار روی این کار کنیم و از خجالت در بیاییم انشالله. روی بند دوم خیلی از حرف‌های دیگر دارد پیشنهاد می‌کنم بعد شما انشالله این پاورپوینت را ببینید و اگر نکته ای هم به ذهنتان رسید

اگر سوالی هست من در خدمت شما هستم ضعف‌ها را مطرح کردید راهبردها و راهکارهایی که ضعف‌ها را جبران کند به طور عملیاتی و کف میدانی نه به صورتی که اگر این طوری باشد خیلی خوب است و آرمانی است ببینید کار باید بنده اصل مطلب را عرض کردم گام دوم به گونه‌ای است که واقعاً جای بحث و سؤال برای ما نگذاشته است و اگر بر اساس آن مراحل که حضرت آقا فرمودند شروع کنیم حرکت همه چی حل می‌شود و نیازی هم نیست که بنده بیایند و ایده بدهم چون حضرت آقا آمده‌اند گام دوم را به پنج بخش تقسیم کردند که بخش اول سرگذشت ۴۰ سال را آوردند یعنی چی یعنی آقا تسلط دارند بر تاریخ خودمان یعنی عین جمله امیرالمؤمنین ملتی که تاریخش رانشناسد این ملت محکوم است به فنا واز بین رفتن. حضرت آقا گام اول را می‌خواهد بیان کند اولین نکته سرگذشت چهل ساله را باید بشناسیم چون سرگذشت چهل ساله آقا توقف کردند خیلی زیبا و خیلی قشنگ مطالب را فرمودند. خوب حالا من دیدم کتاب صعود ۴۰ ساله آقای راجی که جدیداً بعد از دوسال به فکر افتادن یک کاری بکنند که متأسفانه این کتاب هم کتاب عوام فهم و مردم فهم نیست واقعاً. من به خود ایشان هم گفتم که جای کار دارد اینکه مایبیم یک نماد خوشگل در این کتاب درست کنیم این به درد مردم نمی‌خورد باید روی این کتاب کار کنیم نگاهم می‌کنم زورکی وبامسابقه کتاب را این طرف آن طرف میکنن تا بتوانند بین مردم جا بیندازند ولی کسی نمی‌فهمد کتاب را. این کتاب آمار و اطلاعات علمی است این آمار و اطلاعات باید بومی شود مردم کسب بکنند جذب بکنند بفهمندخبگان ما هم خلیلهاشون نتوانستن این کتاب را بخوانندو کار علمی سنگینی است باید این بومی سازی شود وکلش هم این نیست سرگذشت

قمی ساده‌ای زندگی می‌کرد از خاندان علمای و حوزوی که از شاگردان خود هم بود اصرار می‌کردم شما برو رشته‌های مختلف مثله ریاضی یا اینکه بیا در حوزه درس بخوان ایشان می‌گفتند که باید پاسدار شوم تا پاسدار بودن پیشرفت مغز پهپادها و خیلی از مسائل دیگه بودند ولی آب از آب تگون نخورده‌ام اصلاً می‌دانم چه بوده و چه کرده نمیدونه که چخبره چه کرده ایشون نمیدونه که ما با حضور امسال مثله ایشون در پهپادها حرف اولو در دنیا می‌زنیم دنیا مونده و ما کجاییم دنیا نمیدونه نمی‌رسه به پهپاد وقتی می‌گییم پهپاد یاد جنگ و خونریزی می‌افتند این حرفها نیست این یک جهش علمی است این پهپادها که بحث را برای ما ایجاد کرده است در وادی علم بحث عجیب و غریبی امسال این در بحث نانو تکنولوژی کسی از واقعیت امروز خبر نداره خیلی از موارد دیگری که واقعیتها را در بحث کشاورزی و صنعت و این حرفها حوزه حضوری نداره که بخواد مبانی دینی و بیان بکنه بحث به اینجا برسد که میدونم باید بررسی کند الان تو این خوراکی‌های که به عنوان کیک و بیسکوئیت تولید می‌کنند ترویج می‌کنند و تشویق می‌کنند ما پروتئین مخلوط کردیم این پروتئین از کجا میاد بنده بررسی کردم که یک نوع کرم از خارج کشور وارد می‌کنند که اینا پرورش می‌دهند و تخم ریزی می‌کنه و تبدیل به کرم مجدد میشه این کرمها که بزرگ میشه می‌کشند و خشک می‌کنند خوشکش را پودر می‌کنند و می‌شود پروتئین حوزه ما کجاست که بگوئید این کرمها حلال است یا حرام به راحتی هم استفاده می‌کنند در همه کیکها و بیسکوئیتها و تمامی خوراکی‌ها از آن استفاده می‌کنند من از یکی از تولیدکننده‌ها سؤال پرسیدم گفت میلیارد که سهیل است ما صدها میلیارد از پرورش این کرم درآمد داریم بعد پرسیدم

حلال است یا حرام خبر ندارد که بگوئید حلال است یا حرام من برای خودم خوردن آن را حرام کردم کیکها و بیسکوئیتهایی که از این مواد استفاده می‌شود در آنها واقعیتهای امروز انقلاب باید وارد شویم واقعیتهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و نه بابا آن‌های خیلی گسترده هستند ببینیم چخبره یه نکته دوباره می‌گویم که ممکن است دوباره برای من دردسر شود سیستم الکترونیکی بانک داری در دنیا یک ایرانی طراحی کرده است جالب است بدانید این ایرانی یک جانباز دفاع مقدس است که یک چشم هم ندارد و الان نیز ساکن انگلستان است تمام سیستم بانکداری الکترونیکی انگلستان در دستان این آقا است و بچه خرمشهر است اطلاعات کامل داده‌ام که همه او را بشناسند چشم ندارد جانباز است و بچه خرمشهر است می‌گویم بیا ایران می‌گوید ایران اصلاً فهم درک کاره مرا ندارد من صحبت می‌کنم نمی‌فهمند پیام چکاری کنم سپس آن را دعوت کردند که کنفرانس دهد خودش به بنده می‌گفت خجالت زده شدم دوباره بلند شد و برگشت این واقعیتها را بشناسیم ما این نیروها را داریم یه بزرگواری از یک دانشگاهی با ما تماس گرفت و گفت من اینجا دارم هدر می‌روم به یک روش مرا به ایران بازگردانید در صنایع خیلی حساس آنجا کار می‌کرد خوب اینها برای ما است واقعیتهای دنیای ماست حالا بماند این واقعیتها و این حرفها در مباحث مختلف اطلاع از واقعیتها ندارد واقعاً جوانان ما اطلاع از واقعیتها ندارند چه خبر است حالا این واقعیتها پیش رفته هم بعضاً باید روش کار شود و چه خبر است و چه پتانسیلهایی کشور ما به هدر می‌دهد چه ظرفیتهایی که از آن استفاده نمی‌شود این قدم دوم است که حضرت آقا به آن اشاره دارد می‌فرماید اگر می‌خواهید گام دوم را بردارید به این عمل

کنید و بعد به سراغ گام دوم بیایید شما ببینید من اینجا طراحی کردم سرفصل‌های گام دوم پنج تا است یکی سر گذشته‌ها است یکی واقعیت‌ها در این جا حضرت آقا می‌فرماید می‌خواهید بدانید گام دوم چیست شروع می‌کنند به توضیح دادن بعد هم می‌روند به پیش نیاز و بعد توصیه‌ها بر همین اساس آن پیشنهاد می‌کنند که اگر قرار است در گام دوم کاری انجام دهیم بعد از رصد این مطالب به دنبال سرگذشت چهل سال بروید که جوان ما آشنا شود و شما هم می‌دانید در این سرگذشت چهل ساله مهم‌ترین مقطع ما دفاع مقدس است کمترین کار روی آن انجام شده که جوان ما بیاید بر روی انقلاب بیاید امسالی مانند حاج قاسم تولید کند یک مرتبه در حضور آیت‌الله مصباح بودیم ایشان درباره دوتا از جوان‌ها که شاگردهای خودش بودند مطالبی را بیان کردند که من سختم شد و گفتم آقا رعایت بکنیم ما نسبت به شما ارادت خاصی داریم با این حرف‌ها ما به هم می‌ریزیم ایشان فرمود واقعیت واقعیت است آن دوبرگوار که هستند آقا مصطفی ردانی پور شیخ عبدالله میثمی هنوز در آرشیوهای موسسه آن‌ها را داریم ایشان درباره این دو بزرگوار یک مقایسه‌ای با خود داشت که من خجالت زده شدم که چرا آیت‌الله مصباح خودش را انقدر تحقیر کرد ولی ایشان به من فهماند آن‌ها آسمن شاگرد من بودند آن‌ها استادمن بودند دوست عزیز هر دو شاگردان آیت‌الله مصباح در مدرسه حقانی بودند آیت‌الله مصباح می‌فرماید این دو عزیز استاد من بودند این‌ها چه کار کردند حاج مجتبی اکبرزاده چه کار کرد که امثال شهید بهشتی شهید مدنی شهید صدوقی امثال آیت‌الله مصباح شیفته این بزرگواران می‌شود اگر بخواهیم کاری انجام بدهیم باید روی آن‌ها کار بکنیم از وقتی این نکته برای مشخص شد و

واضح شد که این هست وقت گذاشتم و الان به خوبی می‌توانم بگویم ۵۰ درصد وقتم را روی دفاع مقدس می‌گذارم پژوهش و هم از آموزش و هم از بررسی‌ها و ۵۰ درصد هم برای مهدویت گذاشته‌ام فقه و اصول هم اگر در کنار هم نباشند تضعیف میشن و ما نمی‌توانیم در ایران بحث ظهور و انقلاب از هم جدا کنیم بند خیلی صحبت کردم عذرخواهی می‌کنم در خدمت شما هستم اگر نکته‌ای هست بفرمایید شما ببینید در سرگذشت چهل ساله حضرت آقا یکی از مسائلی را برای ما باز می‌کند که خیلی عجیب است تجربه‌های بی بدیل انقلاب است من فکر می‌کنم یک کتاب درسی است فکر می‌کنم حدود یک سال پیش بود که من مطلع شدم در دانشگاه‌های نظامی آمریکا یک واحد درسی اجباری برای همه نظامیان آمریکایی طراحی کردند که آن هم مطالعه عملیات چزابه ما است زیاتر آن است که متوجه شده‌ام که نویسنده آن یکی از فرمانده‌های عملیات چزابه است من به سراغ این فرمانده رفتم و از او سؤال کردم او گفت بله آمریکایی‌ها از من درخواست کردند و اجازه گرفتند که این کتاب را ترجمه کنند و هر سال هم از من درخواست می‌کنند خودتان بیایید و این کتاب را تدریس کنید هر سال هم زنگ می‌زنند و تاکید می‌کنند و می‌گویند ما کاری به بحث سیاسی نداریم شما استاد هستید و ما دوست داریم شما آن را تدریس کنید نویسنده این کتاب سردار فتح‌الله جعفری نویسنده کتاب چزابه است کتاب چزابه آنجا ترجمه شده است و آنجا تدریس می‌شود و در آن تجربه‌های بی بدیل ما در آن ثبت شده و آن‌ها به دنبال این تجربیات هستند تا از آن‌ها استفاده کنند این تجربه‌های خاصی است ما در دنیا هم چنین عملیاتی نداشتیم یا در

عملیات والفجر هشت حضرت آقا می فرماید تجربه‌های بی بدیل انقلاب را فهرست کنیم یک کتاب قطور می شود جوان‌های ما بدانند این تجربیات را ماحور گرفت گدایی می کردیم اما الان تولید کننده‌ایم از کجا چه کار کرده‌ایم رسیده‌ایم که یک تجربه است آن بزرگواری که نمی توانم اسمش را ببرم در آن کتاب بنویسد که من چکاری انجام داده‌ام و چگونه ساخت هاور گراف را پیدا کرده‌ام این‌ها تجربه است تا جوانان ما یاد بگیرد که حضرت آقا خیلی اصرار دارد برکات این چهل ساله انقلاب است چه برکاتی داشته‌ایم نمی دانیم آقا در دنیا چه کرده‌ایم در میان اقوام چه تاثیری داشته‌ایم در مکاسب چه تاثیری داشته‌ایم دوست من ما که بیگانه نیستیم ما مکاتب الهی و غیر الهی در همه دنیا داشته‌ایم تا قبل از پیروزی ما در دفاع مقدس هر کدام از این مکاتب حرفی برای خود داشته‌اند بنده یکی از این مکاتب اخلاقی را می شناختم در شرق سی میلیون تیراژ نشریه‌اش بود سی میلیون ما سه هزار تا که تیراژمان می شود خوشحال می شویم روزنامه‌هایمان که به ده هزار می رسد نور علا نو است بیایید مارا روی سر بچرخانید سی میلیون تیراژ نشریه است بعد هم چون نمی تواند چاپ کند زمانی که ما متوجه فضای مجازی نبودیم آن‌ها به صورت الکترونیک پخش می کرد نشریه‌اش را و این سی میلیون آنا پیگیری می کردند و مطالب می گرفتند که بعد از دفاع مقدس اصلاً نیستند تعطیل شدند یکی از برکات ما در دوران دفاع مقدس این‌ها فهمیدند که دارند به به بیراهه می روند اگر سی میلیون جذب کرده‌اید این‌ها نیستید که فردا بیایند بگویند الله اکبر پس فردا دنبال شما نمی آیند به همین خوش هستند که اسمی هست می آید و می رود داد بزنی دورت جمع نمی شوند مکاتب تعطیل شد واقعاً مکاتب تعطیل شد الان به

گونه ای شده که من درسال هفتاد و شش مهمانی هندو داشتم آماده بود اینجا دانشجوی ترم آخر شیمی بود آمد و باهم صحبت کردیم شیعه شد و در ایران ماندگار شد این حرف‌هایی که ایشان می زدند ببینیم انقلاب چه برکاتی داشته است این برکات انقلاب خود یک مجموعه کامل است که باید رویش کار شود و جمع آوری شود در حوزه فردی و در حوزه اجتماعی در حوزه علمیه و در حوزه اقتصادی و در حوزه سیاست واقعاً برکات انقلاب در دنیا و نه تنها در کشورمان عجیب و غریب است تحول ایجاد کرده در دنیا حالا نمی خواهند این‌ها را پخش کنیم نمی خواهیم بگوییم ما هیچ کاره بودیم حضرت آقا بود شما ببینید همین جریان میکونوس کجاست یک تجربه بی بدیل و بی نظیر انقلاب بوده جریان دادگاه میکونوس شما اطلاعی از میکونوس دارید خیر به هر کدام از جوان‌ها درمورد میکونوس میگویم چیزی نمی داند و می گوید جریان چیست چرا ما خبر نداریم در صورتی که در دنیا این موضوع یک تحولی بسیار بزرگ ایجاد کرد و بعد از آن سیاست ما و سیاست خارجی ما شکل جدیدی شد و خیلی مطالب دیگر سؤال آخر بیانیه خطاب ارتش به جوانان چرا جوانان چرا بقیه اقشار نیست و دوم اینکه چرا مبانی فکری جوانان مهم است و مبانی فکری دینی سیاسی تاریخی جوانان چه کاری کنند حتماً شما خیلی مواجهه اینان شده آید و جوانان نزد شما می آیند و میگویند ما آماده ایم و می خواهیم وقت بگذاریم چکاری باید انجام بدهیم برای بیانیه و گام دوم تحقق پیدا کند باید چه کاری انجام دهیم من گمان می کنم که اگر شما این سؤال رو دو سال پیش مطرح میکردین می گفتم که این جای بحث دارد اما الان که فکر می کنم هیچ جای بحثی وجود ندارد چرا چون حضرت آقا خودشون این مطالب رو باز کردن که چرا

جوانان جوانان چه کسانی هستند برای ما مشخص است که جوان این جا سن نیست حضرت آقا خودشان هم تاکید کردند و آنجایی که وجود مبارک اهل بیت می فرماید علیکم بالاحداث به بعضی از نمایندگان اینجا منظور سنی نیست جوان اینجا کسی است که آن روحیه جوانی را در خودش نگهداشته اند که مادرروایات مهدی داشته ایم که وجود مبارک حضرت ولیعصر وقتی می آیند جوان هستند بعد بررسی می کنند جوان چگونه جوان حدوده چهل ساله ما چهل به بالا و جوان نمی دانیم ولی می فرماید حضرت حدوده چهل سال سن دارد و جوان است پس منظور جوان از این نیست که ما به دنبال سراغه ده پانزده بیست ساله ها برویم منظور آن کسی هست که واقعاً جوان زندگی می کنه و آن روحیات جوانی را دارد بعضی ها سؤال دارند که شاخصه های جوانی چگونه است آقا در گام دوم آورده که شاخصه های جوان یکی همت و هوشیاری و ابتکار و سرعت عمل است این ها از گام دوم است از خود نمی گویم حضرت آقا اینجا آورده اند که می فرماید این ها برای یک جوان و کسی که می خواهد جوان باشد لازم است همت داشته باشد هوشیار باشد ابتکار داشته باشد و سرعت عمل داشته باشد مانده حاج قاسم سلیمانی حاج قاسم سلیمانی تا آخر هم جوان بود پس اول باید توجه داشته باشیم که حضرت آقا منظورش از جوان اینجا فقط یک سن خاصی نیست و هر کسی که این شرایط را دارد می تواند وارد میدان شود زیرا در دوران دفاع مقدس هم دیدیم که بعضی ها با سن بالا جوان بودند و از جوانان هم با نشاط تر بودند خود حضرت آقا از هر جوانی با نشاط تر است اما نکته مهم اینجا این است که چرا حضرت آقا با توجه به این نکته قید کردند نمی آوردند و دوم به خطاب ملت است و جوان ها حضرت آقا خیلی اصرار دارد که اگر جوانان

درمیدان باشند و جوان ها پشتوانه یک نظام و حکومت باشند و دولت باشند می تواند موفق باشد در غیر این صورت موفق نیست بسیاری از کشورهای دنیا چون جوان هایشان نیستند آنها مجبورند ساکت باشند و حق ندارند حرفی بزنند و دائماً باید توسری خار دیگران باشند این است که حضرت آقا در اینجا یک کار روانی انجام داده و اینجا جوان هارا آورده درمیدان تا جوانان حواسشان باشد و جوانان باید این چرخ انقلاب را بچرخانند این نکته مهم و تأثیر گذاری است زیرا که حضرت امام هم از آن استفاده می کرد شما ببینید آن روزی که اهواز در آستانه محاصره بود در دفاع مقدس سال پنجاه و حضرت امام نیامدند بفرمایند مردم اهواز کجا بید فرمودند جوانان اهواز مرده اند چرا جوانان خطاب کرد اینجا دارند کار روانی را انجام می دهند کما آنکه ما می بینیم جوانانی از اهواز برای مبارزه آمدند بسیاری مسن بودند زن بودند پیر زن ها بودند آمدن و ایستادن و مقاومت کردند پس این یک کار روانی است و این کار روانی از قدیم رسم بوده شما بروید در قرآن کریم هم وقتی از انبیا صحبت می شود انبیا هم به فتا آن هایی که اهل جوانی هستند می فرماید که آن ها را آورده اند که الان در خاطر ندارم در مورد حضرت نوح بیان می کنه هم در مورد حضرت صالح داره و هم در مورد حضرت موسی داره که می فرماید جوان هارا صدا زدند و خبر کردند منظور از جوان مشخص است که سن نیست اما نکته سومی که عرض می کنم که چرا حضرت آقا جوان هارا آورده اند باز در بیانیه همین گام دوم حضرت آقا اشاره می کنه به بحث جوانانش به این که مهم ترین ظرفیت بخش در گام دوم نیروی انسانی است ایشان می فرمایند هر چه داشته باشیم نیروی انسانی نداشته باشیم به هیچ دردی نمی خوره ما اگر پهبادهای دنیا قبضه قدرتمان باشد موشک های دنیا

قبضه قدرتمان باشد بحث پدافند قبضه ما باشد که هست که واقعیت است و من نمی‌توانم درباره آن صحبتی بیشتر کنم این‌ها همه قبضه قدرت ما است و خیلی جاهای دیگر اگر ما نیرو نداشته باشیم چیکار کنیم نیرو می‌خواهد دیگر آن نیرویی که می‌خواهد اینجا کار کند باید با همان شاخصه‌های جوانی باشد بعد حضرت آقا می‌فرماید مهم‌ترین ظرفیت بخش ما این نیروها است که این نیروها باید سه ویژگی داشته باشند حالا مشاهده کنید که حوزه در اینجا چقدر دخیل است می‌فرماید این نیروها باید مستعد باشند مستعد به چی مستعد بودن تخصص آن‌ها را می‌آورد مستعد باشند و از لحاظ علمی پیشرفت و رشد داشته باشند در فناوری رشد کرده باشند اطلاعات داشته باشند مسلط باشند به کار سه کارآمد باشند گاهی می‌شود خیلی‌ها تسلط دارند اطلاعات نیز دارند آموزش دیده‌اند اما در میدان نبرد که وارد می‌شوند هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید این را در حوزه نیز داریم کسانی که سرشار از علم هستند اما وقتی می‌خواهند به سر کلاس بروند نمی‌توانند بخواهند آن را بیان کنند نمی‌توانند می‌فرماید هم مستعد باشند هم کارآمد باشند برای کاربردی کردن آن جامعه می‌فرماید با زیر بنای عمیق اصیل و ایمانی و دینی تکلیف ماست و ما حوزوی‌ها باید کار انجام دهیم آیا علمای ما و اساتید ما علما منظور مراجع نیست بزرگان حوزه راه افتاده تند برونند حاشیه کشور این مرز پر سروصدا و پرخطر کشور را تقویت کنند از لحاظ زیر بناهای عمیق ایمانی و دینی نرفته‌ایم انتظار هم داریم که کشورمان حفظ شود شما ببینید جناب مراغین موقعی که مشابه ندارند خودشون و شاگردانشان راه می‌افتند و می‌روند برای حفظ حریم اسلام و مرزها و جنگ‌های که شکل گرفته است و بعد هم می‌آیند و حسرت می‌خورند که چرا نیست جایی که

مارا سازمان دهی کند و جوانان را عمیق کنیم از لحاظ مبانی دینی این که الان در اختیار ماست و حکومت هم در اختیار ماست حوزه قرار است چه کاری انجام دهد شما فکر می‌کنید چقدر ما سرباز و پاسدار و ارتشی داریم در مرزهای کشور که این‌ها ماه به ماه از مبانی اعتقادی از آن‌ها خبری نیست این‌هایی که می‌گوییم خودم مشاهده کردم در مناطق صفر مرزی می‌رویم می‌گویند اینجا روحانی که چه عرض کنم اسم طلبه اینجا نمی‌آید چه برسد طلبه ای اینجا بیاید کجاست این علمای دینی علمای دین می‌خواهند چه کاری کنند حضرت آقا می‌فرمایند ما نیروی مستعد می‌خواهیم این نیروی مستعد یک زیربنا می‌خواهد همه جمع شده‌ایم در قم قم شده قارچ مراکز پژوهشی مثله قارچ خودمان هم هزاران هزار میلیارد هزینه می‌کنیم و هزاران هزار طلبه هم آوردیم که شهریه ما کم است از این پول‌ها استفاده می‌کنیم پس کجاست حاشیه کشور ما بعد یک طلبه که می‌خواهد به حاشیه کشور مان برود با هزاران بدبختی و مشکل باید برود و بیاید و کسی پشتیبانی‌اش نمی‌کند من روزی این حرف‌ها را زدم بزرگی به من گفت آدم خطر ناکی هستی گفتم دیگر چیکار کنیم ببینید در نیروی جوان هم روی دوش حوزه است ما باید ببینیم که آقا در دانشگاه‌های ما زیر بناهای اعتقادی واقعاً سست شده است اساتید معارف ما دنبال این است که کاری کند تا در کلاسش ده نفر حضور پیدا کنند تا نگویند بدرد نمی‌خورد و اخراجت می‌کنیم به هر فرد کیلویی نمره می‌دهد تا به بقیه تعریف کند که این استاد نمره خوب می‌دهد تا کلاسش شلوغ باشه تا در هیئت علمیه حضور داشته باشه بعد به بنده می‌گویند حوزه را ول کن بیا دانشگاه من ده سال است در دانشگاه معارف می‌گوییم ده سال پیش این جزوه را نوشتیم هر روز صبح این را می‌گویم یک

جمله هم اضافه نکردم گفتیم چرا گفت اول اینکه کسی گوش نمیکنه دوما کسی آن را پیگیری نمی کند سوم اینها نمره می خواهند اگر من به آنها نمره ندهم ترم دیگر کسی به سر کلاس نمی آید وقتی کسی به سر کلاس نیاد میگویند ارزیابی آمده پایین و در نتیجه آقا شما اخراجی به سلامت می خواهی نان بخورم اینها زیر بنای ما است دیگر ما اگر قرار است با حضرت اقامه راه شویم و در رابطه با جوان گرایی کاری کنیم ما زیر بنای اعتقادی می خواهیم ما در دولت و همه جا این ضربه را خورده ایم فکر می کردیم چون الان دولت اسلامی است رهش کردیم دیدیم ای بابا احمدی نژاد خودش و اطرافیانش و دار و دسته اش خیلی اشون عالی بودند اینها زیر بنای اعتقادی نداشتند اصلاً فقهی از ولایت فقیه نداشتند اصلاً نمی دانست چگونه ولی فقیه را طراحی کند خب رسیدیم به اینجا از ماهم شروع شد رفت به ماهم مرتبط است ما این زیر بنای اعتقادی را می خواهیم و این زیر بنای اعتقادی کار حوزه است اگر قرار است در موضوع جوان گرایی حوزه کاری کنیم باید بیاید در میدان بنده الان در دانشگاه های افسری دانشکده های علمی پژوهشی ما کجا آمد علمایی وجود ندارند من شرمندام که بگویم چند درصد اهل نماز اند چیزی نگویم چند درصد اهل طهارت اند چند درصد اهل پاکی و نجاست هستند چیزی نگویم بعد می شود بساطی که نباید بشود و عده عیلی با موانعشون آشنا هستند که اینها باید بحث بشود رویش من فکر می کنم این تکلیف ما حوزویان نیز هست که بیایم در میدان حضرت آقا دران بایستی های تقوا نظام پیشرفته می فرماید در آن بایستی های تقوای نظام پیشرفته جوانان باید شانه های خود را زیر بار مسئولیت ببرند آیا جوانان را برای گرفتن بار مسئولیت آماده کرده ایم همین جوانانی که

نمی توانند بار مسئولیت دختری را که به آنها سپرده ایم بعد از پنج و یا شش ماه آنها را طلاق می دهند این طلاق هم در حوزه بسیار و خی ام شده است از تجربیات گذشتگان عبرت بگیرند کی می خواهد این تجربیات و عبرت هارا در اختیار آنها قرار دهد حوزه قرار می دهد یا نمی دهد نگاه انقلابی داشته باشند کجاست این نگاه انقلابی کجاست این روحیه انقلابی عمل جهادی را به کار ببندد اینها نکات مهمی است حضرت آقا واقعاً بسیار دقیق بیان کرده است و در بحث جوان گرایی که گفتند قشنگ مشخص کرده اند و گفتند منظورمان از جوانگرایی چیست و حالا چه کاری باید انجام شود یک نکته دیگر حضرت آقا می فرماید اگر سرگذشت چهل ساله مارا بررسی کنید یک نکته خیلی زیبا به دستتان می رسد و آن نکته زیبا این است که محصول این تلاش چهل ساله انقلاب متعلق به دو جهت گیری است یکی جهت گیری انقلابی و یکی جهت گیری جهادی وقتی متن را دوازده سیزده روز مشاهده کنید حضرت آقا می فرماید تمام آن چیزی که ما در انقلاب داریم بگویم زیر بنایش کجا بوده جهت گیری انقلابی است جهت گیری انقلابی یعنی چی یعنی همان فقه شیعه همین احکام شیعه آموزش شیعه جهادی یعنی چی همین کاری که امسالی مثله حاج قاسم سلیمانی انجام می دهند باز این به ما حوزویان برمی گردد که ماباید کاری کنیم و تلاشی کنیم که باید بگیم متأسفانه ما در خانواده خود هم نتوانستیم کاری کنیم دیگر بماند خارج از خانواده من چند روز پیش در یکی از مراکز نظامی همین صحبتها را می کردم یکی از این مدیرهای ارشد نظامیان بلند شد و گفت اینگونه که شما می گوید حضرت حجت ده هزار سال دیگر ظهور می کند گفتیم اگر

همین گونه پیش برویم حضرت حجت ده هزار سال دیگر نیز ظهور نمی کند چون به میدان نیامده‌ایم.

۱۰. حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید مهدی موسوی^۱

که ما در طول این سی سال همه بیانات آقا را دیدیم و شنیدیم و گفتمان سازی کردیم و کار کردیم حالا چندان کار خاصی نسبت به بیانیه نباید انجام بدهیم یا نیاز نیست که انجام بدهیم یا اگر هم نیاز است انجام بدهیم دقیقاً همان تعبیری گفت مجموعه آثار آقا، در مجموع گفتمان‌های آقا مجموعه کتاب‌هایی جمع آوری کنیم بیانات آقا را در موضوعات مختلف منتشر کنیم؛ این یک نگاه که قائل هم دارد در جامعه ما از بچه مذهبی‌ها، بچه انقلابی‌ها بعضی‌ها همین نگاه را داشتند که این بیانیه یک اتفاق جدید نیست همان حرف‌های گذشته آقا آمده است یک سامانه جدیدی پیدا کرده است و انتشار همان بحث‌ها و این‌ها هم در کنار بیانیه کفایت می‌کند. نگاه دوم این بود که این بیانیه یک بیانیه شعاری است یعنی یک شعارهایی راه، یک آرمان‌هایی راه، یک افق‌های دوردست را برای ما نشان می‌دهد که یک مقداری خودمان را سرگرم کنیم، دلداری دهیم خودمان را و مسئولان هم و مردم هم و گروه‌ها هم از این شعارها خوب استفاده کنند و برنامه ریزی کنند. نمی‌دانم همایش بگذارند، نشست بگذارند، گزارش کار خوبی دریاورند و انتقال بدهند به مسئولان کشور که بله ببینید ما در کنار این بیانیه چنین کاری کردیم. این

سؤال: توضیح دهید که به نظر شما در این دو سال در مورد بیانیه بین نخبگان توانسته است جای خودش را باز کند و تصویر صحیحی از بیانیه از نگاه رهبری به جامعه و عموم منتقل کند؟ به عنوان سؤال اول

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

اولاً که تشکر می‌کنم از شما به خاطر زحماتی که می‌کشید برای گفتمان سازی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، از زحماتی که در این مدت کشیدید؛ ثانیاً ۲۲ بهمن را و این روز بزرگ را خدمت شما و همه دوستان عزیز تبریک عرض می‌کنم. قبل از اینکه به پاسخ این سؤال بپردازیم که در این دو سال ما چه نسبتی را با بیانیه برقرار کردیم و بیانیه چه نقشی را در گفتمان فکری و نظام دانایی جامعه ایرانی پیدا کرده است، ما باید اول مشخص کنیم که بیانیه چیست و چه تلقی‌ای از بیانیه باید داشته باشیم و بعد ببینیم که آیا این تلقی از بیانیه محقق شده است یا نه؟ خوب بیانیه را ممکن است یک شخصی بگوید آقا این یک متن خطابی جمع بندی شده مباحث پیشین مقام معظم رهبری است و نکته جدیدی ندارد. خب می‌گویند

هم یک ایده است و این نوع کارهایی که می‌تواند ذیل بیانیه انجام بشود. از کسانی که مثلاً همین نگاه شعاری را به بیانیه دارند قائل به این هستند که اینجا یک سلسله شعارهای خوشگل زیبای جذاب توخالی، حالا چرا می‌گوییم توخالی؟ مطرح شده است که با هر نگاهی و با هر مکتب فکری می‌توانیم آن را شرح بدهیم، توضیح بدهیم و تفصیل بدهیم؛ من حدود بعضی از جریانات فکری که به لحاظ مبانی فکری و اعتقادی با مبانی حکمی، با مبانی فقهی، اصولی حضرت آقا اصلاً هماهنگی ندارند به نوعی تضادی هم دارند، خودشان را سردمدار شرح و تفصیل و توضیح این کتاب، کتاب بنویسند، انتشاراتی‌هایشان منتشر کنند و تمام مبانی خودشان را در قالب این بیانیه ارائه بدهند، این هم یعنی همان نگاه شعاری یعنی خلاصه یک سلسله شعارها، یک سلسله مفاهیم جالب و جذاب هست که ما می‌توانیم مبانی فکری خودمان را از طریق این مبانی، از طریق این نماد و از طریق این شعارها انتقال بدهیم؛ یک نگاه‌های هم تفسیرهای هایدیگری از آن شده است، هم تفسیر نومارکسیستی از آن شده است، هم تفسیرهای نسبی گرایانه شده است، تفسیرهای اراده‌گرایانه از این متن شده است و الان هم در جامعه هست، شاید وجه غالب فضای رسانه‌ای را همین جریانات الان به عهده گرفتند و دارند کار می‌کنند. این در واقع آن تلقی از بیانیه وجود دارد که این بیانیه یک دستگاه شعاری است و ماییم که باید به آن معنا بدهیم و هویت بدهیم در کانتکس خودمان یک جلسه‌ای را بودیم با جمعی از آقایان گروه‌های مختلف یکی از آقایان آن گروه‌ها گفت که استاد ما حالا اسمش را هم برد من نمی‌خواهم اسم ببرم استاد ما حرف‌هایش بسیار سنگین و عمیق و دقیق بود، اما نمی‌توانستیم این حرف‌ها را مفاهمه کنیم با مردم، برای

تفاهم با جامعه آمدیم بیانات امام و آقا و بخصوص بیانیه گام دوم را آوردیم محور قرار دادیم که بعد بتوانیم از طریق بیانات امام و آقا آن حرف‌های عمیق فلسفه‌ای شدن و فلسفه علامه خودمان را انتقال بدهیم؛ یعنی چه؟ یعنی اینکه خلاصه یک متن توخالی است ما هستیم که باید آن را پر کنیم؛ این هم یک نگاهی به این قضیه وجود دارد که اگر این نگاه را داشته باشیم قطعاً خیلی از موفق بودیم، خیلی کارهای بزرگی انجام دادیم در این زمینه؛ اما یک نگاه دیگری هست و آن نگاه این است که حضرت آقا با توجه به تجربه حالا شصت، هفتاد ساله کار مبارزاتی، کار انقلابی و تجربه عظیم چهل ساله انقلاب اسلامی در صدد بازخوانی عمیق انقلاب اسلامی، مبانی فکری، شاکله انقلاب اسلامی در قالب یک عقلانیت اجتماعی و سیاسی هستند و سنخ این متن از سنخ آثار حکمت عملی ما و عقلانیت سیاسی ما یا به تعبیری سیاست نامه‌های اصیل ایرانی اسلامی هست که در صدد تبیین عقلانیت سیاسی و نظریه نظام انقلابی است که در واقع نشان بدهد که این نظریه انقلابی چگونه شکل گرفت، چگونه وارد معادلات سیاسی اجتماعی شد و بعد چگونه با نظم حاکم بر ایران که نماینده نظم حاکم استکبار بود درافتاد و در ذیل خودش منافع و چهارچوب‌ها و اصول اجتهادی حاکمیت اسلامی را تبیین کرد و یک گزارشی هم از دستاوردهای این عقلانیت سیاسی را ارائه می‌دهد و البته هم راهبردهایی را هم برای امتداد این عقلانیت و گسترش این عقلانیت مطرح کردند؛ در واقع بیانیه گام دوم یک متن خودآگاهی تاریخی ما نسبت به انقلاب اسلامی است که ما را از تبحر نسبت به انقلاب و از وادادگی و گذار از انقلاب نجات می‌دهد و یک تفسیر اجتهادی تحول‌خواهانه مبتنی بر خطوط اصلی را تبیین می‌کند و در واقع نقشه راه

آینده جامعه ما را و راهبردها و سیاست‌های آینده را می‌تواند تبیین کند، به تعبیر دیگری این متن جزء متون پایه، متن هست انصافاً؛ یعنی متنی است که نیازمند به شرح عمیق درون متنی است حالا این را توضیح می‌دهم یعنی چه؛ پس می‌بینید این یک نگاه سومی است که این درواقع عقلانیت گذشته ما را دارد ترسیم می‌کند و مسیر توسعه و پیشرفت مبتنی بر این عقلانیت را دارد تبیین می‌کند؛ خب اگر متن تبیین عقلانیت ماست آن هم در چهارچوب حکمت عملی و در چهارچوب سیاست نامه انقلاب اسلامی، نمی‌توانیم به سادگی با این متن مواجه بشویم و هرگونه که خواستیم آن را تفسیر کنیم، هرگونه که خواستیم آن را توضیح بدهیم یا یک سلسله کارهای رونمایی انجام بدهیم مثلاً یک سلسله همایش‌ها، یک سلسله نشست‌ها و بعد فکر کنیم با یک سلسله همایش‌ها و نشست‌ها تمام شد کار، نه متن عقلانی، متن تبیین عقلانیت باید متنی باشد که در متن نظام آموزشی ما، متن نظام رسانه ای ما، در محور حرکت سیاسی اجتماعی ما قرار بگیرد و بارها و بارها این خواننده شود، شرح داده شود، حاشیه نوشته شود امتدادهای آن گفته بشود، اسناد آن دربیاید و خلاصه باید بیاید در نظام آموزشی، متن آموزشی بشود، متن درس خارج نمی‌دانم انقلاب اسلامی بشود، متن رشته تخصصی علوم سیاسی ما، علوم اجتماعی ما و دانشگاه ما و حوزه ما قرار بگیرد، اگر این تلقی از آن چیز را قبول کنیم این تلقی از بیانیه را قبول کنیم ما می‌توانیم ادعا کنیم که کار چندانی انجام ندادیم و چندان موفق عمل نکردیم؛ اگرچه زحماتی را مجموعه‌های حوزوی، دانشگاهی، نهادهای انقلابی برای تحقق این بیانیه ترویج این بیانیه انجام داده‌اند و همه این تلاش‌ها، عموم این تلاش‌ها قابل سپاس و ارج گذاری است و البته بخشی از زحمات کار را

کشیدند، یک سلسله محتواهای خامی آماده شده است بعضی از لایه‌های بیانیه کنکاش شده است، در مجموعه مقالات، در مجموعه گفتگوهایی که بزرگانی انجام داده‌اند، سخنرانی‌های آنان، اما آن اتفاق بزرگ که این بیاید و نمایانگر و نشانگر آن خرد جامعه ما و عقلانیت جامعه ما باشد و مبتنی بر آن ساز و کارهای کنشی و برنامه ریزی و سیاست گذاری ما از یک عقلانیت خوبی برخوردار باشد، نه چنین اتفاقی نیفتاده است و شاید فاصله خیلی زیادی را هم با این اتفاق داشته باشیم.

یک نکته ای عرض کنم نکته هم این است که ببینید ما متأسفانه در طول این چهل سال همواره با متون اصلی رهبران انقلاب همین مواجهه را داشتیم، شما از اول انقلاب اسلامی ببینید تا بیاید و برسید به وصیت نامه امام، برسید به منشور روحانیت امام، از بعد از رهبری انقلاب آقا شما این قضیه را ببینید مثل آن نامه معروفی که، آن بیانیه معروفی که آقا در سالگرد اول رحلت حضرت امام دادند راه ما راه امام، بیاید جلوتر با نسبت به آن نامه ای که حضرت آقا به فضلالی حوزوی دادند در باب جنبش نرم‌افزاری؛ یعنی همواره ما تا آن نامه‌هایی که به جوانان اروپایی نوشتند و نهایتاً بیانیه گام دوم؛ ما تلقی مان از این متون همان رویکرد دومی است متأسفانه، که یک نگاه شعاری نمادی نمادین با این‌ها داریم، یک مواجهه نمادین با این‌ها برقرار می‌کنیم و یک مدت یک بودجه ای را می‌آوریم، یک انرژی ای را وقت می‌گذاریم، کار می‌کنیم یک سلسله مجموعه مقالات، نشست‌ها حالا ممکن است دوتا سه تا چهار تا پایان نامه هم در سطح ارشد و این‌ها نوشته شود و دو سه سال بعد هم اصلاً یادمان می‌رود، فراموش می‌کنیم که اصلاً چنین چیزی بود، چنین چیزی نبود! منتظر هستیم یک بیانیه جدید بیاید،

منتظر هستیم یک متن جدید بیاید، یک شعار جدیدی مطرح شود بعد دیگر سرگرم به آن شعار شویم و دیگر شعارهای قبلی را هم فراموش نکنیم؛ مثال بزید آقا مثلاً در باب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیانیه دادند، نامه دادند، الگوی ایرانی اسلامی معرفی کردند و از حوزه و دانشگاه خواستند که آقا در باب بیانیه گام پیشرفت، یک تب و فضای جذابی افتاد در کشور تا بیانیه گام دوم که آمد با بیانیه گام دوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت رفت به کما؛ یعنی دیگر همه مجموعه‌ها رفتند به سمت بیانیه و دیگر یادشان رفت بابا آن را هم قبلاً آقا گفته بود، این باید دوتایی‌اش با هم دیده شود؛ این مواجهه چیز به نظر من یک ظرفیت‌هایی دارد یعنی سعی می‌کند یک بسیج عمومی بشود، خلاقیت‌هایی به خرج داده شود، افراد زوایی از متن را نشان دهند، اما کار اصلی که ما باید انجام بدهیم این است که باید این به صورت متن بیاید و آموزش داده شود بزرگان ما جلسات متعددی را در کلاس‌هایشان به این اختصاص بدهند، یکی از زاویه فقهی، یکی از زاویه فلسفی،

یکی از زاویه سیاست‌گذاری، این را باید جوانب مختلفش را تبیین کنیم و به نسل جوان مان انتقال بدهیم، متأسفانه ما حتی در مورد قانون اساسی هم این کار را نکردیم، ما در باب قانون اساسیمان هم این کار را نکردیم متأسفانه و الان نسل جوان ما اصلاً بیگانه از قانون اساسی هستند، شما چهار سال دیگر اگر با همین روش جلو بروید یک سال دیگر نهایتاً بیانیه گام دوم ظرفیت دارد یک سلسله کارهای دیگر هم مانده است، این کارها را هم مجموعه‌هایی هم که ورود پیدا نکردند، ورود پیدا می‌کنند یک کاری را انجام می‌دهند و یک سیری کاذب حاکم می‌شود که آقا تمام شد ما کار کردیم، یک گزارش کار هم به مسئولان دادیم، یک هویتی را هم برای خودمان در

سطح جامعه درست کردیم و اثبات کردیم که ما ولایی هستیم و بعد می‌رویم سراغ کارهای خودمان و مبانی فکری خودمان؛ این اتفاق بیفتد. حالا روش دارد این کار، حالا اگر لازم شد بعداً در مورد روش آن و چگونگی تحقق این کار عرض می‌کنم.

سؤال: به نظر شما این منشاء و دلیل اینکه وجه دوم شعاری برخورد می‌شود و با متن رهبران و حتی کسانی که نظام فکری خاص دارند بخواهند متن آن را درست تفسیر کنند و تبیین کنند، منشاء این، آیا این کلاً مسئله همه گیر در تمام جوامع است یا فقط جامعه ما به این مسئله مبتلا است که این فضا به وجود می‌آید که هر کسی از ظن خودش...؟

بله به نظر من یک بخشی از این اتفاق مواجهه نمادین و شعاری با متون اصلی و اساسی، مثل بیانیه گام دوم، قانون اساسی و غیره، برآمده از نظام آموزشی حاکم بر جامعه ما است، برآمده از نظام تربیتی است که متأسفانه در این صد سال اخیر بر جامعه ما حاکم شده است، این هم عمدتاً از یک گرته برداری بسیار غلط، ناقص و ضعیف از فضای روشن فکری است که بر جامعه ما حاکم شده است، یعنی بعضی از جوانان دانشجویان ما در زمان قاجار رفتند غرب، یک مواجهه سطحی، ظاهری و روبنایی با تمدن غرب برقرار کردند، بعد آمدند همان فهم سطحی و ظاهری خودشان را از غرب و مدرنیته و فلسفه غرب آوردند در کشور جا انداختند، احساس علامگی کردند، بعد یواش یواش همین فهم سطحی ضعیفی که در جامعه گسترش پیدا کرد از طریق این نسل روشن فکر، آمد این‌ها دیگر ادعا کردند که ما دین را هم می‌توانیم بفهمیم، متون دینی را هم بفهمیم، شروع کردند متون دینی را همین طور فهمیدند، مواجهه سطحی با متون دینی، این یواش یواش به

منبری‌های ما هم رسید، به فضای عمومی جامعه ما هم رسید و بعد با رسانه‌ها، مواجهه سطحی با متون آغاز شد، البته می‌گویم با آمدن رسانه‌های جدید و ضرورت سرعت عمل، سرعت نوشتن، سرعت محصول دادن، سرعت... این سرعت باعث شد که آن عمق کم شود، آن متن محوری و متن خوانی، تمرکز روی متون و جوانب مختلف متن که در سنت اسلامی ما و سنت آموزشی ما یک ارزش محسوب می‌شد، آن تقلیل پیدا کرد و به سنت جزوه نویسی و جزوه خوانی نظام آموزشی ما سوق پیدا کرد و در واقع بعد از در همین مواجهه حوزویان با دانشگاهیان هم همین اتفاق افتاد؛ یعنی به جای اینکه ما دانشگاه را و نظام آموزشی جدید را بیاوریم به سمت سنت حوزوی خودمان، سنت حوزوی ما رفت سراغ سنت خطابه‌های غربی، رفت به سمت نمی‌دانم حرف‌های روبنایی زدن، حرف‌های شکیل و زیبا و دوست داشتنی زدند و این فضا الان بر جامعه ما حاکم شده است؛ یعنی الان ذائقه مردم را متأسفانه در طول این صد سال اخیر به گونه‌ای هدایت کردیم و به گونه‌ای به انحراف کشاندیم که دیگر ذائقه مردم توان شنیدن حرف‌های جدی و علاقه برای شنیدن بحث‌های بنیانی عمیق ندارند و اگر هم کسی بخواهد بیاید به صورت عمیق، متنی را مثل متن بیانیه تحلیل بکند، تبیین کند مخاطب ندارد؛ چون مخاطب ندارد نه از حوزوی پای منبرش می‌نشینند، نه دانشگاهی، نه مردم عادی می‌نشینند، خب این اینجا است که شما باید با یک مواجهه سطحی مواجه شوید، یک سلسله امور روبنایی یک سلسله امور جذاب را بگویید تا مخاطبیت را نگه دارید؛ متأسفانه این تربیون‌های جذاب، بی‌تهی، حالا فرق هم ندارد انقلابی غیرانقلابی، اصول‌گرا اصلاح طلب، در هر دو جریان‌ها هست، یعنی حوزوی دانشگاهی همه جا هست، این باعث

شده است که ما آن ذائقه را از دست بدهیم، آن ذائقه روزبه‌روز هم ضعیف‌تر شده است، ضعیف‌تر شده است و یک ذائقه کاذب همین حرف‌های روبنایی، حرف‌های سطحی شنیدن را بر جامعه ما حاکم شده است، این دلیل اصلی و دلیل مهمش هست؛ اما یک دلیل دیگری هم که وجود دارد ببینید با ورود مدرنیته و ورود تفکرات غربی، یک مقداری جامعه ما دچار تشتت‌های فکری شده است و با ترجمه متون غربی و انسی که بعضی از حوزویان و دانشگاهیان با آثار غربی گرفتند، هر کدام گم شده خود را برای تحول و تعالی در یکی از این جریان‌های فکری بیرونی پیدا کردند، خود این باعث می‌شود که یواش‌یواش بعضی از جریان‌های یک زاویه‌هایی را با تفکر اصیل انقلابی، تفکر فکری امام و آقا و شهید مطهری و علامه طباطبایی پیدا کنند، این‌ها با آن جریان اصیل حوزوی ما، خوب یکی می‌رود سراغ مثلاً هایدیگر، یکی رفته است سراغ هوسرل، یکی رفته است سراغ هگل، یکی رفته است سراغ مارکسیسم، یکی رفته است سراغ نو مارکسیسم، البته همه این‌ها هم، خیلی از این هم دغدغه انقلاب دارند، دغدغه اسلام دارند، دغدغه دین دارند و اما آن چهارچوب‌های فکری‌شان را از حکمت اسلامی و از فقه جواهری، از همین علوم حوزوی خودمان نگرفته‌اند؛ چهارچوب‌های فکری را نوعاً از مثلاً منطق هگل گرفته‌اند و به فلسفه شدن انجام می‌دهد، یا از نظریه سیستم‌های غربی گرفته‌اند و همان نظریه سیستم‌های غربی را می‌خواهند بیابند تحمیل کنند و به مبانی دینی ما، البته بعضی از این‌ها هم آدم‌های معروفی هستند، آدم‌های خطبایی هستند، مدرسان حوزه هستند، حالا این‌طور نیست که این‌ها آدم‌های بی‌دینی باشند، نه آدم دغدغه‌مندی هستند. این تشتت مبانی که هر کدام از این‌ها هم داعیه ورود به خلوص اسلام دارد، داعیه فهم اصیل

اسلام دارد، مثلاً قائل به این است که این فقه و اصول و فلسفه و کلام و نمی‌دانم این‌ها یا ریشه در اهل سنت دارد مثل اصول باید حذف شود، یا ریشه در یونان باستان دارد یا ریشه در هندو دارد و یک ریشه یابی هم برای آن می‌کنند و تصور می‌کنند که حالا خودشان باید از صفر شروع کنند و کار را جلو ببرند و این بسیار خطرناک است؛ مقام معظم رهبری در دیدار با یکی از همین جریان‌ها آنجا به صراحت بیان می‌کند که ما نباید با بنیان‌ها و علوم حوزوی خودمان در بیفتیم، بلکه باید این‌ها را قوی، عمیق و دقیق خواند و از همین‌ها استفاده کرد، مثال هم می‌زند حالا من بحث آن را پیدا می‌کنم برای شما می‌خوانم الان؛ چون خیلی متن مهم است به نظر من خیلی راه‌گشا است برای فهم اینکه چرا ما تفسیرهای متعدد غلط از بیانیه داریم ارائه می‌دهیم، چون بنیان‌ها با هم متفاوت است، این بنیان‌ها چون متفاوت است دیگر از پایگاه فکری خواجه نصیر و ملاصدرا و صاحب جواهر و شیخ انصاری و علامه حلی متون را نمی‌فهمیم، بلکه می‌رویم از زاویه هگل یا زاویه هایدیگر یا از زاویه هوسرل یا زاویه نمی‌دانم زاویه نوما کسبیست‌ها، مکتب فرانکفورت، نمی‌دانم مکتب بیرمنگام یا مکتب ... نمی‌دانم ادینبورا، سعی می‌کنیم پایگاه فکری را از آنجا گرفتیم بعد ادعای خلوص در فهم، خلوص در اسلام می‌کنیم، ادعای تأسیس علوم اسلامی و علم دینی می‌کنیم، اینجا است که تضاد پیدا می‌شود؛ آرام آرام شاید در شاخه‌ها و روبناها چندان تفاوتی با هم نداشته باشند، همه حرف انقلابی بزنند، همه حرف ولایت بزنند، همه حرف توحید بزنند اما زمانی که می‌رویم به آن زیربناها و به بنیان‌های فلسفی، بنیان‌های کلامی، بنیان‌های اصولی می‌بینیم آن جاست که تعارض‌ها و تضادها خودش را نشان می‌دهد، چون فهم متن مبتنی بر آن

بنیان‌ها است؛ شما باید بنیان‌های فلسفی، کلامی، اصولی حاکم بر آن ذهن نویسندگان متن را بخوبی بشناسید، بعد مبتنی بر همان پایگاه نظری و پایگاه معرفتی متن را تفسیر کنید؛ مثلاً یک شخصیتی مانند مقام معظم رهبری که یک حکیم متعالی است، یک متکلم زبردست اسلامی و یک اصولی و فقیه سنتی ما است و به بنیان‌های حکمی، بنیان‌های کلامی و بنیان‌های فقهی، کاملاً معتقد است، اصول را کاملاً معتقد است، یک متنی را که می‌نویسد کاملاً مبتنی است بر آن حکمت متعالی کلام، قرآن و اصولی است که این را تفسیر کرده است و باید اگر بخواهید متن آقا را هم تفسیر کنید، برگردانید آن را به همان مبانی فکری آقا؛ ولی شما می‌آید با فلسفه مشکل دارید با حکمت متعالیه مشکل دارید، با اصول مشکل دارید، با نمی‌دانم دانش‌های بنیانی مشکل دارید، در روبناها با متفکران مشترک هستیم، روبناها را می‌گیرید نهایتاً زیربناها را از خودت، از آن جریانی که از آن گرفته‌ای داری به متن تحمیل می‌کنی و این تحریف است؛ تحریف یعنی همین، تحمیل کردن مبانی فکری خودت به ظواهر یک متن؛ این اتفاقی است که دارد متأسفانه در جامعه ما رقم می‌خورد، حوزوی و دانشگاهی هم ندارد یعنی هم نسخه‌های حوزوی دارد این فضا و هم نسخه‌های دانشگاهی دارد، ما باید برگردیم؛ راهکار این است که ببینید اینکه فرمودید که آیا فقط متعلق به ایران است؟ نه متعلق به هر جایی است که شما نخواهید متن را سوار بر پایگاه معرفتی و اصول و بنیان‌های علمی آن تفسیر بکنید، اگر متن را از آن دانش‌های بنیانی حاکم بر ذهن مؤلف جدا کردید و آمدید متن را به عنوان نمادین، مثالی یک امر بریده از مبانی تلقی کردید و بعد سعی کردید با مبانی خودت و تلقی‌های خودت از مبانی فلسفی، کلامی، تفسیری، اصولی، این

متن را تفسیر کنید این تحریف است و همه دنیا هم می‌تواند به این تحریف و التقاط گرفتار باشد که جامعه ما هم گرفتار هست، ما باید برگردیم به آن اصول؛ ببینید تفسیر بیانیه گام دوم روشش این است برویم ببینیم آقا پایگاه معرفتی اش کجاست؟ نویسنده این متن چه نسبتی با آن علوم اصیل حوزوی و دانشگاهی برقرار می‌کند؟ خودش را همراه با اصول، همراه با فقه، همراه با تفسیر، همراه با فلسفه و کلام تعریف می‌کند؟ یا نه خودش را ضد با این‌ها تعریف می‌کند؟ بنیان‌های فکری هستی‌شناسی او، انسان‌شناسی او، معرفت‌شناسی او چیست؟ آیا قائل به تقدم معرفت بر اراده هست یا تقدم اراده بر معرفت است؟ آیا قائل به نسبییت معرفت است و نسبی انگاری در معرفت است؟ یا قائل به ثبات معرفت است؟ آیا قائل به این است که عقل حجیت دارد و ما را به واقعیت می‌رساند یا قائل به عقل نیست و عقل را پاک می‌کند از حجیت عقل؟ آیا علم جدید غرب را کفر محض می‌داند، ذیل ولایت شیطان تعریف می‌کند یا نه این‌ها را قائل به این است که این علوم ظرفیت‌هایی دارد ریشه در فطرت بشری دارد، بخشی از آن کاملاً جدا از فرهنگ غربی است، بخشی از آن با فرهنگ غربی عجین است، باید با یک منطق عمیق اسلامی بتوانیم اقتباس کنیم، اجتهاد کنیم و تحت سیطره فکری اسلام آن را در بیاوریم؟ خوب ببینید این بنیان‌های معرفتی این متفکر باید خوب بشناسیم و بعد براساس این بنیان‌های معرفتی، شما این بیانیه را تفسیر کنید؛ به تعبیر دیگر شما اگر می‌خواهید بیانیه را تفسیر کنید باید حتماً کتاب روح توحید آقا، کتاب از ژرفای نماز و به خصوص کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی را خورده باشید، یعنی فهم کرده باشید، بنیان‌های عمیق اعتقادی آن کتاب راه آن نگاه عمیق به توحید راه، به ولایت راه، به نبوت راه، به

مدرنیت راه، به جامعه راه، خوب شناخته باشید، خوب که شناختید، بعد بیایید متون بعدی آقا؛ آقا متون بعدی هم دارد مثلاً مقدمه‌هایی که بر کتاب آینده در قلمرو اسلام نوشته است، مقدمه ای که بر کتاب ادعانامه علیه غرب نوشته است، یا بیایید جلوتر بعضی از متون از روش شناخت اسلام که دارند ایشان، یک سخنرانی مفصلی دارند درباره روش فهم اسلام، معیار فهم را اصول فلسفه و روش رئالیسم و فلسفتنا شهید صدر معرفی می‌کند، بعد ببینیم آقا به عنوان متفکر اصیل انقلاب اسلامی چه کسی را معرفی می‌کند؟ می‌گوید نسل جوان بروید آن را بخوانید، می‌گوید امام، شهید مطهری، آیت‌الله جوادی، آیت‌الله مصباح یزدی، دیگر این‌ها را معرفی می‌کند، پس معلوم است یا مثلاً در دانش‌های حوزوی تاکید بر خواندن کدام دانش حوزوی دارد؟ چگونه؟ یا چه روشی؟ یا اگر سخن از تحول حوزه، تحول علوم اسلامی می‌زند، آیا به معنای بعضی از تفسیرهای غلط است که از تحول وجود دارد یا نه تفسیرهای دقیق و عمیقی است که در اندیشه‌های حضرت آقا هست و باید مبتنی بر آن، ما بیانیه را فهم کنیم و جدی بگیریم؟ حال آن متنی که گفتیم از آقا خدمت شما بخوانم و ببینید؛ ببینید در این کتاب منشور حوزه و روحانیت جلد پنج که در باب اصلاح و تحول هست، آقا آنجا یک خطر بزرگی را متذکر می‌شود و آن تحریف به معنای تحول است و می‌گوید که ما نباید علوم اسلامی را به سمت تحول‌های خطرناک ببریم، تعبیر خطرناک از خود ایشان است، می‌گوید که تحول غلط را نباید حاکم کنیم و می‌دانیم... به همین خاطر ایشان خیلی روی این تاکید دارد، من یک متنی را از ایشان بخوانم که در دیدار بعضی از همین جریان‌های تحول خواه حوزوی مطرح شده است.

استاد: ببینید حضرت آقا در ۱۳۸۹/۴/۱۴ تحول خطرناک در حوزه را این گونه تفسیر می‌کند، ببینید این متن را به نظر من باید رأس فهم بیانیه گام دوم قرار بدهیم، اگر این طور نباشد من به نظرم دچار تحریف می‌شویم و خیلی هم خطرناک است؛ تعبیر قرآن کریم بزرگ‌ترین خطر قوم بنی اسرائیل تحریفی بود که مؤمنان قوم بنی اسرائیل انجام دادند، از سر دلسوزی هم انجام دادند، از سر روحیه انقلابی گری آمدند که اصلاً نگذارند مردم بی دین شوند، برای اینکه مردم بی دین نشوند تحریف کردند کتب مقدس موسی را، ببینید تحریف خطر بزرگی است، خوارج که تحریف کرد، قرآن را تحریف کرد، مکتب اهل بیت را، از سر نادانی و از سر دلسوزی بود، غلات و جریان غلو که بک جریان بسیار خطرناکی است که بارها و بارها مورد لعن اهل بیت، لعن امام صادق (علیه السلام) و غیره قرار گرفته است این‌ها از سر دلسوزی و روحیه انقلابی گری به تحریف قرآن و مکتب اهل بیت می‌پردازند که مردم را به انقلاب و شورش و حرکت دعوت کنند؛ فکر نکنیم اگر می‌گوییم تحریف، تحریف فقط کار آن خارج نشین آمریکایی است که می‌خواهد... نه آن یک تحریف است، یک تحریفی است از سر بغض و کینه و نفرت، یک تحریفی هم هست از سر دلسوزی و سر شور انقلابی گری و نمی‌دانم یک تمدن خواهی و تحول خواهی؛ این هم هست ما متأسفانه در تحریف بیانیه گام دوم با این جریان بیشتر مواجه هستیم و اگر از الان جلوی آن را نگیریم و تبیین نکنیم این نوع از تحریف را به نظر من در آینده با خطرات بزرگی مواجه می‌شویم؛ ببینید جمله آقا این است: در آموزش‌های بنیانی که با طلبه‌ها سروکار دارد، دست زدن به پایه‌های اصلی کار خطرناکی است۔

ببینید تعبیر خطرناک از خود ایشان است — توجه می‌کنید چه در زمینه منطقی چه در زمینه اصول فقه چه حتی گاهی در زمینه نحو و ادبیات، یعنی یک وقت آدم می‌بیند که به یک پایه ای دست می‌زند و یک چیزی کنارش درست می‌کند، این پایه‌ها طاقت نمی‌آورد و سقف می‌آید پایین؛ یعنی خیلی باید به این توجه داشت چون پایه‌ها هم در طول سال‌های متمادی و با تراکم اذهان بسیار برجسته و پیچیده و والا به وجود آمده است؛ یعنی واقعاً شیخ انصاری را هیچ نمی‌شود دست کم گرفت، یا فرض کنید صاحب جواهر را، یا مثلاً فرض کنید در زمینه مسائل عقلی، منطقی خواجه نصیر را، یا علامه حلی را یا ملاصدرا را نمی‌شود دست کم گرفت؛ این‌ها خوب خیلی مغزهای برجسته و بزرگی بودند، آنی هم که الان در دست ماست این محصول و این کار مترکم و درهم تنیده مجموعه این‌ها است، اگر چنانچه بنا کنیم این پایه‌ها را دست کاری کردند یک وقت می‌بینیم که توانستیم آن پایه‌های متناسب محکم را کنارش درست کنیم، آن وقت سقف می‌آید پایین؛ یعنی باید به این توجه بشود. دو، سه سال قبل از این بعضی از این نوشته‌ها را که نمی‌دانم مربوط به منطقی بود یا چه بود آوردند پیش من به نظر من این معنا آمد و منتظر بودم یک وقتی با جناب‌عالی ملاقات بشود و این را عرض بکنم، خیلی خب حالا غرض همین، مهم است، این خیلی نکته مهمی است که این را توجه بکنید — ببینید کار خطرناک، پنج بار دارد می‌گوید توجه بکنید، دو بار دارد می‌گوید اگر دست به پایه‌ها و بنیان‌های اصول، ببینید اسم می‌برد اصول، ادبیات، منطقی، فلسفه خلاصه‌اش شیخ انصاری، صاحب جواهر، خواجه نصیر، علامه حلی، ملاصدرا و این‌ها دارد، اسم می‌برد در مقام بیان هم هست — اگر از چهارچوب فکری فقه جواهری و حکمت اسلامی خارج شدیم

— دو بار تأکید می‌کند که سقف فرو می‌ریزد، سقف فرو می‌ریزد— من این را اینجا تأکید می‌کنم. ایشان بارها و بارها به تحول غلط در شیوه‌های، همین شیوه‌های آموزشی و هم شیوه‌های تفسیری، بارها و بارها گفتند که برای تفسیر متن حضرت امام، باید از همان شیوه سنتی اصول و منطق اجتهادی که بزرگان اسلامی از شیخ مفید تا حضرت امام و شهید صدر و دیگران بر اساس همان حرکت کردند، متن را فهمید، امام را فهمید، نباید از کوچک‌ترین و سرسوزن‌تغییری در این منطق اجتهاد شود؛ خوب این زمان که ما داریم می‌بینیم پس باید بیانیه گام دوم را بیاوریم روی بستر مبانی فلسفی حکمی آقا، بستر کلامی قرآنی و بستر فقهی اصولی که ایشان به آن معتقد است تفسیر کنیم، تبیین کنیم، زوایای مختلفش را نشان دهیم، دائماً راستی آزمایی کنیم، ببینیم آیا این حرفی که من، تفسیری که کردم با کل بیانات امام و کل بیانات آقا سازگار هست؟ سازگار نیست؟ تفاوت دارد؟ تفاوتی ندارد؟ در معرض نقد امام شناسان و آقا شناسان قرار بدهم آن‌ها که مسلط بر همه متون آقا هستند؛ همه پایگاه معرفتی آقا هستند؛ نشان بدهند که آقا شما مبانی حکمی آقا را رعایت کردید مبانی تفسیری، مبانی اصولی، مبانی فقهی آقا را رعایت کردید، رعایت نکردید، اگر این بازگشت متن به مبانی و بنیان‌های تفسیری انجام شد و متن خودت را هم به آقا شناسان واقعی، به متن شناسان، انقلاب شناسان دقیقی که آقا معرفی کرده‌اند و همواره ما را به آن‌ها تذکر دادند مثل به سراغ آیت الله جوادی بروید، سراغ آیت الله مصباح بروید، سراغ حاج آقای پارسانیا بروید، سراغ... این آدم‌ها را هم معرفی کرده است برای اینکه ما به این‌ها مراجعه بکنیم و فهم خودمان را ارزیابی کنیم؛ اگر انجام شد بله، آن موقع می‌توانیم بگوییم یک تفسیر

نسبتاً هماهنگی را از بیانیه، برای جامعه اسلامی ارائه دادیم و این کار بزرگی است که باید دوستان و عزیزانی که می‌خواهند در کار بیانیه ورود پیدا کنند، حتماً و حتماً انجام بدهند، حالا می‌گوییم که متون زیادی هست از خود مقام معظم رهبری هست در باب روش تفسیر؛ من به نظرم شما یک کاری انجام بدهید و معرفی کنید روش‌های تفسیر بیانیه گام دوم را شناسایی بکنید، ببینید هر شخصی که وارد تفسیر بیانیه گام دوم شده است از چه پایگاه معرفتی، براساس چه مبانی تفسیری و روشی، وارد شده است، بعد ببینید که آن مبانی و اصول تفسیری که به کار گرفته است، با مبانی و اصول تفسیری مقام معظم رهبری سازگار هست یا سازگار نیست؟ آقا هم که صریحاً مبانی خودشان را در درس‌های خارج ایشان گفته‌اند، در سخنرانی‌هایشان گفته‌اند، بارها و بارها روش خودشان را در تفسیر متن حضرت امام یا روش تفسیر نهج البلاغه، تفسیر قرآن نشان دادند؛ خوب چیز دور از ذهنی که نیست؛ تفسیرهای آقا که هست در اختیار ما هست، می‌توانیم این‌ها را با هم تطبیق بدهیم و بعد بفهمیم که آیا این تفسیری که ارائه شده است، این کاری که الان انجام شده است تفسیر صحیحی است یا تحریف زیبا و حالا هوشمندانه یا ناآگاهانه از بیانیه گام دوم است.

سؤال: پس راهکاری که شما معرفی می‌کنید که این متن بیانیه، یک متن آموزشی در جوامع علمی در دانشگاه، در حوزه، نشست‌ها به صورت منظم و دقیق توسط بزرگان اتفاق بیفتد؟

بزرگان که با اندیشه‌های آقا از نزدیک آشنا هستند با روش شناسی تفسیری حضرت امام، مقام معظم رهبری کاملاً همدل و هم نوا و همراه

هستند و بنا دارند که این متن را برگردانند به آن مبانی؛ و الا غیر از این یک مقدار کار سخت می‌شود.

سؤال: خوب یک خورده به سؤال‌های ریزتر از این نگاه کلان، ما در نگاه رهبری می‌توانیم که جایگاه و نقش حوزه و روحانیت در نسبتی که در حکمرانی، حکمرانی اسلامی و در بیانیه چه نقش و جایگاهی حوزه و روحانیت می‌تواند ایفا کند؟ بسیاری هم خود شما هم با خیلی از طلاب و اساتید مواجه بودید، برای آن‌ها بعضی‌ها هنوز تردید و ابهام وجود دارد که چه کاری می‌توانند بکنند برای اینکه بیانیه گام دوم محقق شود، چه کاری می‌توانند...

بردارند خلاصه به کلی حوزه و روحانیت نقشش چیست؟

در باب نقش حوزه و روحانیت در انقلاب اسلامی و نسبتش با نظام اسلامی، مقام معظم رهبری در دیدار فکر می‌کنم ۱۳۸۹/۷/۲۹ آنجا مفصل خود ایشان نسبت بین حوزه و نظام را تبیین کرده‌اند که به نوعی نظام مستظهر به حوزه است و حوزه هم باید نیازهای فکری و بنیادین نظام را بخصوص در مقام علم و نظریه پردازی و راه‌گشایی علمی و افق‌گشایی روشن بکند؛ نقش اول و اساسی حوزه به عنوان قوه عاقله نظام اسلامی است؛ به عنوان آن ترسیم‌کننده نظریه نظام انقلابی است و تبیین‌کننده مسیر حرکت نظام انقلابی برای رسیدن به حیات طیبه و زمینه‌سازی ظهور ولایت عظمی است، چنانچه در خود بیانیه هم بیان شده است؛ اگر نظام اسلامی بر سه عنصر خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی استوار است، این‌ها وظایف حوزه است که بخشی از آن کار کلان و بنیادین خودسازی یعنی گسترش اخلاق و معنویت در جامعه با در نسبت با حکومت و نظام و در سطح بین‌الملل، یک خودسازی تمدنی، خودسازی انقلابی، یک خودسازی

رهایی بخش از غل و زنجیرها و موانع و دست و دست و پاگیر کار حوزه است. جامعه‌پردازی یعنی در واقع ساخت آن مدل‌ها و الگوهای نظام اسلامی در عرصه سیاست، در عرصه فرهنگ، در عرصه رسانه، اینجا هم حوزه نقش بسیار مهمی دارد که براساس بنیان‌های معرفتی و بنیان‌های حکمی و بنیان‌های فقهی بیاید تولید نظریه‌های علوم انسانی بکند؛ همین نظریه تولید علوم انسانی، اسلامی که آقا این قدر به آن تأکید دارد و بارها و بارها وظیفه فلاسفه را و حکمای اسلامی را گفته است وظیفه شما تولید علوم انسانی است، تولید نظریه‌های کلان در عرصه سیاست، اقتصاد، اجتماع است و نشان دهید الگو و مدل اسلام و مدل حکمت اسلامی برای مدیریت جامعه اسلامی چیست؟ بارها و بارها سال هشتاد و دو، سال نود و دو، سال نود و هفت، در ۹۷/۱۲/۲۹ دوباره آنجا به این تأکید کردند که کار حکمت اسلامی این است که بیاید آن حکمت عملی را تبیین کند، حکمت عملی را عرض کردم دیگر بیانیه گام دوم جنسش از جنس حکمت عملی است. عصاره حکمت عملی انقلاب اسلامی است، چه کسی می‌تواند حکمت عملی انقلاب اسلامی را به درستی تبیین بکند؟ حکیم حوزوی ما؛ حکیم حوزوی ما باید بیاید بنیان‌های حکمت عملی این بیانیه را تبیین کند، نقش چیستی عدالت، چیستی آزادی، چیستی علم، چیستی اقتصاد، چیستی سیاست، مدل کلان سیاست اسلامی، مدل و الگوی کلان اقتصاد اسلامی، این را آن الگوهای کلان و نظریه‌های بنیادین حاکم بر بیانیه گام دوم را حکمت ما باید تبیین بکند و بعد راهبردها و راهکارهای تحقق این نظریه‌های کلان، منشعب از معارف دینی باید روی روی فقه ما و علوم نقلی ما، فقیه ما، مفسر ما باید بیاید به میدان و نشان بدهد حالا این نظریه کلان در چه چهارچوب ضوابط، قراردادهای و مقرراتی

امکان تحقق دارد و نقش هر کس چیست؟ تکلیف هر کدام کدام است؟ حق و حقوق طرفینی که در این معادله اجتماعی حضور دارند؛ که این کار فقیه ما است. و راهبرد اساسی و وظیفه اصلی حوزه... پس ببینید تبیین بنیان‌های حکمی نظریه حکمت عملی ما یعنی همان نظریه نظام انقلابی است، تبیین فلسفی چیستی اخلاق، چیستی عدالت، چیستی آزادیف چیستی پیشرفت، چیستی تعالی، همین مفاهیم بنیادینی که در متن بیانیه آمده است، چیستی علم، آن مدل کلان و روش کلان تولید علوم انسانی اسلامی این‌ها را باید حکمت ما بیاید به میدان، حکیمان ما و طلاب مدرسه حکمت باید بیاید به میدان این کار را انجام بدهد. کار دوم راهبردها است؛ اینجا وظیفه فقیه ما است وظیفه فقه‌های ما است، وظیفه مؤسسات فقهی ما است که بیاید نحوه تحقق نظام انقلابی را، حالا در ذیل آن نظریه‌های کلان حکمی، کلامی حکمت عملی بیاید نشان دهد که حالا سیاست چگونه باید تحقق پیدا کند، وظیفه حاکم چیست؟ وظیفه محکوم چیست؟ چه تبیینی از مردم سالاری دینی داریم؟ نظام پارلمانی باشد نظام ریاستی باشد؟ چگونه مردم را به مشارکت دعوت کنید؟ نحوه مشارکت؟ اینجا است که دیگر دانش فقه و دانش اخلاق به میدان می‌آید؛ یکی حقوق قوانین و ضوابط را تبیین می‌کند، مرزها و حدود را روشن می‌کند؛ یکی هم ملکات، فضائل و آن زیبایی‌های رفتاری را تبیین می‌کند که وظیفه اخلاق است. این وظیفه ای است که حوزه نسبت به بیانیه گام دوم دارد که این بیانیه را باید امتداد بدهد تا به کف جامعه برساند؛ البته این به معنای جدایی از دانشگاه نیست بلکه با کمک دانشگاه و با گفت و گو و آن وحدت عمیق علمی و رفت و برگشت این مباحث بنیادین با مباحث راهبردی، سیاست‌گذاری و کف میدانی که عمدتاً در سطح

کارشناسی در دانشگاه مستقر است این رفت و برگشت اتفاق بیفتد، به نوعی یک نظریه کلانی در فقه و فلسفه ما تولید می‌شود، راهبردهای کلان آن هم تبیین می‌شود، حقوقش هم تبیین می‌شود، عرضه می‌شود به دانشگاه؛ دانشگاه این را از حیث کارشناسی و از حیث جزء به جزء تطبیقش با وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و تکنولوژی و صنعت بررسی می‌کند، بیان می‌کند اگر ابهامی، نقطه ضعفی، نقطه چیزی دارد به حوزه برمی‌گرداند، حوزوی پاسخ می‌دهد، اجرا می‌کند و بسیاری از پرسش‌های کف میدان را دانشگاه ما می‌تواند از کف میدان بگیرد بیاورد در دانشگاه، در علوم جدید صورت بندی کند، حیثیت‌های فلسفی آن را، حیثیت فقهی آن را، حیثیت تکنولوژی آن را، حیثیت‌های مختلف آن را شناسایی کند عرضه کند به حوزه؛ بگوید فقیه حوزوی، حکیم حوزوی به این سؤالی که الان حیثیت‌های مختلفش از هم شناسایی شده است، پاسخ بدهید. پس در یک رفت و برگشت یعنی یک بار نظریه تولید می‌شود می‌رود به کف میدان، کف میدان پرسش تولید می‌شود دوباره برمی‌گردد به مراکز علمی کارشناسی ما، صورت بندی عمیق که شد، صورت بندی که شد حیثیت‌های مختلفش که تجزیه و تحلیل شد می‌آید در حوزه، حوزه هم دوباره شروع می‌کند نظریه پردازی کلان را مبتنی بر حکمت و فقه و اصول و معارف دینی قرآن و حدیث، دوباره ... این فرایند و چرخه تولید علم از نظریه به راهبرد تا ضوابط، تا اخلاق، تا عمل و از عملیات تا نظریه؛ همواره یک جامعه پویا جامعه ای است که این فرایند و چرخه تولید علم، تولید نظریه، تولید اخلاق، تولید راهبرد و اجرای این راهبردها، همواره در آن حضور دارد؛ چرخه هم دوسویه است؛ یک سویه نیست، رفت و برگشت شده است. این جامعه، جامعه پویایی است، این همان نظریه نظام انقلابی در

عرصه علم است، در عرصه سیاست هم همین است، در عرصه اقتصاد هم همین است، در عرصه مبارزه با فساد هم همین است، این چرخه را باید ببینیم، آقا ببینید یکی از مفاهیم کلیدی بیانیه گام دوم مفهوم تحول است و این توجه به فرآیندی بودن تحولات اجتماعی، هم در کتاب طرح کلی مفصل بحث رستاخیز اجتماعی و تحول اجتماعی را آقا تبیین کرده است، هم در طول این چهل سال بعد از انقلاب و از همه مهم تر سخنرانی همین امسال سال نود و نه در وفات حضرت امام، سالگرد وفات حضرت امام در باب تحول و اینکه یکی از ویژگی‌های اصلی تفکر امام و تفکر انقلاب اسلامی، باور به تحول است؛ تحول یعنی چه؟ تحول نه یعنی آنارشیسم، نه یعنی در هم ریختگی، نه به معنای بی مبنایی و بی اصولی، نه تحول یعنی از مبنا تا عمل حرکت کردن و از عمل به مبنا رفتن؛ و نو به نو تفسیرهای عمیق جدید مبتنی بر چهارچوب‌های اصیل تفسیری تفسیر اسلامی داشتن، دائماً عرصه‌های جدید را فهمیدند، پاسخ دادن، تحول نه به معنای ستیز با غرب، ستیز با علم غربی، ستیز با دانش غربی، تحول نه به معنای جمود و تحجر نسبت به گذشته خودمان، تحول نه به معنای جمود و تحجر و تحلیل نسبت به دانش غربی، که همه این‌ها بد است، تحول یعنی یک رویکرد نوآورانه، اجتهادی عمیق مبتنی بر بنیان‌ها، برای فهم دقیق پیچیدگی‌های اجتماعی، فرآیندهای اجتماعی و ارائه نظریه‌های نو به نو برای مدیریت معادلات اجتماعی.

سؤال: این‌ها بیشتر در حیث نظری و علمی بود، در حیث عملی و اقامه این مباحث که این‌ها اجرا شود، کف میدان عمل، در حکومت، بین مردم، این‌ها حوزه در این عرصه چه نقشی دارد؟

بحث نظریه پردازی و راهبرد سازی و تنظیم قوانین و ضوابط همه این‌ها کارهای علمی است، درست هستند، ولی این پایه است، این بنیان است، اگر این نباشد کارهای بعدی فایده ای ندارد؛ نهایتاً اگر شما بنیان‌ها را و نظریه نداشته باشید آرام‌آرام به دام نظریه‌ها و بنیان‌های دیگری که در جامعه مستقر هست می افتید و نهایتاً یک رنگ و بوی اسلامی هم به آن می دهید و اسمش را هم می گذارید مثلاً یک چیزهایی اسلامی؛ این بنیان باید از سرش را... به نظر من اصل و اساس همین است؛ اما دو کار بعد از این هم وجود دارد: دو کار کار دوم کار گفتمان سازی است؛ یعنی حوزویان و نیروهای نیروهای انقبالی که فهم عمیقی از بیانیه و مطالب پیرامونی آن دارند و آن را در قالب یک نظریه نظام انقبالی و یک عقلانیت اسلامی و عقلانیت سیاسی اجتماعی درک کردند و بنیان‌های معرفتی آن را کشف کردند، این باید بیاید شروع کند این فهم را به جامعه منتقل کند، از طریق منبر، از طریق تدریس، از طریق تحقیق، از طریق نگارش، از هر طریقی که می تواند باید این را بیاورد و به مخاطبین خودش حالا اعم از مخاطبین حوزوی، مخاطبین دانشگاهی، مخاطبین عام، رسانه و غیره منتقل کند؛ مثلاً یک استاد مکاسب به نظر من باید بیاید مکاسب را در نسبت با بیانیه گام دوم بازخوانی کند و تفسیر کند برای شاگردش و به شاگردش نشان دهد ظرفیت‌های کتاب مکاسب را، کتاب رسائل را، کتاب کفایه را، نمی دانم کتاب عقاید را، کتاب بدایه و نهایه را، در نسبت با بیانیه و تحقق بیانیه؛ این یک کار گفتمان سازی است. استاد دانشگاه هم همین طور، منبری بالای دانشگاه هم بحث اخلاقی می کند بحث معنوی می کند بحث روضه امام حسین را می خواند اما باید نسبت میان این‌ها را کاملاً تنظیم کند، تبیین کند، ارائه بدهد

حالا یک جاهایی به صورت مستقیم، این جاهای غیرمستقیم، یک جاهایی موضوع کلاس درس و منبر ما موضوع بیانیه گام دوم است، یک بار نه موضوع ما اخلاق است، موضوع ما یک موضوع دیگری است، اما باید نسبت‌ها را روشن کنیم و ارتباطی برقرار کنیم بین آن متن و آن موضوعی که من قرار است ارائه بدهم یا اثر هنری خلق کنم با آن بیانیه؛ کار گفتمان سازی دومین کار است و کار بسیار مهمی است، اگر ما نتوانسته باشیم این فهم عمیق حکمی و فقهی را از بیانیه را جا بیندازیم فهم‌های تحریفی، فهم‌های غلط می‌آید جایگزین می‌شود؛ نسخه‌های اشتباه می‌آید جایگزین می‌شود و شما هم ناخودآگاه اسم بیانیه را می‌گویید اما در همان پازل دارید بازی می‌کنید، در همان میدانی دارید حرکت می‌کنید که نظریه هگل و نو مارکسیست‌ها و هایدگر و این‌ها میدان را تعریف کردند؛ شما باید میدان را تعریف کنید با گفتمان سازی میدان را شما تغییر می‌دهید، به تعبیر حضرت آقا گفتمان سازی و تبیین، حالا آن بحث‌های مفصلی که در باب تبیین دارد که یعنی ذات‌گه سازی، یعنی یک اندیشه را بردارید بیاورید در ذهن عموم جامعه، به ذهنیت عمومی تبدیل بکنیم، از ذهنیت عمومی به یک ذات‌گه عمومی تبدیلیش کنیم و بعد به یک مطالبه عمومی تبدیل بشود؛ این سه کار، گفتمان سازی بیاوریم یعنی گسترش یک فکر به نحوی که در اذهان جای بگیرد، دو، تبدیل آن به ذات‌گه، تبدیلیش به اینکه اصلاً می‌طلبیم، میل من همین است، اصلاً من همین را می‌خواستم، همین جذاب است، همین رافع نیازهای من است؛ یعنی با آن ارتباط قلبی برقرار کردن و سومی هم اینکه به مطالبه تبدیل شود؛ یعنی خلاصه اگر مردم با یک بحرانی مواجه شدند اولین پیشنهاد و اولین موضوعی که به ذهن آن‌ها خطور کند و اولین راه حل

همین راه حل باشد که شما براساس بیانیه گام دوم می‌توانید تحلیلش کنید؛ نه اینکه ده تا بیست تا سی تا راه حل از مکاتب مختلف بیاورید یکی از آن‌ها هم بیانیه گام دوم باشد؛ یعنی این قدر باید گفتمان سازی... اینجا نقش حوزه و حوزویان به خصوص با استفاده از رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی هنر، چه هنر بیانی، چه هنر ساختاری، چه زبانی، چه هنر نمی‌دانم تجسمی، چه هنر نمایشی، هر نوع هنری که انصافاً تطبیق می‌کند با شئون اسلامی و محتوای غنی بیانیه گام دوم، باید به خدمت بیاید و این بیانیه منتقل شود و به ذهنیت، ذات‌گه و مطالبه عمومی تبدیل شود.

سؤال: یعنی شما می‌گویید این سه وظیفه ای که برای حوزه گفتید یکی در بعد علم، دو بعد گفتمان سازی، سه بعد...؟

سومین کار بحث اجرایی سازی است؛ حالا گفتمان سازی هم که انجام شد حالا دیگر مطالبه عمومی شده است، مردم انتظار دارند، مردم می‌طلبند می‌گویند کجاست؟! آن شعاری که دادید، آن میلی که در ما ایجاد کردید، آن تحول روحی و روانی که در ما ایجاد کردید، حالا مطالبه می‌خواهیم، مطالبه می‌کنند دیگر مطالبه دارند؛ می‌گویند حالا اجرا می‌خواهند. حالا این اجرا هم حوزه نقش دارد، اما چگونه یک نقش حوزه تربیت نیروهای انقلابی برای تحقق این بیانیه است، لزومی ندارد خود حوزه و روحانیت ورود مستقیم کنند آن هم بحث می‌کنم ولی اصل این نیست، همین کار تولید نظریه و گفتمان سازی فوق العاده کار سنگینی است؛ یعنی اگر تمام عده و عده حوزه بیاید پای این کار به نظرم هنوز نیرو کم داریم، امکانات کم داریم، وقت کم داریم، خب در گفتمان سازی باید تربیت نیرو هم بکنیم؛ یعنی نیرویی که توان مدیریت این کار را داشته باشد، آن جوان مؤمن مسلمان داخل مسجد

را باید می‌آید پای منبر من، به عنوان یک سرباز جنگ نرم، یک افسر جنگ نرم تربیتش کنم؛ وارد دانشگاه می‌شود یک افسر جنگ باشد، وارد سپاه می‌شودف وارد ارتش می‌شودف یک افسر جنگ... وارد یک اداره ای می‌شود حتی کارگر ساختمانی هم هست اما یک افسر جنگ نرم او را تربیت کرده باشند و در همان میدان و حیطة ساختمان سازی‌اش هم بیانیه گام دوم انقلاب را فهم کند و او بتواند به کار بگیرد، انسان سازی و نیروسازی مهم‌ترین وظیفه اجرایی سازی ما در بحث تحول جامعه به سمت بیانیه گام دوم است؛ همان کاری که حضرت امام انجام دادف امام که خودش تیر و تفنگ نگرفت علیه شاه بماند، مردم را تربیت کرد خود مردم اگر تربیت شوند خود نسل جوان اگر تربیت شود دیگر خودش می‌رود، تو فقط راه را نشان بده او خودش می‌رود که چگونه تحولی انجام بدهد، البته تو راه هدایت می‌کنی، راهبری می‌کنی، سیاست‌گذاری می‌کنی و غیره؛ این مهم‌ترین وظیفه ای است که ما باید انجام بدهیم یعنی باید فضای رسانه ای ما، فضای تبلیغی ما، فضای آموزش و پرورش ما، فضای تدریس ما، برود به سمت نیروسازی؛ یک انسان با اراده فعال مقاوم عاقل، عاقل شرط بسیار مهمی است؛ یعنی عقلانیت حاکم بر بیانیه گام دوم به آن منتقل شده باشد؛ این همان نگاه اولی است که عرض کردم. ما بیانیه را باید به عنوان دستگاه عقلانیت و خرد سیاسی و خرد اجتماعی معرفی بکنیم و افراد خودشان را براساس این عقلانیت تنظیم بکنند اگر این اتفاق بیفتد کار بزرگ راهبری و کار بزرگ اجرایی سازی را ما انجام داده‌ایم، البته بله یک جاهایی هست که خود ما باید ورود داشته باشیم، البته ببینید از یک جهاتی کار نظریه پردازی و کار گفتنمان سازی خودش هم اجرا است، کار تربیت نیرو هم خودش هم

یک بخشی از آن کار اجرایی است، کار عملیاتی است، در کنج خانه نشستن نیست، اما یکسری کارها هستند خاص اجرایی هستند؛ خاص مدیریتی هستند؛ خاص نمی‌دانم عملیاتی هستند؛ بله در این بخش‌ها هم دیگر به اقتضاء آن شرایطی که ما در آن قرار می‌گیریم؛ الان نمی‌توانیم یک نسخه کلی بدهیم، اینجا روحانیت برود، اینجا روحانیت نرود، اینجا حوزه کار بکند... آنجا به اقتضاء نیازی که وجود دارد باید برویم، یک زمانی لازم است برویم در مجلس برویم، برویم در مجلس؛ یک زمانی لازم است برویم در دولت برویم در دولت؛ یک زمان لازم است برویم در اردوهای جهادی باید برویم در اردوی جهادی؛ مدیریت اردوی جهادی را به کار بگیریم، آنجا دیگر باید به صورت اقتضایی و به صورت موردی بحث کنیم، اگر نیروی جوان انقلابی وسط میدان هست که می‌تواند کار را به عهده بگیرد ما می‌شویم ناظر و مدیر، ما سیاست گذار، او می‌شود مدیر و مجری عملیاتی... اگر نبود آنجا خودمان باید نمی‌دانم برویم وسط میدان و کار را به عهده بگیریم و آن هم نه به معنایی که بگیریم برای اینکه یک پستی را گرفته باشیم، برای اینکه کار را راه بیندازیم، نیروهای خودش راه، نیروهای جوان انقلابی مؤمن مسلمان شکل گرفته آن عقلانیت را تربیت کنیم، این‌ها که آمدند روی کار، کار را به این‌ها واگذار کنیم برویم و کار بزرگ تری را انجام بدهیم. این تحول باید به سرعت چرخه ای، باید نو به نو، نسل جدید و نیروهای انقلابی را دائماً برداریم بیاوریم به میدان، در میدان مدیریت کنیم، عرصه را واگذار کنیم، برویم سراغ میدان جدیدتری راه، عرصه جدیدتری را باز کنیم و ان شاء الله در عرصه‌های بین الملل ورود پیدا کنیم؛ چون بیانیه گام دوم یک بیانیه بین المللی است و او خود بحث بعد بین المللی بیانیه گام دوم انصافاً یک بحث بسیار مهم و

اساسی است که می‌توانیم برای آن هم در مورد آن هم بحث و گفت و گو بشود.

سؤال: این موضوع سومی هم بود جوانان، ما تقریباً هم خود متن بیانیه اشاره می‌کند، هم تحلیل نخبگان هم این بود که بیانیه گام دوم خطابش به جوانان است و اینکه جوانان بیایند صحنه میدان عمل و انقلاب را در میدان عمل فعالانه و هوشمندانه محقق کنند، و حتی خود رهبری هم اول خرداد نود و نه، به قولی شرح بیانیه بود در مورد فرآیند ورود جوانان به عرصه مدیریت صحبت کردند، خواستیم ببینیم این فرآیند به چه شکل است؟ پس با این وجود ضعف در حوزه نظریه و عمل، این جوانان در این عرصه‌هایی که در میدان عمل نه راهکار رهبری بیان کردند به عنوان نمونه حالا بیان کردند، این‌ها جوان‌ها این وسط باید چه کار کنند؟ الان سؤال اصلی همین است که ما الان وسط هستیم چه کار کنیم؟ قول دوم که چگونه آن دولت انقلابی را به وجود بیاورند؟ یعنی قرار شده است با این مسئله آن دو صورت انقلابی و حزب‌اللهی و جوان را به وجود بیاورند.

نکته اول اینکه جوانی لزوماً سن نیست؛ جوان روحیه است آن انسان با اراده عاقل وسط میدان تحول خواه آرمان‌گرا جوان است، ممکن است این پانزده سالش باشد، ممکن است سیزده سالش باشد، ممکن است چهار سالش باشد، ممکن است شصت سالش باشد، ممکن است شهید حسین فهمیده و بهنام محمدی باشد دوازده سیزده ساله، ممکن است حاج همت و این شخصیت‌ها باشد، ممکن است حاج قاسم و حاج حسین همدانی و حاج احمد کاظمی پنجاه ساله و شصت ساله باشند، آن چه دولت جوان انقلابی، چه مخاطب اصلی این

کار، آن روحیه جوانی است، که باید آن روحیه جوانی که عرض کردم با امید با نشاط با اراده پرکار امیدوار آرمان‌گرا و پویا، این‌ها روحیات یک جوان مؤمن انقلابی است. این باید بیاید وسط میدان، این مخاطب است، که البته به لحاظ کثرتی هم که نگاه بکنیم می‌بینیم این روحیه در نسل مثلاً از سن پانزده سال تا سن چهل سال بیشترین چیز را دارد بیشترین بسامد را دارد، بیشترین افراد در این سن هستند. در نسل قبل تر و نسل بالاتر یک مقدار تعدادشان کمتر، خیلی کمتر است؛ پس نوعاً می‌شود همین نسل. خوب این یک نکته؛ نکته دوم این است که خوب این بیانیه گام دوم برای گام دوم انقلاب اسلامی است یعنی گام دوم یک حداقلش چهل سال است دیگر مثل گام اول، خوب بسیاری از کسانی که الان شصت سال دارند پنجاه سال دارند که لزوماً همه گام دوم را طی نخواهند کرد، آن جوان چهل ساله است که بتواند دیگر تا پایان گام دوم عمر کند مثلاً هشتاد سالش شود، آن نسل مثلاً پانزده سال و بیست سال است که گام دوم را قرار است اتفاق را رقم بزند مدیریت‌های آینده را تحولات آینده را، در سطح حوزه و دانشگاه و مدیریت‌ها و جامعه به عهده بگیرد و جلو ببرد و آقا از حالا دارند آن‌ها را خطاب قرار می‌دهند، این نکته اول و جوان باید بیاید به میدان. اما اینکه جوان چگونه باید به میدان بیاید؟ اینکه کار کوتاه مدت که نیست بگوییم که جوان بیاید به میدان یعنی سریع یک اعلام عمومی بکنیم آقا پانصد هزار نفر بیایند به میدان، می‌خواهیم بیانیه گام دوم را تحقق ببخشیم. نه بیانیه گام دوم می‌گوییم حداقل یک گام چهل ساله است، الان باید ببینیم چه میزان جوان فعال به فعلیت رسیده برای تحقق

بیانیه گام دوم داریم؟ ممکن است وضع مطلوب نباشد ولی یک جوانانی داریم این‌ها باید بیایند پای میدان؛ گام اول را این‌ها باید رقم بزنند، ورود به یک مرحله اول دهه اول را، این‌ها شروع بکنند هم زمان این نسل باید نسل بعد از خودش را هم تربیت بکند که جوان نسل دوم حالا دهه دوم قرن پانزدهم بتواند کار را، این پرچم را از این نسل اول قرن پانزدهم بگیرد، از نسل اول حالا دهه اول، شما ببینید از ۱۹۹۷ حساب کنید تا ۱۴۰۷، این یک نسل جوان، این یک دهه که بنده و شما و این‌ها باید فعالیت کنیم، اینجا باید به گونه ای حرکت کنیم و کار کنیم که نسلی را آماده کنیم که سال ۱۴۰۷ براحتی پرچم را بدهیم به دست شاگردانمان، به دست دوستانمان، به دست فرزندانمان؛ این‌ها باید این‌گونه تربیت شده باشند که آن عقلانیت در این‌ها تجسم پیدا کرده باشد، آن نشاط ایجاد شده باشد، آن تجربه‌های ما به این‌ها منتقل شده باشد. حالا این نسل هم در یک دهه، دو دهه هم دست نسل است، این نسل هم همین کار را باید انجام بدهد و زمینه را برای سپردن پرچم به نسل بعدی آماده بکند، یک اشتباهی که ما در دهه شصت انجام دادیم نیروسازی انجام نکردیم؛ آقا در جمع بندی سال شصت و هفت یک گفت و گویی با آقا دارند که آسیب شناسی کنیم انقلاب اسلامی را؛ می‌گوید یکی از نقاط ضعف انقلاب ما این است که ما نیرو سازی نکردیم، می‌گوید دو تا نقطه ضعف داریم یکی تولید فکر نکردیم، یکی نیروسازی نکردیم، این هم می‌گوید به خاطر اینکه ما درگیر کار اجرایی و حجم انبوه فعالیت‌ها و بسیاری از رهبران را از دست دادیم شهید مطهری، شهید بهشتی، نمی‌دانم شهید باهنر، شهید

مفتح این‌ها آدم سازهای ما بودند، این‌ها را از دست دادیم و بعد دیدیم که ما در دهه هفتاد و دهه هشتاد و الان در دهه نود هم متأسفانه همان نسل جوان دهه شصت، خودش را معیاردار و میدان دار می‌داند و نمی‌دهد به جوان، و اگر هم بدهد به یک سلسله جوان‌های بی عرضه امنیتی می‌دهد که جز مشکل آفرینی هیچ کاری برای نظام و جمهوری اسلامی انجام نداده‌اند، جناب وزیر اطلاعات... وزیر مخابرات و این حرف‌ها. نمونه‌اش را دیده‌ایم، آن جوان اصیل انقلابی به او نمی‌دهند؛ نکته این است که نیرو تربیت نکرده‌ایم، نظریه تولید نکردیم، علم تولید نکردیم که این جوان بتواند این تجربه‌های این‌ها بیاید به صورت دانش در اختیار این قرار بگیرد و این بتواند نسل بعدی را... ما الان دفاع مقدس یک گنجینه فوق العاده ای است، الان جوان ما می‌خواهد مدل و الگوی دفاع مقدس را بخواند شما یک کتاب معرفی کنید، کجای حوزه و دانشگاه ما مدل ده سال دفاع مقدس را آورده است تنظیم کرده است صورت بندی کرده است به صورت یک نظریه مدیریتی، سیاست گذاری فکر جوان ما این را بخواند بعد احساس کند همت زمان خودش است؟! احساس کند حاج احمد کاظمی زمان خودش است! این کارها را نکرده‌ایم به همین خاطر الان ما هم خودجوش، یعنی نسل ما هم به صورت خودجوش یا در ارتباط با بعضی از اساتید و بعضی از افراد یا مطالعه خاطرات و آثار شهید مطهری و این‌ها یک بروز و ظهور داریم یا خود حالا کاری که حضرت آقا انجام دادند؛ ما باید چه کار کنیم که نسل جوان، نسل جوان انقلابی نسل مؤمن تربیت شده باید باشد، نسلی است که باید این تجربه چهل سال

در اختیارش قرار گرفته باشد، با این تجربه چهل سال اگر نگوییم با تجربه دویست سال، که آقا یک وقتی می‌گوید تاریخ دویست سال اخیر را بخوانید، من گله مند هستم از دست جوانانی که تاریخ مشروطه را نمی‌خوانند، تاریخ معاصر ایران را نمی‌خوانند من خودم سطر به سطر این تاریخ را خوانده‌ام؛ جوان انقلابی جوانی است که خودآگاهی تاریخی دارد، خودش را می‌شناسد، می‌فهمد از قیام تنباکو تا انقلاب اسلامی چه اتفاقی افتاده است، جریان‌های غرب زده چه بلایی سر کشور آوردند؛ نحوه مواجهه ما با آن‌ها کجایش درست بود؟ کجایش غلط بود؟ نمی‌دانم دفاع مقدس چه اتفاقی افتاد و ... این مدیران انقلابی در این چهل سال چه زحماتی کشیدند، چه الگوهایی دادند، الان که ما سریع همه را متهم می‌کنیم به فساد و دزدی! همه را هم می‌رانیم و تمام می‌شود! اصلاً یک طوری به جوان داریم القا می‌کنیم که آقا همه دزد هستند! هم مفسد هستند! همه مشکل دارند! این همه تجربه خوب این همه کارهای خوب، بیاوریم این‌ها را تبیین کنیم به صورت تجربه در اختیار نسل جوان قرار بدهیم و نسل جوان بعد... نسل جوانی می‌تواند عهد ه‌دار بیانیه گام دوم بشود که خودآگاهی تاریخی داشته باشد یک، بیانیه را به عنوان دستگاه عقلانیت سیاسی و خرد اجتماعی باور کند و در خودش تجسم بدهد و در رفتارها و کنش‌ها و درس‌ها و مطالعه و هر کاری که می‌کند بیانیه را به رسمیت بشناسد، بیانیه را با آن تفسیرهای عمیقش بیاورد و برای خودش برنامه ریزی کند، بگوید من در اینجا بیانیه قرار دارم، این رسالت برعهده من است و این کار را باید انجام بدهم؛ یعنی نسبت خودش را با بیانیه باید روشن کند و

چهارم اینکه اهل اقدام و عمل باشد؛ یعنی بیاید وسط میدان، وسط کار و این کار را انجام بدهد. یک چنین جوانی را می‌خواهیم برای تحقق جامعه و تحقق بیانیه در جامعه و ساخت دولت جوان انقلابی. چقدر الان زیرساخت‌های آن را داریم؟ چقدر آدم به این گونه ای تربیت کرده‌ایم؟ این دیگر نیاز به کار آماری دارد، کار گزارشی دارد؛ ولی ما می‌توانیم الان یک نسل نسبتاً بالفعلی داریم که اگر نگوییم همه این شرایط، بخش خوبی از این شرایط را دارد و می‌توانیم به کمک هم این‌ها و البته با بارور کردن هم این‌ها و رشد دادن همین نسل بیاییم و نسل آینده را عمیق‌تر، دقیق‌تر و فعال‌تر و عاقل‌تر بار بیاوریم و این ظرفیت هم در معارف ما هست، هم در مباحث عمیق حضرت امام و حضرت آقا و شهید مطهری و علامه مصباح یزدی (ره) و این شخصیت‌ها وجود دارد، هم تجربه چهل و سه، چهار ساله انقلاب ما، انصافاً یک تجربه فوق العاده ای است؛ تجربه دهه شصت، تجربه دهه هفتاد، دهه هشتاد یک تجربه‌هایی داریم که این تجربه‌ها مثبت است؛ خوب این‌ها را بیاوریم صورت بندی بکنیم و به نسل جدید انتقال بدهیم، یک تجربه‌هایی داریم آزمون خطاهایی که کرده‌ایم، اشتباهاتی که کرده‌ایم در بیانیه هم آمده است که انقلاب اسلامی خطاهای خودش را می‌بیند و باز تولیدش می‌کند یعنی آن خطاها را بازسازی می‌کند، به سمت حل آن می‌رود، این است که می‌گوییم عقلانیت؛ یعنی این روحیه را باید در جوانان ایجاد کنیم، این تجربه را هم در اختیارش بگذاریم ان‌شاءالله آن دولت جوان انقلابی حالا این دوره نشد دوره‌های بعد قطعاً محقق خواهد شد و دولت یعنی هر جوانی در هر کجای

کشور خدمتی انجام دارد می‌دهد یک دولتی است؛ دولت جوان انقلابی است دولت که فقط مجلس و قوه قضاییه و نمی‌دانم، دولت نیست، آقا یک جمله ای دارند می‌گویند شما هر کجای جهان که دارید خدمت می‌کنید، هر کجای جامعه که دارید خدمت می‌کنید، همان جا را مرکز عالم بدانید و همان جا با عمق و دقت و سلامت کارت را انجام بده. ما هر کدامان یک دولت جوان انقلابی هستیم و می‌توانیم این کار را ان شاء الله رقم بزنیم؛ البته آن نمی‌خواهم نفی کنم اهمیت ساختارها را و آن جایگاه‌هایی که است که البته برای آن جا هم باید ان شاء الله برنامه ای داشته باشیم. سؤال: نکته ای در احساس می‌کنم نظر شخصی خود من هست خیلی مغفول مانده است، توجه ضعیفی است که خیلی از انقلابیون و جوانان ما به نقش مردم دارند و از طرفی همین توجه به مردم باز چکیده این توجه به نقش مردم به جوانان، این نگاهی به منابع اسلامی، عقل و حتی در این چهل سال و از صدر اسلام را نگاه می‌کنیم، هر جا که به مردم و جوانان بها داده شده است موفقیت بعد از آن آمده است و حتی اگر موفقیت هم نباید این لازمه ذاتی جامعه است که به مردم و جوانان نقش داد، حتی اگر به خطا بروند، شما این را قبول می‌کنید مسأله را، این مسأله بین جوانان و بین انقلابی‌ها ضعیف است؟

به نظر من آن رکن اگر بگوییم انقلاب اسلامی دو رکن داشت، رکن اول آن نگرش توحیدی حضرت امام بود، رکن دوم آن این بود که مردم این نگرش توحیدی را باور کردند و به میدان آمدند براساس همین نگرش توحیدی؛ امام به مردم نشان داد شما خودتان حاکم بر

سرنوشت خودتان هستید، خودتان باید بیاید به میدان، اقتصادتان، سیاستتان، همه چیز دست خودتان است و مردم آمدند به میدان؛ اما ما متأسفانه بعد از انقلاب آمدیم به مردم گفتیم آقا شما بروید بنشینید در خانه‌هایتان ما به شما نفت می‌رسانیم، ما به شما خدمت می‌کنیم، ما برایتان کوبن قضایا را می‌آوریم، ما برایتان کار جور می‌کنیم، ما برایتان پول می‌دهیم این‌ها... این خطایی بزرگ است؛ بعضی‌ها هم در دولت‌های گذشته از این شعار مردم گرایی سوء استفاده کردند، دائم می‌آمدند مردم را در مقابل انقلاب، در مقابل جریان انقلابی به اسم جامعه مدنی و به اسم دولت مهر و دولت تدبیر و امید آوردند دائماً دوگانه درست کردند بین دولت و مردم، ما مردم، دولت مردم، آن دولت بدف مردم خوب، در حالی که دولت بد باشد دولت مردم است از مردم برآمده است، دولت خوب باشد مردم است؛ خب این فضا را باید بدانیم و مدیریتش کنیم، ما باید باور کنیم که دولت یعنی مردم، مجلس یعنی مردمف قوه قضاییه یعنی مردم، این‌ها عناصری از مردم هستند؛ این‌ها چیزی جدای از مردم نیستند و مردم هم باور کنند که این‌ها از خودشان هستند، فاصله نباشد، اشرافیت نباشد، تند سخن گفتن نباشد، سالوس بازی و نفاق نباشد، مردم از این‌ها ناراحت هستند!! از این‌ها جدا هستند، می‌آیید (نامفهوم ۰۱:۲۲:۳۴) اخلاق می‌گذارید بعد خودت در رقابت‌های انتخاباتی اخلاق را رعایت نمی‌کنی!! حرف از معیشت مردم می‌زنی و خودت اشرافی زندگی می‌کنی!! یک سال از دفترت بیرون نمی‌آیی و با مردم یک ارتباطی بگیری از ترس کرونا!! ببینید این‌هاست که مردم را نگران می‌کند و احساس می‌کنند که این‌ها یک طبقه برتر هستند! یک

ژن خوب هستند! و مردم بدبخت باید در کوچه و بازار باشند و آن‌ها در فضای خاص خودشان باشند.

سؤال: آن‌نگاهی که مد نظر بود نگاهی که می‌گوید مردم سالاری دینی، فقط در عرصه سیاسی آن‌هم در انتخابات محقق شده است، همین‌هم خودش اتفاق بزرگی است که کم‌نظیر است، ولی در عرصه‌های دیگر از عدالت اقتصاد خط زندگی اخلاق علم به مردم بها داده نشد ببینید همان روحیه را دارد می‌گوید...

ببینید چرا این اتفاق افتاده است؟ چون ما این باور را به مردم نداریم و این مردم را باور را مردم هم به خودشان ندارند؛ یعنی این باور را از مردم گرفته‌ایم که آن‌ها سرنوشتشان دست خودشان است، ما این طور به آن‌ها تلقین کرده‌ایم که آقا شما آن تنظیم طنز معروف است که می‌گوید طرف حج می‌رفت می‌گفتند که چرا نماز نمی‌خوانی؟ گفتند همه کارها با مسئول کاروان است. ما دولت و مردم این طور تفسیر کرده‌ایم حتی سابقه تاریخی هم دارد در ایران، که مثل اینکه زمانی که دولت تشکیل شد دیگر مردم خودشان هیچ وظیفه‌ای ندارند و دولت دیگر باید صفر تا صد زندگی آن‌ها را سامان بدهد؛ کار این‌ها را درست بکند.. ولی اگر آمدیم نشان دادیم به مردم که بابا خودت باید بیایی، دولت فقط نقشش یک تمهیدگر خوب است، یک زمینه ساز خوب است، اما کار را که دیگر دولت نباید ایجاد کند، خود مردم باید ایجاد کنند. پول را خود مردم باید ارزشش را بالا ببرند، کالای ملی را با خرید خود مردم باید این اتفاق بیفتند، دانشگاه‌ها را باید خود مردم ارتقا بدهند؛ حالا البته مردم یک بار استاد دانشگاه است، یک بار مدیر

دانشگاه است، یک بار رفتگر دانشگاه است؛ همه مردم هستیم، مردم چه کسی است؟ دولت چیزی جز مردم نیستف مردم جزء... حالا یکی در این پست است، یکی در آن پست است، یکی در این جایگاه است، یکی در آن جایگاه است؛ این نگاه اجتماعی عمیق به مردم را باید بازخوانی کنیم، ما الان یک دوگانه مسئول مردم، یک دوگانه دولت مردم، درست کرده‌ایم با یک تقسیم بندی غلط؛ آقا دولت یعنی ملت، ملت یعنی دولت؛

مجری: (نامفهوم ۰۱:۲۵:۲۷) می‌گوییم مردم‌سالاری دینی یا جمهوری اسلامی دو چیز نیست، یک چیز است، یعنی بر مبنای اسلام بوده است و خیلی‌ها اصلاً جریان‌های دینی و حوزوی هم این مسئله نقش داشتند... (نامفهوم ۰۱:۲۵:۴۶) هیچ نقش و جایگاهی برای مردم قائل نیست، چون می‌گویند مردم...

ببینید همه ماف چه حوزه، چه دانشگاه، چه دولت، چه خود مردم، چه خود مردم، همه همین هستیم، فقط نگویید اینف فقط آن؛ یعنی ما نه در منبرمان این حرف را زدیم؛ نه مردم در حرف‌هایشان چنین مطالبه‌ای وجود دارد، نه در استاد دانشگاه ما آمده است یک بار نقش مردم را با یک نگاه اسلامی توضیح بدهد، شما یک کتاب درست و حسابی درباره مردم داری مردم‌سالاری دینی با یک رویکرد اجتماعی که دارم می‌گویم معرفی کنید؟! یک منبر درست و حسابی در باب نقش مردم... یک گفتگوی مردمی درست را معرفی کنید؟! این سابقه فرهنگی غلطی است که بر ما حاکم است؛ دقت می‌کنید ما باید این ذهنیت غلط را از بین ببریم. بین خود مردم هم زمانی که می‌روید

می‌گویید این رئیس جمهور است پس از ما جدا است، او رئیس جمهور است پس مثلاً... او مسئول است پس باید برویم در مقابل آن تعظیم کنیم!! این یکی مسئول است باید بروم چاپلوسی آن را بکنم!! بعد بروم زیرمیزی به او بدهم تا کارم راه بیفتد!! یعنی تو خودت داری باور می‌کنی که هیچ کس نیستی!! نق می‌زنیم آقا بچه من کار ندارد می‌گوید خودت باید کار بچجات را!! می‌گوید من وظیفه من گفتگو کردم!! طرف مایه دار طرف چیز می‌گوید شروع کرد به نق زدن در جمعی، گفت بچه من کار ندارد، گفتم خب چرا کار ندارد خب کار به او بده! گفت وظیفه دولت است! خوب چه کسی گفته است وظیفه دولت است که به بچه تو کار بدهد؛ وظیفه تو است که دولت باید زمینه درست اقتصادی را فراهم بکند تا کار در جامعه جریان پیدا کند، تو که سرمایه دار هستی باید ده نفر را بیاوری زیردست خودت کار به او آن‌ها بدهی، نیازی هم اگر داشتی، حمایت هم اگر خواستی وظیفه دولت است از تو کارآفرین حمایت کند، ما همه چیز را رها کرده‌ایم کاملاً همه شده‌ایم پشت میز می‌خواهیم بنشینیم!! ببینید این تلقی غلط از دولت و مردم آمده است و دیگر دوگانه‌ها درست می‌شود؛ دوگانه دین و مردم، دوگانه آزادی و عدالت، دوگانه نمی‌دانم عمل و نظر این‌ها ایجاد می‌شود؛ آن تفسیر غلط از معارف دینی. و الا اگر بباییم ان الله لا یغیروا ما بقوم را درست تفسیر کنیم که آقا دولت یعنی مردم، دولت مردم باید داشته باشیم، نماینده مجلس واقعاً باید نماینده مجلس باشد، مردم آیا واقعاً از باب نمایندگی خودشان به نماینده مجلس رأی می‌دهند!! یا از

باب قبیله و نمی‌دانم این طایفه و آن طایفه و این حزب و آن حزب!! این فرهنگ نیست!!

من حتی می‌خواهم بگویم مشارکت مردم هم، مشارکت مردمی نیست! یعنی مردم به آن معنای عمیقی که در اندیشه‌های امام و آقا و از معارف دینی برآمده است؛ یعنی من باید واقعاً نظرم به این باشد که این وکیل من است و بینی و بین الله می‌تواند وکالت من را در عرصه قانون گذاری و نظارت برعهده بگیرد؛ بروید آمار بگیرید چند درصد از مردم ما با این نگاه و با این تفکر وکیل را انتخاب می‌کنند؟! مشکل چگونه است ما باید برگردیم به نظریه، نظریه مردم سالاری دینی به نظام انقلاب و بازتعریف کنیم نسبت بین مردم و نظام را؛ بازتعریف کنیم نسبت بین دولت و مردم را و نقش مردم را... به مردم بیاورانیم، ما الان مردمان نقش خودشان را باور ندارند و تمام کارهای خودشان را سپردند به دولت؛ سپردند به دیگری... نهایتاً هم تنها مطالبه مردم می‌شود نق زدن یا نق زدن یا رسانه‌های خارجی بیایند یک مطالبه به حق مردم را تبدیل بکنند به یک ناهنجاری اجتماعی، به یک روابط اپوزیسیونی، و این هم یک خطر بزرگی هست که حالا رسانه‌های خارجی یک بخشی از آن را هم ایجاد کردند که اجازه نمی‌دهند مردم مطالبات اصیل خودشان را داشته باشند، اجازه یک تظاهرات مسالمت آمیز را نمی‌دهند، سریع با سوءاستفاده از شبکه‌های صهیونیستی و منافقان داخلی و بعضی از روزنامه‌های زنجیره‌ای، سریع یک مطالبه بحق مردم سالارانه دینی را تبدیل می‌کنند به یک ناهنجاری و به یک نمی‌دانم هرج و مرج اجتماعی و آسیب زدن به اموال عمومی و غیره...

این بلوغ در مردم نیست! این بلوغ در حوزه و دانشگاه نیست! این بلوغ فکری را باید بپذیریم، باور کنیم. ببینید با کار انتخاباتی هم نمی‌شود، با اسم جامعه مدنی گفتن و خودت از دیکتاتور بدتر بودن نمی‌شود، با حقوق شهروندی نوشتن و رونمایی از حقوق شهروندی، بعد خودت به اولیات حقوق اجتماعی و اخلاق اجتماعی پایبند نباشی نمی‌شود؛ بینی و بین الله باید این طور باشی، مثل خود امام، مثل خود آقا، مثل شهید بهشتی، مثل شهید مطهری، مثل بسیاری از مسئولان ما خیلی از فرماندهان سپاه ما خیلی از علمای بلاد ما چگونه دارند با مردم زندگی می‌کنند و مردم با آن‌ها زندگی می‌کنند حشرونشر می‌کنند؛ همان سیره علمای بلاد یک سیره فوق العاده ای است که باید داشته باشیم، ائمه جمعه ما در همین سیره و فرمانداران، استانداران، مسئولان ادارات من و شمای طلبه با همین سیره برویم جلو و به مردم بیاورانیم مردمیت را... این باور الان نیست.

سؤال: به نظر من یکی از نقش‌های مهمی که حوزه و روحانیت می‌تواند ایفا کند تبیین همین مسئله است به مردم یعنی در واقع قرار دادن مساجد و این‌ها از مردم، کار را مردم انجام بدهند و حتی به غلط؛ اصلاً من نگاهم این است که خود رهبری هم می‌گویند بیا باید رأی بدهید اصلاً مهم نفس رأی دادن هست، حالا به هر که می‌خواهید رأی بدهید این‌ها خیلی از حوزوی‌ها قبول ندارند می‌گوی اند نه اگر واقعاً مب بینی او بد است نباید بیاید رأی بدهد...

آن مبنای فکری‌اش حوزوی و دانشگاهی هم ندارد، عرض می‌کنم خیلی از دانشگاهی هم همین است، همه ما این هستیم؛ یعنی خود مردم هم همین تفکرات را دارند ما باید آن نگاه عمیق به مردم را مبتنی بر بیانیه گام دوم یعنی یک تبیین دقیقی از اراده مردم و نقش اراده مردم در سرنوشت خودشان، همان مدل فوق العاده حضرت امام را اگر کسی تبیین کند، نه به دنبال فهم سیاسی نظریه مردم، فهم اجتماعی نظریه مردم است امام؛ ما یک اشکال بزرگی که داریم همه چیز را می‌خواهیم سیاسی بفهمیم نه اجتماعی؛ درحالی که امام اجتماعی می‌فهمید، آقا در طرح کلی اجتماعی می‌فهمند و البته این اجتماع در بلوغش یک سیاست بالعی را هم خواهد داشت، یک ولایت سیاسی را هم خواهد داشت؛ البته این را می‌گوییم این بحث‌های مفصلی است که باید گفته شود؛ ما باید بیاییم باز گردیم به نظریه مردم شناسی امام و آقا و شهید مطهری و بزرگانمان که این‌ها را دوباره باز تعریف کنیم، خودمان را دانشگاهمان را، رسانه مان را، فیلمان را، همه را بیاوریم در این بازخوانی؛ من به ضرس قاطع عرض می‌کنم که الان هیچ تبیین درستی از نظریه مردم وجود ندارد هر جا هم که می‌شود یا کاملاً سیاه.. آن‌ها که صادقانه بحث می‌کنند کاملاً سیاسی بحث می‌کنند، آن‌هایی هم که غیر صادقانه است عمدتاً انتخاباتی است؛ این نکته ای است که وجود دارد و باید از این گذر کنیم، جناحی هم که دارم می‌گوییم هم اصلاح طلب است هم اصول گرایش ممکن است وجود داشته باشد؛ هم انقلابی‌اش باشد و هم ضدانقلابی آن وجود داشته باشد؛ باید باز گردیم بازتعریف کنیم تحت این عقلانیت و خرد اجتماعی و سیاسی

بیانیه گام دوم، مفاهیمی که عرض کردیم مثل مفهوم عدالتف مفهوم آزادی و مفهوم مردم، مفهوم مشارکت، مفهوم عزت، مفهوم پیشرفت آن موقع است که ما یک اتفاق بزرگی می‌افتد به همین خاطر نکته آخر من برای این بحث این است که ببینید بیانیه گام دوم یعنی تحقق بیانیه گام دوم نیازمند به یک بنیان‌های عمیق فلسفی فقهی کلامی و علوم انسانی است؛ اگر گام دوم با یک سلسله بنیان‌ها آمده است باید آن بنیان‌ها دائماً عمیق تر بشود تعمیق بشود، استاد شهید مطهری می‌گوید که علت ایجاد انقلاب، علت بقای انقلاب هم هست؛ اگر آثار حضرت امام، فقه و اصول و عرفان و فلسفه امام، اگر آثار شهید مطهری فقه اصول و فلسفه و کلام و عرفان و علوم اجتماعی شهید مطهری، اگر آثار شهید بهشتی اگر آثار شهید صدر، اگر آثار معظم رهبری، آثار شهید باهنر و شهید مفتح این‌ها معیار انقلاب بودند این‌ها فیلسوفان اصیل انقلاب، فقیهان دقیق انقلاب بودند که انقلاب ما این را حتماً نقل کنید من به نظر من انقلاب ایران جزء معدود انقلاب‌هایی بود که سالیان سال برای آن فکر شده بود، تولید علم شده بود، تولید نظریه شده بود و انقلاب زمانی که ایجاد شد به سرعت نظام را تأسیس کرد خلافاً لحرفی که می‌خواهند تحمیل کنند که آقا انقلاب اسلامی یک دفعه ایجاد شد و نظریه نداشت، انقلاب اسلامی ایران از صدر اسلام برای آن نظریه تولید شده است تا نهضت مشروطه، از نهضت مشروطه فکر شده است برای آن، مدل‌ها آمده است دائماً رفته است در میدان عمل شده است تنبیه‌الامه نمی‌دانم کارهای شیخ فضل‌الله، کارهای سید جمال‌الدین اسدآبادی، بیابیم جلوتر کارهای نهضت علمای

اصفهان، نهضت علمای تبریز، بیابیم جلوتر نهضت مثلاً آذربای که علما راه انداختند، کارهای حزبی که انجام دادند نهضت ملی شدن صنعت نفت، تا آمده است به سال چهل و دو خود امام از سال ۱۳۳۵ و ۳۶ شروع کرده است به نظریه پردازی در باب انقلاب در کتب فلسفی‌اش، محسولش شده است آن نامه معروف ۱۳۲۳ کتاب کشف الاسرار درس خارج اجتهاد و تقلید سال ۱۳۳۰ که ایشان تألیف کرده است، ۱۳۳۷ دوباره اجتهاد و تقلید را تدریس کرده است ولایت فقیه را آنجا گفته است، سال ۱۳۴۲ دوباره یک دور ولایت فقیه را، نظریه اجتهاد و تقلیدش را گفته است، امسال ۱۳۴۸ دوباره یک دور گفته است مفصل و ببینید دائماً دارد فکر می‌کند؛ شهید مطهری کار کرده است، علامه کار کرده است، میزان یک دور مبانی انقلاب اسلامی است، کل آثار علامه، آثار شهید مطهری یک دور مبانی انقلاب اسلامی است، تعبیر حضرت آقا ایدئولوژی انقلاب اسلامی است، آثار شهید بهشتی، آثار بزرگان ما آمده است تا به انقلاب اسلامی رسیده است؛ باید باز گردیم به این آثار عمیق و دقیق و همین‌ها را باید برجسته کنیم، نقاط قوت‌هایشان را، آن ابعاد مغفول این‌ها را ظرفیت‌ها و استعداد‌های فوق‌العاده‌ای که در این آثار وجود دارد را در این نظام اندیشه اسلامی وجود دارد را کشف کنیم بازخوانی کنیم تولید کنیم تبدیل به نظریه، تبدیل به الگو، تبدیل به راهبرد، تبدیل به سیاست کنیم و حرکت کنیم؛ نرویم بگوئیم که آقا انقلاب اسلامی فیلسوف نداشت برویم فیلسوف برای انقلاب جعل کنیم، فقیه نداشت برویم فقه برای انقلاب جعل کنیم، آن هم با افکار غربی‌ها با افکار چیز به اسم اسلام؛ نه این به نظر

کار بزرگی است که باید انجام بدهیم یکی از آن گلوگاه‌های اصلی، باز تعریف آن مفاهیم بنیادین بیانیه گام دوم است، که یکی از آن مفاهیم مردم هستند و نقش مردم است این اتفاق ان شاء الله اگر رقم بخورد ما ان شاء الله گام دوم را با یک بنیه بسیار عمیق تر و دقیق تر راهبردی تر آن هم نه فقط در عرصه جامعه سازی درونی بلکه آن گام اصلی که عبارت است از تمدن سازی است و زمینه سازی بین المللی برای ظهور ولایت عظما است؛ یعنی ما باید جامعه جهانی را آماده کنیم به لحاظ تمدنی، اندیش ذه ولایت را و اندیشه توحید را و اندیشه مهدویت را، به

عنوان یک اندیشه راهبردی، یک اندیشه رهایی بخش به دنیا معرفی کنیم که دنیا آماده بشود، بپذیرد این نگاه را، این الگو را، البته آن الگوی تام و تمامش ان شاء الله توسط خود حضرت حجت انجام خواهد شد.

نکته پایانی همین نکته ای بود که عرض کردم که تقریباً می شود گفت آن کار اصلی است که ما باید در عرصه تحقق پایانی گام دوم ان شاء الله انجام بدهیم با توکل و توسل نمی دانم این ها هم که دیگر چاشنی کار است. ان شاء الله آن اخلاصی که در ما باشد بتوانیم کارها را ان شاء الله انجام بدهیم.

یادداشت‌های مسابقه



تغییر مسیر تاریخی به واسطه انقلاب اسلامی

جناب آقای مرتضی سعیدی ابواسحاقی^۱

برای ظهور امام زمان -عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف- زمینه ساز باشد. به همین دلیل نسبت وثیقی با عقل یا نور نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌یابد، و از طرف دیگر نور نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همه انبیاء و جبهه مؤمنین از حضرت آدم تا حکومت امام زمان -عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف- وجود داشته و خواهد داشت و مشخصه و ویژگی آن‌ها بوده و خواهد بود، به همین دلیل در عصر مدرنیته که انسان به جای خدا محور امور شده و برای این کار انسان‌های خودش و تمدن و جامعه خودش را ساخته است و آن را وجه غالب این عصر کرده، انقلاب اسلامی می‌خواهد انسان‌هایی تربیت کند که در جهت عقل و نور نبی اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- باشند. این عقلانیت که آن را عقل انقلاب اسلامی می‌نامیم، باعث ایجاد امت و جامعه‌ای حول محور خدا و نبی اکرم و ائمه -علیهم‌السلام- خواهد شد. مثلاً جبهه مقاومت ذیل عقل انقلاب اسلامی شکل گرفته است.

با توجه به آنچه تاکنون گفتیم انقلاب اسلامی در مرزها محصور نمی‌شود و نور آن بر قلب‌های مؤمنین و آزادگان خواهد افتاد و دیگران را هم با خود هم صدا خواهد کرد، یعنی انقلاب اسلامی با توجه به اینکه

انقلاب اسلامی در ادامه تاریخی انبیاء و ائمه -علیهم‌السلام- به دنبال آن است تا تاریخی را که غرب رقم زده و گسستی تاریخی را که بر همه و از جمله خود ما تحمیل کرده است، عوض کند و حرکت انبیاء را در بستری جدید احیا کند و مسیر تاریخ را به مسیر اصلی و درست خود برساند تا زمینه‌های ظهور فراهم شود.

«این قرن، قرن اسلام است. این قرن، قرن معنویت است. اسلام عقلانیت را و معنویت را و عدالت را با یکدیگر به ملت‌ها هدیه می‌دهد.»

سید حسن نصرالله در این باره می‌فرمایند: ما اعتقاد داریم که انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره)، مسیر تاریخ را عوض کرد.

عقل انقلاب اسلامی

عقل انقلاب اسلامی در امتداد عقل یعنی نور نبی اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- شکل گرفته و به دنبال آن است دین خدا و اراده خدا و نبی اکرم و ائمه -علیهم‌السلام- را بر زمین جاری سازد و

۱. دانشجوی دکتری فلسفه - استان چهارمحال و بختیاری - شهرستان لردگان

دل‌های مؤمنین سکینه و آرامش می‌بینیم که اگر مردم غرب از این سکینه و آرامش اطلاع می‌یافتند حتماً حتماً غرب و تمدن غرب زودتر فرومی‌پاشید. یک نمونه این سکینه و آرامش را در اربعین می‌بینیم و سانسور خبری آن و نقش آن در فروپاشی غرب است.

به دنبال اسلام و جریان حق است فقط متعلق به ایران نیست بلکه در قلب هر کسی از افراد جهان بیفتد می‌تواند او را رشد دهد و در آن شریک کند و هر گاه که بر قلب افراد جامعه‌ای افتد بهتر و اثرگذارتر است، همانند حزب الله لبنان و....

تفکر مقاومت و جبهه مقاومت

یکی از تفکرات انقلاب اسلامی که در مرز ایران محصور نماند، تفکر مقاومت و شکل‌گیری جبهه مقاومت است. که یکی از برکات اراده خدا و اراده نبی اکرم و ائمه علیهم‌السلام - و عقل (نور نبی اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) - شکل‌گیری مقاومت و جبهه حق علیه جریان استکبار و کفر است. **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰- فصلت)** در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید (۳۰).

با مقاومت است که سکینه و آرامش بر دل‌های مؤمنین و امت و جامعه می‌افتد و در این دوره شاهد آن هستیم، یعنی در حالی که تمدن غرب به نیهیلیسم و نیست‌انگاری و پوچ‌گرایی رسیده‌است، از این طرف با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جبهه مقاومت به نحوی بر

بایسته‌های جنگ رسانه‌ای برای جوانان در گام دوم انقلاب

سرکار خانم فیروزه قدمی^۱

بزرگان دین و امامین انقلاب مشخص و آشکار است. بنابراین ناچاریم برای کمک به جبهه حق علاوه بر رفع موانع معرفتی مردم با روشنگری و تبیین که همان دفاع در جنگ رسانه‌ای محسوب می‌شود، تهاجم رسانه‌ای هم داشته باشیم. این تهاجم با غنیمت شمردن ایام الله که همان ایامی است که حقانیت جبهه حق بر باطل و نصرت خدا در آن آشکار می‌شود؛ ممکن است. حوادثی مانند: راهپیمایی عظیم اربعین، تشییع و تعظیم با شکوه شهید سلیمانی و همراهانشان در ایران و دیگر کشورها، حمله به عین‌الاسد، حوادث انتخابات آمریکا و حمله مردم آن به کنگره آمریکا و... که باید در رسانه‌ها ذکر و تکرار شوند و حتی برخی حوادث علاوه بر تکرار در همان ایام وقوع یابد در سالهای بعد تکرار و یادآوری شوند ایامی مانند: حادثه طبس، جنگ هشت ساله، دهه فجر و ۲۲ بهمن و.....

کار رسانه‌ای در جبهه حق با توجه به موارد بالا کاری عمیق‌تر و زمان‌برتر از کار رسانه‌ای دشمنان است و نیازمند تلاش و زمان بیشتری است، اما نقطه مثبت آن در مقابل جنگ رسانه‌ای غرب همان حقانیت آن و نصرت‌ها و آشکار سازی‌های خداوند متعال در برهه‌هایی است که می‌توان با درک به موقع و ذکر گسترده آن کندی‌های حرکت رسانه‌ای در جبهه حق را جبران

در بیانیه موظف شدیم به اینکه نگذاریم به زور مردم را با ابزار رسانه به جهنم ببرند. تعبیر اجبار به جهنمی شدن بسیار تأمل برانگیز و بیانگر ویژگی آشکار حکومت‌های غیر الهی می‌باشد که در این حکومت‌ها به رشد و تربیت انسان‌ها و سرمایه‌های انسانی که با دادن قدرت انتخاب و اختیار به آن‌ها همراه است؛ توجهی نمی‌شود و بدتر از آن این است که سرمایه‌های انسانی موجود را نیز به تباهی می‌کشانند. خصوصیت جنگ رسانه‌ای دشمنان داخلی و خارجی انقلاب این است که با حجم تبلیغات زیاد، آمیخته کردن حق و باطل، بزرگنمایی قدرت خودشان و کوچک‌نمای موفقیت‌های انقلاب و القای ناامیدی از آینده، در مسیر معرفت افراد به حق مانع ایجاد می‌کنند و حتی افراد را با انگیزه‌های خوب به دام انداخته و آن‌ها را در مسیر اجباری جهنمی شدن قرار می‌دهند. اجبار در جایی است که فرد قدرت تشخیص و انتخاب را به خاطر عوامل بیرونی و خارج از اختیار خود از دست می‌دهد.

برای مقابله با این تهاجم رسانه‌ای باید ابتدا در نظر داشت که بر عکس روش آن‌ها در نادیده گرفتن قدرت اختیار، در اسلام به شدت به اختیار انسان‌ها بها داده می‌شود. پس ما نیز در راه حق مجاز به اجبار رسانه‌ای مردم برای رفتن به بهشت نیستیم. این مطلب به خوبی در سیره‌ی حکومتی

این ایام و بودن نقطه ضعف از دست دادن همین فرصت‌های رسانه‌ای توسط نیروهای انقلابی باشد.

کرد و از طرف دیگر خود تکرار و ذکر این ایام سبب تقویت مقاومت و افزایش انگیزه ادامه راه برای جبهه حق می‌شود. شاید آرزوی داشتن افرادی مانند شهید آوینی در عرصه رسانه توسط رهبر انقلاب، تلنگری به غنیمت شمردن

مأموریت رسانه در گام دوم انقلاب

جناب حجت الاسلام علیرضا محمدلو^۱

جهت تولید معنا و درونی سازی ایدئولوژی‌ها در قالب اشتراک گذاری و دیالکتیک اطلاعات، راه اندازی کرده‌اند.

اگر اسم این ماجرا را مهندسی ارتکازات انسان بگذاریم، در عصری که به تعبیر آدورنو، «انسان‌ها دیگر سرکوب نمی‌شوند بلکه سرگرم می‌شوند» و با پدیده‌ای چون هک شدن انسان هم مواجه هستیم، چگونه باید در مسیر گام دوم انقلاب، حرکت رو به جلویی داشته باشیم؟

آنچه که واضح و روشن است، مأموریت رسانه ایجاد امید و تولید اعتماد در امر مردم سازی است. انسجام اجتماعی نتیجه حرکت درست رسانه‌ها در تولید خبر و تشخیص اخبار جعلی و مصون سازی جامعه از هجوم فیک نیوزهاست که در حال حاضر مدیریت افکار عمومی را در دست دارند.

هرچقدر رسانه‌ها منسجم، سریع و جذاب عمل کنند، رشته افکار عمومی در دستان آن‌ها خواهد بود و امیدآفرینی و اعتمادزایی که نبض جامعه پردازی است را در اختیار خواهند داشت.

گام دیگر تولید آترناتیو رسانه‌ای است. در شرایطی که رسانه‌های جریان اصلی در خارج کشور، برای عموم مردم جهان دستور روز مصرف خبر تعیین می‌کنند و از طریق تکنیک برجسته سازی به مردم القا می‌کنند که به

در عصر جدید که به عصر اطلاعات و دنیای ارتباطات مشهور شده، ما به طرز عجیبی بمباران اطلاعاتی می‌شویم، اما به طرز عجیب تری کم می‌دانیم. چرا؟ چون دو قرن پیش، قالب مسمومی از اطلاعات را تحت عنوان اخبار خلق کردیم.

این عبارت بسیار تأمل برانگیز از کتاب هنر شفاف اندیشیدن، حاکی از یک واقعیت فراگیری است که می‌گوید، بشر امروز در حال تجربه پارادوکسی است که در دریای اطلاعات غرق ولی از واقعیت فاصله‌ای اعجاب آور دارد. عصری که اطلاعات هم صنعتی شده و مصرف می‌شود؛ این مصرف تا جایی پیش رفته که انسان دچار اشباع اطلاعاتی گشته و عارضه‌ای به نام توهم دانایی را تجربه می‌کند.

آنچه که یک ضرورت سه فوریتی در سطح کلان اجتماعی را می‌طلبد این است که بدانیم اینفودمی یا همان جهانی شدن اطلاعات، دارای یک عقبه تئوریک و هوشمند است و ما در حال تجربه مهندسی دانایی در قالب دهکده جهانی مک لوهانی هستیم.

خالقان و مالکان این پروژه در صدد هستند که اتوپیای جهان وطنی را به دست خود انسان‌ها عینیت ببخشند و بدین منظور شبکه‌های اجتماعی را

چه بیندیشند، ضروری است که کشوری چون ایران، به تولید آلت‌رناتیو رسانه ای در قبال سیان ان و بی بی سی و... دست بزند تا ذهنیت ملت خود را به دست بیگانه نسپارد و منبع مشخص و معتبر برای مصرف خبر روزمره را تأمین کند.

گام دیگر جهت ارتقای سواد رسانه ای در جامعه و ایجاد سد خبری در برابر اخبار جعلی و فیک نیوزها، تولید و ترویج باشگاه خبرنگارن محلی در قالب شهروند خبرنگار است که دسترسی درست و سریع مردم به اطلاعات را فراهم می‌کند.

به طور خلاصه برای ارکان سیاستگذاری رسانه ای جهت شکست قفس آهنین و حصر رسانه ای بیگانه و ماریپیچ سکوت متأثر از آن در داخل کشور،

از سه محور شبکه سازی، گفتمان سازی و جریان سازی می‌توان نام برد. با این توضیح که اگر تشکیلاتی عمل نماییم و شبکه ساز نشویم، به دلیل کنشگری آناشیستی دچار استهلاک درونی و موازی کاری می‌شویم. اگر تولید گفتمان نکنیم و عقبه تئوریک نداشته باشیم و بریده از هیأت اندیشه ورز متعهد و انقلابی عمل کنیم ولو اینکه شبکه هم داشته باشیم، دچار استبداد عوام و ترویج پوپولیسم می‌شویم و اگر بعد از ایجاد شبکه و تولید گفتمان، عملیات رسانه ای را تدارک نیینیم و به سمت توده‌ها سرازیر نشویم و جریان سازی نموده و در اتاق‌های فکر باقی بمانیم، سرنوشتی جز انزوا و شکست در انتظار ما نخواهد بود.

تمدن نوین اسلامی

جناب آقای محمدحسین کتابی^۱

این عقیده امامین انقلاب و قاطبهٔ علمایی بوده است که می‌خواستند ظهور محقق گردد. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون که در گام دوم انقلاب قرار داریم، موانع بسیاری در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی قرار داده‌اند. البته می‌توان با شناخت جریان‌هایی که جوامع انحرافی در جامعه اسلامی پدید آورده‌اند، با آنان روبرو شد و در مقابلشان با هوشمندی ایستادگی کرد. دو مانع بزرگ تحقق تمدن نوین اسلامی در دو لباس متفاوت مانع رسیدن جامعه اسلامی به ظهور شدند. یکی از این جریانات در لباس دیانت حضور یافت که ابتدا به این جریان مهم خواهیم پرداخت. شیخ محمود حلبی، «انجمن خیریه حجتیه مهدویه» را تأسیس کرد. این مؤسسه، یکی از مهم‌ترین جریانات انحرافی دینی در انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در ابتدا، انجمن حجتیه با هدف مبارزه با بهائیت تأسیس شده بود؛ اما بعدها در دام ساواک می‌افتند و مانند یک نفوذی، تلاش می‌کنند تا انقلابیون را به ساواک معرفی کنند. آن‌ها، برخلاف عقیده امامین انقلاب که برقراری و تثبیت تمدن و حکومت اسلامی را در ظهور مؤثر می‌دانند، انجمن حجتیه اعتقاد داشت باید با حکومت شاه کنار آمد و فسادهای حکومت شاه منجر به ظهور امام عصر (عج) می‌گردد.

ایستگاهی که سال‌ها ما را متوقف کرد

یکی از دغدغه‌های مهمی که علمای نکته‌سنج اسلام بدان توجه داشته‌اند تمدن نوین اسلامی است. آن‌ها بسیار کوشیده‌اند تا این امر مهم زودتر تحقق یابد. اگر بخواهیم دقیق‌تر به نقش جوانان در تحقق تمدن نوین اسلامی بپردازیم، رهبر انقلاب در تبیین مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، ۵ ایستگاه مهم را برمی‌شمارند. ایستگاه‌های ابتدایی؛ یعنی انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پس از چهل سال تلاش مسؤولان و مردم، محقق شده‌اند. اما در حال حاضر که به گردنه و میانه راه رسیده‌ایم در ایستگاه مهم دولت اسلامی متوقف شده‌ایم.

نقش جوانان در تحقق این ایستگاه مهم به دو صورت شکل می‌پذیرد. اولاً رهبر انقلاب، خواستار حضور یک دولت جوان حزب‌اللهی شده‌اند. بنابراین جوانان در شکل‌گیری مستقیم این دولت نقش دارند. از طرفی هر دولت به‌ویژه دولت اسلامی، نیاز به یک پشتوانه مهم فکری دارد. این پشتوانه نیز باید توسط جوانان خوش فکر مسلمان و انقلابی تدوین گردد.

این جریان انحرافی پس از انقلاب اسلامی با نامه تهدیدآمیز امام خمینی (ره) به صورت رسمی و ظاهری متوقف گشت؛ اما بیش تر کوشید تا با افزایش جذب جوانان و ترویج افکار خود در بین آنان خود را زنده نگاه دارد. رگه‌های جدی این جریان را می‌توان در قالب هیئات و در کنار جریان انحرافی دیگر؛ یعنی جریان شیرازی مشاهده کرد.

جریان حاضر مانند برخی جریان‌های مسیحی، اعتقاد دارند که امام حسین (ع) به شهادت رسید تا آنان اجازه ارتکاب هرگناهی را داشته باشند و در نهایت با یک گریه، پرونده اعمال خویش را پاک کنند تا بدین وسیله ظهور مهدی موعود (عج) تعجیل یابد. بخشی از جوانان، این گونه در دامان تفکر انحرافی دین سکولار (معنویت بدون سیاست) افتاده‌اند.

در طرف مقابل برخی جریان‌های انحرافی غربی که خود به دو دسته مستقل تقسیم می‌شوند وجود دارند. یک دسته مهم و غالب، افرادی‌اند که غرب به دنبال پیاده‌سازی حادثه اندلس بر روی این جریان است که به قول رهبر انقلاب افراد این جریان در برهه‌های حساس، به دنبال الواتی‌گری

می‌روند و غالب امروز جامعه ایرانی و به‌خصوص جوانان را تشکیل داده‌اند. گفتنی است جریان مذکور نه به معنویت اعتقادی دارد، نه سیاست.

جریان دیگر از جریان‌های انحرافی غربی نیز، جریان علم‌گرا و غرب‌گرا هستند که در حقیقت جریان حاضر، جریان سکولاری است که سیاست را بدون معنویت دنبال می‌کند. اگر بخواهیم این جریان را بر جریان‌های سیاسی حال حاضر منطبق کنیم؛ جریان خاصی در اصلاحات و جریان نومحافظه‌کاران ایرانی، در زمره این جریان هستند.

در پایان نتیجه می‌گیریم که جریان اصیل اسلامی که پیرو امامین انقلاب هستند، باید بتوانند به جذب، تثبیت و تلاش برای تقویت رویش‌های انقلاب پردازد و بتواند حداقل جریان‌های قرمز و معاند را به سوی جریان‌های خاکستری بکشاند و جریان‌های خاکستری را در مسیر رسیدن به اهداف اسلامی ذوب کند. البته همان‌طور که گفتیم دو بخش بدنه اجرایی و فکری جریان انقلاب در تحقق دولت اسلامی مؤثرند و در صورت موفقیت، می‌توانیم با سرعت مسیر ظهور را طی کنیم.

تأثیر بیانیه در فضای بین الملل

(ترسیم سیستمی بیانیه گام دوم از مراحل قدم به قدم جهانی شدن)

جناب حجت الاسلام عارف صالحی^۱

دیگر، در واقع بهترین نقاط شروع برای ورود به مرحله‌ی جدید در همان موضوع هستند.

نقطه مرکزی

تداوم موفقیت‌ها در مسیر برقراری نظم اجتماعی، مرهون تکرار ناکامی مخالفان و ناکامی مخالفان مرهون هوشیاری عدالتخواهان جهان و اندیشیدن آنان به مشکلات احتمالی است که در آینده بوجود می‌آیند.

برنامه حرکت

برنامه حرکت برای دستیابی به آرمان جهانی شدن که از آرمان‌های انقلاب است، حفظ و تقویت روزافزون تقوای کسب شده (دست‌آوردها) است. این برنامه طی مراحل زیر محقق می‌گردد:

- ۱- نقد عملی ساختار خشک مادی‌گرایی با نشان دادن کارکردهای اجتماعی تحول‌آفرین دین.
- ۲- موضع صحیح (حسن ظن و مثبت‌اندیشی) نسبت به قضا و قدر.
- ۳- مسؤولیت‌پذیری و اهتمام به نقد‌پذیری و نقادی در چارچوب نظم سیاسی و اجتماعی مشخص.

طرح ایده و هدفگذاری

بیانیه گام دوم مراحل قدم به قدم تا جهانی شدن را نمایان ساخته است. توصیف گام دوم به «یک فرایند بزرگ جهانی» تأکیدی بر فرایندی بودن و جهانی بودن این بیانیه است. این فرایند، بزرگ است چون حاوی گستره‌ی وسیعی از مؤلفه‌هاست. وصف «جهانی»، ناظر به ضرورت وجود «احساس نیاز» و «عزم و تلاش جهانی» برای برقراری نظم اجتماعی است. نگاه سیستمی به محتوای این بیانیه، راه را برای نیل به دو ضرورت یادشده به مثابه اهداف سیستم هموار می‌کند.

نقطه شروع

نکات مطرح شده در بندهای ذیل عنوان «برکات بزرگ انقلاب اسلامی»، که ماهیت آن «تلاش برای ایجاد نظم اجتماعی» بوده و در واقع بر ماهیت - و نقطه‌ی ثقل - مباحث نظری توسعه‌ای منطبق می‌شود، به مثابه‌ی نقطه‌ی شروع برای گام دوم بسیار مناسب هستند. چرا که این بندها به اعتبار حاکی بودنشان از مهم‌ترین محورهای لازم برای عبور از مرحله‌ی ای به مرحله

۴- کوتاه نیامدن از اصول به خاطر نظر و رضایت مردم.

۵- قطع وابستگی‌های منفی مسؤلان اعم از وابستگی‌های فکری و تعلقات خویشاوندی: با نظرداشت این نکته که مردم با اصلاح شدن مسؤلان اصلاح می‌شوند.

نقطه بحران

تأثیرپذیرفتن از تلاش‌های بازدارنده‌ی مخالفان دین به عنوان نقطه بحران در مسیر جهانی شدن قابل توجه است. همچنین پیامد بی‌توجهی مسؤلان به ارزش‌های دینی، کند شدن حرکت جامعه به سمت برقراری نظم اجتماعی است. لذا مردم باید مسؤلانه در جهت یادآوری ارزش‌های دینی به مسؤلان تلاش کنند.

نقطه مقصد

- ۱- پیشرفت سریع: دین همواره نسبت به به سرعت گرفتن در کسب فضایل و موفقیت‌ها تشویق می‌کند.
- ۲- مشارکت داوطلبانه: شاخص ارتقای سطح مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی، داوطلبانه بودن و غیراجباری بودن آن است. دعوت دین به آینده نگری در کنار راهکارهایی که برای حفظ دست آوردها ارائه می‌دهد، زمینه را برای «احساس نیاز» به مشارکت اجتماعی و «عزم جهانی» برای برقراری نظم اجتماعی فراهم ساخته است.

نقش جوانان در چگونگی به حرکت درآوردن اراده ملی

(در منظومه فکری مقام معظم رهبری)

جناب آقای احمد سعیدی^۱

اما برای رسیدن به تصمیم سازی مراحل چهارگانه دیگری در نظر معظم له مورد نیاز است که عبارت باشند از آرمانخواهی، تبیین، مطالبه گری و گفتمان سازی. یعنی برای اینکه مسؤلی تصمیمی که تصمیم سازان در نظر دارند را اتخاذ کند باید این چهار مرحله انجام شده باشد. توضیح این مراحل به شرح ذیل می باشد:

آرمانخواهی: شاید بتوان گفت که تاکید بسیار زیاد معظم له در دیدارهای دانشجویی بر آرمانخواهی است. چرا که آرمانخواهی نقطه تولد مراحل بعد و منشأ تصمیم گیری و تصمیم سازی است. قشر جوان جامعه باید هر لحظه دنبال آرمان ها باشد و در جستجو و تحقق آن ها تلاش کند و گرنه حرکت متوقف خواهد شد. وقتی کسی آرمان و هدفی برای خود در نظر نداشته باشد طبیعتاً به سمت آن نیز حرکت نمی کند.

تبیین: آرمانخواهی آنگاه که می خواهد به تحقق آرمان ها بینجامد باید نظر دیگران را نیز با خود همراه سازد، به عبارت دیگر برای تحقق آرمان،

جوانان به تعبیر مقام معظم رهبری لوکوموتیو و موتور محرکه جامعه می باشند. اما سؤال اساسی اینجاست که این حرکت چگونه امکان پذیر است؟ جوانی که نه جایی مسولیتی دارد و نه مالی آنچنانی برایش است و نه کسی به حرف او گوش می دهد چگونه می تواند موتور محرکه جامعه قلمداد شود؟

جواب این سؤال را می توان در فرمایشات مقام معظم رهبری جویا شد. معظم له برای قشر جوان و دانشجو رسالتی به نام تصمیم سازی در نظر گرفته اند. تصمیم سازی عبارت است از ایجاد فضا و جوی در جامعه که خواه ناخواه مسول تصمیم گیر را به سوی اتخاذ تصمیم مناسب سوق دهد. به عنوان مثال در قضیه ترور شهید سلیمانی، فضای سنگینی که برای انتقام خون سردار شهید به وجود آمد، هر مسول همراه یا غیر همراه با نظام را مجبور کرد که با این انتقام همراه شوند. لذا معظم له در رابطه با موشکباران

پایگاه آمریکایی عین الاسد فرمودند که سوخت موشک ها اراده و خواست مردم بود.

۱. طلبه سطح ۲ حوزه علمیه قم.

باید آرمان مورد نظر، آرمان دیگران هم بشود. این کار با کلیدواژه «تبيين» میسر است. تبیین درست آرمان‌ها باعث همراهی دیگران در این مهم می‌شود.

حضرتشان در سخنرانی هفده خرداد ماه سال ۹۶، پس از برشمردن کلیدواژه‌های آرمانی به لزوم تبیین این کلیدواژه‌ها اشاره فرمودند:

«این‌ها را باید تبیین کنید. یعنی توصیه‌ی من به تشکّل‌های دانشجویی این است که این کلیدواژه‌های اساسی و اصلی را درست تبیین کنند. از بیانات امام استفاده کنید و مانند این‌ها»

مطالبه‌گری: قدم بعدی که خود به خود خواهد آمد اما نیاز به تذکر نیز دارد، مطالبه آن آرمان است؛ هنگامی که امری در جامعه درست تبیین شده و به جان مردم بنشیند، نفس آدمی انسان را به مطالبه آن امر کشانده و شوق ناشی از رسیدن به آن آرمان، انسان را به درخواست و مطالبه آن آرمان می‌رساند:

«این تبیین هم در محیط دانشجویی است، هم در محیط بیرون دانشجویی، همان‌طور که گفتیم، مسئله‌ی نماز جمعه و امثال این‌ها، که این‌ها

گفتمان درست می‌کند، این‌ها فکر و مطالبه‌ی عمومی ایجاد می‌کند و این خیلی باارزش است، کشور را می‌کشاند به یک سمت مشخصی،»

گفتمان سازی: قدم بعدی آنجایی است که داد آرزوی تحقق آرمان، فضای جامعه را پر کند، این مهم خود به خود باعث ایجاد نوعی احاطه ارزشی در جامعه خواهد شد. چرا که هنگامی که امری در جامعه با مطالبه دائم رو به رو شود، جو عمومی نیز تخطی از آن را ناپسند شمرده و با متخبطیان سنگین می‌شوند. این نوع هنجار سازی نام دیگری نیز دارد و آن هم «گفتمان سازی» در جامعه است. اینجا همان جایی است که دانشجو با ایجاد این نوع گفتمان می‌تواند مردم جامعه و اراده ملی را با خود همراه کند و به سوی آرمان‌های انقلاب بکشانند:

«دانشجو تصمیم‌ساز است؛ دانشجو گفتمان‌ساز است. شما وقتی که یک آرمانی را دنبال می‌کنید، می‌گویید، تکرار می‌کنید و بجد پای آن می‌ایستید، این یک گفتمان در جامعه ایجاد می‌کند...»

نقش حوزه و روحانیت در حکمرانی اسلامی

جناب آقای رضا صفری^۱

معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است؛ فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.»

همچنین بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری نیز، فقه، استخوان‌بندی و ستون فقرات زندگی اجتماعی و سیاسی است. (بیانات در دیدار با طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸/۰۲/۱۸)

از سوی دیگر، یکی از ارکان مهم برای استنباط احکام و همچنین تنظیم نظام‌های فقهی در عرصه‌های گوناگون زندگی انسان، چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی و ناظر به مسائل حکمرانی، اطلاع دقیق از موضوعات و مصادیق است.

به نظر می‌رسد حوزه و روحانیت برای کسب موفقیت در جامعه سازی و تمدن سازی اسلامی در گام دوم، راهی ندارد مگر اینکه در تفسیر و تبیین پدیده‌های فرهنگی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همه حوزه‌هایی که دین اثرگذار است، از بیان قضایای کلیه و اظهار نظرهای مبتنی بر قضای شرطیه و در نهایت، معلق کردن مسائل به نظرات و برداشت‌های شخصی برخی از روشنفکران و شبه دانشمندان دوری کرده و با کمک صاحب‌نظران واقعی در دانشگاه، خود رأساً در مسائل جزئی و کلی مربوط به حکمرانی اسلامی وارد شود.

مقام معظم رهبری در همان ابتدای بیانیه گام دوم تصریح کرده‌اند که انقلاب اسلامی، وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.

از آنجایی که دین، راه و روش زندگی است و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی جزء جدانشدنی زندگی انسان محسوب می‌شوند، بنابراین انتظار اینکه دین، کنج عزلت را برگزیند و جامعه و امور آن را به حال خود رها کند، خود، درافتادن در تناقضی آشکار و اتفاقاً آشکال به خود دین است. اگر کسی هم به چنین چیزی معتقد باشد، هم معنای دین و هم معنای زندگی و ابعاد آن را به خوبی درک نکرده است.

از منظر علامه طباطبایی، دین عبارت است از روش خاصی در زندگی دنیا که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین می‌کند و هم در عین حال، با کمال اخروی و زندگی دائمی و حقیقی در جوار خدای تعالی موافق است؛ ناگزیر چنین روشی باید در شریعتش قوانینی باشد که به قدر احتیاج، متعرض حال معاش نیز باشد.

از طرفی بر اساس دیدگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی

عدم شناخت موضوعات روزمره و مبتلا به در دنیای امروز، تتبع نکردن در مصادیق و پدیده‌ها و در نهایت عدم تنظیم و ارائه یک برنامه منسجم و قابل اجراء بر اساس نگاه توحیدی در همه حوزه‌ها، در نهایت منجر به این می‌شود که اقتصاد، فرهنگ، سبک زندگی، سیاست و همه امور نظام اسلامی برآمده از بن‌مایه‌های نظام سرمایه‌داری باشد و آنگاه است که عده‌ای از فضلاء و متفکران دینی، مشغول فقه مالی و اسلامیزه کردن گزاره‌های غربی

و سکولار خواهند شد که بر آمده از میانی اومانیزم (انسان محوری)، هدونیزم (لذت‌گرایی)، یوتیلیتاریانیزم (اصالت سود و نفع) و ... هستند. نتیجه اینکه بزرگ‌ترین تهدید برای حوزه و روحانیت، دغدغه نداشتن برای اثر بخشی در حوزه فقه حکومتی و حکمرانی مبتنی بر علوم اسلامی و نگاه توحیدی است. حوزه و روحانیت باید همواره به این موضوع توجه کند که در کنار معاد، معاش هم اهمیت بسزایی دارد. زیرا این دو بر هم تأثیر و تأثر دارند.

تلاش در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی

جناب حجت الاسلام مجتبی میرزایی^۱

کسانی که از صدای شعارها و آرمان‌های الهی و آسمانی انقلابیون ایران، پایه‌های حکومتشان بلرزه درآمده و تمام سعی و تلاش خویش را بر نابودی این انقلاب جمع کرده‌اند و گاهی با خیال خام خویش مدعی نابودی انقلاب می‌شوند.

محاسبات اشتباهی که تمامی دشمنان خدا از ابتدای خلقت تاکنون مبتلای آن بوده و همین امر، موجب هلاکت و سردرگردانی ایشان بوده است. اکنون که یک چله از انقلاب گذشته و وارد چله دوم و گام دوم انقلاب شده‌ایم بر جوانان که مدیران آینده این مرز و بوم هستند شایسته است که با استفاده از تجربه گذشته و شناخت آن، زیر بار مسئولیت رفته و شجاعانه و مجاهدانه تن به مسئولیت بدهند و اهداف اصلی امام (ره) از تشکیل این انقلاب را محقق نمایند. امام (ره) بدنبال تحقق شرایط ظهور منجی عالم بشریت بود و خواستار فراهم کردن پیش زمینه‌های تشکیل حکومت جهانی عدل گستر مهدوی بود.

بازوان تحقق این آرمان جهانی امام (ره) جوانان انقلابی و حزب الهی ایران اسلامی است. غفلت از تاریخ انقلاب و سبک زندگی و فکری امام (ره) که بعضی نااهلان بدنبال تغییر آن هستند، زنگ هشدار است که مقام معظم رهبری بارها بر آن تاکید داشته و از همگان علی‌الخصوص جوانان

مردم اسلامی و آزادی خواه ایران با حمایت از امام خمینی (ره) هیمنه پوشالی استکبار جهانی و طاغوت را شکستند و ناکارآمدی کلیشه‌های جهانی را به رخ مردم جهان کشاندند. و این آغاز ایجاد تمدن نوین اسلامی بود. تمدنی که بدون قصد جدی به تغییر سرنوشت از ناحیه تمامی مردم محقق نمی‌شد. زیرا که خداوند فرموده است سرنوشت هیچ قوم و گروهی را تغییر نمی‌دهم مگر آنکه خود تصمیم به تغییر داشته باشند. مردم ایران تصمیم گرفتند که نظر خود را حاکم بر تصمیمات کلی حاکمانشان کنند و نقش آفرینی خود را در برنامه‌های جامع و اصلی و اساسی کشور پررنگ‌تر کنند.

وزارت فرهنگ و ارشاد وقت در سال ۱۳۶۰ ده روز دوازدهم تا بیست و دوم بهمن را بعنوان دهه فجر نامگذاری کرد و در تقویم شمسی کشور این ده روز بعنوان دهه فجر ثبت شد تا مردم ایران و فرزندان ایشان همیشه به یاد این تصمیم به تغییر و انقلابی که آباء و اجدادشان انجام داده‌اند بوده و همیشه پاسدار خون شهیدان و آرمان‌های ایشان باشند. اکنون چهل و دو سال از آغاز پیروزی انقلاب می‌گذرد و دشمنان انقلاب یا نابود و محو گشته و یا در آستانه نابودی هستند.

در سطح جهان را فراهم نموده که به تعبیر خداوند حکومت نهایی جهان
ارثیه بندگان صالح خدایی است.

درخواست مطالعه و تحقیق و پژوهش در اندیشه امام راحل داشته‌اند. امید
است که جوانان انقلابی با بهره‌گیری از اندیشه امام و رهبری به توصیه‌های
هفت‌گانه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب جامه عمل پوشانده و
گام دوم را هوشمندانه و مقتدرانه برداشته و شرایط تحقق تمدن نوین اسلامی

نقش جوانان در به حرکت درآوردن اراده ملی

سرکار خانم زهرا فاضل دهکردی^۱

جمعیت است که در بیش از ۸۰ درصد عوامل و عناصر ساخت قدرت ملی به شکل مستقیم و غیر مستقیم تأثیر گذار است.

پیکره

یکی از نکاتی که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح نمودند قابلیت‌های ویژه جوانان و ظرفیت‌ها و توانایی‌های عظیم کشور و زیر ساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی برای حرکت عظیم و پیشرفت است. ایشان در بیان وظایف جوانان فرمودند: "جوانان کشور روزی هزینه مبارزه با طاغوت را پرداخت کردند تا انقلاب به پیروزی برسد و نظام طاغوتی ویران شود. در دوران دفاع مقدس نیز خانواده‌ها و جوانان هزینه دفاع از کشور را قبول کردند تا نسل امروز از دستاورد آن یعنی امنیت بهره مند شود و امروز نوبت جوانان عزیز میهن است که هزینه ایستادگی در مقابل دشمن را بپردازند.

نتیجه

جوانان در پرتو شناخت از داشته‌ها و استفاده از ظرفیت‌های فراوان کشور باید برای حل مشکلات کشور سپه سینه کنند زیرا که دشمنان بر تضعیف اراده ملی مردم ایران متمرکز شده‌اند به گونه ای که میلیاردها پول خرج می‌کنند تا با ایجاد رخنه در اعتقادات سیاسی و دینی جوانان، اراده و انگیزه

مقدمه

از آنچه به عنوان قدرت و اقتدار ملی یک کشور مطرح می‌شود توان یک ملت در اعمال اراده خود، درون و در ورای مرزهاست و به عنوان ابزاری است که از طرف ملت‌ها برای نیل به اهداف و آرمان‌ها به دولت‌ها و حکومت‌ها سپرده می‌شود.

زمانی بیشترین تمرکز بر عناصر نظامی، ساخت قدرت ملی را تشکیل می‌داد، اما اینک از مهم‌ترین عوامل ساخت قدرت ملی عنصر جمعیت است که به عنوان پشتوانه استراتژیک در مقایسه با سایر عوامل دارای وزن بیشتری است. اگر همه چیز متعادل باشد جمعیت زیاد کشور توان قدرت دولت را افزایش می‌دهد.

حافظ نیا جمعیت را از چند نظر به عنوان پشتوانه قدرت ملی معرفی می‌کند که شامل منبع نیروی نظامی، منبع نیروی کار و تولید، ذخیره نیروی جنگی و سرچشمه روحیه ملی می‌باشد. هر گاه افراد بین سنین ۲۰ تا ۴۵ سال بیش از ۳۵ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل دهد، این کشور از بهترین و مطلوب‌ترین عوامل برای حفظ امنیت، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برخوردار است. جمعیت جوان مهم‌ترین گروه سنی در ساختمان

حرکت و تلاش در آن‌ها ضعیف شود. توصیه اکید ایشان به جوانان حفظ وحدت و پرهیز از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و اختلاف بر انگیز و مرزبندی پررنگ با دشمن می‌باشد جوانان باید در میدان علم و فکر و معرفت و سیاست و کار تلاش خود را مضاعف کنند و شانه‌هاشان را زیر بار مسئولیت‌های دشوار کوچک و بزرگ بدهند. توصیه دیگر ایشان شناخت و جدی گرفتن داشته‌های خود، شناخت آفت‌ها، فسادها و راه‌های رخنه دشمن و ایستادگی در مقابل آن به طور جدی است."

ایشان خواستار کمک سه قوه به جوانان در روند پیشرفت کشور شدند و علاج مشکلات کشور را قرار دادن حرکت کشور بر دوش جوانان دانستند و فرمودند: "بهترین صنایع مابیه وسیله جوان‌های دعای کمیل خوان و نماز شب خوان پیشرفت می‌کند، جوان‌های اهل اعتکاف، اهل دعای ندبه و جوان‌های متدین. به فضل الهی فردای این کشور بسیار بسیار بهتر از امروز ما خواهد بود."

نقش حوزه و روحانیت در بیانیه گام دوم

سرکار خانم اسما سعیدیان^۱

باشند که شب و روز با امپراتوری رسانه ای‌شان ناامیدی را به مردم القا می‌کنند.

راهکار در این عرصه: علاوه بر منبر از سایر شیوه‌ها نیز جهت تأثیر گذاری بر مخاطب استفاده کنند.

در گام دوم انقلاب ضرورت گفت و گو با مردم بیشتر از گام اول است زیرا وسائط ارتباط جمعی روز به روز پیشرفته تر می‌شوند و اطلاعات زیادی را در اختیار مردم قرار می‌دهد که صرف اکتفا به سخنرانی یک طرفه نمی‌تواند جوابگو همه سؤالات و نیازها باشد.

از قالب‌های رسانه ای به صورت منبر استفاده نشود مثلاً قالب اینستاگرام زمانی مؤثر تر است که فرد جوابگوی کامنت‌ها و سؤالات باشد.

لایو گذاشتن با افراد مخالف و همزمان جوابگویی به آن‌ها قدرت جذب بالایی برای مخاطبان دارد.

در زمینه عدالت و مبارزه با فساد:

نهاد حوزه وقتی عدالت که جز اصول انقلاب هست را به عنوان کار ویژه خودش قرار نهد و در برابر بی‌عدالتی‌ها سکوت کند ناخودآگاه همسو و همکار بی‌عدالتی‌ها شناخته می‌شود. مبحث عدالت به دلیل جذاب بودنش می‌تواند در صورت تغییر مرجعیتش از حوزه به رسانه‌های بیگانه برای انقلاب خطرناک شود و در ادامه مسیر انقلاب در گام دوم خلل وارد کند.

اولین گام انقلاب اسلامی با همه‌ی فراز و فرودها گذشت.

هم اکنون انقلاب اسلامی که مولود حوزه علمیه بوده با کوله باری از تجربه و با بلوغی کسب شده گام دوم خود را شروع کرده اندیشمندی از جنس امام خمینی که قبل از انقلاب تئوری انقلاب اسلامی را در منبرهای مشهد و سایر جمع‌ها مطرح می‌کرد هم اکنون با تجربه چند دهه رهبری نقشه راه کشور را ترسیم کرده است و شاخصه‌هایی بیان کرده‌اند.

نهاد حوزه بیشترین و مؤثرترین نقش را در گام دوم انقلاب بر عهده دارد همانطور که در گام اول بحران‌های مختلف و باستان و تلاش‌های خروجی‌های این نهاد که روحانیت بود حل می‌شد.

ابداع شیوه حکمرانی، تدوین قانون اساسی، مطرح کردن موضوعات روز دنیا و تبیین آن‌ها، مواجهه با مکتب‌های باطل و گمراه کننده و ... از جمله کارهایی بود که نهاد حوزه به وسیله روحانیت به خدمت انقلاب آورد.

نهادی که بیشترین تأثیر را در گام اول انقلاب ایفا کرد بالتبع در گام دوم هم بیشترین وظیفه را به دوش دارد.

و در همه‌ی شاخصه‌های مطرح شده توسط رهبر انقلاب مؤثرترین نهاد است برای مثال بنیادی‌ترین مسئله و نیاز کنونی کشور که امید است توسط این نهاد قابل نشر است به این گونه که روحانیت با ارتباطشان با بدنه‌ی جامعه نوع نگاه آن‌ها را می‌تواند تغییر بدهند و باطل کننده‌ی سحر دشمنانی

عدالت در همه جنبه‌ها وقتی مطالبه‌ی نهاد حوزه شود و روحانیت با تشکیل کار گروهایی پیگیر ارتقای عدالت در انقلاب شود ماندگاری انقلاب تضمین می‌شود و علاوه این به طور غیر مستقیم جذب مخاطب صورت می‌گیرد.

قطعاً پوشش رسانه‌ای مطلوب و جمعی فعالیت‌های حوزه در این خصوص فاصله با بدنه جامعه را به کمترین سطح ممکن می‌رساند. در زمینه اقتصاد که مهم‌ترین وسیله جهت رسیدن به اهداف انقلاب است نهاد حوزه در جنبه علمی می‌تواند با مؤسسات و مدارس که در دست دارد به تئوری پردازی در این حیطة و روشن کردن ابعاد اقتصاد مقاومتی بپردازد و در مرحله تبلیغ مطالب را به صورت ساده به شبکه‌ی تبلیغی خود به مردم برساند.

البته در این زمینه هم توجه به ظرفیت‌های رسانه‌ای تأثیر گذاری را افزایش می‌دهد.

در سایر حوزه‌ها از جمله امنیت ملی، سبک زندگی و ... با شکل دهی مؤسسات مردم نهاد و به خصوص کار با جوانان، مطالب و شاخصه‌های پیشرفت را می‌تواند به بهترین شکل ممکن ارتقا دهد.

البته علاوه بر مطالب ذکر شده نهاد حوزه با مدیریت و ارتباط با نهاد آموزش و پرورش کشور در تربیت نیروهایی که بعداً بتوانند مدیریت‌های کلان کشور را بر عهده بگیرند نیز می‌تواند در پیشبرد حرکت انقلاب در گام دوم مؤثر واقع شود.

جایگاه و نقش جوانان در تحقق تمدن نوین اسلامی

سرکار خانم صفیه قدمی^۱

۶- آموزش چارت کلی خانواده اسلامی به مثابه کارخانه انسان سازی به جوانان دبیرستانی (چهار اصل: حفظ اقتدار مرد، محبت به زن، احترام و محبت به کودک) متناسب با ویژگی‌های کلی جنسیتی انسان.

نقش حوزه و دانشگاه در حکم رانی اسلامی
بنظر می‌رسد مهم‌ترین وظیفه روحانیت در قبال بیانیه گام دوم انقلاب به شرح زیر باشد:

۱- استخراج دقیق چهارچوب‌های اسلامی اقتصاد، روابط خارجی، چارت خانواده اسلامی؛ از متن متقن قرآن، احادیث، ادعیه و تاریخ حکومت معصومین علیهم السلام

۲- دوستی‌گزینی محله‌ای و یا حتی کوچه‌ای روحانیون و سکونت در همان جا و در عمل نشان دادن سبک زندگی اسلامی به دوستان جهت همراهی و الگوپذیری ایشان

۳- تهذیب نفس جهت توانایی تسلط به تربیت متربی

۴- ارتباط‌گیری متناسب با ویژگی‌های هر رده سنی جهت تعمیق رفتار ایشان در مخاطب

جایگاه و نقش جوانان در تحقق تمدن نوین اسلامی با تکیه بر منابع دینی و تجربه تاریخی ایران اسلامی:

۱- خودسازی هر چه بیشتر جوانان مؤمن

۲- آشنایی کامل با کلیات انسان‌شناسی و جهان‌بینی توحیدی

۳- طرح سه‌م تو یک نفر (جوانان بالای ۱۸ سال باید ضمن تعمیق

اندیشه و عملکرد اسلامی خود با شخصی دوست و ایشان را در عمل به معارف و تقوای اسلامی دعوت کنند) چرا که نبود تقوای الهی و فسادهای همه‌جانبه ناشی از آن به هیچ وجه و با هیچ محدود کننده‌ای قابل توفیق نیست.

۴- ایجاد شور انجام افعال عادی زندگی بصورت عبادت (نیت و اداب اسلامی) با سبقت در خیرات و برگذاری اردوهای تیمی برای تقویت ایشان و پابندی و انتقال تجربیات

۵- قهرمانی کردن ورزش متناسب با جنسیت و سن دانش‌آموزان جهت دوری از زمینه فساد

رسانه در گام دوم

جناب آقای رضا شوشتری^۱

افزایش یافته است و افرادی چون سربازان بدون موجب از آن پیروی می‌کنند. جبهه مقابل انقلاب اسلامی همیشه از برترین تکنیک‌های رسانه ای و تأثیر گذارترین آن استفاده کرده و برای تحقق اهداف شوم خود همیشه بر جهل عامه مردم سرمایه گذاری کرده است.

ب. همان طور که می‌دانیم جنگ رسانه ای جنگی در عرصه افکار عمومی است و سربازان آن روز به روز با پیشرفت فناوری تغییر می‌کند صد سال پیش خبری از این سربازها نبود، پس نمی‌توان مانند صد سال پیش در این عرصه با دشمنی که ابزار نو دارد درگیر شد.

پ. کنون اکثر رسانه‌های نوین و ابزارهای مرتبط با آن حاصل اندیشه و دانش کشورهای متهاجم به جمهوری اسلامی ایران است و هرگز نمی‌شود تأثیر صد درصدی در زمین بازی داشت که تمام قوانین آن را دشمن طرح ریزی کرده است. پس

۱. باید با آگاهی کامل بر قوانین و طرح کلی رسانه در آن حضور داشت
۲. اقناع تصمیم سازان برای تکمیل حکومت سایبری
۳. آموزش نرم افزاری و سخت افزاری تولید محتوا
۴. ترویج بیانیه گام دوم انقلاب نیازمند ایجاد وحدت در بین رسانه‌های کشور است به گونه ای که با استفاده از شیوه‌های مختلف و به فراخور

رسانه‌ها همیشه باور ساز و باور سوز بودند و امروزه با پیشرفت بیش از پیش فناوری‌های نو ظهور این اثر گذاری افزایش یافته است. جبهه مقابل انقلاب اسلامی همیشه از برترین تکنیک‌های رسانه ای و تأثیر گذارترین آن استفاده کرده.

رسانه ابزاری است که پیامی را به مخاطب خود ارسال می‌کند و قصد اقناع سازی او را دارد، به عنوان مثال وقتی صبح از خواب بیدار می‌شویم تحت القاءات رسانه ای گوناگونی قرار می‌گیریم از صدای اطرافیان و رنگ لباس و شکل لباس هایشان، تلویزیون، فضای مجازی، تابلوهای راهنمای و رانندگی، شعر، سینما و هزاران مورد دیگر مانند این. رسانه‌های که ماهیت آن تا به امروز تغییری نکرده و تنها کمیت آن افزایش یافته مانند کتاب تا رسانه‌های که به کل به تاریخ پیوستن مانند کیوت‌های نامه رسان.

سؤال اساسی این است که چگونه در مقابل تأثیر گذاری دشمن بر فضای رسانه انقلاب اسلامی بر طبق متن بیانیه گام دوم انقلاب ایستاد؟ در این یادداشت قصد داریم به این سؤال جواب دهیم اما نتیجه گیری این یادداشت با شما خواننده گرامی می‌باشد

الف. رسانه‌ها از بدو آفرینش انسان همیشه قصد ایجاد باورهای نو داشتند و امروزه با پیشرفت بیش از پیش فناوری‌های نو ظهور این اثر گذاری

۱. کارشناسی حقوق - قوچان

فعالیت‌ها هر رسانه ابعاد مختلف بیابیه آشکار تا تبدیل به خواست جمعی برای ایجاد سیاست‌های منطبق بر آن شود

۵. استفاده از واژه نوین در ترکیب تمدن نوین اسلامی بدون دلیل نبوده و نشان دهنده این است که آنچه اکنون وجود دارد باید رو به تغییر و تعالی گام بردارد رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم قصد داشتن این موضوع را یادآور شوند که (تمدن نوین اسلامی) نیاز به ابزاری نو و اندیشه ای متعالی

دارد ابزاری که بر پایه دانش نوین با اهتمام بر زبان فارسی و دانش بومی باشد و دیگر نمی‌شود با تکنیک‌های قدیمی به مصاف دناست‌ها رفت.

۶. تاریخ خود گواه این است که رسانه‌ها کاری با جهان کرده‌اند که هرگز نمی‌شود از آن چشم پوشید.

حال به نظر شما چطور می‌شود به حصر رسانه ای پایان داد و تحقق گام بعدی انقلاب را تسری بخشید؟

نقش جوانان در امید آفرینی و شکستن حصر رسانه ای دشمن

سرکار خانم عشرت مروجی^۱

تاثیرگذار کشور به عنوان حلقه‌های میانی باید با تشریح دستاوردهای نظام اسلامی برای مردم نقشه‌های شوم دشمنان را نقش بر آب کند.

ملت انقلابی و مؤمن ایران اسلامی در برهه‌های گذشته با کمترین امکانات اما با وحدت و اعتقاد راسخ به آرمان‌های انقلاب اسلامی توانستند خرمشهر را آزاد کنند. بنابراین در شرایط کنونی و جنگ اقتصادی نیز می‌توان با تشریح آرمان‌های امام و شهدا و معرفی دستاوردهای انقلاب اسلامی برای نسل جوان با مقاومت از این میدان نیز سربلند بیرون آمد.

شکست محاصره تبلیغاتی دشمن تنها با ایجاد امید و نشاط در جامعه عملیاتی می‌شود و تمامی اقشار فرهنگی، سیاسی و علمی در این امر خیر مسئول هستند و باید در راستای صیانت از ارزش‌های انقلاب اسلامی و استقلال ملی نقش آفرینی کنند.

نامیدی حاصل از فعالیت‌های رسانه ای و تبلیغاتی دشمن حتی در بین دلسوزان انقلاب و نیروهای حزب الهی نیز نفوذ کرده که این محاصره باید با مقابله همه جانبه مردم علی‌الخصوص جوانان ولایی و انقلابی و مسئولان شکسته شود.

امیدبخشی در لایه‌های جامعه، باز کردن گره‌های ذهنی مردم و تقویت انگیزه عمومی به خصوص بین جوانان، راه شکست محاصره تبلیغاتی دشمن است دشمنان نظام اسلامی کشور را به لحاظ فرهنگی محاصره کرده‌اند و اساتید حوزه و دانشگاه، طلبه و دانشجو در این شرایط وظیفه خطیری را در راستای بی اثر کردن توطئه دشمن بر عهده دارند.

ما در فضای مجازی با یک جنگ شناختی، ادراکی و ترکیبی مواجهیم که در آن دشمن روی ادراک، شناخت، عواطف، احساسات و باورها و مجموعاً پارادایم‌های ذهنی ما نقش بازی می‌کند و همین مساله علت بسیاری از آسیب‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی در کشور شده است.

دشمن در جنگ شناختی امیدوار است تا مردم را نسبت به آینده ناامید، نسبت به نهادهای رسمی بدبین و نسبت به سرنوشت عمومی جامعه بی تفاوت کند.

دشمنان نظام اسلامی تمام سرمایه و ظرفیت خود را برای اشاعه بی اعتمادی، ایجاد فاصله بین مردم و مسئولان و در نهایت ناامیدی نسبت به آینده نظام به کار گرفته‌اند و در این شرایط جوانان فرهیخته انقلابی و

ما در جنگ روایت‌ها قرار گرفته‌ایم. در این ورطه هر کشوری که بتواند روایت خود را در بستر امن تحت مدیریتش به افکار عمومی منتقل کند، برنده است. با این وجود از آنجایی که در کشور ما توجه چندانی در بحث حکمرانی سایبری نشده و فضای مجازی از سوی پیام رسان‌های خارجی اشغال شده است در نتیجه روایت‌هایی که مدنظر دشمن بوده در بستر رسانه‌ها به افکار عمومی القا شده است. لذا جوانان مؤمن انقلابی ضمن بالا بردن سواد رسانه‌ای خود و با روایتگری به موقع باید حصر رسانه‌ای تبلیغاتی دشمن را بشکنند.

فراموش نکنیم که نقطه آماج تهاجم دشمن، ملت ایران بوده و فشارهای روانی و اقتصادی دشمن بیشتر بر گرده ملت سنگینی می‌کند. از این رو یکی از اساسی‌ترین نقاط هدف جبهه خودی در این دفاع هوشمندانه، سبک‌تر کردن فشارهای گوناگونی است که باعث رنج و تألم ملت می‌شود و نیز کاهش محسوس زمینه‌های ناراضی‌سازی مردم است.

امروز ما در مبحث تولید محتوا ضعف داریم و قدری تبلی می‌کنیم و همین مسئله باعث شده تا دشمنان ضد انقلاب، عرصه را برای سوء استفاده فراهم ببینند دشمن در عرصه فضای مجازی همواره در کمین است و پیوسته شرایط را رصد می‌کند، با این وجود، ما آنچنان که لازم است، ورود نکرده‌ایم

امروز دشمن سعی دارد ناکامی‌های خود در میدان نظامی را با نبرد رسانه‌ای و تبلیغاتی جبران کند، که تا حدودی موفق هم بوده است؛ شکست این حصر رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن تنها به دست جوانان انقلابی میسر می‌شود.

با وجود مشکلات، تهدیدها جامعه ما بجز قوی شدن و مقاومت راهی ندارد و این اقتدار تنها در حوزه نظامی نیست، بلکه در حوزه‌های رسانه‌ای، اجتماعی و فرهنگی هم باید باشد

یکی از مهم‌ترین راهکارها، ارتقای سواد رسانه‌ای و استفاده از فضای مجازی میان مسئولان و مردم است. ما اکنون در سطح مسئولان شاهد فقر سواد رسانه‌ای و البته تحلیل در این عرصه هستیم که به ویژه در بحران‌های رسانه‌ای ضریب بالایی را دریافت می‌کند، به بیان دیگر در شرایط بحرانی به جای ارائه تحلیل درست رسانه‌ای از سوی مسئولان و راهبرد صحیح، با جریان‌های عکس آن مواجهیم. و جوانان فرهیخته انقلابی به عنوان حلقه‌های میانی می‌توانند این خلأ را پر کنند و خبر سازی‌های دروغین دشمن را خنثی نمایند و حصر رسانه‌ای دشمن را بشکنند و امید را در دل‌های مردم خصوصاً جوانان شکوفا سازند.

جایگاه قم در عصر گام دوم

جناب حجت الاسلام علی اسفندیار^۱

۱۳۴۲ شمسی؛ ایران

امام خمینی در سال‌های ۴۱ و ۴۲ شمسی آشکارا بر طاغوت می‌تازید، مردم اعتراض را یاد گرفتند و به ادبیات درآوردند. عکس و نوار و نامه رسانه‌های عمومی آن زمان بود و برای رساندن پیام امام به خط شدند، حالا دیگر بازداشت امام، بازتاب می‌یافت، اخبار، کار خود را می‌کرد و امام کار خود را!

در حوالی سال ۴۵ شمسی، ادبیات متعهد به عنوان عامل بیداری و آگاهی‌دادن به مردم، شکل می‌گیرد و جا می‌افتد. مجموعه‌های شعر، قصه‌های کوتاه و بلند، مقالات ادبی، اجتماعی روزنامه‌ها و جنگ‌ها، برپایی نمایشگاه‌های نقاشی، شب‌های شعر و ... آدم را به یاد فرانسه می‌اندازد.

امام راحل زمانی به ترکیه و نجف تبعید شدند که ادبیات متعهد و انقلابی جای خودش را در کشور باز کرده و سکوت امام را به صدا درمی‌آوردند.

اروپا با کم‌کاری کلیسا جنگید و ایران با ستم طاغوت؛ اما هر دو با عمومی‌شدن ادبیات، بر شرایط خود حاکم شدند؛ در کشوری همچون فرانسه نقل مکاتب شکل گرفت و در ایران دهه‌ی چهل و پنجاه، عصر «نقد مکاتب»!

۱۹۷۸ میلادی؛ پاریس

مکتب قم پیشران تمدن ایرانی اسلامی / ایران؛ از نقل مکاتب

تا نقد مکاتب

۱۸۰۰ میلادی؛ فرانسه

پاریس قرن هجده، خیلی هیجان‌انگیز بود، ارزان بود، نقاش‌ها، شاعرها، سربازها؛ همه جور آدم حضور داشتند، همه جا آدم‌هایی را می‌دید که داشتند روی کتابی کار می‌کردند.

پاریس سرمشق نویسنده‌گان مهاجر بود، چهار راه فرهنگ و ادبیات جهانی و عناصر تشکیل دهنده‌اش نویسنده‌های اروپای شرقی، آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا هستند. «جرج پلیمپتن» از سردبیران مجله پاریس ریویو می‌گوید: پاریس محل تلافی همه ماست.

فرانسه یکی از مبادی روشنگری است و تولید ادبیات برایش مسأله بود؛ البته کشورهایی همچون انگلستان و هلند هم پای کار روشنگری بودند، آن‌ها هم به دایره المعارف‌نویسی، برگزاری محافل ادبی و داغ کردن فضای گفت‌ووشنود در کافه‌ها روی آورده بودند. محافل این چنینی مردم را با نشریات آشنا می‌کردند و نویسندگان حرف‌های خود را به کاغذ و مخاطب می‌سپردند، این شد که جریان‌های اجتماعی و سیاسی جان گرفتند و کلیسای بی‌خبر از همه جا، محدود و منزوی‌تر شد.

۱۴ مهر ۵۷ شمسی امام خمینی (ره) وارد پاریس شد، مأموران کاخ الیزه نظر رئیس جمهور فرانسه را درباره عدم فعالیت سیاسی به امام خمینی (ره) ابلاغ کردند. پرسش مهم این است که چرا پاریس؟ پاریس مرکز خبری جهان بود، بی‌تعارف می‌توان ادعا کرد که سابقه نداشته برای وضو گرفتن یک مسلمان، آن همه عکاس دور امام خمینی حلقه بزنند. این‌ها قرار است مخابره بشود، این فرهنگ.

جهانی‌شدن شعارهای امام در نوفل‌لوشاتو کلید خورد، آن هم در چهار ماه اقامت! دوربین، ضبط صوت، قلم و کاغذ رسانه‌های جهان، همه برای شنیدن و نوشتن صدای امام به صف شدند. امام با خبرگزاری‌های کشورهای فرانسه، آلمان، اتریش، لوکزامبورگ، سوئد و یونان مصاحبه کرد. در دو ماه نخست، ۴۵۸ صفحه مصاحبه، پیام و سخنرانی از امام به ثبت رسید. پاریس، قرارگاه رسانه‌ای امام و محل تلاقی ادبیات انقلاب و دیگر مکاتب شده بود. امام به جهانی بودن شعارش ایمان داشت. رسانه‌های جهانی حرف‌های جهانی‌اش را بازتاب می‌دادند.

۱۳۹۷ شمسی، قم

ایران، چهل سالگی واقعی خود را جشن می‌گیرد، بالغ و تنومند ظاهر می‌شود و رهبر، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب را صادر می‌کند. زعمیم انقلاب رسماً دیدارهای «غیر رسمی» برگزار می‌کند و همچون گذشته پای بیت شاعران می‌نشیند، با هنرمندان تلویزیون و سینما عکس یادگاری می‌گیرد، جوانان را به دیدار می‌پذیرد و در برابر صراحت لهجه‌ی آنان آغوش می‌گشاید، جوانان اروپایی را فرزندانشان خود می‌داند، برای‌شان نامه

می‌نویسد؛ رهبر انقلاب می‌داند که برای جهانی‌شدن زبان انقلاب اسلامی، هنر و ادبیات را باید پاس داشت.

از سوی دیگر با اهالی قم دیدار می‌کند، بر مکتب قم پای می‌فشد و به روحانیت اصیل هشدار می‌دهد که مراقب «آنتی‌تزه‌های انقلاب» باشید. قم در صنعت چاپ و نشر کشور پیشتاز می‌شود، محافل علمی و پژوهشی به نقد و نظر تن می‌دهند، سلیق ادبی و هنری آثار خود را در گندها چکش کاری می‌کنند و در شعر و طنز و رمان می‌درخشند، طلبه‌ها انیمیشن و بازی می‌سازند، کتاب «قاسم سلیمانی» پس از ترجمه، به آمریکای لاتین ارسال می‌شود؛ گویا دریافته‌اند که رونق هنر و ادبیات، چرخه‌ی تمدن‌سازی را روغن کاری می‌کند.

انقلاب اسلامی گام دوم، عزم خود را جزم کرده تا رقیب جدی «ایسم»‌های شکل‌گرفته در غرب باشد. هم درصد ترمیم دینداری است که کلیسای عصر رنسانس، آن را بر باد داده است و هم با مکاتب صرفاً این‌جهانی در می‌افتد.

امروزه با نگرش جهانی به ادبیات و فراگیری «هنر ارائه» می‌توان منطق حکمرانی انقلاب اسلامی را به گوش و چشم جهان رساند؛ از این رو سزاست بگوییم که در گام دوم انقلاب «تمدن ایرانی_اسلامی زیر چاپ خواهد رفت» آن هم از قم که مادر انقلاب است؛ البته اگر نهادهای تسهیل‌گر بیدار شوند. اینجا مثل پاریس قرن هجدهمی هیجان‌انگیز است، تلاقی همه ماست، به اضافه تعهد و ایمان!

فرهنگ مقاومت و بیانیه گام دوم

جناب آقای محمد خسروی^۱

آن در تحریم‌های غرب علیه کشور به «مقاومت علمی» (مانند درخشش و جایگاه برتر در بسیاری از حوزه‌های علمی)، «مقاومت سیاسی» (اجماع جهانی علیه ایران و استفاده سیاسی از سازمان ملل در صدور قطعنامه و حقوق بشر)، «مقاومت نظامی» (نمونه عینی آن سپاه قدس ایران و پیشرفت‌های نظامی خیره کننده) و «مقاومت فرهنگی» (هجوم گسترده فرهنگ غرب علیه کشور) برسیم. اما در بُعد اقتصادی با وجود ایده اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب به عنوان چراغ راه اقتصاد کشور، متأسفانه این نظریه اقتصادی به طور جدی مورد استقبال مسولان کشور قرار نگرفت و با خطای محاسباتی مسولان دولتی برای رفع تحریم‌های اقتصادی، با وجود تجربه‌های ناموفق مذاکره با غرب در تاریخ معاصر ایران و هشدارهای رهبر انقلاب در مورد امید نیستن به وعده‌های دشمنان ایران، در نهایت مذاکره جایگزین اقتصاد مقاومتی شد و با شکست مذاکرات تبعات اقتصادی آن روانه ایران شد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم با برشمردن فرصت‌های مادی کشور نظیر منابع عظیم زیرزمینی و معدنی، خاک حاصل خیز، سواحل دریایی و موقیت ژئوپلیتیکی کشور در غرب و شرق عالم، ایران را از لحاظ استفاده نکردن از ظرفیت‌ها، در رتبه اول دانست. باتوجه به نظریه اقتصاد مقاومتی و ظرفیت‌های بی نظیر طبیعی در کشور و همچنین منابع انسانی

فرهنگ مقاومت در میان مسلمان‌ها سابقه‌ای به قدمت تاریخ اسلام دارد. ماجرای تحریم اقتصادی مسلمان‌ها در شعب ابی طالب و غلبه پیامبر در جنگ با مشرکان با وجود نفرت کم، نمونه‌های از مقاومت در صدر اسلام است. در این میان جمهوری اسلامی ایران با تاسی از آموزه‌های اسلام، پرچمدار مقاومت در جهان اسلام به شمار می‌رود. پرسش اساسی این یادداشت آن است، آیا در فرهنگ اسلامی پارادایم مقاومت یک تاکتیک و ضرورت سیاسی است، یا یک استراتژی و راهبردی کلان است؟ خداوند در آیه ۳۰ سوره فصلت می‌فرماید: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه الّتی کنتم توعدون» همانا کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند است و سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند، که ترسید و غمگین نباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است. آیه به فراگیر بودن ماهیت مقاومت، در تمام ابعاد زندگی اجتماعی مسلمان‌ها اشاره دارد؛ به این معنا که مفهوم مقاومت صرفاً به بعد نظامی محدود نمی‌شود، بلکه مقاومت به عنوان یک راهبرد، همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را شامل می‌شود و اساساً مقاومت در قرآن یک فرهنگ است. در راستای این فرهنگ قرآنی، جمهوری اسلامی ایران توانسته است با به کارگیری عملی

۱. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه قم.

باطل است که نمونه عینی تحقق وعده خداوند برای اطمینان قلب، وجود حکومت جمهوری اسلامی ایران در این دوره چهل و دو ساله است که با هدایت و نصرت خداوند به یک قدرت منطقه‌ای و تأثیر گذار در نظام بین الملل مبدل شده است.

مستعد، کشور توانایی بسیار بالایی برای تبدیل شدن به «ایران قوی» و رسیدن به نقطه بازدارندگی در همه زمینه‌ها از جمله اقتصاد را دارد. از همین رو با توجه به آیه مورد بحث، نتیجه استقامت و اعتماد به وعده‌های خداوند متعال، نصرت و رحمت الهی (تتنزل علیهم الملائکه) و هدایت (والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا) استقامت کنندگان در برابر گروه‌های جریان‌های

شهادت چهره‌ی بین‌المللی مقاومت و گشایش صفحه جدید مقاومت دنیای اسلام در گام دوم انقلاب اسلامی

سرکار خانم مهدیه باقری^۱

مقاومت و همبستگی اسلامی را به روی جبهه بزرگ مقاومت گشود. پس از شهادت شهید سلیمان سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس، امام خامنه‌ای در پیام تسلیتشان، شهید سلیمانی را چهره‌ی بین‌المللی مقاومت دانستند. ایشان در نماز جمعه ۲۷ دی ۱۳۹۸ حضور یافتند و مواضع و دیدگاه‌هایشان را درباره‌ی ترور شهید سلیمانی، تشیع میلیونی ایشان، پاسخ موشکی ایران و... بیان کردند. اما نکات بسیار مهم تر که کمتر مورد توجه و بازخوانی قرار گرفت خطبه عربی این نماز جمعه بود. خطبه‌ای که سر فصل‌های نقشه راه شکل‌گیری جبهه مقاومت اسلامی در آن ترسیم شد. امام خامنه‌ای با خطاب قرار دادن ملت‌های اسلامی منطقه می‌فرمایند: «دنیای اسلام باید صفحه‌ی جدیدی بگشاید.» زیرا «دشمنان شما و ما می‌خواهند اقتصاد خود را با منابع کشورهای ما، عزت خود را با ذلت ملت‌های ما، و صدرنشینی خود را با تفرقه‌ی ما تأمین کنند. می‌خواهند ما و شما را به دست خودمان نابود کنند.» وجدان‌های بیدار و دل‌های مؤمن، اعتماد به نفس ملت‌ها را بیدار کنند. تدبیر، استقامت و ترسیدن از دشمن تنها راه نجات ملت‌هاست. همت ملت‌ها رسیدن به مقصود را سریع تر می‌کند. زنجیره‌ی شکست‌های استکبار به ویژه آمریکا از عراق، سوریه، غزه،

دوران جدید عالم، هم زمان با انقلاب اسلامی قدرتمند و با شکوه ایران آغاز شده است. انقلابی که در چهلمین سال خود پا به دومین مرحله «خودسازی»، «جامعه‌پردازی» و «تمدن‌سازی» نهاده است. انقلابی که زمینه ساز ظهور موعود امم است و برای رسیدن به هدفش که آرمان تمامی انبیاء و اولیاء الهی است، باید فرآیند پنج مرحله‌ای «انقلاب اسلامی»، «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه اسلامی» و «تمدن نوین» اسلامی را پیماید. تا به آمادگی کامل برای «طلوع خورشید ولایت عظمی» (ارواحانه فدا) دست یابد.

ولی فقیه علاوه بر راهبری ملت ایران به سمت آرمان نهایی انقلاب اسلامی با دعوت همگانی به اسلام باید زمینه‌ی توسعه تمدن اسلامی را فراهم کند. همچنین موظف است نقشه راهبردی حرکت امت اسلامی را ترسیم و تبیین نماید تا با قدرتمند کردن جبهه‌ی اسلام از قدرت اسلام دفاع کند و برای از بین بردن فتنه‌ها بکوشد.

شکل‌گیری جبهه مقاومت اسلامی در جریان جنگ با داعش، بستری برای پیشبرد اهداف تمدنی انقلاب اسلامی شد. به ویژه شهادت سردار مقاومت شهید حاج قاسم سلیمانی به دست آمریکای مستکبر برگی تازه از

۱. کارشناسی ادبیات فارسی و ارشد تاریخ تشیع - بوشهر.

لبنان و از یمن تا افغانستان در جبهه‌ی نظامی، نوید پیروزی در جبهه‌های دیگر را می‌دهد.

اکنون امت اسلامی باید در برابر تهاجم همه جانبه دشمن، مقاومتی فراگیر در ابعاد اعتقادی و فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی داشته باشد. هدف این مبارزه گسترده اسلامی در منطقه «نجات از سلطه‌ی استکباری آمریکا و رهایی فلسطین از حاکمیت بیگانگان صهیونیست». برای دست یابی به این هدف و ساخت زیربناهای تمدن نوین اسلامی علاوه بر توده‌های مردم، باید نخبگان جهان اسلام با خیزش و جهادی خستگی ناپذیر برای یاری امت اسلام به صحنه بیایند.

- علمای دین برای ارائه سبک زندگی نوین اسلامی باید به وحدت برسند.

- دانشگاه‌های جهان اسلام برای ارتقا علم و فناوری و ایجاد زیر ساخت‌های تمدنی با یکدیگر همکاری کنند.

- رسانه‌های اسلامی با هماهنگی فرهنگ عمومی را اصلاح کنند.
- نیروهای مسلح با همبستگی و ارتباط جنگ و تجاوز را از منطقه دور کنند.

- بازارهای کشورهای اسلامی، با ارتباط منطقه ای اقتصاد کشورهای اسلامی را از سلطه‌ی کمپانی‌های غارتگر بیرون آورند.
- مردم با سفرهای منطقه ای، هم زبانی، هم دلی، وحدت و دوستی را به ارمغان بیاورند.

سرفصل‌ها و رهنمودهای امام خامنه ای در این خطبه‌ی عربی خطاب به امت اسلامی منطبق با بیانیه گام دوم و ناظر به مراحل خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی است. شهادت سپهد شهید سلیمانی، زمینه ساز ادامه و گسترش مقاومت امت اسلامی در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و... پس از پیروزی در جبهه نظامی و شکست داعش می‌باشد.

پیشنهادات و برداشت‌ها در رابطه با گام دوم انقلاب

سرکار خانم آمنه قدیمی^۱

۶. جوانان عزیز، اگر دغدغهی یا سؤالی دارید حتماً از پرسیدن آن اجتناب نفرمایید چون وجود شبهه یا سؤالی در شما دست و پای شما را می‌بندد.
۷. جوانان عزیز، ایجاد و گسترش معنویت و اخلاق معنوی در خود و اطرافیان نزدیک و بعد در جامعه.
۸. جوانان عزیز، در مواجهه با یک خبر مهم یا تحلیل یک متن یا یک مسأله تا در مورد صحت و درستی آن تا اطمینان حاصل نکرده‌اید آن را گسترش ندهید.
۹. جوانان عزیز، هیچ وقت نگذارید عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی جامعه که در دوران پهلوی بود چنانچه دوباره به تن جامعه رخنه کند.
۱۰. جوانان عزیز، کار فرهنگی در فضای مجازی را شما مانند جهاد فی سبیل الله ادامه دهید. مبدا غفلت در آن راه دهید.
۱۱. جوانان عزیز، هیچ‌گاه نگذارید فساد اخلاقی یا اقتصادی و... که در دوران پهلوی بود دوباره در جامعه رخنه نکند.
۱۲. جوانان عزیز، هیچ‌گاه خود را دست کم نگیرید که حضور شما در عرصه‌های جامعه، مشکلات زیادی را برطرف می‌کند.

- یکی از مهمترین کلید اساسی تمامی قفل‌ها در مسیر گام دوم انقلاب، امیدواری در این مسیر و نگاه خوش‌بینانه است.
- چند راهکار برای حضور جوانان در عرصه مدیریت کشور:
۱. جوانان عزیز، پرهیز از نومییدی و ترس در خود و اطرافیانتان و تقویت اعتماد به نفس خود و احساس دست خدا در کارهای خود.
 ۲. جوانان عزیز، تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران است که زبان‌های بی‌جبرانی به‌همراه دارد که شما باید برای حل آن، چاره‌ای بیندیشید.
 ۳. جوانان عزیز، رفع شبهات وارده بر پیکر این جامعه و ملت و بررسی منشأ آن.
 ۴. جوانان عزیز، تیز بینی و ایجاد راهکار اساسی در مواجهه با مشکلات کنونی.
 ۵. جوانان عزیز، همیشه از سخنان و پندهای حضرت امام خمینی (ره) و سیره زندگی ایشان برای خود سرمشقی قرار دهید و هیچ‌گاه مسیره‌های ایشان را ترک یا فراموش نکنید.

۱۳. جوانان عزیز، با صراحت و شجاعت خود، تصمیم‌هایی که می‌دانید برای جامعه خود مفید است را بیان فرمایید.

۱۴. جوانان عزیز، تا گذشته را شناسید در مسیرهای آینده گام‌هایتان استوار نمی‌شود. پس لازمه برداشتن گام‌های استوار در آینده، شناخت گذشته است.

۱۵. جوانان عزیز، باور اعتقاد به (ما می‌توانیم) را همیشه ذکر و اساس کارهای خود قرار دهید و به دیگران منتقل کنید.

۱۶. جوانان عزیز، دولت پویا و زنده در مسیر انقلاب باشید. یعنی حضورتان را در همه آرکان پرنگ بفرمایید.

۱۷. جوانان عزیز، امید به غرب را هیچ وقت در ذهن خود راه ندهید.

۱۸. جوانان عزیز، با روشنفکری در گام دوم انقلاب به قلّه‌های اوج خواهید رسید.

۱۹. جوانان عزیز، رویکرد دینی و اخلاق جمهوری اسلامی ایران، دل‌های مستعد شما را نورانی کرد. هرگز نگذارید این نور در دل شما خاموش شود.

۲۰. جوانان عزیز، تقویت سیاست‌های اقتصادی و مقاومتی که باید در همه بخش‌ها با قدرت و احساس مسئولیت پیش رود مهمترین مسأله حل مشکلات امروز و آینده است.

نقش و جایگاه طلاب در تحقق بیانیه با توجه به هویت اجتماعی آنان^۱

سرکار خانم مرضیه کریمی^۱

از این رو بر طلاب به عنوان وارثان انبیا (علیهم السلام) لازم و وظیفه اصلی امروز آن‌ها گام در جهت تحقق عدالت اجتماعی است چرا که نظام اسلامی تشکیل شده است و فضای تحقق این آرمان الهی میسر است. و طلاب مستعد باید بدون وقفه در جهت این آرمان الهی تلاش کنند. قرآن در طی ۲۳ سال بر پیامبر مکرم ما نازل شده است و به مرور فضای فکری و فرهنگی جامعه در راستای اهداف قرآن تغییر می‌کند و خداوند برای ایجاد هر فرهنگ جدیدی از قبل زمینه چینی‌های لازم را می‌نمود. در مورد عدالت نیز باید قرآن بر اساس سیر نزول بررسی شود تا الگوی تحقق عدالت در جامعه به دست آید قرآن برای تحقق هر امری در جامعه ابتدا بینش و باورهای افراد را تغییر و یا اصلاح می‌کند و به مدیریت گرایش‌های و عواطف آنان می‌پردازد و پس از آن عمل صحیح در راستای این باور و گرایش را به آن‌ها آموزش می‌دهد. در راستای عدالت هم باید همراه با نزول قرآن گام به گام تحقق عدالت را جستجو و استخراج کرد که چگونه اولاً این ظرفیت در جامعه ایجاد می‌شود و بینش، گرایش و عمل آن‌ها نسبت به عدالت چگونه ایجاد می‌شود در ثانی چگونه تحقق عملی می‌یابد. برای ایجاد ظرفیت جامعه باید عدالت شخصی

نقش و جایگاه و عملکرد طلاب در تحقق بیانیه گام دوم با توجه به هویت اجتماعی آنان در نظام اسلامی و گستره موضوعاتی که به آن علم و دسترسی دارند، مشخص می‌شود. طلاب علوم دینی هویتی جز تبلیغ دین ندارند در هر پست و مقامی که باشند هویت آنان هویت تبلیغ دین است و چون طلاب به قرآن و سیره اهل بیت به عنوان شاکله علمی یک نظام اسلامی دسترسی دارند، می‌توانند هر کدام بر اساس استعداد و ذوق و سلیقه شخصی در هر رشته‌ای از مباحث دینی صاحب علم و تفکر در آن رشته شوند. اما آنچه که در اسلام از اهمیت بیشتری برخوردار است و جایگاه ویژه‌ای در نظام اسلامی دارد بحث عدالت اجتماعی است. نظام اجتماعی به عدالت وابسته است و اگر عدالت نباشد هیچ چیز در جامعه نیست. اگر عدالت در جامعه محقق شود همه انسان‌ها به اسلام جذب می‌شوند و اسلام بر کل عالم سیطره پیدا می‌کند و در سایه سار این عدالت همه متخلق به اخلاق خدایی و الهی می‌شوند و جامعه به رستگاری می‌رسد در جامعه عدالت محور است که کرامت انسان حفظ می‌شود و جامعه به سوی پیشرفت حرکت می‌کند.

و در گام دیگر تحقق عدالت اجتماعی در حکومت اسلامی است که مربوط به حاکم و مجموعه تحت فرمان اوست باید سیر نزول قرآن بررسی شد تا ساز و کار آن به دست آید و گام به گام تحقق آن را از دل قرآن استخراج نمود. ترتیب نزول از این رو اهمیت دارد که از گام ابتدایی شروع و تا گام آخر و ایجاد تمدن نوین اسلامی همراه انسان است و برای تک تک مراحل برنامه فکری و عملی دارد. البته در کنار قرآن از سیره معصومین (علیهم السلام) به عنوان قرآن ناطق و کسانی که تمام رفتار و حرکات آنها منطبق بر قرآن است مخصوصاً سیره حضرت علی (ع) نباید غافل شد.

در افراد ایجاد شود که در لسان مقام معظم رهبری از آن به عنوان تقوا یاد می‌شود. بدون عدالت شخصی در همه افراد جامعه تحقق عدالت اجتماعی ممکن نیست. زیرا آنچه مانع تحقق عدالت در جامعه هست خود خواهی افراد، دنیا طلبی، هواپرستی، روحیه اشرافی گری و... است که درمان همه اینها تقواست.

بنابراین در ابتدای امر سیر قرآن در مورد تقوا بررسی شود که چگونه افراد به آن میزان تقوای مورد نیاز عدالت اجتماعی می‌رسند.

نقش حوزه و روحانیت در تشکیل دولت جوان و حزب الهی

سرکار خانم هانیه رحیمی^۱

محول شده با تشکیل دولت اسلامی، زمینه‌ای برای حکومت امام عصر (ارواح‌نفاذ) فراهم شود.

حوزه علمیه همگام با سایر اقشار جامعه زمینه‌گفتمان و مطالبه‌گری، برای مسائل گوناگون کشور فراهم آورند. مگر نه این است که انقلاب از روح مقدس حوزه به شهر نشانده شده است.

این مسیر باید ادامه پیدا کند، باشد که رستگار شویم.

نقش حوزه و روحانیت در اخلاق، معنویت و سبک زندگی اسلامی امروزه ترویج سبک زندگی اسلامی مسئله‌ای اساسی در میان ملت‌های مسلمان و از جمله کشور عزیزمان ایران است.

روحانیون با توجه به این‌که سالیان درازی به بحث و مطالعه علوم دینی و مسائل اجتماعی و اسلامی پرداخته‌اند می‌توانند در این زمینه نقش آفرین باشند و جمهوری اسلامی را به سمت‌وسوی تعالی و رشد و پیشرفت رهنمون سازند. معنویت و اخلاق از همان کودکی باید مورد توجه و آموزش قرار گیرد. روحانیون و حوزه‌های علمیه با تشکیل گروه‌های اعزامی به مدارس می‌توانند در این زمینه موفق باشند.

آغاز کلامم را با فرمایشی از مقام معظم رهبری آغاز می‌کنم. معرفت‌هایتان را بالا ببرید، سقف معرفت خودتان را سایت‌های سیاسی و پرسه زدن در سیاست‌های گوناگون قرار ندهید، سطح معرفت دینی باید بالا رود و کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.

جوانان کشور باید از دل مطالعات اسلامی معرفت را بیرون کشند و به قله‌های شناخت صعود کنند و پرچم حکومت اسلامی و حزب‌اللهی را مستقر کنند.

حوزه و روحانیت با ترویج اسلام، با تبلیغ گسترده معارف اسلامی، با ایجاد وحدت و همکاری در زمینه‌های آموزش علوم دینی با دانشگاهیان، نقش اساسی در استقرار حکومت جوان و حزب‌اللهی دارد و بستر ایجاد انگیزه؛ روحیه مجاهدانه و به‌دور از محافظه‌کاری در نسل جوان، که هر یک از آن‌ها مدیران و مسئولان کشور هستند، فراهم می‌آورد.

حوزه‌های علمیه مسئولیت تبیین اسلام، حکومت اسلامی و تشکیل دولت جوان و آگاه‌سازی جوانان در حیطه معارف اسلامی، مسئولیت اجتماعی و البته مسئولان کشور را عهده‌دار هستند تا مسئولیت به نسل جوان آگاه

محیط دانشگاه‌ها و همچنین در سطح شهرها خودبه‌خود مسیر را به سمت اسلام و آموزه‌های اسلامی و معنویت سوق می‌دهد. و هرچه پیش رود موفق تر بوده و مسائل گوناگون نیز به‌راحتی مورد حل واقع شده و کشور سمت و سوی روشن را در پیش می‌گیرد

گروه‌هایی که مسئولیت آموزش کودکان نوجوانان و جوانان را عهده‌دار بوده و افرادی با اخلاق و معنویت و درعین‌حال آگاه وارد جامعه شده و سبک زندگی اسلامی را در پیش گرفته و هم در زندگی فردی هم در زندگی اجتماعی افرادی موفق بوده و کشور را به سمت تعالی و حکومت اسلامی پیش می‌برند.

در دانشگاه‌های کشورمان نیز تشکل‌های مختلف می‌توانند در این زمینه موفق باشند. هسته‌های مطالعاتی و تبلیغی و ترویج زندگی اسلامی در

نقش حوزه و روحانیت در تبیین بیانیه گام دوم انقلاب

سرکار خانم ام البنین اردکانی فرد^۱

نقش ارزشمند حوزه در تشکیل انقلاب و تحقق نهضت حضرت امام راحل بسیار ارزشمند است و در تحقق جامعه اسلامی، دولت اسلامی، نظام اسلامی و تمدن اسلامی هم حوزه می‌تواند نقش‌های بسیار موثری ایفا کند. بیانیه گام دوم انقلاب در حقیقت یک مانیفست جامع، یک بیانیه جامع در ابعاد فرهنگی، علمی، تحقیقاتی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است؛ این بیانیه شامل چند سرفصل مهم است که رسالت حوزه انقلابی را در تحول بخشیدن و به منصف ظهور رساندن ایده‌های ارزشمند مقام معظم رهبری سنگین تر و سخت تر می‌کند.

به عنوان مثال روحانیت با علم و پژوهش با معنویت و اخلاق رابطه مستقیم دارد. و یا مساله اقتصاد که حوزه‌های علمیه ما باید در این عرصه و مسائل مربوط به عدالت و مبارزه با فساد ورود جدی تری بیش از آنچه که تاکنون بوده داشته باشند. روحانیت باید منادی عدالت در جامعه باشد.

امیدآفرینی، یکی از مهم‌ترین نکات راهبردی در بیانیه رهبری است و چه کسی بهتر از روحانیت برای ایجاد اعتماد در جامعه و امیدآفرینی در بین مردم و به ویژه جوانان که بتوانند اهداف این بیانیه را به درستی و با آرامش خاطر هر چه تمام تر دنبال کنند. روحانیون می‌توانند با خودسازی و توسعه و ترویج اخلاق و معنویت در جامعه و احیای فرهنگ و تمدن اسلامی از طریق

۴۰ سال از عمر عزتمندانه و مقتدرانه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گذشت، در این سال‌ها با تمام فراز و نشیبی که نظام پشت سر گذاشت، اعم از تهدیدات، تحریم‌ها، جنگ سخت، جنگ نرم انقلاب به استحکام خود رسید و پایه‌های مقتدرانه نظام به حمدالله بنیان گذاشته شد. در این زمان، لازم بود که نقشه جامع جدیدی با طرح و ایده نو برای تصویر و ترسیم ۴۰ سال آینده نظام تدبیر شود و طرحی نو ایجاد شود که مقام معظم رهبری این حکیم گرانمایه انقلاب در بیانیه فاخر و ارزشمندشان که نشان از علم، درایت و تدبیر منحصره‌فرد ایشان داشت آن خطوط کلی و نقاط کلی نظام را در سال‌های آینده ترسیم کردند.

مقام معظم رهبری هفت توصیه برای چهل سال دوم انقلاب ارائه کرده‌اند.

اگرچه خطاب اصلی بیانیه رهبری تنها حوزه و روحانیت نیست و اغلب جوانان و نخبگان را نیز مورد خطاب قرار داده است اما نمی‌توان برای حوزه، نقشی تعریف نکرد زیرا رهبری در این بیانیه، حرکت جهادی را مورد تأکید قرار داده و حوزه در خط مقدم این حرکت قرار دارد و باید در جنگ نرم دشمن، حضوری مؤثر داشته باشد.

۱. سطح ۲ حوزه - شهرستان بجنورد.

وظیفه روحانیت التزام قلبی و عملی به ولایت و بالاتر از ولایت به عبارتی ائمه طاهرین (ع) است؛ امروز لازم است که شور حسینی راه حماسه حسینی را جنبش عواطف و احساساتی که برآمده از آن شور حسینی است را بسیج کرده تا به اهدافی که برای تحقق انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) به دنبال آن بوده‌اند، رسید.

معرفی شاخصه‌ها و مصادیق این فرهنگ و تمدن به ویژه معرفی علما و مجتهدین و دانشمندان بزرگ اسلامی که در طول صدها سال از ایران و سایر ممالک اسلامی برخاسته‌اند در این راستا قدم برداشته و نقش خود را در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایفا نمایند.

امروز خیلی لازم است که خطبا و وعاظ در منابر از امر به معروف و نهی از منکر سخن بگویند، از ولایت مداری و ولایت‌پذیری سخن بگویند، اینکه

درآمدی بر عقلانیت، شعارفطری انقلاب در بیانیه گام دوم

سرکار خانم محبوبه راستین^۱

این جملات، سخنان بزرگان بنی هاشم و اقوام و اطرافیان نزدیک امام حسین علیه السلام، چون محمد بن حنفیه، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عمر به منظور جلوگیری از قیام ایشان و حرکت بسوی کوفه است. سخنانی که ظاهراً مشکلات، کمبودها، موانع و حتی عذرهای شرعی رو درست بیان می‌کند و گویا اقدام حضرت اباعبدالله علیه السلام را غیرمنطقی و بدون تدبیر و عقلانیت نشان می‌دهد. حال آن که بر اهل نظر و دقت پوشیده نیست که قیام امام حسین علیه السلام، اقدامی هوشمندانه، مدبرانه، عزت‌مندانه و مبتنی بر واقعیت در جهت رسوایی حکومت طاغوت و اصلاح امت پیامبر صلوات الله علیه و آله و رسیدن به تمدن اسلامی بوده است. و هر حرکتی غیر این، نابودی دین، تباهی و دلیل شدن مسلمین را به دنبال داشت. این سخنان درباره وقوع انقلاب ما و اداره امور کشور مبتنی بر انقلابیگری نیز گفته می‌شود. از این رو انقلاب اسلامی و حرکت رهبران آن ناشی از وجود نظام محاسبات منطقی و عقلانیت بوده است. جهت فهم رابطه انقلاب و عقلانیت لازم است به نسبت بین انقلاب و عقلانیت، مفهوم و معنای انقلاب، کارکرد عقلانیت موانع آن روشن شود و اشاره‌هایی به مهم‌ترین رویدادهای انقلاب با تکیه بر عقلانیت گردد.

«ای برادر! تو مردم کوفه را خوب می‌شناسی و می‌دانی که با پدر و برادرت چه کردند و من می‌ترسم که سرنوشت شما نیز همان سرنوشت گذشتگان بشود. اگر مصلحت بدانی، در مکه بمان؛ که هم جانت سالم می‌ماند و هم عزت و احترامت محفوظ است.» «تو می‌دانی که اهل کوفه چه هستند و چه می‌کنند. آن‌ها یاران پدرت و برادرت بوده‌اند؛ ولی فردا کشندگان تو خواهند بود. خیر حرکت تو که به ابن‌زیاد برسد، کوفیان را به جنگ تو گسیل خواهد کرد و کسی که به تو نامه نوشته و از تو دعوت کرده، بدترین دشمن تو خواهد بود. اگر پند مرا نمی‌پذیری و تصمیم به سفر داری، زنان و بچه‌ها را همراه مبر. می‌ترسم که تو را پیش چشم زنان و کودکان سر ببرند.» «از مکه خارج نشو. من از کاری که تو آهنگ انجام آن را کرده‌ای، نگران هستم، ترس دارم خود و خاندانت را به هلاکت بسپاری.» «یا اباعبدالله چون مردم با این مرد بیعت کرده‌اند و درهم و دینار در دست اوست، قهراً به او روی خواهند آورد و با سابقه دشمنی که این خاندان با شما دارد، می‌ترسم در صورت مخالفت با وی کشته شوی و گروهی از مسلمانان نیز قربانی این راه شوند. پیشنهاد من بر شما این است که مانند همه مردم، راه بیعت و صلح را در پیش بگیری و از ریخته شدن خون مسلمانان بترسی!»

در بیانیه گام دوم انقلاب عقلانیت به عنوان یکی از شعارهای انقلاب مطرح شده است: برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند.

انقلاب عظیم اسلامی ما مبتنی بر عقلانیت بود. این طور نبود که مردم همین طور بی حساب و کتاب و از احساسات و توهمات به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن‌چنانی را ساقط کنند. محاسبات منطقی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. مفهوم انقلابی‌گری یکی از بنیادهای اصلی و اساسی انقلاب اسلامی است که بن مایه حرکت اسلامی امام خمینی (ره) و انقلابیون پیرو امام را تشکیل می‌داد که همین روش و اصول، پس از آن نیز در جزء به جزء و نقطه به نقطه حرکت و رفتار و گفتار رهبری معظم انقلاب تا به امروز تداوم یافته است و به موتور محرک نظام جمهوری اسلامی تبدیل گشته است. بخصوص در جمهوری اسلامی که این همه اسلام بر روی عقل و تعقل و تفکر تکیه کرده است. نگاه انقلابی است که می‌تواند حقایق را به ما نشان بدهد. ظلم‌ستیزی را هم بر اساس عقلانیت انتخاب می‌کنیم؛ ببینید! کی بود آن وقتی که امام، آمریکا را به‌عنوان شیطان بزرگ معرفی کرد و به‌عنوان یک موجود یا دولت غیرقابل اعتماد معرفی کرد؛ این را سال‌ها پیش امام بزرگوار به ملت ایران - به ماها - یاد داد؛ امروز بعد از گذشت سال‌ها، رؤسای کشورهای اروپایی می‌گویند آمریکا غیرقابل اعتماد است. بنابراین در

این چهل و دو سال، جمهوری اسلامی با پشتوانه حکمرانی عاقلانه و مدبرانه توانسته با وجود مشکلات بسیار خارجی و داخلی، به کشوری قدرتمند و نسبتاً پیشرفته با اهداف اسلامی برسد. و البته تا رسیدن کامل به آرمان‌ها فاصله‌ای ژرف باقی است.

عقلانیت، آن نگاه صحیح، منطقی و مطابق با واقعیات است که با محاسبه‌گری به نتایج منطقی و مورد تأیید عقل انسان می‌رسد. یکی از روش‌های برخی افراد و جریان‌های داخلی و خارجی عمدتاً معاند نظام، مطرح نمودن مفهوم عقلانیت در برابر پدیده انقلابی‌گری است تا بدین وسیله بتوانند مشی انقلابی‌گری نظام اسلامی را شیوه‌ای ضد عقلانی و غیر واقع بینانه معرفی نمایند. و برخی ساده‌اندیش‌شان داخلی برای توجیه نگاه محافظه کارانه و منفعت طلبانه همراه با ترس خود از مفهوم عقلانیت استفاده می‌کنند. برخی از مصادیق عقلانیت را می‌توان به: توجه به مصالح واقعی جامعه، تلاش برای استقلال کشور، مرجعیت قانون، وحدت‌گرایی و مدیریت اختلافات، بهره‌گیری از تخصص و تعهد، امیدواری به اثرگذاری سنت‌های الهی، توجه به واقعیت‌ها، پابندی به اصول و تکالیف دینی اشاره نمود. نقطه مقابل عقلانیت، محافظه‌کاری، تقلیدگرایی و خودتحمیری، تحجر، ترس و سازشکاری با منطق ظلم و سطره، معنویت‌گریزی، خودخواهی و غفلت از مصلحت جامعه، منفعت‌طلبی افراطی است. از این رو عقلانیت، دستگاه محاسبه در چارچوب ارزش‌ها، منافع و مصالح واقعی جامعه و رو به تحول است.

سازوکار عقلانیت مبتنی بر فرآیندهای متنوعی است که کاربست آن در حکمرانی سبب نتایج و دستاوردهایی خواهد شد. به‌کارگیری عقلانیت سبب جلب نصرت الهی، تحقق عزت و استقلال ملی و در نتیجه به تشکیل جامعه

تراز اسلامی خواهد انجامید. لذا کارآمدی و پیشرفت همه جانبه کشور در گرو بهره‌برداری از عقلانیت است. و آنچه در مسیر عقلانیت مانع ایجاد می‌کند، اختلال در نظام محاسباتی است که به دلایل مختلفی مانند تصویرسازی غلط از توان خود و دشمن، کامل ندیدن واقعیت، تغییر باور و ارزش‌های مردم، تهدیدو ارباب و تطمیع، تغییر نظام هزینه_فایده مسئولین و... اتفاق می‌افتد. با نگاه به همین کارکردهای حاصل از عقلانیت و توجه به موانع، لحظه‌ای غفلت از کاربست آن، خسارتی به بار خواهد آورد.

محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطقی عقلانی و یک قوه‌ی عاقله‌ای بوده است. در ادامه برخی از عناصر قوه عقلانی نظام اسلامی را در تاریخ انقلاب اسلامی بصورت مختصر بیان می‌کنیم.

(مبارزات منطقی قبل از انقلاب)

حرکت صحیح مبتنی بر محاسبات عقلانی و پرهیز از هیجانانگیز از همان ابتدا توسط رهبر نهضت، امام خمینی، پیگیری می‌شد. ایشان حرکت اساسی را آگاه‌سازی توده‌های مردم و به کارگیری نیروهای مردمی می‌دانست و مبارزین را از درگیری مسلحانه با رژیم طاغوت برحذر می‌داشت. تصریح به این سیاست معقول را امام در پاسخ خبرنگاران خارجی در پاریس این‌گونه داده است: «حتی‌الامکان از جنگ مسلحانه پرهیز داریم و معتقدیم به همین ترتیب که ملت پیش می‌رود کار را حل کنیم.»

(تدوین قانون اساسی)

از دیگر مواردی که در آغاز انقلاب امام به آن مبادرت کردند، مسئله‌ی مهم قانون اساسی کشور بود. پی‌ریزی قوانین اسلامی و متقن، اولین مرحله‌ی برنامه‌ریزی‌های بعدی برای کشور بود چرا که مجرای تمام حرکات

کشور قانون است. امام خیرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند، بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آراء مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام این‌چور مستحکم کرد.

(گزینش مردم سالاری دینی)

نظامات مختلفی که در الگوی حکومت‌های جهان مطرح است عموماً از توجه واقعی به مردم تهی هستند. آشکارترین زمینه‌ی دخالت مردم در حکومت شرکت در انتخابات سالم و رقابت آحاد مردم است. انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجابتبخش او بود. قرن‌های متمادی حکومت‌های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند.

(شعار ضدآمریکایی و ضدغربی)

در زمینه‌ی شعارهایی که انقلاب اسلامی ایران آن‌ها را سرلوحه کار خودش قرار داد، عقلانیت و دوراندیشی اساس آن‌ها بوده است. یکی از این شعارهایی که امام بعد از پیروزی انقلاب همگان را به آن سوق داد، شعار ضد آمریکایی بود. این شعار ضد آمریکایی، این فریاد کشیدن بر سر آمریکا از روی تعصب نیست، از روی جهالت نیست، از روی لجبازی نیست؛ از روی منطقی است؛ متکی به یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و فکری است. عقبه‌ی فکری آن برمی‌گردد به بررسی رفتار آمریکا نسبت به جهان و سابقه عملکرد آن نسبت به کشور ایران. اساس سیاست آمریکا در جهان افزون‌طلبی و دست‌اندازی به منافع کشورهاست. در مورد کشور ایران کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را راه‌اندازی

کردند و شاه فراری را دوباره به مسند قدرت نشانند. بعد از آن نیز سلسله‌ی دخالت‌ها و نفوذ در ایران حاکم بود. کمک به صدام در هشت سال جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی، کارشکنی‌های مختلف در مجامع جهانی علیه حقوق ملت ایران و... همه حکایت از استمرار دشمنی‌ها و مقابله با آن به حکم عقل حرکتی سزاوار است. بنابراین این نگاه ضد غربی و ضد آمریکایی در انقلاب اسلامی، متکی است به یک تجربه‌ی درست، به یک نگاه عقلانی درست، به یک محاسبه‌ی صحیح.

(قدرت دفاعی و حضور منطقه‌ای)

ابزار و امکانات دفاعی نظام اسلامی همواره از سوی جبهه‌ی ظالم دشمن مورد مخالفت بوده است. تا زمانی که تهدید و تهاجم از سوی دشمن وجود دارد، ابزار رفع و دفع دشمنی‌ها هم باید باشد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «حد و اندازه‌ی قدرت دفاعی، عرض و طول نیروهای مسلح، چگونگی تقسیم مسئولیتها میان نیروهای مسلح و تعیین انواع ابزارهای دفاعی، همه بر اساس محاسبات درست و منطقی است؛ یعنی بر اساس عقلانیت است.» یکی از دلایل آن این است که اگر ملت قدرت دفاعی پدیدآمده‌ی از یک چنین محاسبه‌ای را داشته باشد، آن وقت مسئولان

طمأنینه پیدا می‌کنند، مردم آرامش پیدا می‌کنند و با آرامش خیال مشغول کارهای اساسی‌ای که در یک کشور لازم است می‌شوند. بدون امنیت، همه‌ی ارزش‌های مهم کشور دچار اختلال خواهند شد. بر همین اساس حضور منطقه‌ای ایران یک حرکت عقلانی و پیش‌گیری از صدمه خوردن امنیت داخل کشور است.

این خردورزی و تدبیر در تمام حرکات و رفتارهای دیگر نظام اسلامی، حاکم بوده است. که توضیح آن مجال دیگری می‌طلبد.

خلاصه آنکه انقلاب، انقلابیگری و بسیاری از مقومات گفتمان انقلاب اسلامی، ذیل مفهوم عقلانیت اصیل قابل معنا است. بلکه انقلاب، عین عقلانیت و انقلابی‌مآبی عین عقل ورزی است و انقلاب اسلامی ایران نیز یک انقلاب عقلانی بوده و تمامی شئون آن از عقلانیت نشئت گرفته است. در واقع، این عقل و محاسبه عقلانی است که انقلاب و انقلابیگری را تجویز و توصیه می‌کند. قوه محاسبه‌گری جمهوری اسلامی از سه گزاره ارزش‌گرایی، تحول‌گرایی و معنویت‌گرایی تشکیل شده است. و همچنان که بیان شد در تمام رویدادهای انقلاب اسلامی، عقلانیت جاری و ساری بوده و هست.

نقش حوزه و روحانیت در اخلاق، معنویت و سبک زندگی

(با نظر به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

سرکار خانم فاطمه محمدی^۱

در این میان ارگان‌ها و متولیان فرهنگی جامعه نقش به‌سزایی در ساخت و اصلاح سبک زندگی جامعه دارند که از مهم‌ترین این متولیان، حوزه و روحانیت معظم می‌باشد.

حوزه و روحانیت باید فرهنگ زندگی اسلامی در تمامی ابعاد مادی، معنوی، اقتصادی و سیاسی و... را بر اساس موازین و قوانین الهی و سیره معصومین علیهم السلام را تدوین و تبیین کند و به شکل مطلوب اسلامی کمک به تحقق این مهم نمایند.

یک نمونه از فعالیت ارزشمند در زمینه تدوین و تبیین را در کتاب مفاتیح الحیات می‌توان به خوبی مشاهده نمود، که به زیبایی و به طور منسجم، سبک زندگی اسلامی را در قالب احادیث مستند تدوین نموده است که می‌تواند الگویی بسیار مناسب برای حوزه باشد.

معنویت و اخلاق اگر در جامعه به خوبی ریشه دواند و خوی و خصلت آحاد جامعه را به سمت خیر و صلاح پیش برد آنوقت زندگی دنیا هم حتی باوجود مشکلات مادی، بهشت برین می‌شود.

نظام جمهوری اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره درصدد رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه در زمینه‌های مادی و معنوی بوده است.

این پیشرفت همه‌جانبه، تمدن نوین اسلامی نام دارد که دارای بخش‌های (تکنولوژی و صنعت) و بخش دوم و مهم و متن‌اصیلان عبارتست از: سبک زندگی. (بیانات رهبر معظم، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

سبک زندگی در واقع همان فرهنگ زندگی است که بن‌مایه‌های آن، خردورزی و اخلاق و حقوق است.

نوع سبک زندگی از نوع جهان‌بینی انسان نشأت می‌گیرد که مجموعه مسائل و ابعاد زندگی را شامل می‌شود: مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، رفتار ما با بیگانه و...

اگر ما در بخش‌های ابزار زندگی رشد خوبی داشته باشیم اما در سبک زندگی رشد کافی نداشته باشیم، نمی‌توانیم جامعه‌ی رستگاری داشته باشیم.

یکی دیگر از وظایف حوزه‌های علمیه و روحانیت معظم، ورود هوشمندانه و هنرمندانه و قوی و تمدن ساز در عرصه رسانه‌های دسته جمعی و فضای مجازی ست. به نظر می‌رسد حوزه علمیه و روحانیت در این زمینه چندان توجهی به آیه شریفه و عزت سازی چون آیه: "واعدوا لهم ما استطعتم من قوه" (۶۰ / سوره انفال)

دشمن برای نیل به اهداف شوم خود، از ابزارهای متعددی بهره برده است و امروزه یکی از مهم‌ترین ابزار موثری، فضای مجازی می‌باشد. برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، نیازمند هوشمندی و شناخت دقیق ابزار و نقشه دشمن هستیم، یکی از نقشه‌های مهم دشمن، دور کردن جوانان و نوجوانان از فرهنگ اصیل اسلامی و تحمیل سبک زندگی غربی و در نتیجه ناامیدی و یاس از نیل به آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی است. ترویج سبک زندگی غربی لطامات و آسیب‌های جبران ناپذیری به ما زده است که طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب اصلاح آن جز با جهاد خستگی ناپذیر و همه جانبه به دست نمی‌آید. (بخشی از بیانیه گام دوم)

نقش حوزه و روحانیت در درجه اول شناخت پیچیدگیها و کارکردهای این ابزار است که باید پیگیری شود و تمام طلاب در تمام سطوح تحصیلی خود از این ابزار شناخت کافی بیابند و در درجه دوم تجهیز آنان به سلاح‌های مبارزه با این ابزار است که بازهم مهم‌ترین وظیفه سران حوزه، ضرورت حضور مقتدرانه و به موقع و سریع تر از دشمن در میدان می‌باشد.

از سوی دیگر پیگیری مطالبه رهبر معظم در بیانیه گام دوم، شکستن حصر تبلیغاتی دشمن توسط جوانان و ایجاد امید در خود و دیگران، به عنوان نخستین و ریشه ای ترین جهاد جوانان و کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها معرفی شده است.

چرا که دشمن دون به شدت در فضای رسانه ای و با استفاده از ابزار هنر، مشکلات و نقص‌های کوچک کشور ما را بزرگ می‌کند و نشر می‌دهد و پیشرفت‌ها و موفقیت‌های بزرگ ما را در نظرها بسیار تنزل داده و کم ارزش جلوه می‌دهد. در این میان بر روحانیت معظم است که با تبیین معارف ناب اسلامی در زمینه‌های مختلف به ویژه معارف و اخلاق و احکام اسلامی به صورت هنرمندانه و جذاب، که بنابر فرمایشات رهبر معظم، یکی از بهترین و کارآمدترین ابزار مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، ابزار هنر است، مردم را آگاه و با بصیرت کند.

و مهم‌تر از همه این‌ها مطالبه رهبر انقلاب را مبنی بر ایجاد شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات را پیگیری جدی نماید. در مسئله‌ی فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تر است، مسئله‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات است. چرا که بدون وجود شبکه ملی، دشمن تمام بستر مجازی را در دست دارد و با وجود سم مهلک در سفره مردم، چگونه می‌توان غذاهای مفید را به آن‌ها رساند؟ متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده، کاری که باید انجام بگیرد، انجام نگرفته؛ این نمی‌شود. (بیانات رهبر معظم، ۲۲ / ۳ / ۱۳۹۶)

نقش جوانان در چگونگی به حرکت درآوردن اراده‌ی ملی

سرکار خانم الهه دهقانی^۱

دشمن باشند. همان‌طور که خداوند در قرآن خطاب به انسان می‌فرماید: إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. همانا شیطان دشمن آشکار انسان است (یوسف، ۵)؛ در آیات دیگر نیز به ذکر ویژگی‌ها و خدعه‌های او می‌پردازد تا انسان را از آن آگاه و برای مقابله با شیطان آماده سازد. جوانان عزیز نیز با بصیرت و هوشیاری در جامعه و همچنین فضای مجازی باید دشمن و حربه‌های او را بشناسند و آن را خنثی کنند. از طرف دیگر با تلاش و کوشش در عرصه‌ی علم‌آموزی و نوآوری چرخ توسعه‌ی کشور را هرچه سریع‌تر به‌پیش برانند.

ایمان به خداوند، ارتباط با او، اعتقاد به یاری خداوند و توکل بر او، نور امید را در دل جوانان زنده خواهد کرد و باعث تلاش مضاعف آن‌ها خواهد گردید.

همان‌گونه که گفته شد، جوانان موتور محرکه‌ی کشور هستند. آنان به‌منزله‌ی اسبی که ارابه را به دنبال خود می‌کشد، اقشار مختلف جامعه را به حرکت درمی‌آورند. شاهد این ادعا، اقدامات مردم در زمان جنگ تحمیلی است. جوانان پرشور و انقلابی عازم جبهه‌های جنگ شدند و در خط مقدم می‌جنگیدند. پس از پیش‌قدم شدن آنان، اقشار مردم، در عرصه‌های

قشر جوان در هر جامعه‌ای همانند نیروی محرکه‌ی آن جامعه هستند. در کشور ما نیز، اکثر اختراعات و ابتکارات، ایده‌های جدید و سازندگی‌ها به دست جوانان تحقق یافته است. پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، مرهون فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های نسل جوان بوده است. پیشرفت کشور در زمینه‌ی فناوری هسته‌ای، نانو و صنعت دفاعی، بیان‌گر نقش جوانان در این زمینه‌ها است؛ به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب در سرتاسر بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، بر لزوم مشارکت جوانان در زمینه‌های مختلف تأکید می‌کند و آنان را از یأس و ناامیدی بر حذر می‌دارند. ایشان همچنین در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان می‌گویند: «نسل جوان خوش استعداد و خوش فهم، بی‌تردید ایران عزیز را از موانع و سختی‌ها به نقطه‌ی مطلوب خواهند رساند. عبور از موانع و مشکلات تنها به دست جوانان صورت می‌پذیرد و لازمه‌ی آن شناخت دشمن، علم‌آموزی، کار و تلاش و ارتباط با پروردگار است» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳/۸/۱۳۹۶).

دشمن‌شناسی سبب شناخت نقشه‌های دشمن می‌گردد و باعث می‌شود، جوانان همواره درصدد کشف راهی برای خنثی کردن توطئه‌های

مختلف جامعه به حمایت از آن‌ها پرداختند. زنان خانه‌دار با پخت نان خانگی و بافت شال و کلاه، کشاورزان توسط ارسال محصولات خود به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و پزشکان و پرستاران با اعزام شدن به مناطق جنگی و کمک و درمان مجروحین، تولیدکنندگان و بازاریان به‌وسیله‌ی کمک‌های نقدی و غیر نقدی خود، آنان را در پیکار با دشمن یاری کردند. درواقع جوانان، گام اولیه را برداشته و سبب ایجاد انگیزه در سایر افراد جامعه شدند. مردم با مشاهده‌ی جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌های جوانانی که آمال و آرزوهای خود را ترک کرده و برای دفاع از میهن خود عازم میدان نبرد شده بودند، به حمایت از آنان پرداختند تا آنان نیز در امر دفاع از میهن خود سهیم باشند.

بنابراین جوانان، با پیشگامی در عرصه‌های مختلف تولید و سازندگی، علم‌آموزی و نوآوری، مبارزه با دشمن، بصیرت و هوشیاری در فضای مجازی می‌توانند اراده‌ی ملی را به حرکت درآورده و سبب پیشرفت و انسجام روزافزون کشور گردند. آنان با خودباوری و قطع امید از بیگانگان می‌توانند به‌وسیله‌ی تلاش و کوشش خود سبب تحرک اراده‌ی ملی گردند. مسلماً پدران و مادران با مشاهده‌ی مجاهدت‌های جوانان خود در راه استقلال و خودکفایی کشور، به همراهی و کمک آنان خواهند پرداخت و این امر سبب یک عزم ملی خواهد گردید و زمینه‌ی پیشرفت در همه‌ی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و علمی را فراهم خواهد کرد.

راهکارهای امیدآفرینی به جوانان در جهت تحقق گام دوم انقلاب

جناب آقای میرابوالحسن میرهادی^۱

کلیدی‌ترین موضوع بیانیه گام دوم انقلاب، مسئله جوانان است که رهبر معظم انقلاب بیشترین تأکید را بر نقش جوانان داشتند. چالش‌هایی که کشور امروزه با آن روبرو است؛ ریشه در فرسودگی سامانه مدیریتی و اجرایی کشور دارد؛ چرا که در این شرایط شایسته نیست از فرصت دادن به نیروهای تازه نفس جلوگیری کرد. البته این بدین معنا نیست که توانایی‌های مدیران مجرب نایده گرفته شود اما مدیریت اجرایی کشور نیازمند تحول است؛ تحول به معنای بهره‌گیری از تجربیات مدیران مجرب و واگذاری امور به جوانان است.

۲. به کارگیری نخبگان و استفاده از ذهن، فکر و خلاقیت قشر نخبه و تیزهوش جامعه

نخبگان، سرمایه‌های انسانی بسیار ارزشمندی هستند که محور توسعه و ثروت ملی محسوب می‌شوند و از آنجایی که طی یک مطالعه کارشناسی، ایران مخزنی از استعدادهای انسانی است که اگر از آن‌ها حمایت شود می‌تواند کمک شایانی در زمینه جذب و ماندگاری این افراد در ایران نماید و در نتیجه به تحقق گام دوم انقلاب کمک کند.

امید و امیدآفرینی به جوانان، شاخصه اصلی بیانیه گام دوم انقلاب است. به گونه‌ای که هیچگاه بدون آن نمی‌توان گامی برداشت. در شرایط فعلی که سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن، مایوس کردن جوانان در مقابل آینده است می‌بایست نسبت به دفع توطئه دشمن و زنده کردن امید در دل جوانان کوشید. در این میان، توجه به نقش جوانان در امیدآفرینی و شکستن حصر رسانه‌ای دشمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که تقویت روحیه امید در جامعه و نگاه خوشبینانه به آینده جوانان گامی مهم در بیانیه گام دوم انقلاب به شمار می‌رود.

در این راستا، راهکارهایی ارائه شده است که امید است بتوان گامی مهم در جهت رسیدن به آنچه مدنظر رهبر معظم انقلاب است باشد. هرچند برای وصول هرچه بیشتر این راهکارها تمامی دستگاه‌ها و آحاد مردم باید تلاش خود را به کار بگیرند تا نتیجه حاصله، رضایت بخش و مثمر‌تر باشد.

و اما راهکارهای عملی برای امیدبخشی به جوانان چیست؟

۱. اعتقاد به جوانان و مشارکت دادن آنان در مدیریت کشور:

۱. کارشناسی مدیریت تجاری - قم.

۳. توجه به نقش بی بدیل رسانه‌ها و بهره‌مندی از فضای مجازی

سالم

نقش رسانه به خصوص فضای مجازی از اصلی‌ترین نکاتی است که می‌تواند مولد امید در جامعه باشد. رهبر انقلاب نیز به این موضوع واقف بوده و آن را ابزاری برای بیان مشکلات مردم می‌داند. متأسفانه رسانه‌ها در این زمینه بسیار ضعیف عمل نموده‌اند و واقعیت را آنگونه که باید منعکس نمی‌کنند. بیان واقعیت‌ها به دور از بزرگ‌نمایی و دروغ و پاسخ به شبهات مطرح در جامعه به خصوص در حوزه مفساد اقتصادی و دستاوردهای جمهوری اسلامی می‌تواند مولد ایجاد امید و انگیزه در بین جوانان باشد.

۴. مبارزه با بی‌عدالتی و برخورد قاطع با متخلفین و مفسدین

اقتصادی

اگرچه بی‌عدالتی و فساد در همه جوامع و دوران‌ها وجود داشته است و نمی‌توان این توقع را داشت که همه زمامداران یک حکومت بدون خطا و حتی خیانت عمل نمایند؛ اما آن چیزی که روح ناامیدی را در جامعه پمپاژ می‌کند این است که هر روز خبری از فساد و تخلف در ابعاد گوناگون در رسانه‌ها منتشر می‌شود. ولی خبری از برخورد سخت و قاطع در برابر مفسدین وجود ندارد. و تا زمانی که برخورد قاطع با متخلفین صورت نگیرد نمی‌توان انتظاری از احیای امید در جامعه داشت.

پیشنهاد نگارنده این است که برای اجرای عدالت در جامعه نهج البلاغه امام علی (ع) را بیشتر مورد کنکاش قرار دهیم. کتابی که توسط

عادل‌ترین قاضی نوشته شده است. عدالتی که همه مردم تشنه عملی سازی آن هستند.

۴. یکسان سازی زندگی مردم و مسئولین

از آنجایی که بیت‌المال به صورت مطلق در اختیار مسئولین است و درآمدهای سرشار نفتی و سود حاصل از آن در اختیار آن‌هاست؛ وقتی مردم وضعیت اقتصادی مسئولین را با زندگی خود مقایسه می‌کنند؛ یأس و ناامیدی در آن‌ها جان می‌گیرد. در صورتی که اگر مسئولین در سطح عموم مردم زندگی کنند افراد جامعه به تغییر و بهبود اوضاع امید پیدا می‌کنند همانگونه که امیرالمؤمنین در پایین‌ترین سطح زندگی مردم قرار داشت.

۵. کاهش فاصله طبقاتی

فقر و فاصله طبقاتی بستر مناسبی برای پیدایش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است و وجود آن در اجتماع نه تنها بر کردار و رفتار افراد تأثیر منفی می‌گذارد؛ بلکه حتی بنیان‌های فکری و اقتصادی جوانان را مضطرب ساخته و یأس و ناامیدی را در جامعه تقویت می‌کند.

۶. توجه به قشر دانشجو و نقش دانشگاه‌ها

وظیفه اصلی دانشگاه‌ها امیدآفرینی، ایجاد نشاط و خودباوری، گفتمان سازی و محور قرار دادن کلیه امور علمی، فرهنگی و پژوهشی در راستای بیانیه می‌باشد و مسئولین دانشگاه‌ها می‌بایست جهت جلوگیری از شعار زدگی با ایجاد کارگروه‌های علمی و با حضور اساتید و دانشجویان به تبیین و ریشه‌یابی عمیق این بیانیه بپردازند.

۷. داشتن بصیرت و بالابردن آن

بصیرت به معنای دانایی، بینایی، هوشیاری و یقین است. آنچه بیش از هر عاملی در رسیدن یا نرسیدن به پیروزی موفقیت تأثیر داشته، میزان بهره‌مندی مردم از بصیرت بوده است. بدین معنا که در هر برهه‌ای از زمان که مردم و نخبگان جامعه از بصیرت بهره‌برده‌اند، راه درست را انتخاب کرده و به نحو احسن پیش رفته‌اند.

۸. ایجاد نشاط و ارتقای کیفیت زندگی افراد جامعه شادی و نشاط عاملی تأثیرگذار در پویایی و بالندگی جامعه است که می‌توان با سیاست‌های اجرایی صحیح به نهادینه‌سازی آن در جامعه کمک کرد تا اینگونه سبب ارتقای کیفیت زندگی افراد و ایجاد نشاط در میان قشرهای مختلف شود و در سایه چنین فضایی است که می‌توان بالندگی کشور را در عرصه‌های مختلف را به نظاره نشست.

۹. بهبود وضعیت معیشت مردم

مسئله اقتصاد و معیشت، بخش مهمی از فکر و ذهن مردم را درگیر خود کرده است. برای حل این مشکل ابتدا باید منشأ آن را شناخت و سپس ابعاد دقیق آن را بررسی نموده تا بتوان راه حل اساسی برای عبور از مشکلات فعلی اقتصادی کشور را شناخت.

۱۰. شناسایی مشکلات و اصلاح خطاهای گذشته

برای تحقق تمدن نوین اسلامی، باید فرصت‌ها و تهدیدها را شناخت و به صورت جامع بررسی کرد و با استفاده از روش‌های عقلانی و علمی آسیب‌شناسی کرد.

و در آخر اینکه، امید در جامعه با نگاه واقع‌بینانه و تلاش مصرانه محقق می‌شود؛ نگاهی که به دور از هر گونه حب و بغض باشد و

واقعیت را از دل فضای غبار آلود بیرون بکشد. و این کار، جز با نقش آفرینی جوانان در گام دوم انقلاب، میسر نخواهد شد.

۲۵. حسن جمشیدی _ کارشناسی الهیات _

نقش حوزه و روحانیت در تحقق عدالت و مبارزه با فساد «ما با داشتن نماز گرفتار خیلی از بدی‌ها هستیم، برای اینکه ما نماز می‌خوانیم، نمازرو اقامه نمی‌کنیم. شما هیچ آیه‌ای شنیده‌اید، هیچ روایتی شنیده‌اید که ما بگویند نماز بخوان؟ اگر گفته بود نماز بخوان که دین، دین حکیمانه نبود؛ برای اینکه از یک طرف می‌گوید نماز ستون دین است. مگر ستون دین را می‌خوانند؟ ستون را اقامه می‌کنند. مشکل ما این است که نماز می‌خوانیم، به آن چیزی که قرآن گفته عمل نمی‌کنیم لذا با اینکه نماز هست جامعه مشکلات فراوانی دارد ... این تنها درباره نماز جماعت نیست که اگر کسی حالا نماز جماعتش به ده نفر رسید خوشحال بشود که من آنقدر ثواب بردم که جن و انس نمی‌توانند بنویسند، دارد که اگر کسی یک درهم ربا بگیرد مثل هفتاد بار فلان است در کنار کعبه خب این بانک‌های ربوی دیگر نمی‌گذارند نماز جماعت‌های ما اثر کند ...» (آیت الله جوادی آملی) در حین سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه دهه‌ی فجر چهل سالگی انقلاب که آخوند فلان مؤسسه مالی نهاد انقلابی با آب و تاب فراوان گزارشی از موفقیت بانک متبوعش در انجام عقود به اصطلاح شرعی در جامعه را به عنوان الگوی بانکداری اسلامی غیرربوی ارائه می‌داد، با خود می‌اندیشیدم بنیانگذار انقلاب کجاست تا ببیند که نه تنها رهنمونش مبنی بر اینکه: «اگر چنانچه ربا در کشوری مثل کشور ما

خدای ناخواسته در بانکش، در تجارتش، در بین مردمش وجود داشته باشد نمی‌توانیم بگوییم که جمهوری ما، جمهوری اسلامی است» تحقق نیافته بلکه در زمان تکامل و پختگی انقلابش در خاکی خدا و روز میزبانی خدا توسط مبلغین دین خدا، جنگ و محاربه با خدا تبلیغ، ترویج و بلکه تشویق می‌شود.

از کودکی در پای منابر وعظ و روضه بارها شنیدم که امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا علت عدم تأثیرپذیری نصایح خود در کوفیان را بدن‌های فربه شده از حرام برشمردند و حال متوجه تأثیرگذاری جایزه‌های میلیونی حساب‌های قرض الحسنه بانک‌ها از تبلیغات شبکه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی بر نمازگزاران صف‌های مختلف نماز جمعه شدم که به هر بهانه ای تکبیر و شعار مرگ بر آمریکا و کفار را فریاد می‌زنند، اما مشتری بدهکار وام‌های بانکداری غربی هستند و حالا که این یادداشت را به بهانه‌ی نقش روحانیت در گام دوم انقلاب می‌نویسم شاهد تبلیغ و ترویج بازار بورس در فضای عمومی جامعه توسط مسئولین و برخی حوزویان در فضای مجازی با عنوان درآمدزایی و سوددهی هستیم. تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر انحرافات و کجرویها بوده که در همه‌ی عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند چنانکه

بارها مقام معظم رهبری و مراجع معظم تقلید قم، بارها، بر روی بودن سیستم بانکی کشور تأکید و تصریح نموده

اند که صد البته با ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته با هر عنوان فقهی و علمی در چهارچوب بوروکراسی اداری، رسمی و قانونی، توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقط سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب برای جلوگیری از استقرار عدالت و مبارزه با فساد است، خنثی می‌گردد.

شهید پیشرو و پیش‌تاز سید محمدسعید جعفری چه زیبا گفت: «عالی‌ترین معیار ما برای فهمیدن سقوط جامعه به سوی بی‌دینی یا حرکت در مسیر انقلاب اسلامی؛ جامعه روحانیت است» که به مصداق ضرب‌المثل حرمت امامزاده با متولی است و متولی فقه، به عنوان تئوری واقعی و کامل اداری انسان و اجتماع از گهواره تا گور و حکومت که نشاندهنده‌ی جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است نباید برای رضایت یا ترس از شر لجن‌پراکنیهای تربیت‌یافتگان غرب و شرق از مسئولین و طرفداران حوزوی و دانشگاهی جهنمی‌شان که قصد جهنمی کردن مردم با زور و فریب و نیز رسانه‌های مزدورشان را دارند به گونه‌ای غلط عمل کنند که مردم احساس کنند از مواضع اصولی خود عدول نموده و دیگر جوابگوی اداره جامعه نیستند.

نقش روحانیت در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب

سرکار خانم اکرم مسعودی^۱

اصول و قرآن و ادبیات نیست چرا که دین دارای برنامه است انسانی که با برنامه پیش برود سر انجام به مقصد خواهد رسید. چه کسی می‌تواند رهبری همه این امور را یک تنه برعهده بگیرد. باید کسی باشد که قبل مصلح بودن خود صالح باشد. نظام ولایی ما در جهان بی نظیر است؛ خارق‌العاده است. ما یک نظام ولایی ۴۰ سال را پشت سر گذاشتیم اکنون نیاز به برنامه جدید برای دوران جدید نسل جدید و عصر جدید داریم. مقام عظمای ولایت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای -دامت برکاته- این برنامه چهل ساله یعنی گام دوم انقلاب که در واقع ریل‌گذاری به سمت هدف والا است پیش بینی و طراحی کرده‌اند. و اکنون ما به عنوان روحانیت پشت سر این مقام الهی وظیفه ای داریم. چهار وظیفه در گام دوم انقلاب اسلامی بر عهده روحانیت است. بصیرت؛ تحقق دولت اسلامی؛ پیاده‌سازی تمدن اسلامی؛ استحکام نظام ولایی.

روحانیان به گوش باشید؛ مسئولان به گوش باشید؛ مردم به گوش باشید؛ مبادا از ریل خارج شویم که قطعاً آینده جزو زبونی و بیچارگی نخواهیم داشت

هر مجموعه هدفی دارد و هر هدفی به دنبال تعالی است، به دنبال کمال است. خدا مجموعه عظیم را خلق کرده و هدفمند است. دینش را فرستاده اما این دین به تنهایی نمی‌تواند هدایتگر باشد.

باید کسی زبان دین باشد، اجازه ندهد هر کس با تفسیر به رأی بر اساس منافع خود دین را ترسیم کند؛ نباید اجازه برداشت شخصی بدهد؛ زبان دین، اهل بیت علیهم السلام هستند.

در عصر حاضر اهل بیت علیهم السلام حضور ندارند، پس چه باید کرد؟ چه کسی این وظیفه خطیر را به عهده دارد؟ چه کسی زبان قرآن است چه کسی در برابر جنگ سخت و نرم و در برابر تحریف باید بایستد؟

مهم‌ترین قشری که می‌تواند این وظیفه خطیر را برعهده بگیرد روحانیت است. روحانیت وظیفه آدرس‌دهی ندارد. وظیفه روحانیت رهبری است؛ هدایت است؛ پیشگام بودن است. روحانیت سکاندار کشتی جامعه است. در عصر کنونی که همه‌های دشمنان بیشتر شده و وظیفه روحانیت هم بیشتر و سنگین‌تر است. روحانیت باید دین‌شناس باشد، بصیر باشد، دولت اسلامی را تحقق کند، تمدن اسلامی را پیاده کند، اصلاً فلسفه وجود تشکیل حوزه‌های علمیه همین دین‌شناسی است. فقط خواندن درس فقه و

۱. سطح ۲ حوزه و معاونت پژوهش حوزه خواران - شهرستان آشنانه.

روش‌ها و راهکارهای حضور جوانان در عرصه مدیریت کشور

جناب آقای محمد اسماعیل خاتمی^۱

سرشار از امید و نشاط است و مایل است کاری به او محول کنند و آن را با شجاعت و خطرپذیری انجام دهد». محصول چنین شخصیتی، تولید افکار جدید خواهد بود و این همان چیزی است که مدیریت کشور هم‌اکنون به آن نیازمند است.

پیش‌برنده اهداف

توانایی انجام وظایف، هرچند وظیفه‌ی مهمی است، اما مدیریت راهبردی به توان بیشتری نیاز دارد که این توان به خصوص در جوانان به واسطه‌ی روحیه‌ی تحول‌خواهی و انقلابیگری با قبول مسئولیت‌ها شکوفا خواهد شد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «تجربه‌ی من این است که اگر ما به جوان اعتماد کنیم ... از غیر جوان هم بهتر و مسئولانه‌تر کار را انجام می‌دهد».

حل مشکلات کشور

«سازش با آمریکا مشکلات کشور را حل نمی‌کند؛ بلکه افزایش خواهد داد؛ مشکلات سیاسی‌ای اگر داشته باشیم، مشکل اقتصادی اگر داشته باشیم؛ مشکلات ما را خودمان باید حل کنیم؛ مشکلات ما را شما جوان‌ها باید حل

«... مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل‌جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند».

یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین اقتضات انقلاب اسلامی برای حرکت در مسیر تحقق آرمان‌هایش، عظمت نقش نیروی جوان متعهد است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم بدان اشاره کرده است. رهبری نیز سیره حضرت امام رحمه‌الله علیه را اعتماد و اعتقاد به جوانان می‌داند.

دلیل تأکید رهبری بر حضور جوانان در عرصه‌های مختلف را می‌توان موارد ذیل برشمرد:

تولید افکار جدید

جوان در ابتدای پویایی زندگی است و انگیزه‌هایش برای تجربه‌ی فرصت‌های مختلف او را جنب و جوش انداخته است و این چیزی است که او را به موتور متحرک جامعه تبدیل کرده است. رهبری می‌فرماید: «جوان،

۱. ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق (ع) - شهرستان کاشان.

کنید». این نگاه به جوانان، برآمده از اعتماد کامل ایشان به توانایی آنان است که باید به گفتمان فراگیری نزد مسئولین کشور تبدیل شود. فرصت استفاده از جوانان در میدان‌های مختلف انقلاب اسلامی، ممکن است با برخی خطاها به تهدید تبدیل شود که باید از آنان اجتناب کرد. جوان‌گرایی متناسب با هر پست مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «بعضی‌ها تا سنین بالا به یک معنا جوان هستند ... بنابراین می‌توان به افرادی که در سنین جوانی نیستند، ولی کارهای جوانانه و خوبی می‌توانند انجام دهند مسئولیت داد». بهره‌گیری از تجربیات جوان‌گرایی مبتنی بر فرایند منطقی

عدم تقابل جوان‌گرایی و شایسته‌سالاری آفت آفازادگی

بیانیه گام دوم پشتوانه مرحله‌ی «دولت‌سازی» و «جامعه‌سازی» و رسیدن به «تمدن اسلامی» است که این کار فقط با نسل جوان پیش خواهد رفت. اینکه نسل جوان در بیانیه گام دوم مورد خطاب قرار گرفته‌اند برای آن است که بار اساسی دولت‌سازی روی دوش آن‌هاست. بنابراین لازم است که از ظرفیت جوان انقلابی و مسئولیت‌پذیر برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی استفاده کرد و با شناخت اشتباهات موجود در این راه، از تبدیل فرصت به تهدید جلوگیری کرد.

ای کاش بلد بودیم به دارایی‌هایمان افتخار کنیم

جناب حجت الاسلام سجاد باقری^۱

دوم) از غیر توحید نمی‌جوشد و از نظام‌های سیاسی دیگر نباید چنین انتظاری داشته باشیم.

سخن این یادداشت در باب جوانان است. اعتماد به جوانان یکی از امتدادهای توحید است. در نظام‌های سیاسی غیر توحیدی جوان پرورش می‌یابد از آن جهت که باید نیروی کار تربیت شود نه آن که بخواهند او را در تحول بنیادین دخیل گردانند یعنی می‌خواهند جوان را برده کنند و نه پیشران. اما توحید افقی بی کران در مقابل موحدین قرار می‌دهد که همواره لازم است جهش‌های بنیادین انجام شود. توحید موحدین را از هرگونه ایستایی و محافظه‌کاری می‌رهاند از این رو نیازمند جوان هستیم که با خرد نو و تازه خود بیاید و حصارها را بشکند و جامعه را یک گام به کمال مطلق نزدیک تر گرداند و در ادامه خود مسیر را برای جوانان پس از خود بازگرداند.

تنها توحید است که این چنین افقی در مقابل دیدگان قرار می‌دهد و جرئت به میدان آوردن جوانان جسور را به رهبران می‌بخشد و به ایشان اجازه می‌دهد که جوان را نه به عنوان تهدید بلکه به عنوان اصلی‌ترین سرمایه‌ی ترقی و پیشرفت معرفی نمایند و هر روز حماسه را در قلب ایشان شعله ور گردانند.

آن روز که پیغمبر بانگ الله اکبر را، بلندتر از همیشه در جهان طنین انداز کرد، توحید این بار با وجهه‌ی اطلاق خود به عرصه اجتماع آمد و زندگی نوینی را به جهانیان عرضه نمود، اما فرصت لازم بود تا امت پیامبر ختمی، سرمایه‌ای که به آن‌ها عرضه گشته است را شناسایی کنند از این رو به سادگی مکتب اسلام تحریف شد، ولایت به ناهلان سپرده شد و انحراف گریبان امت را گرفت.

قرن‌ها گذشت نخبگان جهان اسلام به بازخوانی مکتب اسلام پرداختند و قدم قدم خود را به اوج معارف اسلامی نزدیک ساختند و سر انجام بار دیگر انقلابی از جنس توحید ظهور کرد البته با یک فرق و آن امت‌رشد بود گویا مخاطبان توحید در این انقلاب قد کشیده‌اند و ارزش پیام توحید را پس از دورافتادگی طولانی بیشتر فهمیده‌اند.

رهبران انقلاب بر قله‌ی خون دل خوردن‌های اندیشمندان ایستادند و از آن قله امتدادهای اجتماعی و سیاسی توحید را به امتی که هم اکنون رشید گشته است، توصیه نمودند. مردم‌سالاری دینی، آزاد اندیشی، اعتماد به جوانان و ...

امتداد توحید به دو معنا اشاره دارد که معمولاً از معنای دوم غفلت می‌گردد.

اول) از دل توحید جوشیده است و لازمه منطقی توحید می‌باشد.

به جرأت می‌توانیم شیوه نگاه حکومت به عناصر جوان را به عنوان شاخص_ارزش_گذاری نظام‌های سیاسی قرار دهیم چرا که این نگاه نشان می‌دهد آن‌ها انسان را به چه سمت راهبری می‌کنند. هنگامی که فهمیدیم که این نگاه به جوانان مختص به جامعه‌ی توحیدی است گویا ارزش آن بیش از پیش نمایان می‌گردد برای همین در ابتدا گفته شد: ای کاش بلد بودیم به دارای هایمان افتخار کنیم.

جوانی؛ دوره ای از زندگی یا روحیه‌ی بالندگی؟

هنگامی که سخن از جوان و جوانی به میان می‌آید ذهن‌ها نا خود آگاه به دوره ای از زندگی توجه می‌کند که پس از نوجوانی است و پیش از میانسالی، اما در نگاه توحیدی واژگان قالب تهی کرده و معنای تازه می‌یابند و مصادیق را تغییر می‌دهند. توحید نه تنها زندگی را منقلب می‌سازد بلکه #انقلاب_واژگانی رقم می‌زند.

چه بسیار انسان‌هایی که جوان نام گرفته‌اند اما پیران مرده‌اند و چه بسیار کهنسالانی که جوان سرزنده‌اند.

جوان در ادبیات توحیدی در ظاهر انسان جستجو نمی‌شود بلکه جان انسان صفت جوانی را به دوش می‌کشد. جان_جوان صفتی است که توحید در جان انسان نهادینه می‌سازد چرا که پیشروی و حرکت در نظام توحیدی همیشگی است و سکون معنا ندارد. میل به بالندگی و پیشرفت ذاتی انسان موحد است و هیچ گاه در درون او خاموش نمی‌گردد.

موحد جوان است حتی در ثانیه‌های پایان عمر

حال که جوان معنایی از جنس توحید یافت باید گفت که اراده، عزم و جوشش هر دم از جوان الهام می‌گیرند. جوان در این نگاه خود نمی‌تواند آرام باشد، نمی‌تواند به محیط پیرامون خود بی تفاوت باشد، نمی‌تواند مردم را برای توحید مجتمع نسازد. قیام_لله برنامه‌ی هر لحظه‌ی جوان است.

جوان موحد شور انگیز است دنیا را برای توحید می‌شوراند.

اگر جوانان جوان شوند آنگاه ...

یادداشت‌های ویژه



جایگاه طلاب در بیانیه گام دوم

حجت الاسلام و المسلمین سید مصطفی وزیری فرد^۱

اگرچه در گوشه و کنار فعالیت‌هایی به چشم می‌خورد که انسان را نسبت به آینده امیدوار می‌کند لکن این فعالیت‌ها از سازماندهی و همچنین از فراگیری لازمی برخوردار نیست؛

در حقیقت هر سازمان و نهادی که در کشور مشغول فعالیت‌های گوناگون می‌باشد حوزه علمیه باید متکفل تهیه خوراک فکری آن‌ها و همچنین جهت دهی آن‌ها شود؛ زمانی که عده‌ای از طلاب حوزه‌های علمیه از برنامه‌های نامناسب تلویزیون و رسانه ملی انتقاد می‌کنند ایشان در پاسخ چنین می‌فرمایند:

«بعضی از آقایان به من می‌گویند که فلان برنامه تلویزیون یا رادیو بد است. من غالباً بیش از شما آقایان رادیو و تلویزیون را گوش می‌کنم و می‌بینم؛ میدانم آن‌جا چه قدر اشکال هست؛ اشکالاتی هم هست که شاید خیلی از کسانی که به من می‌گویند، به آن اشکالات خیلی توجه نمی‌کنند؛ اما بنده توجه می‌کنم. البته من دائماً هم با آن‌ها سروکار دارم؛ یعنی قضیه را هیچ‌رہا نکرده‌ام. من در این دو، سه سال اخیر به قدری با رادیو و تلویزیون برخورد کرده‌ام و رسیده‌ام که در طول این مدت، این مقدار با این‌ها برخورد نشده است. البته خیلی هم خوب شده و نسبتاً پیش رفته، اما اشکال فراوان است. این را بدانید، آن‌جایی که اشکال هست، مربوط به این است که ما

پیدایش انقلاب اسلامی و سرعت تحولاتی که ناشی از پیدایش این برق عظیم در جامعه به طور طبیعی همه چیز را پشت سر گذاشته و محافل روشنفکری نیز در این برهه از زمان عقب ماندند؛ حوزه علمیه هم هم از قاعده مستثنی نبوده و علی‌رغم تلاش‌های پیگیر و گسترده، آن‌طور که باید و شاید نتوانسته این عقب‌ماندگی را جبران کند لکن می‌تواند و باید با سرعت لازم و با جدیت این عقب‌ماندگی را جبران کند.

از آن‌جا که قبل از انقلاب، شیعه فاقد حکومت بوده است لذا فقه آن درصدد پاسخگویی به سوالات و نیازهای اجتماعی نبوده و محدود به اعمال و عبادات فردی شده است؛

در این شرایط خلأها و حفره‌هایی که در فقه شیعه به آن پرداخته نشده بود بیش از گذشته خودنمایی می‌کرد و متن حوزه علمیه را -خواسته یا نخواست- در مسند پاسخگویی می‌نشانده؛

این مهم در اوایل انقلاب اسلامی با کوشش علمای بزرگوار هم‌چون شهید بهشتی (ره)، شهید مطهری (ره) و ... به وقوع پیوسته و مراحل انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را پشت سر گذاشت؛ لکن در حال حاضر آن چنان فعالیت درخوری که مناسب و متناسب با مرحله دولت اسلامی باشد مشاهده نمی‌شود؛

آدمش را نداریم؛ آدمش را که داشته باشیم، خوب خواهد شد. آن فیلمی که در تلویزیون نشان داده می‌شود، شما که پای آن فیلم نشست‌اید و قلبتان از شوق به رضوان الهی می‌لرزد - که از این فیلم‌ها هست و واقعاً اشک انسان را در می‌آورد - آن فیلم توسط بچه‌مسلمانهای ساخته شده^۱ بعد از انقلاب درست شده است» ۷۰/۱۱/۳۰

همان طور که ذکر شد انقلاب اسلامی پدیده‌ای بود که همه را پشت سر گذاشت و از این بابت تقصیری متوجه کسی نیست ولی این نکته هم نباید نادیده گرفته شود که فاصله زمانی ایجاد شده می‌توانست خیلی کم‌تر از امروز بوده و حوزه هم به سهم خود می‌توانست تسریع بیشتری در حرکت رو به جلوی انقلاب دهد؛

جایگاه جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

حجت الاسلام و المسلمین سید مصطفی وزیری فرد^۱

چرا که عده‌ای از همین افراد که بوی دنیا به مشامشان رسیده و رگه‌هایی از پشیمانی هم در آن‌ها مشاهده می‌شد کمر خم کرده نتوانستند بار انقلاب را به دوش بکشند لذا صلاحیت خود برای پیشبردگی انقلاب را از دست داده‌اند. حال منظور از «جوان» چیست؟ قدر مسلم «جوان» در بیانات ایشان، تنها به جوان از حیث سن و سال محدود نمی‌شود؛ سردار عزیز و سرافراز اسلام، سردار سلیمانی، در زمره جوانانی قرار می‌گیرند که ایشان می‌فرمایند «اگر بنا بود تا ۱۰ سال هم من مسئولیت بدهم ایشان را ابقاء می‌کردم» [نقل به مضمون]

می‌توان گفت جوان آن نیرویی است که با ابتکار و نوآوری و با تکیه بر روحیه معنویت خواهی خود، در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی سر از پا نمی‌شناسد؛

گرچه این تعریف از جوان تطبیق غالبی با تعریف جوان از حیث سن و سال دارد لکن همان طور که ذکر آن در بالا گذشت مواردی هست که در اشتراکات این دو تعریف نمی‌گنجد.

جوان فوق‌الذکر که نقشه راه انقلاب اسلامی را آینه راه خود قرار داده است لابد از فهم صحیح و جامع از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد؛ در

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در آستانه چهل سالگی انقلاب توسط مقام معظم رهبری منتشر شد حاوی نکات و توصیه‌هایی راهبردی است که نقشه راه چله دوم انقلاب اسلامی را در مقابل دیدگان ملت ایران قرار می‌دهد؛ آن گونه که خود ایشان نیز مدتی پس از انتشار بیانیه گام دوم تصریح فرمودند، در این بیانیه به اقتضای بیانیه بودن به تفصیل به مباحث پرداخته نشده و تنها سرفصل‌هایی برای تحقیق و پژوهش پیرامون آن آورده شده است؛ لذا ضروری است با دیده محققانه و موشکافانه با این بیانیه روبرو شده و لایه‌های زیرین آن را در اختیار جامعه قرار داد؛

آن چه که در این بیانیه و با نگاه ابتدایی به آن مشهود و نمایان است، تأکید و خطاب آن به جوانان می‌باشد؛ در این بیانیه که رهبر انقلاب کراراً و در فرازهای مختلف آن، جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهد به روشنی قابل فهم است که ایشان در احدی غیر از جوانان شایستگی و توانایی جامه عمل پوشاندن به اهداف گام دوم انقلاب اسلامی ندیده و لذا ندای «هل من ناصر» خود را معطوف به جوانان ساخته‌اند؛

البته ایشان در سال‌های اخیر نیز کم و بیش به این راهکار متوسل شده بودند؛ زمانی که دانشجویان را ترغیب به اقدامات «آتش به اختیار» می‌کنند، در حقیقت از عدم اعتنای خود به توانایی مسئولین رسمی پرده بر می‌دارند؛

۱. معاونت محترم پژوهش بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.

غیر این صورت اسیر برداشت‌های ناقص و گزینشی شده و با وجود دلگرمی به پیمودن راه، سر از بیراهه در خواهد آورد؛

حکایت معروف افرادی که شبانگاه به بازدید فیل رفته بودند در حالی که تا آن زمان فیل ندیده بودند شباهت زیادی به مواجهه ناقص و گزینشی با بیابان دارد؛

این افراد که شب هنگام به بازدید فیل رفته بودند هر کدام قسمتی از فیل را لمس کرده و گمان می‌کردند فیل همان چیزی است که او لمس کرده است؛ یکی فیل را شبیه ستون، دیگری شبیه باد بزن و... تصور

می‌کردند و لذا باهم به اختلاف خورده بودند؛ در حالی که اگر یکی از آن‌ها چراغ و منبع نوری داشت قطعاً زمینه این اختلاف به کلی برچیده می‌شد و همه آن افراد به وحدت نظر می‌رسیدند.

در این شرایط است که به ارزش و اهمیت افرادی که عمر خود را صرف شناخت اندیشه و مکتب انقلاب اسلامی کرده‌اند، مشخص می‌شود؛ افراد «چراغ به دست»ی که جوان را به سمت شناخت جامع از مکتب انقلاب اسلامی رهنمون می‌کنند.

آسیب شناسی عدم ارتباط با بیانیه گام دوم بعد از گذشت دو سال

جناب آقای حمیدرضا شب بویی^۱

بخش اول:

تنظیم رویکرد به پدیده‌ها از آنجا که اگر متناسب و درخور آن پدیده نباشد، انسان را به وادی تحیر و حتی غفلت خواهد کشاند، بسیار ضرورت دارد. ضرورت این امر تا حدی است که می‌توان یکی از ابزار شناختی دشمن در به اختلال کشاندن ادراک، همین موضوع دانست. با مقدمه ای که گذشت، می‌بایست بیانیه گام دوم را نیز به عنوان یک پدیده، رویکرد متناسب آن را اخذ کرد. مطالب و شروح مختلفی بر این مکتوب ارزشمند و مهم عبور کرده است که تفاوت مطالب و برداشت‌ها ناشی از متفاوت بودن رویکرد به آن است.

شهید مطهری می‌فرماید: «به طور کلی اسلام همه چیز را از بالا می‌بیند. ممکن است یک دید غیر اسلامی با دید اسلامی در متن یکی باشد ولی در شکل دو چیز باشد؛ اسلام آن را با یک شکل، از یک دید و از یک نظرگاه می‌بیند و دیگری همان را از نظرگاه دیگری می‌بیند.» شهید عزیز این مطلب را در ذیل عنوان اندیشه توحیدی مطرح می‌فرمایند به این معنا که یکی از المان‌های اندیشه توحیدی داشتن همین رویکرد از بالا به پدیده‌ها است و اتفاقاً از این نوع رویکرد به

دنبال اخذ قوانین و چهارچوب‌ها هستند تا بتوان جهان را با قوانین کلی مورد نظر قرار داد.

از طرفی دیگر می‌توان فهمید که در یک اندیشه توحیدی، از آن رو که همه اجزای عالم به صورت پیوسته ای به هم مرتبط و اثرگذار دیده می‌شود، لذا از بالادیده شدن این پدیده‌ها سیر حرکت و ادبیات معنایی به آن‌ها می‌دهد که بدون در دست داشتن این ادبیات نمی‌توان اجزا را درست و درخور شانسان ترجمه و تفسیر کرد.

با توجه به اینکه رهبری انقلاب جایگاهی است که نظرگاه او به پدیده‌ها باید دائماً در بستر اندیشه توحیدی و هم چنین یک افق دور و بلند باشد، لذا می‌توان این را پذیرفت که بیانیه گام دوم نیز از آن دست پدیده‌های مکتوبی است که اگر کسی فارغ از این اندیشه توحیدی و رویکرد متناسب آن اخذ نکند مطمئناً دچار اختلال در شناخت و ادراک مفاهیم عمیق و راهبردی‌اش خواهد شد.

در ابتدای بیانیه، وارد مرحله دوم تمدن سازی شدن مژده ای است که سکوی رهبری از سنگر دیده بانی‌اش اعلام می‌دارد و اتفاقاً از همین جنس مژده‌ها است که می‌توان فهمید، این متن از یک جایگاه بسیار بلند و بالا با نظرگاهی حداقل ۴۰ ساله به تولید ادبیات پرداخته است.

۱. پژوهشگر و فعال در مباحث انقلاب اسلامی.

قطعاً اگر بپذیریم این نظرگاه، همان جایگاهی است که رهبری را به سمت تنظیم یک بیانیه برای تکمیل بخش دوم تمدن اسلامی کشانده است، در آن موقف قرار نگرفتن و نسبت گیری کردن با بیانیه در نظرگاهی غیر از یک افق بلند در حدود ۴۰ سال، قدرت مفاهمه را سلب می‌کند.

نگاه و گارد تمدنی گرفتن، رویکردی است که اگر کسی بتواند از این دریچه به پدیده‌هایی که ظرفیت خوانش تمدنی دارند بنگرد مطمئناً بسیاری از شاخصه‌های تحلیلی او ویرایش خورده و قطعاً به گونه ای دیگر به امور رسیدگی می‌کند.

به نظر می‌آید در دومین سالروز صدور بیانیه گام دوم، اینکه چرا نتوانسته‌ایم به صورتی شایسته به این رساله ارزشمند رسیدگی کنیم که حاصل عمر، دیده بانی و راهبری دقیق ذیل اندیشه توحیدی حکیمی فرزانه است، نداشتن همین نوع مواجهه و نسبت گیری با بیانیه گام دوم است.

شاید بد نباشد به مثالی اشاره کنم تا قدری منظور به وضوح بیشتری برسد؛ اگر تصور کنیم که کودکی را با قدی کوتاه و جسمی نحیف در صحنه درگیری جدی قرار داده باشیم و حتی خود آن کودک به اقتضائات مختلف تربیتی از نوعی برخوردار شده باشد که بتواند متوجه شود که درگیری جدی است به همین جهت مشتاقانه پا به صحنه درگیری گذاشته باشد، اگر مهماتی که در یک کوله پشتی در اختیارش قرار می‌گیرد شامل تعدادی از سلاح‌های پیشرفته و حتی موشک‌هایی که قابلیت تخریب و نقطه زنی بالایی دارند، باشد، با این

که این کوله پشتی از غنای کافی برای یک درگیری با وسعت مشخص برخوردار است اما همین که او این کوله را بر پشت خود قرار می‌دهد و شروع به دویدن به سمت دشمن می‌کند، به شدت احساس خستگی از ناحیه تمامی اعضای بدنش می‌کند، دردهای ناشی از این خستگی آن قدر بر او مستولی می‌شود که قدمی نیست که بردارد و آه وناله ای از این همه سنگینی کوله پشتی‌اش بلند نکند، و از آن رو که قد او اجازه نمی‌دهد که از پشت خاکریز نظر به تحرکات دشمنش داشته باشد و هرچه نزدیک تر می‌شود وسعت این دید کمتر می‌شود، چه بسا فراموشش شود برای درگیری جدی این کوله پشتی پرمهمات را به کول کشیده و دیگر چشمش یاری دیدن دشمن و درگیری را نکند و ناگهان همه آن مهمات را در نزدیکی دشمن به زمین رها کند.

بخش دوم:

شاید وضعیت بسیار افرادی که هنوز نتوانسته با بیانیه ارتباطی عینی، ملموس و جدی بگیرند مانند همین کودکی است که در نزدیکی نبرد، کوله پشتی پر مهماتشان را رها می‌کنند، باشد؛ در صورتی که باید دقت کرد اگر قبل از دویدن، قدری بر رشد بدنی و جسمی و بلند قدرتر شدنش توجه شده بود، او به این راحتی خطر دشمن را به هر سطح خستگی از یاد نمی‌برد و همین که دائماً چشم به تحرکات دشمن داشت و آتش‌هایش را که می‌دید صبر و تحمل آن خستگی برایش سهل می‌شد.

نداشتن نظرگاه تمدنی و افق بلند ۴۰ ساله، برای روبه رو شدن با بیانیه، اولین خطای راهبردی است که به نظر می‌آید در این دو سال

امیدواریم که هرچه بهتر و سریع تر، اجتماعی الهی بتواند در این
نظرگاه با بیانیه ارزشمند و فاخر گام دوم ارتباط‌هایی ملموس و
پرحرارت گرفته تا همان طور که مژده نوید بخش گذر از بخش اول
تمدن سازی همه را مسرور کرد، شاهد و سامع مژده گذر از مراحل
بعدی آن تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشیم.

بخشی از نخبگان ما با آن مواجه بودند و اتفاقاً آن کسانی که خیلی
غیرمعمول و غیرعرفی به صورت انفرادی برای جدی گرفته شدن این
بیانیه فریادها می‌کشند به دلیل داشتن همین نظرگاه و رویکرد است و
چون سعی کرده‌اند خود را به نگاه‌های با عمق بلند، بالا بکشند و
دیدشان از درگیری دشمن با جبهه حق لحظه ای برداشته نشود، در
این مدت لحظه ای نبوده که بتوانند چشم برهم بزنند و از لوازم تحقق
این بیانیه بحث و مناظره نکنند.

قیام جوانان

جناب آقای مهدی خداپرست^۱

موفق ندانسته بلکه با نظر ترحم به وی نگاه کنند و خود او نیز خجالت زده از وضعیتش باشد.

خب این کاملاً حرف درست و منطقی است. ما اگر به دنبال قیام جوانان هستیم، قبل از آن می‌بایست تمایلاتشان را تغییر دهیم. چون میلِ مقدم بر اراده و جهت دهنده به آن است.

تا تصویر جوانان ما از موفقیت، سربلندی و افتخار تغییر نکند. تا هنوز بازیگران فاحشه و غیر فاحشه! فوتبالیست‌های مایه دار بی مایه و کلاً سلبریتی‌ها و یا حتی آن کسی که بیشتر می‌تواند خم شود یا بپرد (!)؛ آنتن جمهوری اسلامی ایران را پر کنند و به عنوان الگوهای موفقیت و مفاخر مردم ایران زمین در فرهنگ عمومی، مورد ستایش و تقدیر قرار گیرند، نمی‌توان ادعا کرد که می‌شود حرکتی در لشکر عظیمی از جوانان برای حل مساله‌های بر زمین مانده واقعی و پیشرفت حقیقی ایران رقم زد.

خب سؤال اصلی اینجاست که چطور می‌توان این تصویر از موفقیت را تغییر داد؟

بنظر می‌رسد در اینجا افزون بر اینکه می‌بایست قاعدتاً در تعلیم و تربیت عمومی، معارف پایه و لازم به خوبی آموزش داده شوند و تغییرات و تلاش‌هایی برای بهبود وضعیت موجود آموزش و پرورش در کشور صورت بپذیرد (در راستای گفتمان جامع)، اما این کافی نیست و احساس

در این یادداشت به یکی از مقدمات قیام جوانان که در کلاس نیز مطرح شد، خواهیم پرداخت.

این نکته بسیار حائز اهمیتی است که ما اگر می‌خواهیم جوانان را پای کار پیشرفت بیاوریم، ابتدا می‌بایست قبله آمال و آرزوهای جوانان ایران را تغییر بدهیم و سوی وجودی‌شان را به سمت کعبه بچرخانیم.

به تعبیر امروزی‌اش، فانتزی‌های رایج میان جوانان و نوجوانان باید تغییر کند.

به جای رستوان لاکچری رفتن، کمک به یک نیازمند و سیر کردن یک گرسنه.

به جای تیپ راک‌ها و کریس‌ها و... تیپ شهدایی و جهادی زدن.

به جای دوست دختر بازی و متلک انداختن به دخترهای خیابانی، غیرت مند بودن و حفاظت از ناموس شیعه.

به جای ...

این ماجرا باید آنچنان فراگیر و غنی شود، که نه اینکه جوانان از فانتزی‌های کنونی با مشقت نفس صرف نظر کرده و با پیشه کردن تقوای الهی (!) خود را وادار به ایده آل‌های اسلامی کنند، بلکه اساساً این مدل‌ها و الگوهای زیستن تبدیل به شوق رایج شود و هرکس که خلاف این فانتزی‌های حزب‌اللهی عمل کرد در جامعه شاذ باشد و سایرین نه تنها او را

۱. طلبه حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد رشته فلسفه علوم اجتماعی.

می‌شود امروز برای اینکه بتوانیم آمال و مفتخرات جوانان ایران را تغییر دهیم، می‌بایست بیش از پیش به سمت خلق_الگوهای_عینی زندگی موفق و ایده آل و سپس روایت اون به زیباترین نحو ممکن حرکت کنیم. (گفتمان سازی)

پس در اینجا این دو اقدام مهم می‌بایست به موازای صورت گیرد. اول اینکه، الگوسازی کرد.

گرچه ما الگو، هم در تراث شیعی خود و خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی کمی نداریم، اما می‌بایست دائماً این‌ها را نو و به_روز کرد، ارتقاء بخشید، با توجه به تنوعات شخصیتی و ماموریتی تیپ_بندی کرد (تیپ_تخصصی_الگو) و سطح و جامعیت موفقیت‌ها را نیز در آن‌ها بالا برد.

دوم اینکه، این الگوها را گفتمان_سازی کرد. یعنی می‌بایست زیبایی‌های این زندگی‌ها را به تصویر کشید و روایت کرد. عشق‌ها و محبت‌های جاری در این زندگی‌ها باید نشان داده شوند. همه لذت‌های روحی و معنوی این‌ها باید نشان داده شوند. عقلانیت جاری در زندگی، جمع سالم زدن از عقلانیت و عاطفه و معنویت و...، شخصیت‌های محکم و استوار و خلاصه همه جذابیت‌های یک زندگی_مطلوب_اسلامی باید به رخ کشیده شوند.

ترکیب این دو عملیات الگو سازی و گفتمان سازی موجب می‌شود تا به فضل الهی به تدریج الگوی موفقیت در ذهن جوانان ایرانی و البته فرهنگ عمومی کشور تغییر کرده و جوانان ما را مہیای یک قیام عمومی برای ساختن ایرانی پیشرفته، سازد.

نقشه راه و مختصات بیانیه

حمید عزیزی

ابتدا نگاهی گذرا به گام اول انقلاب می‌اندازیم تا کمی فضای صدور بیانیه روشن بشود. بدون تردید انقلاب اسلامی عصر جدیدی در تاریخ بشریت است و تداعی نهضت عظیم بعثت نبوی با قصد ایجاد حیات طیبه است. بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب می‌باشد که هم در اصل وقوع و هم در ماندگاری، بسان معجزه می‌باشد زیرا که "از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد، و در میان ملت‌هایی که به پاخواسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانند، و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند." و چون آرمان‌های بر پایه فطرت و انقلاب متکی بر ایمان، اراده و معرفت دینی ملت دارد، نوید یک تمدن تاریخی را می‌دهد. متأسفانه به علت هجمه‌های فراوان رسانه‌ای دشمن و غفلت از جریان انقلابی موجب شده است خون آورده‌های انقلاب کمرنگ جلوه کند. لذا اکنون در آغاز گام دوم انقلاب و با پشتوانه عظیم دستاوردهای گام اول و با آینده‌ای روشن با سرمشق گرفتن از راهبردها و حکمت‌های بیانیه! جوانان با روحیه انقلابی و با یک جهاد بزرگ جامعه را از محاصره‌ی تبلیغاتی دشمن بیرون بکنند و سپس با ورود خود به عرصه‌های مدیریتی، جریان انقلابی را در کشور تقویت بکنند تا انقلاب را به آرمان‌ها و آینده‌ی خود که تمدن نوین اسلامی است با سرعت و در مسیر درست نزدیک کنند.

نقشه راه و مختصات بیانیه و بیان ماهیت، اهداف، راهبردها و راهکارهای عملیاتی کردن بیانیه

در مورد بیانیه سه مواجهه باید داشت:

۱. بیرون متنی: ناظر به ماهیت و اهداف بیانیه و بررسی فضای صدور و جهت صدور بیانیه و دیگر مسائل که از مقدمات و مبادی محسوب می‌شوند. به عبارتی یک نگاه درجه دوم به بیانیه باید داشت، خلاصه اینکه در این نگاه باید به مختصات و نقشه کلی بیانیه رسید.

۲. درون متنی: فقط ناظر به متن بیانیه است که شرح و تفصیل و تفسیر موضوعات و مباحث عبارت‌های بیانیه است. و معمولاً بیشتر نشست‌ها و شرح‌ها به این موضوع می‌پردازند.

۳. بیرون متنی ولی ناظر به تکالیف و مسوولیت‌ها می‌باشد. و بیشتر جنبه زمینه‌سازی برای برنامه عملیاتی و میدانی دارد. و با بیان مطالبات خود بیانیه و راه‌های تحقق آن‌ها همراه می‌باشد.

حال در این نوشتار باتوجه به بیانات دیگر حضرت آقا سعی می‌کنیم، نگاه اول یعنی از بیرون به ماهیت، اهداف، راهبرد، سیاست‌ها و راهکارهای بیانیه گام دوم انقلاب داشته باشیم. حاصل آنکه مختصات و نقشه راه بیانیه دانسته بشود و با خودآگاهی از جایگاه بیانیه و چرایی صدور آن به سراغ متحقق کردن بیانیه حرکت کرد.

گام دوم انقلاب را اگر نگوییم خود انقلابی دیگرست می‌توان گفت که فصل جدیدی از انقلاب اسلامی است که خونی تازه در رگ‌های ملت خصوصاً جوانان جریان داده است. عنوان "بیانیه" موید همین است که بیانیه جنبه‌ی فصل بندی دارد. بیانیه با توجه به معنای لغتی آن، قصد روشنگری و ابهام زدایی و مرزبندی دارد....

بنابراین می‌توان گفت بیانیه به دو جهت صادر شده است: ۱. تبیین ماهیت و اهداف انقلاب و دستاوردهای انقلاب، به جهت ابهام زدایی از شبهه در کارآمدی انقلاب و جلوگیری از انحراف‌هایی که پیاده نظام دشمن در داخل کشور انجام می‌دهند. ۲. ترسیم مسیر و راهبردها و زمینه سازی جهت تشکیل تمدن اسلامی. و این جهت دوم را می‌توان به نوعی بخاطر وجود اعلام آمادگی جوانان در عرصه‌های مختلف خصوصاً در حوزه فرهنگ در سراسر کشور ذکر کرد که کمی از نشانه‌های آن را در ماجرای زلزله و سیل قبل از صدور بیانیه مشاهده کردیم. لذا صدور بیانیه رو می‌توان به نوعی جوابیه رهبری به اعلام آمادگی جوانان دانست. که البته جوانان نیز باید به این جوابیه، جوابیه در عمل بدهند.

گام دوم و مختصات بیانیه

جنس بیانیه ساختاری راهبردی دارد اما با روایتی حماسی و ادیبانه، امیدآفرین و حرکت زا و مسوولیت بخش، افق سازی برای آینده و مهم‌تر از همه متکی بر واقعیت‌های عینی، ایمانی و معرفتی نویسنده بیانیه و مخاطب آن است. پشتوانه و مبنای انقلاب اسلامی، نظریه نظام انقلابی است که از دل همین نظریه، اهداف و راهبردهای انقلاب فهم می‌شود. در عین نظم بخشیدن و تمدن زایی، به حرکت و قیام و هجرت می‌اندیشد. هدف نهایی

انقلاب اسلامی و به تبع آن بیانیه گام دوم، شکل گیری تمدن نوین اسلامی می‌باشد که زمینه ساز ظهور ولایت عظمی است. و لازمه‌ی رسیدن به این هدف عظیم، یک اراده و حرکت عمومی در کشور و به تعبیری جهاد تمدنی و همه گیر و دائمی است. بیانیه همین نگاه واستفاده از ظرفیت مردمی و نگاه اصلاح جامعه از پایین به بالا را راهبرد خود قرار داده است. سعادت و شقاوت یک جامعه ای منوط به مبارزه صالحین و فاسدین آن جامعه است که هرکدام موثرتر باشند و نقش اصلاح و افسد را بخوبی ایفا کنند عموم جامعه رو می‌توانند صالح یا فاسد بکنند. لذا خواص سازی که همان تربیت نیروی جوان انقلابی است، نقش اساسی در پیشبرد آرمان‌ها دارد.

بنابراین راهبرد اصلی بیانیه، ورود جوانان مؤمن انقلابی به عرصه‌های حاکمیتی است. و زمینه‌ی این راهبرد هم وجود جوانان ۲۰ تا ۴۰ ساله بالفعل در کشور است. البته مراد از جوان، روحیه جوانی است و معمولاً سن جوانی ملازم با آن روحیه است. و این ورود جوانان انقلابی منجر به حرکت و اراده عمومی در کشور در جهت تحقق جامعه و تمدن اسلامی می‌شود. کما اینکه معنای راهبرد نیز همین است؛ یعنی فرایند استفاده از داشته‌ها و ظرفیت‌های موجود (باتوجه به تهدیدها و موانع) و گذر از آن‌ها به وضعیت مطلوب. این راهبرد و مختصات دیگر بیانیه با توجه به مراحل پنجگانه تمدن سازی که اکنون در مرحله سوم یعنی دولت اسلامی هستیم، بیشتر محسوس و ملموس می‌شود. زیرا که رکن اصلی دولت اسلامی، وجود کارگزاران مؤمن و انقلابی می‌باشد. و این مهم، تنها با ورود جوانان انقلابی امکان پذیر است.

لب سخن آنکه؛ بیانیه یک خودآگاهی تاریخی با راهبرد تقویت اراده ملت برای یک حرکت و مبارزه‌ی تمدنی است که این حرکت و اراده عمومی

با جوانان مؤمن انقلابی آغاز خواهد شد. ورود جوانان اندیشه ورز جهادی به عرصه‌های مدیریتی و حکومتی، مقدمات فکری و عملی دارد که خود، باید فراهم بکنند و نباید منتظر فرش قرمز کسی یا نهادی باشند، که در ادامه به مقدمات مهم آن اشاره می‌شود:

۱. ماهیت، مبانی انقلاب، دشمنان آن و فرآیندهای مقابله با موانع دشمن و رسیدن به اهداف را بصورت عمیق و جامع بدانند. که لازمه‌ی این فهم و شناخت از صحنه، داشتن یک نظام و منظومه اندیشه اسلامی می‌باشد.

۲. جهت‌گیری جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی را در اندیشه و عمل خود در تمام مطالعات و برنامه‌ها مورد توجه قرار دهند. و این جهت‌گیری تمدنی نیازمند کار جدی علمی می‌باشد که معنا و چگونگی آن در برنامه‌ها و اقدامات مشخص بشود تا ارزیابی صحیحی صورت بگیرد.

۳. روحیه‌ی امید به آینده انقلاب و نشاط را منش خویش قرار بدهند و نیز در دیگران این روح را بدمند. توجه داشته باشیم که این امیدها صادق هستند و نشانه‌های آن آشکارا وجود دارد و متکی بر واقعیت‌های عینی و ملموس می‌باشد که برخی‌ها در ذیل می‌آید:

اولین نشانه آشکار ولی مورد غفلت از توجه ما، این است که در این اوج ظلمت تاریخ، نوری بتواند بدرخشد و این درخشش خود را نگه دارد بلکه پرفروغ تر بشود، نشان از امید و اراده محکم این ملت دارد.

دومین نشانه، فرسودگی دشمن و انحطاط تمدن غرب است و نشان از پایان تاریکی دارد که در این چهل سال درصدد خاموش کردن نور انقلاب اسلامی بوده است.

مهم‌ترین نشانه امید، وجود سرمایه نیروی انسانی کارآمد و انقلابی است که آماده بدست گرفتن مسوولیت‌ها هستند.

همچنین وعده‌ی الهی یاری خدا برای کسانی که قصد حاکمیت دین خدا را در جامعه دارند، نباید فراموش کرد.

لازم است توجه داشته باشیم که ملت ایران در این چهل سال و در بستر انقلاب اسلامی یک سرمایه و هویت اجتماعی کسب کرده‌اند و آن نگرش انقلابی و روحیه انقلابی‌گری است که هر جا این هویت توانست بروز پیدا بکند کارها سامان یافت و انقلاب پیشرفت کرد. زیرا نگرش انقلابی یک جهان بینی متفاوتی به جامعه عرضه می‌کند و موجب بینش و گرایش خاصی به مسائل می‌شود که اراده و حرکت ملت را در میدان‌های عمل می‌کشاند. بنابراین مردم ایران در گام اول، زیست انقلابی را تجربه کرده است و موفقیت‌ها و اثرات آن را در مسائل‌های مختلف دیده است. و جزئی از سرمایه و هویت معنوی و اجتماعی شده است. دقیقاً به همین دلیل که نگرش انقلابی بخشی از هویت شده است و عضویت از قسمت‌های بدن جامعه شده است، در بلند مدت در سایه غفلت قرار می‌گیرد. پمپاژهای دروغین و فریبنده رسانه‌های دشمن برای فراموشی و عدم استفاده جدی از این عضو کلیدی در همین راستا است و می‌بینیم که کلمه به کلمه بیانیه گام دوم درصدد توجه ملت ایران به این سرمایه تاریخی شگرف است.

ظرفیت‌های غنی مادی و طبیعی در کشور و موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص ایران را می‌توان از نقاط برجسته امید شمرد. توجه داشته باشیم که در همین گام اول، بنا به آمارهای بین المللی ایران در حوزه‌های مختلف پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است و ایران را جزء رتبه‌های برتر

قرار داده است. و جالب آنکه باین وجود، رتبه اول استفاده نکردن از ظرفیت‌های کشور را دارد.

۴. فرایند ورود جوانان نیازمند حضورفعال، درست، منضبط و کارآمد در قسمت‌های مختلف جامعه است. و باید راهکارها و برنامه‌های عملیاتی مناسبی و با جهت دهی تمدنی برای پیاده سازی این راهبرد (به دوش گرفتن مسوولیت های مدیریتی توسط جوانان انقلابی) انجام داد، که بی شک انجام درست این مأموریت‌ها، شناخت نظام راهبردی تمدنی را لازم دارد و باید اندیشمندان و محققین، بیش از پیش به این مساله توجه کنند. در ادامه راهکارهای نه گانه که حضرت آقا نام برده، می‌شود:

❖ تشکیل کارگروه‌های فرهنگی؛

▪ تشکیل گروه‌های فعالیت سیاسی، نه حزب‌بازی؛

❖ تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی؛

▪ تشکیل گروه‌های نهضتی جهان اسلام؛

❖ تشکیل گروه‌های علمی؛

▪ تشکیل گروه‌های دانش‌بنیان اقتصادی؛

❖ تشکیل گروه‌های خدماتی و جهادی؛

▪ تشکیل گروه‌های اطلاعاتی مردمی؛

❖ تشکیل گروه‌های اجتماعی

به جهت طولانی نشدن، الزامات پیاده سازی این راهبردها و عملیاتی کردن برنامه و راهکارهای آن را خلاصه ذکر می‌کنیم:

۱. کار جهادی و روحیه انقلابی

۲. علم و دانش

۳. استفاده از ظرفیت غنی منابع اسلامی

۴. تهذیب نفس

۵. تشکیلات

ارکان تمدن اسلامی

آن هفت توصیه بیانیه، ارکان یک جامعه و تمدن می‌باشند که باید بمرور وباسرعت و درمسیرصحیح بالنده شوند و نیاز به جهاد همه جانبه وهوشمند جوانان انقلابی است که در فرصت دیگری به توضیح آن می‌پردازیم ان شاءالله.

نقشه راه قیام جوانان

جناب آقای محمدحسین خانی^۱

رهبر حکیم این انقلاب و ناخدای کشتی توحید ملت ایران مخصوصاً جوانان ایران را به قیام دومی دعوت می‌کنند قیامی که نقشه آن را نخبگان و فرهیختگان کشور طراحی کرده‌اند و نقشه قیام جوانان است برای ۵۰ سال دوم آینده ایران الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مرحله سوم گام دولت سازی است

که هم زمان با قیام دوم جوانان برای پیشرفت ایران این مرحله نیز به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شود

خلاصه یادداشت:

۱. گام اول: قیام علیه رژیم شاهنشاهی

۲. گام دوم: نظام اسلامی

۳. گام سوم: دولت اسلامی

این گام با بیانیه گام دوم مأموریت خود را آغاز می‌کند و نقشه این قیام سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ ۖ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾ (نحل ۹۷)

هدف از انقلاب اسلامی ایران رسیدن به تمدن اسلامی است اما با عبور از ۴ مرحله حساس و تمدنی

اولین گام را ملت غیور ایران در سال ۵۷ با اتکا به توان خود و روشنگری‌های امام راحل انجام شد قیام مردم ایران علیه شاه ملعون و نابودی حکومت پهلوی

در فاصله ای کوتاه بعد از این پیروزی بزرگ ملت ایران گام دوم خود را با تشکیل جمهوری اسلامی برداشتند

گامی که دوگانه‌های دنیای آن روز را بر هم زد و با فروپاشی شوروی دوگانه شرقی غربی را به دوگانه اصیل توحید و طاغوت تبدیل کرد

اکنون بعد از گذشت چهل و دو سال از گام اول و قیام ملت ایران علیه رژیم طاغوت

نقش جوانان و گام دوم

جناب آقای حسین علیمردانی^۱

در یک کلام، امام بزرگوار ما هم خودش افسانه ای بود و هم ملتی که از او تبعیت می‌کردند افسانه ای بودند و دست در دست هم حقیقتی شبیه به افسانه‌ها را آفریدند و انقلاب شکوهمند اسلامی را رقم زدند. به فضل الهی گام اول را محکم برداشتیم. با نصرت الهی و زیر سایه حضرت صاحب الامر، چهل سال طوفان به پا کردیم و نظم ظالمانه‌ی دنیای امروز را به هم ریختیم. به فرمان امام ره قیام کردیم و معجزه را به چشم دیدیم. دیدیم که با دست خالی و دلی امیدوار به رحمت الهی می‌شود ابرقدرت‌های پوشالی را به زانو درآورد. دیدیم که خدای متعال، ولی خود را تنها نمی‌گذارد حتی اگر شرق و غرب عالم اراده کنند که نابودش کنند. دیدیم که اعتقاد به دین اسلام، اولین ثمره‌اش آباد کردن دنیای ماست. دیدیم که اقامه‌ی روضه‌ی اباعبدالله ع بالاخره ما را نجات داد. دیدیم که اعتقاد به توحید، چگونه ما را از عبودیت غیر خدا منصرف کرد. دیدیم که بعد از پیروزی انقلاب، چتر توحید در عرصه‌ی اجتماعی باز شد و بسط پیدا کرد.

از تو ممنونیم
ما به فرمان امام ره و با پیش‌سواپی امام ره و به نام خدای متعال و مدد امام زمان ارواحنا فداه انقلاب کردیم.
امام بزرگوار ما، حاصل یک تاریخ هویت شکوهمند شیعی را درو کرد.
هویتی که حاصل بلاهایی بود که ائمه‌ی معصومین ع برای هدایت بشر، متحمل شدند.
خون‌های به ناحق ریخته شده‌ی شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام بود.
زحمت علمای اسلام بود.
اشک‌های پاکی بود که خود را مصیبت زده از مصیبت اهل عصمت و طهارت می‌دید.
عشق به امام معصوم ع و حماسه‌ی عاشورا و آرمان ظهور امام زمان ارواحنا فداه بود.
وجود نازنین امام ما هم نماینده‌ی یک تاریخ فرهیختگی شیعی بود.

همه‌ی این‌ها و بیش از این را دیدیم، با چشم سر هم دیدیم، همه‌ی دنیا هم دیدند. با وضوح بالا هم دیدند. حتی کور دل‌ها هم دیدند و هر چه بیشتر تلاش کردند انکارش کنند، بیشتر مورد تمسخر واقع شدند.

در گام دوم هم انقلابی عمل می‌کنیم

درست است که دنیا پس از انقلاب شکوهمند ما انگشت حیرت به دهان گرفت و آن را شروع کننده‌ی عصری جدید به نام عصر امام خمینی ره دانست، اما هنوز قله‌های فتح نشده‌ی بسیاری پیش روی ما قرار دارد.

بلند همتی را از مکتب امام ره آموختیم و فهمیدیم که اگر می‌خواهیم به سمت ظهور حرکت کنیم و انتظار بکشیم باید به فکر برپایی تمدن نوین اسلامی باشیم که بر کل عالم حکومت کند و هیچ قله‌ی مرتفعی خالی از پرچم لا اله الا الله نباشد.

قیام لله تمام نشده است

نسلی که قیام کرد و این انقلاب شکوهمند را رقم زد، اکنون به دوران کهن سالی خود رسیده است.

عده‌ای از این‌ها جان خود را فدای اسلام کردند و شهید شدند؛

عده‌ای هنوز هم جوان مانده‌اند و با قوت حوائج انقلاب را برآورده می‌کنند.

عده‌ای هم متأسفانه فریفته‌ی دنیا شدند و به آرمان‌های انقلاب خیانت کردند.

خلاصه با هر کیفیت، نسل انقلاب میراثی گران بها برای ما به جا گذاشته که اگر جوانان نسل جدید قدرش را ندانند، دشمنان قسم خورده‌ی ما به راحتی آن را از بین خواهند برد.

وقت آن رسیده که انقلاب اسلامی رویش‌های خود را نشان دهد و میوه‌های تازه رسیده‌اش را بچیند و شیرینی‌اش را به کام جهانیان بریزد.

وقت آن رسیده که مانند روزهای اول انقلاب با امام امت، بیعتی دوباره کنیم و تا پای جان پای عهد خود بایستیم.

وقت آن رسیده که جوانان انقلابی آرمان‌های انقلاب را سر دست بگیرند و قدمی دیگر برای اعتلای این نظام اسلامی بردارند.

وقت آن رسیده که با همان هیبت همیشگی بسیجی وارد عرصه‌ی نبرد با ابر قدرت‌ها شویم.

وقت آن رسیده که کسانی که ولایت‌پذیری را همراه با شیر مادر آموختند به دستور امامشان قیام کنند.

نسل جوان امروز:

انقلابی است چون ثمره‌ی انقلاب را که نظام اسلامی است؛ دیده است.

ولایت‌پذیر است چون ثمره‌ی ولایت‌پذیری را که پیشرفت همه جانبه است؛ دیده است.

به آرمان‌های انقلاب پایند است چون ثمره‌ی پایبندی به آرمان‌های انقلاب را که آزادی و آزادگی است، دیده است.

امیدوار است چون ثمره‌ی امیدواری به وعده‌های الهی را که پیروزی است، دیده است.

نسل جوان امروز هم مانند نسل جوان دیروز به فرمان رهبر انقلاب و به نام خدای متعال و مدد امام زمان ارواحنا فداه به پا می‌خیزد و ایران اسلامی پیشرفته‌ی فردا را می‌سازد.

مأموریتها و راهبردهای بیانیه

جناب آقای سید مصطفی مدرس^۱

انقلاب اسلامی نیز مبتنی بر همین حقیقت رقم خورد. به عبارت دیگر حقیقت انقلاب اسلامی چیزی جز قیام لله نبوده و نیست. قیام لله جمعی مردم ایران برای نفی طاغوت و اثبات حاکمیت الله.

ظرف صدور بیانیه گام دوم را موارد ذیل می‌توان دانست:

انقلاب اسلامی در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عمر جمهوری اسلامی است. نشانه‌های بلوغ عقلانی مردم ایران در آستانه چهل سالگی انقلاب به چشم می‌خورد؛ به همین دلیل می‌توان گام دوم را فصل بلوغ و شکوفایی و رسش مردم ایران دانست.

هدف انقلاب اسلامی چالش با نظام سلطه و ساخت ایران اسلامی الگوی پیشرفته می‌باشد.

جمهوری اسلامی محمل دو نظام حکمرانی می‌باشد: نظام دیوانسالاری و نظام امت-امامت؛

تاریخ جمهوری اسلامی نشان داده برای دستیابی به هدف ساخت ایران اسلامی الگوی پیشرفته بایستی از طریق نظام امت-امامت عمل کرد چرا که فرمان آتش به اختیار نیز دال بر همین سخن می‌باشد. درگیری با نظام سلطه چیزی جز هدر رفت زمان و سرمایه‌ها نمی‌باشد. بایستی نظام دیوانسالار را در دل نظام امت-امامت استحاله کرد.

بیانیه و ما ادراک البیانیه - تقریری مأموریت گرا و راهبردی از بیانیه گام دوم

ثقل دعوت راهبردی بیانیه گام دوم چه نیست؟

ثقل دعوت راهبردی بیانیه گام دوم روایت دستاوردها نیست.

دولت جوان حزب اللهی که رئیس جمهورش حزب اللهی باشد نیست.

جوانگرایی در بدنه مدیریت کشور نیست.

نظام انقلابی نیست و ...

چگونه ثقل دعوت راهبردی رهبری را بفهمیم؟

فهم ثقل دعوت راهبردی رهبری در گرو شناخت و فهم اندیشه‌های بنیادین و حقیقت انقلاب اسلامی و اهداف آن می‌باشد. همچنین ظرف صدور بیانیه گام دوم را بایستی به درستی شناخت و گرنه ره به جایی نمی‌بریم.

عزم جوهره انسانیت است و عزم و اراده اجتماعی و ملی جان مایه پیشرفت همه جانبه و حقیقی است.

یکتا موعظه الهی برای تمام اعصار به بشر نیز متکی به همین مبناست: قیام لله

فلذا تحقق ایران اسلامی الگوی پیشرفته نه با راهبرد درگیری با نظام دیوانسالار یا رخنه پوشی این نظام - که رویه مرسوم برخی نهادهای سیاستگذاری و اندیشکده ها می باشد و نتیجه ای جز فریگی نظام دیوانسالار ندارد - بلکه از طریق تقویت نظام امت-امت بایستی دنبال کرد.

فلذا این بیانیه در بستر و ظرف امت-امامت صادر شده است. این بیانیه خطاب به مردم ایران خاصه جوانان این مرز و بوم است. از سوی دیگر بخش اعظم جمعیتی ایران در وضعیت کنونی جوان هستند.

ثقل دعوت راهبردی بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم یک فعل راهبردی از جانب رهبری حکیم است. رهبری که امام است. ولایت و سرپرستی امت ایران را بر عهده دارد. بیانیه گام دوم به عنوان یک فعل راهبردی غرض و ثقلی دارد و آن چیزی نیست جز:

قیام جوانان برای ساختن ایران

به عبارت دیگر ما به دنبال ساخت ایران اسلامی الگوی پیشرفته از طریق نظام امت-امت هستیم و راهبرد تقویت و افزایش بهره وری این نظام قیام جوانان می باشد. این حرف هر چند ساده است اما دریا دریا حکمت از دل آن می جوشد.

دعوت راهبردی قیام جوانان برای ساختن ایران

یعنی پروژه آینده تمدنی ایران اسلامی؛

یعنی عصای موسوی همگرایی جبهه انقلاب اسلامی در دریای ظلمت سیطره تمدن طاغوتی غرب؛

یعنی ید بیضای تصمیم سازی سازمان های عریض و طویل انقلابی جمهوری اسلامی؛

یعنی خلق یک رستاخیز تمدنی؛

یعنی کشت طوفان علیه هژمونی آمریکا؛

یعنی به چالش کشیدن یک تاریخ تعریف از انسان؛

یعنی صورتبندی یک حیات متعالیه؛

یعنی تکمیل پروژه مهندسی دنیا بر اساس دین؛

یعنی امامت دین مر دنیا را بر مدار هویت شیعی؛

یعنی اثاره دفائن عقول؛

یعنی بازآفرینی تجربیات ناب گام اول انقلاب؛

یعنی استفاده حداکثری از فرصت پنجره طلایی کشور؛

یعنی گام نهادن در تحقیقاتم_الاعلون؛

یعنی به زیر کشیدن نظام سلطه و اظهار دین حق (لیظهره علی الدین کله)؛

یعنی احداث مسیری برای برآمدن دولت پیشرفت؛

یعنی معماری حکمرانی نوین اسلامی ایرانی؛

یعنی اتصال به عالم خیال و مثال و فردای مثالی را صورت محقق بخشیدن.

مواصفات این دعوت یعنی قیام جوانان برای ساختن ایران؛

مهم ترین اقدام انقلاب اسلامی است؛

تمام اوضاع نامناسب کشور را نعمتی در این راستا می دانیم؛
پیشنهاد این اقدام از دل حکمت ولی بیرون آمده است.
این اقدام برآورنده گفتمان پیشرفت است.

این اقدام نه انفعال؛ بلکه خود فعالیت است؛
این اقدام خود انقلاب اسلامی است (روح انقلاب در این اقدام است)؛
این اقدام را محصول تمام سالهای پیشین میدانیم؛

نکاتی پیرامون بیانیه

حجت‌الاسلام و المسلمین آقای استوار^۱

۴. این بیانیه منشوری و نشان دهنده قدرت مدیریت استراتژیک مقام معظم رهبری بود.

۵. در طول دوران زعامت حضرت آقا سندی به جامعیت بیانیه گام دوم خطاب به مردم صادر نشده بود به عبارت دیگر اگر چه گزاره‌های این بیانیه به کرات در فرمایشات رهبری آمده بود اما مجموعه نگاری آن‌ها جدید بود. ۶. برخی کلیدواژه‌ها مثل «جامعه‌پردازی»، «تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار» و «نظریه نظام انقلابی» از واژه‌های جدیدی بودند که وارد ادبیات انقلابی و سیاسی ایران شدند.

۷. کلان دستاوردهای هفتگانه انقلاب اسلامی به خوبی در این بیانیه مورد اشاره قرار گرفته که هر کدام از آن‌ها به تنهایی در کارآمدی یک نظام سیاسی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

بیانیه گام دوم و هفت نکته

دومین سالگرد صدور بیانیه گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری مدظله العالی فرا رسید به همین مناسبت چند نکته پیرامون این بیانیه تقدیم می‌شود:

۱. آیت الله شب زنده دار نقل می‌کرد: «مقام معظم رهبری در جلسه‌ای نسبت به اهتمام به این بیانیه تاکید کرده بودند و فرموده بودند: اگر چه من توصیه‌ای نسبت به آثار خودم ندارم اما در مورد بیانیه توصیه می‌کنم که روی آن کار شود چون وقت زیادی جهت نوشتن آن صرف کرده‌ام».

۲. حجه‌الاسلام و المسلمین مروی رئیس سابق دفتر ارتباطات حوزوی مقام معظم رهبری می‌گفت حضرت آقا دو هفته روی این بیانیه وقت گذاشتند.

۳. این بیانیه نقطه عطفی در تاریخ انقلاب بود چون در اوج جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن و در شرایطی که دشمن شمارش معکوس فروپاشی نظام را شروع کرده بود صادر شد و همه نقشه‌های آن‌ها را خنثی کرد.

قله توفیق

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد رضا فلاح^۱

بلند همت بودن و دلمشغولی‌های بزرگ داشتن در فرهنگ اهل بیت ع ممدوح است. «كُنْ بَعِيدَ الْهَمِّ إِذَا طَلَبْتَ» (امام علی) «وقتی نوبت به خواستن رسید همت‌های دور و دراز داشته باش»
بلندی همت بلندی جوهره و شخصیت را رقم می‌زند، و شخصیت متعالی، همه حوادث باشکوه را در زندگی انسان باعث می‌شود.
همه این تعلیمات بلند و نورانی شعار بود تا حضرت امام ره به لطف الهی در زندگی جامعه ایران پای گذاشت و به خاطر خدا همه را وادار به «اراده و قیام» کرد و ایران اسلامی را که غرق در بی‌هدفی بود دارای اهداف بلندی کرد.

ایران اکنون اندیشه‌های بلندی دارد و این جای افتخار دارد.
درد بشر را داشتن نه دیوانگی و نه خودشیفتگی است، انسان بودن است؛

همچنان که به خدا در راهنمایی زندگی و پیشبرد خواسته‌های مؤمنانه، اعتماد داشتن نیز سفاقت نیست؛

«ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس، ۱۰۳)

«وَكَا أَنْ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (الروم، ۴۷)

حضرت امام ظهور جوانان مؤمن و انقلابی را «فتح الفتوح» انقلابی اسلامی؛ یعنی بالاترین دست آورد آن و چه بسا دست آورد بی نظیر آن، می‌دانستند.

حضرت آقا این دیدگاه امام را مطرح می‌کنند و چیزی بر آن می‌افزایند و می‌گویند اگر جوان انقلابی برای کشور خود آینده ای فرض کند (عزم کند و تصمیمی بگیرد) و آن را ابراز کند و پای آن بایستد و برایش هزینه بدهد این «فتح الفتوح» انقلاب اسلامی و پیشرفت واقعی است.

وقتی عزم را در دیدگاه امام و رهبری دنبال می‌کنیم می‌بینیم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ عزم از دیدگاه امام و استاد امام «جوهره انسانیّت» است و از دیدگاه رهبر معظم انقلاب عزم ملی عامل شکل‌گیری «معجزه‌های بزرگ الهی» به اراده حق تعالی است؛ به همین جهت می‌فرمایند «اراده ملی جانمایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است» (بیانیه گام دوم انقلاب)

□ تعهد عزم

عزم چه چیز؟

۱. استاد برجسته حوزه و مسئول محترم موسسه فتوت.

به نام خدا و برای مردم، همچون امام زمان
عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در برابر طاغوت ایستادن نیز خلاف اسلامیت
نیست، بلکه نشانه طراوت توحید است؛

به همین خاطر است که حزب الهی خود را متکفل ویرایش جهان
بشری موجود می‌داند؛

حزب الهی معتقد است باید نسبت به انفعال جامعه بشری و تحقیر
انسان‌ها حساس باشد؛

حزب الهی باید آزاداندیش و طرفدار واقعی آزاداندیشی و آزادی
بیان و احترام به آرای دیگران باشد؛

حزب الهی باید بنای خود را بر این بگذارد که عطر سخن اسلام را
با بیان‌های زیبا در کل دنیا بگستراند و مردم را با آگاهی به سمت
مطلوب‌های واقعی‌اش بخواند؛

حزب الله باید برای حکمرانی طاغوت که در هر برهه‌ای شکلی
دارد، فکری بردارد؛

انفعال در برابر کرونا شایسته ایران اسلامی نیست، حزب الله باید
فکری درست برای آن داشته باشد؛

حزب الله باید برای اسناد بین‌المللی که در واقع رقیب جدید و
خلاف توحید است، فکری بردارد؛

حزب الله باید برای اقتصاد فسادزا فکری بردارد؛
این‌ها همه پاره‌های پیکر نحس طاغوت است و حزب الله ناگزیر

در برابر آن قرار می‌گیرد.

و این عزم‌ها از آن حزب‌اللهی‌ها است.

□ مانع استکباری

طاغوت یک موجود زنده است و حتماً از کانون‌های انرژی و
چاکراهایی برخوردار است.

قلب نظام کفر و طاغوت کجاست تا آن را بکوبیم و جهانی را از
آن‌ها آسوده کنیم؟

طاغوت موجودیت نحس در استضعاف و استخفاف است.

طاغوت قطعاً نوعی عدم تعادل است و این عدم تعادل تنها در
صورت استضعاف دیگران و تحریف واقعیت، میدان تکوین و تحقق
پیدا می‌کند. طاغوت از قبول استکبار تغذیه می‌کند.

استکبار گونه‌های مختلفی دارد و برخی از آن‌ها ممکن است از
طرف عمامه‌به‌سرها اعمال شود.

جهان کفر با ترهیب و انواع ارباب زنده است و به این استخفاف

تن دادن، فسق و پا روی حق گذاشتن است.

«فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا
فَاسِقِينَ» (الزخرف، ۵۴)

کفر و طاغوت در دل مردم جایی ندارد. کدام بیچاره ای است که
تحقیر، تضعیف، فقر، تنگنا و ... این فشارها را دوست داشته باشد.

استکبار یعنی در پیش گرفتن همه این‌ها در حق دیگران. به همین
جهت استکبار از عنصر دیگری برای حفظ جایگاه خود استفاده می‌کند

و آن ترهیب است.

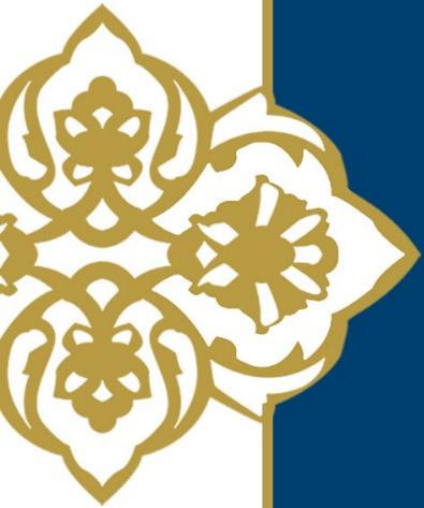
آنچه مانع این کار است استحکام شخصیت انسان‌ها است.

به همین جهت راه نجات انسان‌ها شخصیت دادن به آن‌ها است. شخصیت به آرمان، عشق و حماسه است و این‌ها وابسته است به فلسفه مستقل حیات و سرمایه‌هایی برای بالیدن و احساس ارزشمندی داشتن است.

مردم‌سالاری یعنی همین.

حزب الله خود عزم‌های بلند می‌کند و به شخصیت‌های متعالی می‌رسد و به مردم هم شخصیت می‌دهد و آن‌ها را از چنگال استکبار نجات می‌دهد.

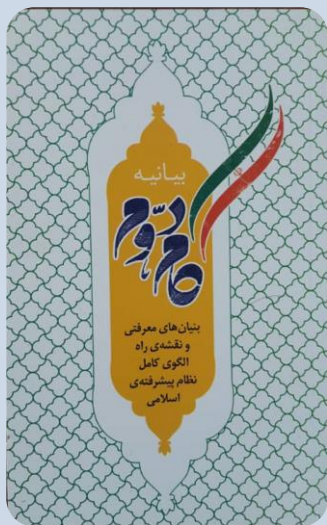
پروژه امروز حزب الله چیست و چگونه به مردم شخصیت خواهد داد؟



منابع

۱. کتاب بیانیه گام: بنیان‌های معرفتی و نقشه راه الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی

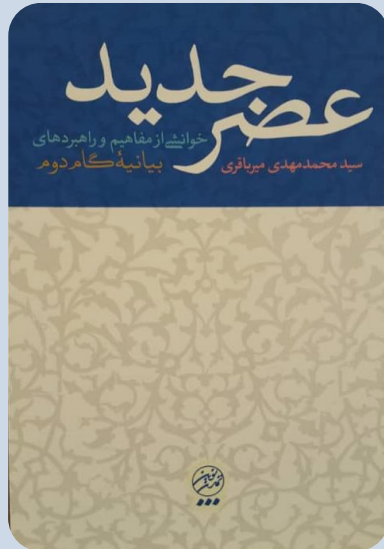
تهیه و تنظیم: محمد حسین طاهری



- معرفی کتاب: نخستین ویژگی این کتاب توجه به منطق درونی بیانیه و تنظیم فرازهای متن و تیتربندی بیانیه بر اساس منطق به دست آمده است. توجه به این منطق باعث تمرکز مخاطب بر روی مراد و غایت موردنظر مؤلف از نگارش بیانیه می‌شود و تفسیرهای آزادتر را محدودتر می‌کند. برای دست یابی به این منطق به سه مؤلفه توجه شده است. نخست: توجه به خط ممتد اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب پیرامون "اسلام اجتماعی و تمدنی" در پنج دهه‌ی گذشته و معرفی آن به عنوان مکتب کارآمد و اندیشه عمل ساز. دوم: بیانات معظم له در تاریخ اول خرداد هزارو سیصد و نودو هشت سوم: تطبیق یافته‌های حاصله از خط فکری معظم له و تصریح ایشان در تاریخ مذکور با ترتیب فرازهای بیانیه. سرفصل‌های این کتاب عبارت‌اند از: هویت انقلاب اسلامی-دستاوردهای گام اول انقلاب اسلامی-فرصت‌های انقلاب اسلامی در گام دوم-عرصه‌های حرکت در گام دوم-بخش‌هایی از بیانات رهبر معظم انقلاب در سال هزاروسیصد و نود و هشت. در قسمت پیوست‌ها ذیل چهل عنوان به بیانات مقام معظم رهبری پرداخته شده است.

۲. کتاب عصر جدید

نویسنده: آیت الله سید محمد مهدی میرباقری

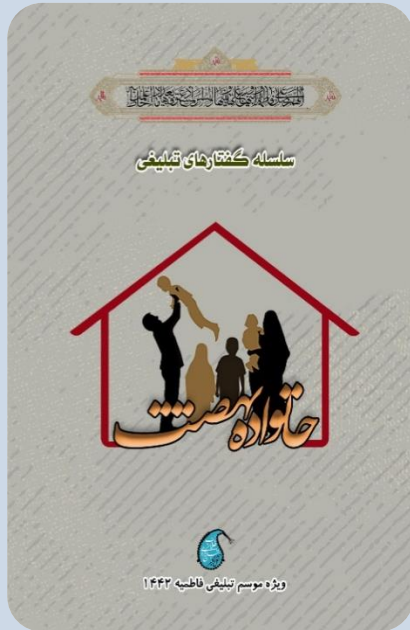


معرفی کتاب: موضوع محوری این کتاب، شرح مضامین بیانیه گام دوم و تبیین استراتژی انقلاب اسلامی به عنوان آغازگر عصر جدید در برابر عصر مدرن است؛ همچنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود». (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). کتاب عصر جدید به دال و هسته مرکزی بیانیه گام دوم و اهداف جانبی آن و راهکارهای تحقق آن از زبان آیت الله میرباقری می‌پردازد. سرفصل‌های اصلی کتاب عبارت‌اند از:

۱. تحلیل جایگاه این بیانیه و مقایسه آن با اسناد مشابه ملی و جهانی؛
۲. الزامات تفسیر صحیح بیانیه گام دوم (نه تحریف و نه تقلیل آن)؛
۳. تبیین نوآوری‌های این بیانیه در زمینه «مقیاس انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی آغازگر عصر جدید)»، «شاخص‌های ارزیابی موفقیت‌های انقلاب اسلامی (شاخص‌های توسعه، کلان، خرد)»، «تفاوت دو رویکرد در آسیب شناسی انقلاب (آسیب شناسی فعال و آسیب شناسی منفعل)» و...؛
۴. تبیین «استراتژی تمدنی» سازگار با «نظریه نظام انقلابی»؛
۵. نقش امت وسط (جوانان) در تحقق بیانیه گام دوم.

۳. کتاب خانواده نهضت

گردآوری: حجت الاسلام رحمتی



• معرفی کتاب: این کتاب از چهار بخش:

- زندگی به سبک فاطمه س، محتوای ده منبر مکتوب ویژه مجالس بانوان فاطمی
- خانه‌ای از جنس نور، محتوای پنج مجلس خانگی قرآن ویژه بانوان
- بررسی شبهات حقوق زنان در اسلام
- نیاز به حامی، مسئولیت خانواده در تحقق محورهای بیانیه گام دوم

تشکیل شده است.

در بخش مسئولیت خانواده در هفت محور بیانیه گام دوم پنج جلسه آمده و محتوای این بخش به توضیح و تبیین این جلسات پرداخته است.

جلسه اول: خانواده اولین و مهم‌ترین لایه حمایتی بشر

جلسه دوم: حمایت‌های تربیتی پدر و مادر از فرزند

جلسه سوم: حمایت‌های اقتصادی که فرزند از خانواده دریافت می‌کند

جلسه چهارم: حمایت‌های اجتماعی که فرزند از خانواده دریافت می‌کند

جلسه پنجم: حمایت‌های سیاسی که فرزند از خانواده دریافت می‌کند

۴. کتاب دکل

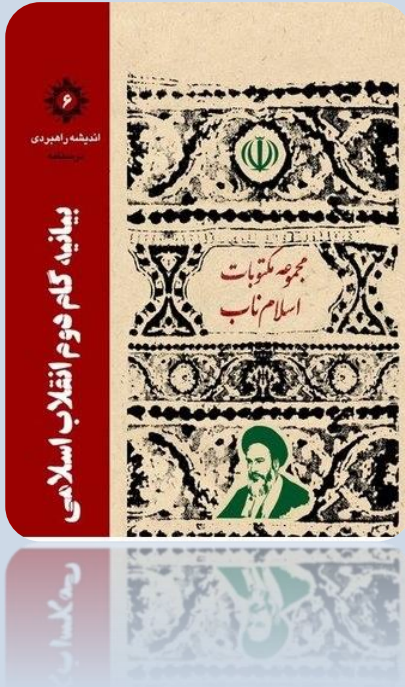
نویسنده: جناب آقای روح الله ولی ابرقوئی



• معرفی کتاب: اولین کتاب داستانی با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که ماجرای آن در یک دبیرستان و در قالب هفت زنگ به تصویر کشیده شده است. گفت و گویی جنجالی و هیجانی بین یک روحانی مبلغ و دانش آموزان دبیرستانی است. نویسنده در صدد شرح تفصیلی تمام فرازهای بیانیه گام دوم نبوده است اما به فراخور فضای کلاس و برخی سؤالات و شبهات کلیدی دانش آموزان بخش‌هایی از بیانیه، با تفسیر و تحلیل مفصل همراه شده است. با این حال در این کتاب تمام فرازها و متن بیانیه گام دوم به شکل پراکنده و در داخل [قلاب] مشخص شده است. از ویژگی‌های این کتاب، پاسخگویی به حدود ۳۰ شبهه و سؤال اساسی نسبت به مسائل سیاسی روز و انقلاب است که عمدتاً در ذهن جوانان ما دور می‌زند. امتیاز دیگر آن آشنایی با مبانی نظام اسلامی ایران و آموزش غیر مستقیم ملاک‌ها و معیارهای دفاع از انقلاب است. سیر عقلی و منطقی گفت و گوهایی این مستند داستانی از دیگر ویژگی‌های کتاب دکل است که با ادبیات جوان و مثال‌های کاربردی و جوان پسند آمیخته است. دکل می‌تواند خواننده را برای پاسخگویی - به بسیاری از شبهات مبنایی که توسط دشمن در فضای مجازی و علیه انقلاب مطرح می‌شود - مسلح گرداند.

۵. کتاب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

تهیه و تنظیم: کارگروه مکتب امام خمینی (ره) پژوهشکده باقرالعلوم (ع)



• معرفی کتاب: مؤلفین این کتاب ۱۸۱ صفحه ای سعی دارند تا با بیانی شیوا و ساده اهمیت و راهبردهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را برای اقشار مختلف جامعه بخصوص قشر جوان تبیین و تشریح کنند. یکی از جدی ترین مسائلی که با آن روبرو هستیم، فاصله ذهنی جامعه با رهبری است. فاصله‌ای که موجب می‌شود نوع کنش‌های ما با کنش‌های مورد توقع رهبری در بزنگاه‌های حساس و حیاتی تاریخ انقلاب متفاوت باشد. تا این «فهم» به وجود نیاید که چنین فاصله‌ای بین ما و ایشان وجود دارد، امیدی به تحقق بیانیه نیست. جوان مؤمن انقلابی باید در مدار تفکر و عقلانیت و اندیشه ویژه رهبری قرار گیرد تا بتواند در همان مدار حرکت و اقدام کند.

• رهبر انقلاب می‌خواهند نوعی «خود آگاهی تاریخی و انقلابی» در ما ایجاد کنند تا دریابیم که در کدام نقطه‌ی تاریخی ایستاده‌ایم و به کجا می‌رویم و چه مسؤلیت‌هایی بر عهده داریم. ایشان این بار به مناسبت چهل سالگی انقلاب، «ارزیابی‌های راهبردی» خود را درباره‌ی گذشته‌ی انقلاب و تجویزهای راهبردی را درباره‌ی آینده آن، در اختیار ما قرار داده‌اند.

ریشه بسیاری از مخالفت‌ها و همراهی نکردن‌ها و نق زدن‌ها به رهبری ندانستن طرح راهبردی انقلاب است. سخنان حضرت سید الشهداء از مدینه تا کربلا، مبین این است که علت اصلی عدم همراهی بسیاری از شیعیان با ایشان، قبول نکردن طرح ایشان و پیشنهاد طرح‌های جایگزین به ایشان است.

۶. مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

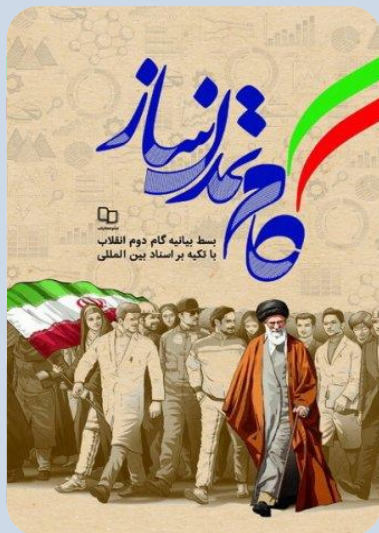
نویسنده: حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی



- معرفی کتاب: در این کتاب ۴۸ صفحه ای نویسنده نخست نگاهی به تاریخ دارد و با ذکر آیاتی از قرآن و بیاناتی از نهج البلاغه به چگونگی پیروزی انقلاب بر نظام طاغوت می‌پردازند. دومین مطلب با عنوان " با مقایسه مسائل روشن تر می‌شود " است. ذیل این عنوان به مقایسه قبل و بعد انقلاب می‌پردازد. در ادامه ذیل سی و دو موضوع مطالبی مطرح می‌گردد. چیزی که در این کتاب جلب توجه می‌کند حضور پررنگ آیات قرآنی است البته ایشان از بیانات نورانی حضرت علی ع در نهج البلاغه است و سایر احادیث معصومین نیز استفاده کرده‌اند.

۷. گام تمدن ساز (بسط بیانیه گام دوم با تکیه بر اسناد بین الملل)

نویسنده: حجج اسلام آقایان سید محمدحسین راجی-سیدمحمدرضا خاتمی



- **معرفی کتاب:** کتاب حاضر در چهار بخش تدوین شده است؛ بخش اول به عظمت حادثه انقلاب می‌پردازد و در ادامه، با مقایسه ای بین انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و انقلاب مارکسیستی روسیه تلاش دارد به پرسش‌ها در این زمینه پاسخ دهد. در این بخش نظر برخی از اندیشمندان غرب و جهان اسلام درباره انقلاب اسلامی و اهمیت آن نیز ذکر شده است. در بخش دوم کتاب که شامل هفت فصل است، به موضوعات مختلفی از جمله موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه می‌پردازد. بخش سوم کتاب نیز چالش‌ها و ظرفیت‌ها را بررسی می‌کند که در دو فصل به عظمت نقش نیروی جوان متعهد و ظرفیت‌های کم نظیر طبیعی و انسانی کشور اشاره شده است. بخش نهایی کتاب نیز به توصیه و نشانه‌های واقعی این توصیه‌ها برخلاف آنچه که غرب به ایرانیان نشان می‌دهد، اشاره می‌کند؛ راه‌هایی که آینده ای روشن و واضح دارند اما غرب با غول رسانه ای اش سعی در کور کردن این راه دارد.

۸. از انقلاب اسلامی تا تمدن اسلامی

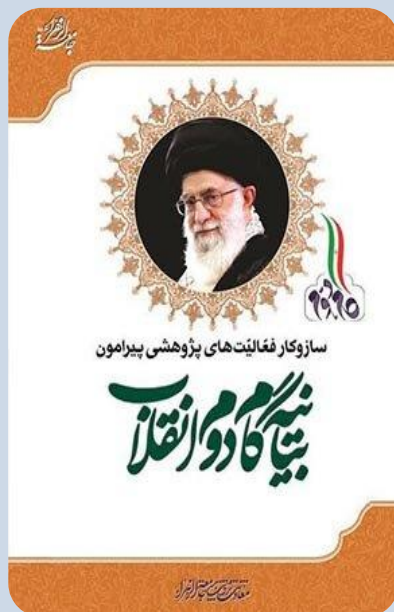
نویسنده: جناب آقای و کیلی



- معرفی کتاب: این کتاب از مجموعه کتاب‌های مکمل دوره «معارف کاربردی» (سلسله کتاب‌های برترین آرزو (به شاخه‌ای از درخت معارف بنیادین می‌پردازد؛ موضوعات اصلی این کتاب ریشه‌ها، دستاوردها و آسیب‌های انقلاب اسلامی، چپستی تمدن اسلامی، چپستی علم دینی و علوم انسانی اسلامی و ضرورت تحول در آن، معرفی و بررسی تمدن غرب و مقایسه آن با تمدن اسلامی و وظایف جوان مؤمن انقلابی در راستای تمدن‌سازی است که توسط کارگروه محتوایی موسسه جوانان آستان قدس رضوی به رشته تحریر درآمده است. مهم‌ترین هدف این کتاب ارائه راهکاری برای جوانان است که جوان امروزی نگاهی تمدنی به آینده داشته باشد و جایگاه خود را در ساختن کاخ تمدن اسلامی به خوبی ترسیم نماید.

۹. کتاب سازوکار فعالیت‌های پژوهشی پیرامون بیانیه گام دوم انقلاب

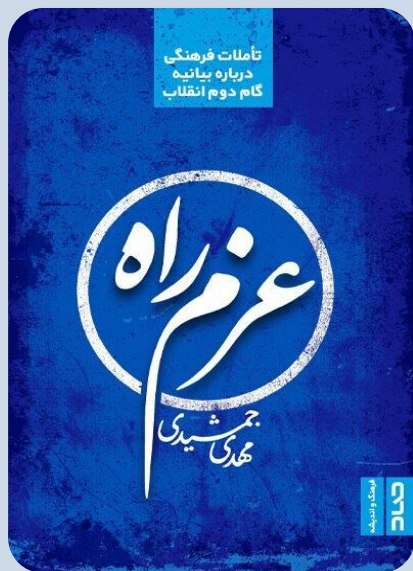
نویسنده: جناب آقای مهدی جمشیدی



- معرفی کتاب: پدید آورنده این کتاب صدو چهار صفحه ای در سخن نخست به موضوعات «چیستی و چرایی بیانیه گام دوم» و «جایگاه حوزه علمیه خواهران در بحث چیستی و چرایی بیانیه گام دوم انقلاب» پرداخته است. همچنین سرفصل‌های این کتاب با عناوین «اصول و آداب یادداشت‌نویسی رسانه‌ای»، «گونه‌شناسی مواجهه عالمانه با اندیشه‌های رهبر انقلاب»، «استخراج و استنباط مسأله‌های فرهنگی از بیانیه گام دوم انقلاب» و «شرح اجمالی بندهای فرهنگی بیانیه گام دوم انقلاب» هستند.

۱۰. کتاب تأملات فرهنگی درباره بیانیه گام دوم انقلاب

نویسنده: جناب آقای مهدی جمشیدی



● معرفی منبع: یک اثر همدلانه و انقلابی درباره مضمون‌های فرهنگی بیانیه گام دوم است، از زاویه ذهنی یک نسل سومی که نگاه چالشی و مسأله‌وار نیز دارد و در پی فهم و یافتن حقیقت است. کوشیدم تا درباره بیانیه، به اندیشه‌ورزی مستقل و تا حدی نوآورانه پردازم و شرح و حاشیه‌ای راهبردی بر آن بنویسم. نمی‌دانم چقدر در متفاوت‌نویسی و انتخاب دریچه‌های منحصر به فرد، موفق بودم، اما می‌دانم که چنین دغدغه‌ای داشتم و در امتداد این تجربه تازه، حرکت می‌کنم. در درون خود، چنین احساسی را ایجاد کردم که گویا آیت‌الله خامنه‌ای، سخنی را گفته و آن‌گاه، توضیح و تبیین آن را به من واگذار کرده است. ایشان از شخص من چنین چیزی را نخواستند، اما از اهل قلم و گفتگوی معرفتی و مباحثه انتقادی که خواسته است. شاید این تمایزها و تفاوت‌ها، در دیده شما بنشینند و حلاوت مطالعه یک کتاب خوب را بیافرینند... انشالله.

۱۱. کتاب شرح و تبیین بیانیه رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت ۴۰ سالگی انقلاب کبیر اسلامی

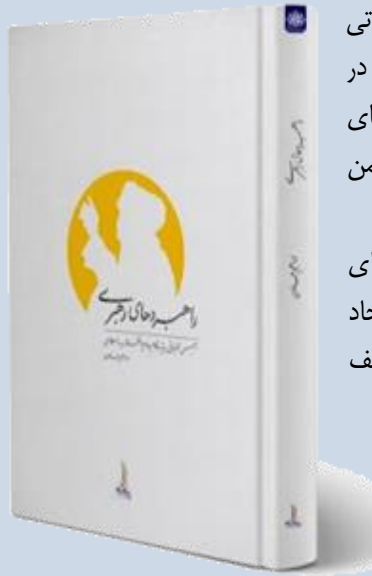
نویسندگان: آقایان سید امیرعلی ناقدی، محسن خاکی، محمدجواد اخوان، محمدمهدی سلمی پوریان و مصطفی آذرنوش



- معرفی کتاب: این کتاب از چهار فصل فراهم شده است که ابتدا تصویری از گذشت چهل سال انقلاب را بیان می‌کند و همچنین دستاوردهای انقلاب اسلامی در این چهل سال بیان شده است و سپس به شرح و توضیح بیانیه گام دوم پرداخته است. فصل‌های این کتاب سیصد و نود و یک صفحه ای عباتند از: انقلاب در چله نخست-برکات انقلاب چهل ساله-انقلاب در گام دوم و توصیه‌هایی برای آینده. در این کتاب به موضوعات: اقتصاد، بین‌الملل، تاریخ، جریان شناسی، دین و اندیشه، سیاست، علم و فناوری، فرهنگ و اجتماع پرداخته شده است.

۱۲. کتاب راهبردهای رهبری

نویسنده: جناب آقای ابراهیم جداوی



- معرفی کتاب: این کتاب که در ۷ فصل نگاشته شده است، با هدف تبیین عملیاتی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به همت مجموعه شناخت رهبری با ۱۷۶ صفحه و در سرفصل‌های عدالت و مبارزه با فساد، سبک زندگی، استقلال و آزادی، راهبردهای علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عزت ملی روابط خارجی مرزبندی با دشمن نگاشته شده است.

شرح و تفسیر متن بیانیه مقام معظم رهبری، روشنگری برای مقابله با تحلیل‌های تحمیلی و یا ابهام‌های، و تأکید بر نقشه راه بودن توصیه‌های رهبری برای ایجاد ایران مستقل، پیشرفته و مقتدر از مهم‌ترین اهداف این پژوهشگر رودانی در تألیف این کتاب بوده است.

۱۳. فرهنگ موضوعی بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب

نویسنده: جناب آقای سید جواد هاشمی فشارکی



معرفی کتاب: این کتاب در پنج بخش و یک بخش ویژه تشکیل شده است. در بخش نخست با عنوان محورهای کلی نویسنده به مطالب زیر می‌پردازد:

۱. شعارهای جهانی انقلاب اسلامی: برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است
۲. مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست
۳. حساسیت بر مرزبندی‌ها: جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است
۴. مشی انقلاب از ابتدا: این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است

□ در بخش دوم با عنوان چالش اساسی در مقابل انقلاب اسلامی در ابتدا

۱. □ صف بندی همه دشمنان اعم از حکومت طاغوت تا آمریکا و

برخی دولت‌های غربی

۲. □ نبود الگوی دقیق و تجربه شده در زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی و ناکارآمدی الگوهای موجود آن روز

در بخش سوم سه اقدام اساسی و اولیه که انقلاب اسلامی انجام داد:
تبدیل رژیم ننگین سلطنت استبدادی به حکومت مردمی و مردم‌سالاری

۲. میدان دار کردن اصلی جوانان در حوادث و عرصه مدیریت □

۳. انتقال روحیه و باور «ما می‌توانیم» به همگان

بخش چهارم: آثار و نتایج پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۱. تثبیت ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود به پیوست
معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله □

۲. جهش در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روز به
روز فراگیرتر می‌شود

۳. تضمین و به اوج رسیدن مشارکت مردمی در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های
ملی و استکبارستیزی و در موضوعات اجتماعی مانند کم‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری

۴. ارتقاء بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی، تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی و خارج کردن این
سطح، از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر □

۵. احیاء مفهوم و کارکرد عدالت در ایران در همه سطوح؛ مفهومی که تا قبل از انقلاب و در رژیم طاغوت مضمول حال طبقه
محدودی از جامعه می‌شد □

۶. افزایش چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

۷. نماد پر ابهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای
جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد.

بخش پنجم: مهم‌ترین مأموریت‌های نسل جوان برای گام دوم انقلاب:

۱. حوزه علم و پژوهش
۲. حوزه معنویت و اخلاق
۳. حوزه اقتصاد
۴. حوزه عدالت و مبارزه با فساد
۵. حوزه استقلال و آزادی
۶. حوزه عزت ملی و روابط خارجی
۷. حوزه سبک زندگی

□ بخش ویژه □

مهم‌ترین نکات:

۱. □ برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت
۲. □ دشمنان انقلاب با انگیزه‌های قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسپارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید
۳. □ نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است
۴. □ گسترش عدالت در جامعه هر چند نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است

۵. اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت

۶. نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است

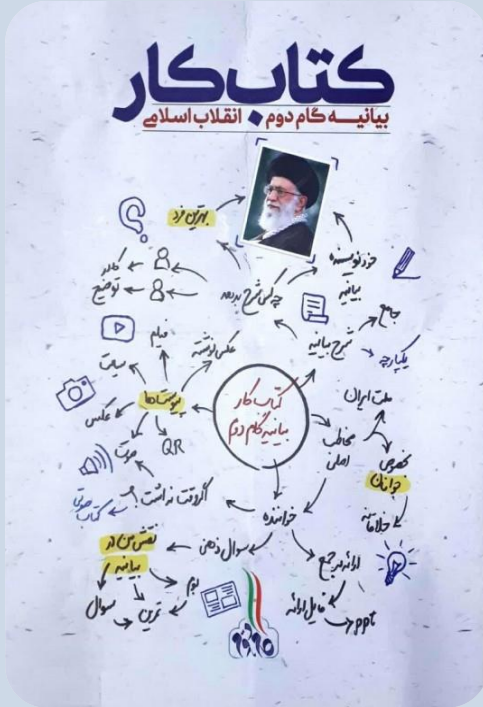
۷. این جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم

۷. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیتهای پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند

۸. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تک‌ریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

۱۴. کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

نویسنده: جناب آقای محسن مشرقی و سرکار خانم فاطمه عقیقی



معرفی کتاب: کتاب کار بیانیه گام دوم انقلاب جعبه ابزاری کارآمد برای گام دوم انقلاب است. اگر این سؤال در فکرتان پرسه می زند که نقش من در بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟ کتاب کار بیانیه گام دوم به کارتان می آید. برای پاسخ به این سؤال، تمرین‌ها و بوم‌های کتاب کار بیانیه گام دوم به کمک شما خواهند آمد. مخاطب اصلی کتاب، همان مخاطب اصلی بیانیه گام دوم، یعنی ملت ایران بویژه جوانان هستند. به همین دلیل در نگارش کتاب تلاش شده است، از بیانی روان، جذاب و خلاقانه همراه با ضامم چند رسانه ای استفاده شود. مقام معظم رهبری (حفظه الله...) بارها و بارها به اهمیت تبیین بیانیه اشاره کرده‌اند: تجاوب قشرهای مختلف از نخبگان و آحاد جوانان و دانشجویان و روحانیون و طلاب و دیگران به این بیانیه چهلمین سال، بیانیه گام دوم، بسیار به جا و خرسندکننده بود. این نشان دهنده این است که نیاز به تبیین وجود دارد. همچنین در دیدار با دانشجویان در خرداد ماه ۱۳۹۸ به بیان هندسه کلی بیانیه پرداخته و آن را در چهار نقطه کلی ترسیم کرده‌اند. این چهار نقطه شد فهرست اصلی همین کتاب. به زعم مقام معظم رهبری آغاز مأموریت ملت ایران بخصوص جوانان، در گام دوم انقلاب با درک این چهار نقطه قابل درک و پیگیری است:

- نقطه اول: عظمت حادثه انقلاب
- نقطه دوم: عظمت راه طی شده و کارکرد انقلاب تا امروز

• نقطه سوم: عظمت چشم اندازی که باید به آن برسیم

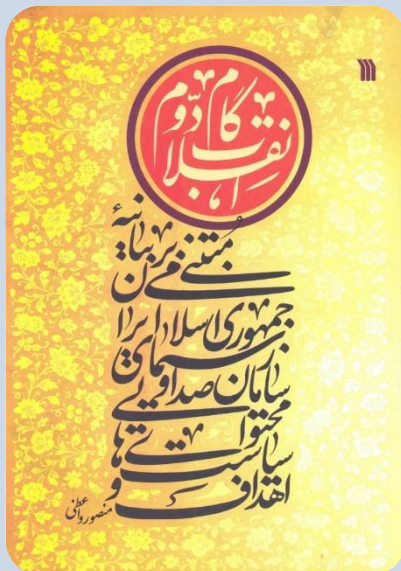
• نقطه چهارم: عظمت نقش نیروی جوان متعهد

و در ادامه فرمودند: این چهار نقطه ای است که ما اینجا خواستیم [بیان کنیم]. البته من عرض کردم به اجمال؛ در یک بیانیه نمی‌شود خیلی این چیزها را تفصیل داد، یک کتاب یا دو کتاب باید نوشت، لکن جا برای تفصیل و فکر و مطالعه و تعمیق این حرف‌ها وجود دارد ۱-۰۳-۱۳۹۸

ایده اصلی این کتاب برآمده از بیانات مقام معظم رهبری (حفظه آ...) در همان دیدار دانشجویی مبنی بر هندسه کلی بیانیه از نگاه مقام معظم رهبری است و فهرست کلی آن را تشکیل می‌دهد.

۱۵. کتاب «اهداف و سیاست‌های محتوایی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»

نویسنده: جناب آقای منصور واعظی



• معرفی کتاب: رهبر حکیم انقلاب اسلامی به مناسبت چهل سالگی انقلاب بیانیه ای صادر فرمودند که برای مخاطبان عام و خاص، الهام بخش و برای هر صاحب رأیی مغتنم است. در این بیانیه جامع که بر اساس آن یک نقشه دقیق و راهبردی برای انقلابی ماندن ارائه داده‌اند، می‌فرمایند: انقلاب وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است؛ گامی دوم که باید در چهارچوب "نظریه انقلاب اسلامی" و با "تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی" به سوی تحقق آرمان ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید و ولایت عظمای برداشته شود.

رسانه ملی نیز به عنوان اصلی‌ترین نماینده فرهنگ و امین‌ترین نماینده مردم و حکومت و جامعه، موظف است همه تلاش خود را در خصوص تحقق منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) در این بیانیه راهبردی مبذول دارد. کتاب حاضر ضمن نگاه به همه وظایف رسانه ملی در مسیر تبیین، ترویج و اجرای منویات حکیمانه "بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی" متناسب با ساختار حوزه‌های تولیدی رسانه ملی، محورهای جامعی برای فرهنگ سازی این بیانیه ارائه و نیز سیاست‌هایی را برای تولیدات رسانه ای ارائه کرده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، محورهای برنامه سازی برای گروه‌های موضوع محور، محورهای برنامه سازان برای گروه‌های مخاطب محور، محورهای برنامه سازی برای گروه‌های ساختار محور عنوانین بخش‌های این کتاب را شامل می‌شود.

۱۶. انقلابی پیشرونده

نویسنده: جناب آقای حمزه عالمی چراغعلی



- معرفی کتاب: در این کتاب به بررسی مقایسه ای چهل سالگی انقلاب اسلامی با چهل سالگی انقلاب های فرانسه، آمریکا و روسیه پرداخته شده است. چهار فصل کتاب به بررسی انقلاب های فرانسه، آمریکا، روسیه و انقلاب اسلامی ایران می پردازد و در جمع بندی مقایسه ای حوزه های سیاست، اقتصاد و فرهنگ را مورد بررسی قرار می دهد.

۱۸. کتاب مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب

نویسنده: حجج اسلام دکتر هادی خوشنودی و دکتر سید محمد حیدری



معرفی کتاب: کتاب در دو بخش و هفت فصل به چاپ رسیده است در بخش اول کتاب با عنوان مبانی ریشه ای و اصلی بیانیه گام دوم در ذیل دو فصل حفظ نظام انقلابی و مبانی دوم گام دوم (ولایت فقیه) به تبیین مفهوم نظام و توضیحاتی در باب ولایت فقیه پرداخته‌اند. بخش دوم کتاب با عنوان مبانی فقهی توصیه‌های بیانیه گام دوم شامل: مبانی فقهی اخلاق-مبانی فقهی اقتصاد مورد نظر در بیانیه گام دوم-مبانی فقهی عدم تسلط کفار-مبانی فقهی عدالت و مبارزه با فساد-مبانی فقهی سبک زندگی می‌شود و ذیل هر فصل به تبیین عناوین فصل پرداخته شده است.